

فرہنگ اصطلاحات روبطین الملل

نویسنده: غلامرضا علی بابائی

فرہنگ اصطلاحات رابطین الملل

فرہنگ اصطلاحات
رابطین الملل

نویسنده : غلامرضا علی بابائے



نشر سفیر

فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل

غلامرضا علی بابائی

ویرایش: احمد ابو محجوب

طرح جلد: مصطفی ندرلو

خوشنویس: ذبیح...ا. عسگری

چاپ: اول - بهار ۱۳۶۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: روزنامه جمهوری اسلامی

لیتوگرافی: پارت

چاپ: مرتضوی

مقدمه ناشر

بسمه تعالی

تاریخ پر تحول جامعه ایران، که بخشی از آن به موقعیت استراتژیک این سرزمین، و بخشی دیگر به طبیعت زنده و پویای ملت مسلمان آن، و بخشی نیز بویژه به مجموعه اعتقادات و فرهنگ اسلامی، بخصوص در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برمی گردد؛ موجبات آشنائی کم و بیش بسیاری از طبقات جامعه را، از روشنفکر دانشگاهی تا کاسب بازاری، و از کارگر کارخانه تا کشاورز روستائی، و از عالم روحانی و استاد دانشگاه تا محصل دوران ابتدائی، با اصطلاحات و مفاهیم مختلف و متنوعی در عرصه علوم سیاسی و روابط بین الملل باعث گشته است. شاید بعنوان نمونه و تقریب ذهن بی مناسبت نباشد که به تأثیر مهم و اساسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در چنین روند بیداری علمی-سیاسی جامعه ایران اشاره ای داشته باشیم؛ بازتاب و آثار این جنگ در جامعه ایرانی و توجه خاص و البته جاب توجه مردم مسلمان ایران در همه سطوح آن به این جنگ، و حساسیت آنان در درک علل و عوامل و چگونگی تحولات مربوط به آن، باعث شد که بسیاری از مفاهیم سیاسی و حقوقی و بین المللی «جنگ» بعنوان یکی از مهمترین پدیده های روابط بین الملل، در اذهان بسیاری از مردم راه یافته و موضوع بحث و توجه آنان قرار گیرد. دامنه این مباحث، چه آنجا که موضوع نقض بسیاری از

معاهدات، کنوانسیونها و مقررات پذیرفته شده بین المللی توسط رژیم عراق را شامل می‌شد و چه معاهداتی که هم اکنون یکی از مهمترین مباحث روابط بین الملل را تشکیل می‌دهد— و چه آنجا که مفهوم تجاوز و تسبیه متجاوز و کم‌وکیف و چگونگی آن در حقوق و روابط بین الملل و موضوع عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها را دربر می‌گیرد، و چه آنجا که در پایان نیز نقش مجامع و سازمانهای بین المللی در استقرار صلح یا ترک مخاصمه مطرح می‌گردد و یا از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، ضمانت اجرای آنها، و بطور کلی نقش نهادهای بین المللی در حل و فصل منازعات منطقه‌ای سخن بمیان می‌آید؛ جملگی از این موضوع مهم حکایت می‌کند که اینگونه مباحث بویژه جنبه‌های سیاسی— بین المللی آنها، دیگر از چهارچوب مباحث و مطالعات آکادمیک و دانشگاهی گذشته خارج شده و عرصه‌های گسترده‌تری از ذهنیات و فرهنگ جامعه و اساساً روند سیاسی شدن یا خوپذیری سیاسی جامعه را دربر می‌گیرد؛ و البته طبیعی است که این خوپذیری سیاسی و آشنائی به مفاهیم و اصطلاحات و فرهنگ سیاسی بین المللی، به تناسب علم، آموزش و سطح و قشر اجتماعی— فرهنگی افراد جامعه متفاوت بوده و از گستردگی یا عمق گوناگونی برخوردار می‌باشد.

اما علیرغم ویژگی‌های بارز و ارزشمند فوق الذکر، متأسفانه به دلائلی که تنها مختص جامعه ما نیز نمی‌باشد، این اطلاعات و روند سیاسی شدن جامعه، عمدتاً مبتنی بر آموزشهای صحیح علمی— آکادمیک مشخصی نبوده است و متأسفانه حتی رسانه‌های عمومی جامعه از نشریات مختلف یومیه و هفتگی گرفته تا رسانه‌های جمعی دیگری که با طیف وسیع‌تری از افراد جامعه سروکار دارند، کمتر به ضرورت عمق بخشیدن به این روند مهم و ناگزیر سیاسی شدن جامعه توجه داشته‌اند و شاید یک دلیل عمده این مطلب، دوران سیاست‌زدائی مراحل و مراتب آموزشی جامعه در دوران گذشته قبل از

انقلاب اسلامی و نیز کمبود موجود در فضای انتشاراتی کشور در زمینه کتب مرجع، منابع و مأخذ اصلی، فرهنگها و دائرةالمعارفهای گوناگونی است که قطعاً می‌تواند نقش مهمی در رفع این نقیصه داشته باشد. البته در این زمینه عدم آشنائی قشر گسترده‌ای از افراد جامعه به سواد خواندن و نوشتن بویژه در دوران گذشته و همچنین عدم آشنائی به زبانهای خارجی که یکی از مهمترین راههای ارتباطی جامعه با معارف و علوم مختلف سیاسی – بین‌المللی جهان حاضر می‌باشد، می‌تواند به عنوان دلیل دیگری در این زمینه شمرده شود.

به هر حال، نشر سفیر با ارائه کتاب «فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل» که کار ارزشمند و البته روبه تکامل آقای غلام‌رضا علی‌بابائی می‌باشد، تلاش دارد تا خوانندگان و علاقمندان مباحث و موضوعات روابط بین‌الملل را با مهمترین و اساسی‌ترین اصطلاحات و مفاهیم این رشته، آشنا نموده و گامی هرچند مقدماتی، در جهت رفع نقیصه موجود، بردارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷-۲۸	دییاجه
۳۱-۵۶	آ-۱
۵۷-۶۴	ب-۱
۶۵-۷۴	ب-۲
۷۵-۸۲	ب-۳
۸۳-۹۴	ج-۱
۹۵-۹۶	ج-۲
۹۷-۱۰۲	ج-۳
۱۰۳-۱۰۵	ج-۴
۱۰۷-۱۱۹	د-۱
۱۲۱-۱۲۴	د-۲
۱۲۵	د-۳
۱۲۷-۱۳۰	د-۴
۱۳۱-۱۴۷	ه-۱
۱۴۹-۱۵۳	ه-۲
۱۵۵-۱۵۶	ه-۳

۱۵۷-۱۵۸	ض
۱۵۹-۱۶۰	ط
۱۶۱-۱۶۴	ع
۱۶۵	غ
۱۶۷-۱۷۱	ف
۱۷۳-۱۷۷	ق
۱۷۹-۱۹۳	ك
۱۹۵-۱۹۸	گی
۱۹۹-۲۰۰	ل
۲۰۱-۲۱۳	م
۲۱۵-۲۲۰	ن
۲۲۱-۲۲۳	و
۲۲۵-۲۲۶	هـ
۲۲۷-۲۲۹	ی
۲۳۱- ۳۶۲	

اسناد پیوست

منشور ملل متحد و اساسنامهٔ بین المللی داد گستری

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار دسته جمعی

قرارداد منع آزمایشهای سلاح هسته ای

قطعه نامهٔ تعریف تجاوز

کنوانسیون وین دربارهٔ روابط دیپلماتیک

کنوانسیون وین دربارهٔ روابط کنسولی

کتابشناسی منابع

۳۶۳- ۳۶۴

دیاچه

روابط بین الملل چیست؟
سیر تکامل روابط بین الملل
روابط بین الملل از دیدگاه بزرگان سیاست
مسایل کنونی روابط بین الملل
شیوه‌های تحقیق در روابط بین الملل

دیباچه

روابط بین الملل چیست؟

روابط بین الملل به اندازه تاریخ سیاسی قدمت دارد. در خلال اعصار وقرون، نمونه‌ها والگوهای از همبستگیها وسیاستهای مختلف را در روابط بین الملل می توان مشاهده کرد، بدون توجه به این که سیستمهای «شهر - کشوری»، حکومتهای موروثی، دولتهای انتخابی، کشورهای ملی، امپراتوریهای قاره‌ای، شاهزاده نشینهای کوچک، قانونگذاران روحانی یا غیر روحانی به عنوان بازیگران صحنه سیاست بین الملل به قلمرو این روابط وارد شده باشند (۱).

روابط بین الملل را به صور گوناگون تعریف کرده‌اند که در این جا نمونه‌هایی از آن ذکر می گردد:

- روابط بین الملل به معنای عام کلمه رشته گسترده‌ای است که مشتمل به انواع روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی وغیره می شود. روابط بین الملل در واقع مطالعه این است که کشورها در صحنه بین المللی چگونه عمل می کنند (۲).

- روابط بین الملل به عنوان يك رشته مشخص در علوم اجتماعی، به معنای مطالعه روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قانونی ونظامی بین واحدهای سیستم بین المللی است (۳).

- آلن بیرو در «فرهنگ علوم اجتماعی» در خصوص روابط بین المللی معتقد است: «تمامی روابطی که در آن سوی مرزها برقرار می شود ومستقیماً یا به‌طور غیر مستقیم دارای ماهیت ویا آثار ونتایج سیاسی

هستند، روابط بین المللی خوانده می شوند. مدتها، اساس روابط بین المللی را دفاع و حراست از منافع ملی و یا افراد يك ملت، در خارج می دانستند و این بدان معنی بود که تنها روابط مبتنی بر قدرت، در کشاکش رقابت اجتناب ناپذیر ملی گرایهای مسلط بر ارکان حیات و سیاست، عمداً مورد توجه قرار گرفته بودند (۴)».

- در مقدمه کتاب، «نگاهی به تاریخ روابط بین الملل (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵) چنین آمده است:

«آنچه از روابط بین الملل در پایان قرن نوزدهم مورد نظر بوده است با مفهومی که در نیمه دوم قرن بیستم از آن مستفاد می شود، تفاوت فاحشی دارد. علاوه بر آن، برداشتهای متفاوتی که از این موضوع شده، بر ابهام آن افزوده است. گاه کلمه بین الملل خود به عنوان مفهومی جدا از روابطی که ممکن است بین ملتها به وجود آید، برای تعریف عرصه جهانی مورد استفاده قرار می گیرد. مثلاً سیاستمداری که می گوید، ما در صحنه بین الملل از حیثیت خوبی برخوردار هستیم، چیزی شبیه به افکار عمومی جهانی را بیشتر به ذهن متبادر می سازد تا پیوندهایی که ممکن است بین چند ملت یا دولت برقرار گردد. گاه نیز کلمه بین الملل با پسوند «ایسم» (انترناسیونالیسم)، نمودار نوعی مکتب سیاسی است که ابتدا نوعی جهان وطنی را افاده کرده و سپس به وسیله گروههای چپ برای تعریف پیوندهای طبقاتی به کار رفته است، پیوندی که در شکل سازمان یافته خود به عنوان يك نیروی فراملی (Trans - national) در روابط بین الملل، موضوع مطالعات خاصی را تشکیل می دهد؛ مثل انترناسیونال سوسیالیست. ولی بحث اساسی ما بر اساس این مسئله است که آیا مفهوم روابط بین الملل با عین عبارت یعنی روابط ملتها تطابق دارد یا عبارتی است استعاری برای بیان موضوعی دیگر. واژه ملت که به جای واژه فرانسوی ناسیون (Nation) به کار می رود، هنوز به درستی تعریف نشده است. این واژه مفهومی است انتزاعی و کلی که مصادیق آن را مردمی تشکیل می دهند که به سبب علایق قومی، نژادی و فرهنگی در محدوده سرزمینی خاص تشکیل يك جامعه سیاسی را داده اند که اراده یا قدرت سیاسی آنان (حاکمیت) در دولت

آن جامعه تجسم یافته است.

حال روابط بین الملل، یعنی رابطه بین چند ملت چگونه تعریف می شود؟ اگر امروزه به اعتبار این که دولتها تجسم حاکمیت ملتها هستند و روابط بین آنها به روابط بین الملل تعبیر می شود، آیا می توان همین تعبیر را در مورد روابط دولتها در قرون گذشته که خواست ملت مطرح نبود، و حاکمیت در دست خانواده های سلطنتی بوده است، نیز معتبر دانست؟

برای رسیدن به «تعریف روابط بین الملل» باید ابتدا صحنه جهانی را به عنوان صحنه عملکرد «روابط بین الملل» در نظر گرفت و سپس به این سؤال پاسخ داد که عاملان یا بازیگران این صحنه کیستند. اگر منظور ما دوران پیش از قرن بیستم باشد، پاسخ سؤال، «دولتها» است که به عنوان انحصارگران حاکمیت يك کشور، خود يک‌ه‌تاز صحنه بین الملل بوده اند. پیروان مکتب کلاسیک هنوز هم دولتها را تنها بازیگران روابط بین الملل می دانند. در حالی که غالب تئوریسینهای امروزی روابط بین الملل، علاوه بر دولتها، نیروی فراملی مثل، بین الملل سوسیالیست، شرکتهای چند ملیتی، سازمان های بین المللی و... را نیز جزو بازیگران روابط بین الملل به حساب می آورند. یعنی روابط بین الملل را «مجموعه روابط جریان یافته فرا-مرزی» تلقی می کنند و بر آنند که قانون حاکم بر آن را کشف و یا عنصر اساسی آن را تعیین نمایند (۵)».

- در ابتدای کتاب «نظریه های مختلف در روابط بین الملل»، در خصوص تعریف این اصطلاح آمده است که:

اگر بنا باشد تعریفی جامع از روابط بین الملل ارایه شود، ضرورتاً باید شامل کلیه رفتارهای بشری در همه حوزه ها باشد. این ضرورت بویژه زمانی احساس می شود که توجه شود هر رفتار بشری به نحوی متأثر از شرایط فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیک محیط زندگی وی است. بنابر این نمی توان رفتار بشری را منتزع از این واقعیات در نظر گرفت. پس هر کوششی جهت تعریف توضیحی (ونه صرفاً توصیفی) از روابط بین الملل، با تفصیلی که در فوق آمد، متضمن دامنه ای معادل کل دانستنیهای بشر خواهد بود.

فلاسفه بزرگ یونان باستان چنین تعریف جامعی را از روابط بین الملل

ارایه داده‌اند. رساله‌های فلسفی افلاطون و ارسطو که از کلیه حوزه‌های عقلی تأثیر پذیرفته است، شامل همه مفاهیم هنری و معنوی آن زمان هستند. هیچ نوع پیشنهادی مبنی بر تقسیم بندی معلومات و دانسته‌های بشری به اجزایی تصنعی چون فلسفه سیاسی (مشمول بر اهداف بشری در ایجاد سازمانهای سیاسی، و نوع سازمانها که پاسخگوی این احتیاجات هستند) و علم حکومت (مشمول بر مطالعه راههای گوناگونی که انسانها به وسیله آن، امور سیاسی خود را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی تنظیم می نمایند) به صورتی که امروزه علوم سیاسی تقسیم شده (البته اگر بتوانیم به آن نام علم بدهیم) از سوی فلاسفه کلاسیک ارایه نشده بود. حتی تصور تقسیم بندیهای دیگری از رفتار بشری که نام جامعه‌شناسی، اقتصاد، و یا روابط بین الملل به خود بگیرد، برای فلاسفه یونان باستان بعیدتر به نظر می رسید. بنابر این، در اولین تعریف از روابط بین الملل، این آگاهی وجود داشته که تعریف مزبور بر پایه‌های استدلالی استوار نبوده، و از لحاظ تاریخی، صرفاً ساخته‌های ذهنی بشر در دوران اخیر - و نه باستان - است. هدف از این تقسیم بندی، صرفاً ایجاد نوعی مرزبندی تصنعی بین پدیده‌ها و اجزای کوچکی است که ضمن قابل فهم بودن برای درک بشر، تا حد امکان از انتزاعی بودن دیگر جوانب و شرایط مربوط به روابط بین الملل می کاهد.

به هر حال این اقدام جدیدی است. البته واقعیت آن است که بسیاری از فلاسفه سیاسی کلاسیک چون دانت، ماکیاولی، گروسیوس، هابز، روسو، کانت، مارکس و لنین از جمله کسانی هستند که در باره چیزی که هم اکنون روابط بین الملل نامیده شد، مطالب زیادی گفته‌اند. اما لازم به تذکر است که اظهارات فلاسفه مذکور غالباً متوجه هدف خاصی بوده است. به طور مثال، هدف ماکیاولی از نگارش کتاب شهریار، جلب توجه حاکم وقت، و هدف روسو و کانت کاستن از جنگ، یعنی کاهش خشونت بین گروههای اجتماعی، و هدف لنین تشجیع و تشدید تضاد طبقاتی به منظور تسریع حرکت به سوی هدف تاریخی کمونیسم بوده است. بنابراین تعریف آنها غالباً بر نوعی ارزشها و مفروضات اخلاقی استوار بوده است، و بر مبنای آنها

راه دستیابی به اهداف مورد نظر تجویز می شده است. « (۶)

سیر تکامل روابط بین الملل

تا قرن هجدهم، انگیزه کشورها (به استثنای امپراتوریهای یونان، روم و دنیای اسلام) در ایجاد روابط با یکدیگر هدفهای کوتاه مدت از قبیل کسب بازار، ایجاد روابط تجاری، توسعه نفوذ شخصی و غیره بود و تنها وسیله مهم در راه تحصیل مقاصد و نیل به هدفهای مزبور، «جنگ» بوده است، اگر چه دیپلماسی نیز نقشی در رفع اختلافات داشت.

در مطالعه تاریخ سیاسی یونان قدیم با قراردادهای واتحادیه‌هایی برخورد می کنیم که دلالت بر وجود نوعی تقسیم بین المللی ساده و همکاری منظم بین واحدهای سیاسی در روزگاران قدیم دارند ولی پایه‌های اساسی روابط بین المللی پس از پیدایش سیستم جدید کشوری به وسیله دولتهای امروزی در قرن هفدهم (بعد از قرارداد ۱۶۴۸ وستفالی) ریخته شد و با انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ و کنگره وین ۱۸۱۵ تکامل یافت؛ زیرا نظم روابط بین المللی امروزی که مبتنی بر دو اصل اساسی، وجود کشورهای مختلف مستقل و قبول اصل تساوی کشورها در صحنه بین الملل، تنها پس از قرارداد وستفالی و انقلاب کبیر فرانسه مورد قبول دولتها قرار گرفت.

اهمیت قرارداد وستفالی در روابط بین المللی از جهات مختلف قابل بررسی است. پاره‌ای از این موارد عبارتند از:

۱- این قرارداد و کنفرانس آن مبنای کنفرانسهای بعدی و راهنمای کشورها در روابط بین المللی شد.

۲- به وسیله قرارداد مزبور کنفدراسیون سوئیس و کشور هلند مستقل شناخته شدند.

۳- استقلال فرانسه، اسپانیا و پرتغال نیز با قرارداد وستفالی تأکید و تأیید شده و رسماً هرگونه مداخله پاپ در امور داخلی و خارجی این کشورها ممنوع اعلام گردید.

۴- در قرارداد وستفالی حق انعقاد قراردادهای و قبول مسئولیت بین المللی و تنظیم امور داخلی کشورهای اروپایی بدون مداخله دولت های خارجی

و بدون توجه به خواسته‌های امپراتور روم و پاپ، به خود این کشورها واگذار گردید.

۵- اصل استقلال کشورها، اعم از سیاسی و مذهبی و نیز تساوی آنها در صحنه بین المللی و روابط خارجی، برای اولین بار رسماً به وسیله قرارداد وستفالی مورد موافقت قرار گرفت.

۶- کشورها در انتخاب مذهب آزاد گشتند و ضمناً تعهد نمودند که گروه‌های مذهبی کاتولیک، لوتران و کالونیست آزادی کامل داشته باشند.

۷- به وسیله قرارداد وستفالی يك سیستم موازنه قوا در امپراتوری روم از يك طرف و در اروپا از طرف دیگر ایجاد شد که هدف اساسی آن جلوگیری از ظهور يك دولت «برتر» بین واحدهای سیاسی اروپا بود.

۸- امضا کنندگان قرارداد وستفالی تعهد نمودند که در مقابل هرگونه تجاوز، بدون توجه به مذهب یکدیگر را یاری دهند (۷).

روابط بین الملل از دیدگاه بزرگان سیاست

علمای قدیم بیشتر کوشش خود را صرف ارائه طریق و توصیه‌های عملی برای طراحان سیاست خارجی می کردند. در این رهگذر می توان به کتاب «سیاست نامه» خواجه نظام الملک و «شهریار» نیکولو ماکیاولی اشاره نمود.

ماکیاولی در کتاب «شهریار» به صراحت دخالت اخلاق و مذهب را در امور کشورداری غیر منطقی دانسته و به حکام توصیه می کند که به هر وسیله ممکن باید منافع کشور را تحصیل و حفظ نماید. وی برای موفقیت حيله و نیرنگ را تجویز می کند که: «اگر به شما دروغ گفتند، شما بیشتر به آنها دروغ بگویید و اگر اوضاع و شرایط تغییر کرد، شهریار مجاز است که وفای به عهد نکند. بگذار شهریار همیشه این مطلب را در ذهن خود جای دهد که حفظ خود و کشورش از ضرورترین اعمال است و هر وسیله‌ای که به تحصیل هدف مزبور کمک کند، شرافتمندانه است». ماکیاول همچنین بر این عقیده است که تصرف اراضی مجاز است و کشور باید خود را برای توسعه طلبی آماده کند.

کانت فیلسوف آلمانی در کتاب «صلاح پایدار» کشورها را به ایجاد يك جامعه بین المللی دعوت نمود. از دیدگاه وی، جامعه بین المللی کشورها را از حالت طبیعی بی نظمی که بین کشورها موجود است بیرون آورده و بدین طریق از وقوع جنگ جلوگیری به عمل خواهد آمد. وی وجود قوانین بین المللی را برای صلح لازم و ضروری می داند. کانت معتقد است که صلح فقط در سایه «سازمان جهانی» و «قوانین جهانی» به دست خواهد آمد. وی برخلاف ماکیاوول «اصول اخلاقی» را نفی نمی کند (۸).

نوشته‌های مارکس نیز از سه دیدگاه برای روابط بین الملل اهمیت دارد (۹):

۱- مارکس تاریخ را «مبارزه» بین طبقات متخاصم می داند و در نتیجه تعمیم این دیدگاه در روابط بین الملل تغییر مهمی در تعریف روابط بین الملل به وجود می آورد. از نظر این جهان بینی، دولتها عامل دیکتاتوری يك طبقه بر طبقه دیگر هستند. تصمیمات سیاسی این دولتها در جهت منافع طبقه‌ای است که هر يك از این دولتها به نمایندگی از آن فعالیت می کنند. بدین ترتیب روابط بین الملل صرفاً روابط بین دولتها و کشورها نیست، بلکه در حقیقت روابط بین طبقات حاکم هر يك از این کشورهاست. طبقات حاکمی که از طریق حکومتها، مردم را در پیاده کردن تصمیمهای خود به اجبار در خدمت می گیرند.

۲- مارکس سیستم سرمایه‌داری را سیستمی می داند که مجبور به از بین بردن اقتصاد طبیعی و محلی و جهانی کردن اقتصاد است و بورژوازی طبقه‌ای است جهانگشا. سیستم سرمایه‌داری و طبقه بورژوا هیچ کدام نمی توانند فعالیت‌های اقتصادی خود را به داخل مرزهای سیاسی يك کشور محدود کنند. کالاهای سرمایه‌داری دروازه‌گشای همه اقتصادهای بسته است.

۳- مارکس در نوشته‌های خود، استعمار را نتیجه، «جهانی بودن اقتصاد سرمایه‌داری» می داند. در این اشارت دو نوع برخورد دیده می شود:

الف. استعمار به خاطر خصلتها و سیاستهای ضد انسانی محکوم شناخته می شود و مورد حمله قرار می گیرد.

ب - استعمار به خاطر «نواوری اقتصادی» و به وجود آوردن يك «نظام متكاملتر» و در هم شکستن اقتصادهایی که از لحاظ تاریخی عقب افتاده‌اند، «به عنوان عاملی که نقش تسریع کننده تاریخ را به عهده می گیرد»، معرفی شده است.

عقاید اساسی مارکسیسم در باره روابط بین الملل در نوشته‌های لنین تبلور یافت. در این نوشته‌ها سه مسأله اساسی برای روابط بین الملل مطرح گردید:

۱- امپریالیسم - لنین در این خصوص بر این باور است که، آخرین مرحله رشد سیستم را فریب داده و يك «اریستوکراسی تارگری» را به وجود می آورد.

۲- جنگ - بر اساس تعبیر مارکسیستی، جنگ از دیدگاه لنین، ادامه سیاست است و بر دو نوع جنگ عادلانه و غیر عادلانه تقسیم می شود.

این تعبیر در روابط بین الملل تازگی داشت و تقسیم دوگانه آن در تعیین جهت سیاست خارجی کشورهای بلوک کمونیستی تا حد زیادی مؤثر بود.

۳- همزیستی مسالمت آمیز - از آغاز حکومت سوسیالیستی در روسیه، لنین در نوشته‌های متعددی، مشروعیت و لزوم ایجاد رابطه بین کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی را تأکید نمود و این نوع همزیستی به عنوان یکی از ارکان مهم سیاست خارجی دولتهای بلوک شرق تبلیغ شده است.

مسایل کنونی روابط بین الملل

امروزه مسایل بی شماری در روابط بین الملل وجود دارد که بدون شك آینده جهان در گروی حل صحیح این مسایل قرار دارد. عمده‌ترین این مسایل عبارتند از:

صلح جهانی، روابط بین ابرقدرتها، تشنج زدایی، استعمار و جهان سوم، انقلابها و جنبشهای آزادی بخش، اختلافات محلی، گروه‌بندیهای سیاسی (تحولات بلوکهای نظامی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی)، جنگ افزارهای هسته‌ای، جنگ ستارگان، شرکتهای چند ملیتی، روابط بین المللی در فضا (کنترل، مالکیت و نظامی شدن فضا)، روابط

بین الملل در بستر ویا زیر دریاها، قوانین بین الملل، کنترل محیط زیست، نقش سازمانهای بین المللی، وسایل ارتباط جمعی و سیستم ارتباطات.

شیوه‌های تحقیق در روابط بین الملل

به طور کلی سه شیوه تحقیق ویا به عبارت دیگر سه مکتب تحقیق در روابط بین الملل وجود دارد:

مکتب اول را نظر به قدمتی که دارد سنتی می نامند. برای مورخان پیرو مکتب سنتی آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، مناسبات میان حکومتها است. برای توجیه و تشریح این مناسبات، توجه خود را بیشتر از هر مطلب دیگر به منافع سیاسی دولتها یعنی تلاش آنها برای تأمین امنیت و کسب قدرت و اعتلای اعتبار و حیثیت بین المللی معطوف می دارند. بنابر این سعی می نمایند روش واقدامات کسانی را که چرخ مناسبات دیپلماتیک را به گردش در می آورند و در حرکت نگاه می دارند بیان نمایند. می کوشند تا با دقت دریابند حکومتها چه دستورهایی را به مأموران و نمایندگان خود داده‌اند و آنان دستورهایشان را به چه نحو انجام داده‌اند. برای مذاکرات دیپلماتیک اهمیت خاصی قایلند و با دقت هرچه تمامتر در فراز و نشیبها و جریان مذاکرات غور و تحقیق می نمایند تا دریابند چه نکات و وقایعی موجب شکست مذاکرات و بروز اختلاف علنی ویا سبب سازش میان حریفان شده است.

بنابر آن چه گفته شد، برای مورخان پیرو مکتب سنتی، روابط بین المللی به مناسبات میان حکومتها محدود می گردد و در واقع در تاریخ روابط سیاسی یا بهتر بگوییم روابط دیپلماتیک خلاصه می شود. در این مکتب اساس تحقیقات بر مطالعه اسناد و مدارك حاوی اقدامات دیپلماتیک استوار است. مورخان می کوشند تا با استناد به مدارك و اسناد مذکور به کنه دعاوی و استدلالات حکومتها پی ببرند و پرده احتجاجات را از روی نیت پنهانی و اغراض نهایی آنها بردارند. در این مکتب افراد زمامدار و مسئولان امور و همکارانشان نقش اول و اصلی را به عهده دارند و تحولات روابط

بین‌المللی بستگی تمام و کامل به عقاید خصوصی و ذوق شخصی و بصیرت و یا ندانم کاری آنها دارد.

مکتب دوم که در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اروپای غربی رفته رفته راهی برای خود در تحقیقات تاریخی گشود و امروز به عنوان مکتب نوین معروف شده است، با مکتب سنتی به کلی تفاوت دارد. تحقیقات در این مکتب در درجه اول بر اساس مطالعه و غور در زندگی مادی و معنوی جامعه‌های انسانی استوار است. به نظر پیروان مکتب نوین، مناسبات میان حکومتها نباید در مرکز توجه قرار بگیرد. آنچه واقعاً حایز اهمیت است، تاریخ روابط ملل با یکدیگر می باشد.

در مکتب نوین در باره تاریخ روابط میان ملل دو برداشت متفاوت وجود دارد:

عده‌ای از پیروان مکتب نوین، تحقیقات خود را در باره جوامع انسانی بر مبنای روابط موجود میان جوامع مذکور و محیط جغرافیایی و شرایط مادی زندگی و ساخت و تحولات اقتصادی و خصوصیات تمدن و فرهنگ استوار می سازند. به نظر آنان نیروهای ژرف و بنیادی است که به روابط میان دولتها و ملتها مایه و شکل می بخشد و با شناخت نیروهای ژرف و بنیادی است که می توان به کنه روابط بین‌المللی پی برد و تفسیر و توضیحی درست از تاریخ روابط بین‌المللی عرضه نمود. به سخن دیگر نسبت روابط دیپلماتیک بر روابط بین‌المللی که از نیروهای ژرف و بنیادی سیراب می گردد، مانند نسبت برکه است به دریا.

جمعی دیگر از پیروان مکتب نوین چندان اهمیتی برای اوضاع و شرایط اقتصادی و اجتماعی در تکوین و تحول روابط بین‌المللی قایل نیستند و عقیده دارند که با تحقیق و غور در آمارها و جدولها و سخنها نمی توان پرده از راز تاریخ برداشت. به نظر این عده از مورخان، تاریخ از نیروهای تاریخی که عواطف و تمنیات جمعی باشد، مایه می گیرد و این عواطف و تمنیات از اوضاع شرایط زندگی مادی ناشی نمی گردد. ریشه‌های آن را باید در طبایع و سنن و طرز تفکر و نحوه احساس جستجو و پیدا کرد. بنابر این برای درک درست تاریخ روابط بین‌الملل باید به عکس‌العملهای معنوی و کیفیات

روانی پی برد. به سخنی دیگر آنچه باید مورد غور و تحقیق قرار گیرد عبارت از رشد و تکامل حس ملیت، تصور موجود از منافع ملی، درجه همبستگی معنوی افراد يك مملکت، تصور يك ملت از همسایگان، واکنش يك ملت در برابر اندیشه جنگ و ایجاد جامعه منظم بین المللی می باشد. به عقیده این عده از مورخان زمامداران و مسئولان امور ناگزیر از بازتابهای معنوی و کیفیات روانی جمعی سخت متأثر می گردند و به هیچ تقدیر نمی توانند آنها را در اقدامات خود نادیده بگیرند و از تأثیر عمیق و قاطع آنها بر کنار بمانند.

با نظری اجتماعی به مکتبهای سستی و نوین در می یابیم که اختلاف اصلی این دو مکتب مربوط به نقش افراد در تاریخ روابط بین المللی است. مکتب سستی که تاریخ روابط بین المللی را به چارچوب تدابیر سیاسی و اقدامات دیپلماتیک محدود می سازد و برای کسانی که زمام امور حکومتها را در دست دارند نقش اصلی و خلاق در روابط بین المللی قایل می گردد و نیروهای ژرف و بنیادی را در واقع به منزله خمیری در دست آنان می داند که به میل خود به صورت و شکلی که می خواهند در می آورند.

پیروان مکتب نوین برعکس نقش محققی را در تاریخ روابط بین المللی برای افراد قایل هستند و عقیده دارند، فرد به منزله آهنی است که در کوره نیروهای ژرف و بنیادی گداخته و پرداخته می شود و چهره‌ای را که نیروهای ژرف و بنیادی به او می دهند، به خود می گیرد. به سخن دیگر، مجموع نیروهای ژرف و بنیادی، یا به اصطلاح زیربنای اقتصادی و اجتماعی و روانی جامعه است که در تحلیل نهایی ناظر و حاکم بر پندار و کردار مسئولان امور می شود (۱۰).

فهرست منابع دیباچه

- ۱) حمید بهزادی؛ روابط بین الملل از دیدگاه مورگانتا. ص ۲
- ۲) محمد رضا دبیری؛ اصول روابط بین الملل. ص ۱
- ۳) دکتر عباس میلانی؛ تئوریهای روابط بین المللی. ص ۴
- ۴) آلن بیرو؛ فرهنگ علوم اجتماعی. ص ۱۹۱
- ۵) دکتر احمد نقیب زاده؛ نگاهی به تاریخ روابط بین الملل (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵). ص ۱ تا ۳
- ۶) دکتر سید حسین سیف زاده؛ نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل. ص ۸ و ۹
- ۷) دبیری؛ همان، ص ۲ و ۳
- ۸) همان، ص ۵ و ۶
- ۹) میلانی؛ همان، ص ۱۱ تا ۱۳
- ۱۰) پیر رنون وژان باتیست دوروزل؛ مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین الملل. ص ۶ و ۷

اصطلاحات

آ_ الف

Obschina

آبشین

اصطلاحی است روسی به معنای جماعت‌های مشاع روستایی روسیه. اعضای آبشین در قبال پرداخت سهم مالکانه به مالک روستا، مسئولیت مشترك داشتند. آبشینها موظف بودند که از میان افراد خود بر اساس سهمیه معینی، سرباز به ارتش تزاری تحویل دهند. الغای نظام سرواژ در سال ۱۸۶۱ میلادی سرآغازی بر فروپاشی آبشینها شد و به تدرج فردگرایی ومالکیت خصوصی رشد کرد وارضی تفکیک وافراز شد.

Apartheid

آپارتاید

این اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی اطلاق می گردد که از سال ۱۹۴۸ توسط حزب ملی آفریقای جنوبی اعمال می گردد. سیاست مذکور کلیه جنبه‌های زندگی رنگین پوستان را شامل می شود ومبتنی بر سیادت کامل قوم سفید وتبعیض مطلق نسبت به غیر سفیدهاست. آپارتاید از لحاظ نظری معتقد به جدایی کامل نژادها وامکانات آنها است.

Attaché

آتاشه (وابسته)

این اصطلاح معمولاً به پایین ترین رده دیپلماتیک گفته می شود. آتاشه‌های متعددی نظیر نظامی، بازرگانی ودرباری وجود دارد. وابسته‌های

یاد شده، قبل از تصدی پست خود، دارای مشاغل مهم ارتشی و یا سیاسی بوده‌اند.

آتش بس **Cease - Fire**

آتش بس اولین حلقه از زنجیری است که از جنگ تا صلح ادامه دارد. مراحل مختلف آتش بس عبارتند از:

۱- صدور دستور آتش بس توسط طرفین به کلیه نیروهای تحت فرمان خود.

۲- طرفین می توانند مواضع دفاعی خود را در پشت خطوط آتش بس تنظیم کنند؛ ولی استقرار نیروها یا تجهیزات جدید ممنوع است.

۳- طرفین برای جلوگیری از برخورد نیروها با هم تماس گرفته و در باره تغییرات کوچک محلی بحث می کنند.

۴- تعیین خطوط موقت جدایی نیروها و احتمالاً منظور کردن يك منطقه غیر نظامی.

۵- ناظران نظامی که در مقابل شورای امنیت مسئول هستند، بر اجرای آتش بس نظارت می کنند.

لازم به یادآوری است که آتش بس يك عنصر ضروری برای متارکه (دومین حلقه از زنجیر سه حلقه‌ای آتش بس، متارکه و ترك مخاصمه) است و می تواند مقدمه آن باشد و یا ممکن است هم زمان باشند (مورد اول نمونه کشمیر و مورد دوم نمونه اندونزی و هلند).

آدومید **Adomide**

این اصطلاح به فردی اطلاق می شود که دارای اقامتگاه معینی نیست.

آزادی **Liberty**

يك مقوله فلسفی سیاسی است که از نظر فلسفی، به معنای «اختیار» در برابر «جبر» است، و از لحاظ سیاسی به مفهوم امکانات فرد از لحاظ حقوقی مدنی، اجتماعی و سیاسی در برابر قدرت دولت و جامعه می باشد.

Academic Freedom**آزادی آکادمیک**

اصلی است که به موجب آن استادان و دانشجویان حق دارند به هر میزانی که لازم است برای کشف حقیقت به تحقیق و پژوهش پردازند و در این راه هیچ گونه محدودیت دینی، سیاسی و غیره وجود ندارد.

Individual Freedoms**آزادیهای فردی**

عبارت از حقوقی است که توسط دولتها برای افراد شناخته شده و تضمین گردیده است. هدف از این حقوق آن است که افراد بتوانند به خواسته‌های خود جامه عمل بپوشانند؛ نظیر، آزادی انجمنها، تجارت، مطبوعات و غیره.

آژانس بین المللی انرژی اتمی**International Atomic Energy Agency**

این آژانس در سال ۱۹۵۷ تحت سرپرستی سازمان ملل متحد برای ترویج و استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی (مانند استفاده از انرژی اتمی در تکمیل نیروی برق جهان و استفاده از رادیو ایزوتوپها) و در صورت لزوم برای انجام اقدامات تضمینی در مقابل انحراف در استفاده از مواد هسته‌ای تهیه شده برای مقاصد صلح آمیز، در راه هدف های نظامی به وجود آمد.

آژانس توسعه بین المللی**Agency for International Development (A.I.D)**

در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد و مسئول برنامه‌ریزی کمکهای اقتصادی ایالات متحده است. آژانس در تنظیم برنامه‌های کمکهای اقتصادی و فنی خود همواره سیاست استعمارگرانه حکومت‌های آمریکا را در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی مد نظر قرار داده است.

آژانس عمران بین المللی

International Development Agency

این آژانس که به بانک جهانی وابسته است در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۰ برای ترویج توسعه اقتصادی کشورهای کم رشد، و تأمین اعتبار با شرایط آسانتر از آنچه که موجود بود، به وجود آمد. قرضه‌های آژانس عمران بین المللی برای طرحهای تولیدی که اقتصاد کشورهای در حال رشد را تقویت می نماید، ترتیب داده شده است.

Jewish Agency

آژانس یهود

این اصطلاح به يك سازمان صهیونیستی اطلاق می شود که «تشکیلات موجود صهیونیستی» در فلسطین را با یهودیان سراسر جهان مرتبط می سازد. تأسیس این سازمان از جمله شرایط تحت الحمایگی فلسطین بود که توسط جامعه ملل به بریتانیا داده شد. آژانس مذکور تا کنون صدها هزار تن یهودی را از نقاط مختلف دنیا به سرزمین فلسطین مهاجرت داده است. بیش از هفتاد کشور جهان به آژانس یهود کمک می کنند. میزان این کمکها ظرف سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۴ به بیش از شش میلیارد دلار رسید که ۱/۳ آن از سوی آمریکاییها بوده است.

Agitation

آریتاسیون

به اقداماتی گفته می شود که برای تأثیر سیاسی در توده‌های مردم از طریق سخنرانی، میتینگ، و پخش اعلامیه از طریق رادیو، تلویزیون، سینما و سایر وسایل ارتباط جمعی صورت می گیرد. اصطلاح مذکور در برخی موارد به فعالیت تبلیغی برای تفهیم عقاید و نظریات سیاسی در مردم اطلاق می شود.

Agreement

آگره‌مان

این اصطلاح در عرف دیپلماتیک به «اجازه‌نامه» ای گفته می شود که توسط «کشور پذیرنده» برای سفیر اعزامی از طرف «کشور فرستنده» صادر

می شود. برای صدور چنین اجازه‌نامه‌ای، مقامات وزارت امور خارجه کشور فرستنده، سوابق موردنظر را به‌طور محرمانه برای مقامات مسئول کشور پذیرنده ارسال می نمایند. در صورت منفی بودن پاسخ، مقامات کشور اخیر، ملزم به ارائه دلایل خود برای عدم صدور اجازه‌نامه مورد درخواست نیستند.

آگورافوبیا (انبوه هراسی) **Agoraphobia**

این اصطلاح به هراس افراد از مکانهای عمومی دلالت دارد که در آن، اشخاص از قرار گرفتن در فضاهای باز و مخصوصاً گذشتن از فضاهای وسیع که امکان دیده شدن در آن هست، می گریزند.

آنارشیزم **Anarchism**

عنوان نظریه‌ای است که خواستار الغای هرگونه قدرت سازمان یافته بوده و تشکّل و تمرکز قدرت سیاسی را عامل فساد و در نهایت به ضرر انسانها می داند.

آنارشیزمها معتقدند که هر شکلی از حکومت، منحوس و سرچشمه فساد و خودکامگی است. به نظر آنها حکومت بزرگترین و بدترین نمونه والگوی تجمع و تمرکز قدرت سازمان یافته سیاسی است و به همین جهت هدف اصلی آنها، از بین بردن هر نوع حکومتی بوده است.

آنارکوسندیکالیسم **Anarchosyndicalism**

حرکت اتحادیه‌ای کارگری است که متأثر از ایدئولوژی آنارشیزم می باشد. هدف پیروان آنارکوسندیکالیسم، انقلاب علیه نظام سرمایه‌داری و نابودسازی دولت و اداره جامعه بر اساس اتحاد سندیکا‌های کارگری است. این حرکت در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اروپا پدیدار شد و در فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، سوئیس و آمریکای لاتین توسعه یافت.

آنتاگونیسم **Antagonism**

این اصطلاح در زبان سیاست به معنای معارضه طلبی آشتی ناپذیر

است. واژه فوق از لحاظ لغوی به مفهوم، «جدل و مبارزه علیه یکدیگر» است.

آواره Refugee

به کسی گفته می شود که از کشورش اخراج شده و یا فرار کرده باشد. رسیدگی به مسایل آوارگان، بیشتر به عهده سازمانهای بین المللی است. از سال ۱۹۵۲ امور آوارگان به عهده «کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای آوارگان» گذاشته شده است.

آواکس

AWACS (Airborne Warning and Control System)

به سیستم «اخطار و کنترل هوابرد» اطلاق می شود که در درون هواپیمای فرماندهی و اطلاعاتی قرار دارد و یکی از پدیده های جنگ الکترونیک محسوب می شود.

اتلاف Coalition

این اصطلاح به توافق موقتی گفته می شود که میان احزاب و گروه های سیاسی به منظور رسیدن به هدفهای سیاسی و پارلمانی صورت می گیرد.

اپورتونیسم Opportunism

اپورتونیسم یا فرصت طلبی رفتاری است سازشکارانه مطابق با شرایط و اوضاع و احوال مسلط موجود برای کسب منافع با اهداف خاص و چشم پوشی از کاستیهای موجود در شرایط مزبور، حتی اگر با اصول و عقاید اولیه شخص مطابقت نداشته باشد.

اپوزیسیون Opposition

از لحاظ لغوی به معنای «مخالفت» و یا «مخالفان» است و به مفهوم وسیع به کوشش اتحادیه ها، احزاب، گروه ها و افراد اطلاق می شود که برای

دستیابی به هدفهای موردنظر در جهت مخالف هدفهای دارندگان قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از شیوه‌های پارلمانی و یا شیوه‌های دیگر استفاده می‌کنند.

اتحاد Alliance

عبارت است از تعهد دویا چند دولت در مقابل یکدیگر برای تأمین کمکهای سیاسی و نظامی در صورت وقوع جنگ. اتحاد بر دو نوع است: تدافعی، و دفاعی - تهاجمی. در نوع اول متعهدان ملزم به دفاع از هر متحدی هستند که مورد حمله واقع شود؛ و در نوع دوم حتی در زمانی که یکی از متحدان به کشوری حمله کند، دیگر متعهدان ملزم به دخالت خواهند بود.

اتحاد برای پیشرفت Alliance for Progress

طرح این اتحاد در سال ۱۹۶۱ ضمن ملاقات نمایندگان بیست کشور آمریکایی در اروگوئه ریخته شد. اتحاد مذکور زیر نظر آمریکا برای کمک به پیشرفت اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای مذکور به وجود آمد.

اتحاد جمهوریهای عربی (۱۹۷۱)

عبارت از اتحاد میان مصر، سوریه و لیبی است که در آوریل ۱۹۷۱ تشکیل آن در بنغازی اعلام شد. اتحاد مزبور عملاً شکل نگرفت و روی کاغذ باقی ماند.

اتحاد مثلث Triple Alliance

این اصطلاح در مفاهیم زیر به کار می‌رود:

- ۱- اتحادی است میان انگلستان، سوئد و هلند، علیه فرانسه (۱۶۶۸).
- ۲- اتحادی است میان انگلستان، فرانسه و هلند (۱۷۱۷).
- ۳- اتحادی است میان آلمان، اتریش - مجارستان، و ایتالیا (۱۸۸۲).

اتحاد مربع (چهارگانه) **Quadruple Alliance**

اصطلاحی است که از لحاظ تاریخی معانی ذیل از آن مستفاد می شود:

۱- اتحادی است میان انگلستان، فرانسه، اتریش و هلند (۱۷۱۸) که برای جلوگیری اسپانیا از تغییر شرایط «صلح اوترشت» به وجود آمد. اسپانیا بعداً به اتحاد مربع پیوست.

۲- اتحادی است میان بریتانیا، اتریش، روسیه و پروس که در سال ۱۸۱۴ به امضا رسید و سپس در سال ۱۸۱۵ تجدید گردید. هدف از تشکیل این اتحادیه شکست دادن ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه بود. پس از شکست واستغای وی، اتحاد مربع تضمینی بود برای متعهد ساختن فرانسه به شرایط پیمان پاریس (مورخ ۱۸۱۵).

اتحادیه پان آمریکن **Pan - American Union**

هدف این اتحادیه فراهم آوردن امکانات همکاری سیاسی و اقتصادی بین کشورهای آمریکایی و ایجاد حسن اتحاد بین آمریکای شمالی و جنوبی است. اتحادیه فوق طی اولین کنفرانس بین المللی کشورهای آمریکایی (۱۴ آوریل ۱۸۹۰) در واشنگتن تأسیس شد.

اتحادیه تجارت آزاد اروپا

European Free Trade Association (EFTA)

يك سازمان منطقه‌ای است که به موجب کنوانسیون استکهلم مورخ ۱۹۵۹ برای حذف تعرفه‌های گمرکی و سایر موانع موجود ایجاد گردید. اتحادیه همچنین مسایل مربوط به تولیدات داخلی را هماهنگ می کند. در سال ۱۹۷۰ کشورهای عضو اتحادیه یعنی اتریش، انگلیس، دانمارک، نروژ، پرتغال، سوئد و سوئیس تصمیم گرفتند سدهای تجارتی موجود در زمینه‌های کشاورزی را از میان بردارند. در سال ۱۹۶۱، فنلاند به اتحادیه مذکور پیوست و به این ترتیب حوزه عملکرد سازمان تا فنلاند گسترش پیدا کرد.

Custom Union**اتحادیه گمرکی**

به اتحادیه‌ای گفته می‌شود که میان دو یا چند کشور برای برقراری تعرفه‌های گمرکی واحد و حذف مرزهای گمرکی میان خود و ایجاد مرزهای مشترک گمرکی برای دیگر کشورها به وجود می‌آید؛ مثل بنه‌لوکس.

Little Entente**اتفاق صغیر**

اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی است که در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱، میان یوگسلاوی، چکسلواکی، و رومانی که از حمایت فرانسه برخوردار بودند، شکل گرفت. اتفاق صغیر در دهه ۱۹۳۰ به فتوروستی گرایید و سپس با الحاق چکسلواکی به آلمان نازی (۱۹۳۸) به کلی از هم فروپاشید.

Triple Entente**اتفاق مثلث**

اتفاق مثلث يك اتحاد دیپلماتیک (سیاسی) غیر رسمی بود که میان انگلستان، فرانسه، و روسیه علیه اتحاد مثلث متشکل از آلمان، اتریش، مجارستان، و ایتالیا (۱۸۸۲ میلادی) به وجود آمد. این «اتفاق» از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۷ به طول انجامید. پس از شروع جنگ جهانی اول، «اتفاق» مذکور به صورت يك «اتحاد نظامی» درآمد.

Autoritarianism**اتوریتاریانیسم**

عبارت از سیستم حکومتی است که در آن آزادی فردی هم از حیث نظری و هم از حیث عمل، هم در ظاهر و هم در باطن، کاملاً تحت الشعاع قدرت دولت قرار گیرد. در این نوع حکومت، قدرت معمولاً در دست يك گروه كوچك متمرکز است. رژیم دیکتاتوری یکی از اشکال افراطی حکومت‌های اتوریتاریان است.

Autocracy**اتوکراسی**

به نوعی بنیاد گفته می‌شود که دارای این مختصات است:

- ۱- تفوق آشکار يك فرد در رأس سلسله مراتب .
- ۲- فقدان قوانین یا نسبتهایی که بر عمل فرمانروا نظارت کند .
- ۳- نامحدود بودن قدرت فرمانروا در عمل .

Compulsion

اجبار

به مفهوم تحمل آزار جسمانی یا روانی است، خواه به جهت آن که فرد به انجام کاری علی رغم میل خود مجبور شده است و خواه بدان جهت که از انجام آنچه می خواست، باز داشته شده است. برای اعمال خشونت، باید قدرتی پدید آید که در صدد وادار ساختن افراد یا گروههای دیگر به قبول اهدافی برآید، خواه در جهت بهره‌کشی و خواه به منظور تسلط و ایجاد انقیاد.

اجلاس [سران] آمریکا و شوروی (دسامبر ۱۹۸۷)

USSR - US Summit (1987)

این اصطلاح به نشستی اطلاق می شود که بین میخائیل گورباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا (۱۹۸۱ - ۱۹۸۹) در تاریخ هفتم تا دهم دسامبر ۱۹۸۷ در شهر واشنگتن برگزار گردید. از نتایج مهم این اجلاس امضای پیمان هفده ماده‌ای حذف موشکهای کوتاه‌برد و میان برد دو کشور بود (۸ دسامبر ۱۹۸۷).

اجلاس عالی مالت (دسامبر ۱۹۸۹) Malta Summit (1989)

این اجلاس بین جورج بوش رئیس جمهور آمریکا و میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۸۹ در عرشه کشتی روسی «ماکسیم گورکی» صورت گرفت. در این ملاقات طرحهایی در خصوص مسایل گوناگون بین المللی از سوی رئیس جمهور آمریکا ارائه گردید. برخی از این پیشنهادها عبارت بودند از:

- ۱- تعیین تاریخ اجلاس بعدی در دو هفته آخر ماه ژوئن ۱۹۹۰ در آمریکا.
- ۲- ملاقات وزرای خارجه دو کشور در ماه ژانویه در مسکو.

- ۳- مذاکره پیرامون قرارداد کاهش جنگ افزارهای استراتژیک.
- ۴- مذاکرات تجاری بین دو کشور.
- ۵- تلاش برای دستیابی به قیمت بازار برای کالاهای شوروی.
- ۶- همکاری اقتصادی بیشتر بین دو کشور.
- ۷- خاتمه قانون منع صادرات تکنولوژی پیشرفته به شوروی.
- ۸- مذاکره برای سرمایه‌گذاریهای مشترک.
- ۹- حل مسایل حقوق بشر در شوروی.
- ۱۰- ایجاد تحرك در مذاکرات دوطرف در زمینه جنگ افزارهای استراتژیک.
- ۱۱- توافق مشترك در زمینه انجام آزمایشهای صلح آمیز هسته‌ای.
- ۱۲- انتشار فهرست برنامه‌های نظامی و میزان تولید جنگ افزارها.
- ۱۳- تشکیل کمیته مشترك آمریکا و شوروی برای برگزاری بهتر مسابقات المپیک برلین در سال ۲۰۰۴ میلادی.
- ۱۴- تشکیل اجلاس تخصصی در واشنگتن در باره سیستمهای هشدار دهنده جهانی.
- ۱۵- تبادل يك هزار دانشجو در سال تحصیلی ۱۹۹۱ بین دو کشور.
- ۱۶- خاتمه تولید جنگ افزارهای شیمیایی توسط دو کشور.

Consensus

اجماع

این اصطلاح دلالت دارد بر پیدایی اتفاق نظر و توافقی آشکار یا نهان در يك گروه، خواه در مورد يك وضع خاص، خواه در باب زمینه‌های اصلی میان آن گروه و یا دلایل خواست اعضای آن برای این که حیاتی مشترك داشته باشند.

اجماع گاهی به صورت فرایندی تجلی می‌کند که از طریق آن، اعضای يك گروه یا يك جامعه به بیان توافقی در باب حیات مشترك خود، دست می‌یابند.

Notification

اخطار

عملی است که دولتی برای آگاه ساختن دولت دیگر از مسأله مهمی

انجام می دهد که اطلاع از آن را برای آن دولت لازم می داند. هدف از این عمل آن است که طرف، از مسأله مذکور قانوناً مطلع باشد. اخطار ممکن است اختیاری، اجباری و یا الزامی باشد.

Reactionarism

ارتجاع

اصطلاحی است برای کسان، گروهها، حزبها، حکومتها یا طبقه‌هایی که مخالف هرگونه دگرگونی در بنیاد و روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فعلی هستند و یا خواستار ختنی شدن بعضی دگرگونیها و بازگشت به گذشته‌اند.

Red Army

ارتش سرخ

اصطلاحی است برای ارتش اتحاد شوروی که در جریان جنگهای انقلابی بوجود آمد و سپس به صورت ارتش رسمی آن کشور درآمد. عنوان مذکور همچنین به يك سازمان تروریست ژاپنی اطلاق می شود که دارای ایدئولوژی انقلاب است و از میان جنبش تندرو دانشجویان ژاپن بوجود آمد (۱۹۶۹). آلمان و ایتالیا نیز دارای گروههایی مشابه با نام «ارتش سرخ آلمان» و «بریگاد سرخ ایتالیا» می باشند. ارتش سرخ از جمله پدیده‌های جنبش «چپ نو» است و ضمن مخالفت با روشهای محافظه‌کارانه، پیرو روش «عمل مستقیم» است.

International Easement

ارتفاق بین المللی

محدودیتی است که يك دولت در حق حکمرانی خود به نفع دولت دیگر (از لحاظ فعل یا ترك فعل) تحمل می کند. مانند دادن حق عبور سپاه از خاک خود به دولت دیگر (ارتفاق مثبت) و ساختن قلاع و استحکامات در پاره‌ای از نقاط کشور خود (ارتفاق منفی).

Concentration Camps

اردوگاهها

به بازداشتگاههایی گفته می شود که برای نخستین بار اسپانیاییها در

شورش کوبا (۱۸۹۵) برای فرونشاندن شورش به کار بردند و هدفشان قطع رابطه شورشیان با دیگر مردم بود. در دهه‌های اخیر این اصطلاح به اردوگاه‌های مرگ آلمان نازی (مانند آشویتس) گفته می‌شود که میلیون‌ها نفر در آنها به قتل رسیدند. میلیون‌ها تن زندانی سیاسی و «دشمن طبقاتی» در دوران استالین در «اردوگاه‌های کار اجباری» اتحاد شوروی در بازداشت به سر می‌بردند.

Euro - Centrism (اروپا محور بینی)

نگرشی که تاریخ و فرهنگ بشری را بر اساس محوریت قاره اروپا (و بیشتر اروپای غربی) تحلیل می‌کند و نقش تمدنهای غیر اروپایی را نادیده می‌گیرد و یا در حاشیه قرار می‌دهد.

Euro - Communism (اروکمونیزم (کمونیسم اروپایی)

جریانی که در دهه ۱۹۷۰ میلادی در تعدادی از احزاب کمونیست اروپای غربی پدید آمد (به ویژه در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه) و مضمون آن جدایی از مسکو بود. دیکتاتوری پرولتاریا از برنامه احزاب فوق حذف شد و واژه «سوسیالیسم دموکراتیک» و «کمونیسم دموکراتیک» کاربردی وسیع پیدا کرد و به انتقاد از سیاست سرکوب ناراضیان و فقدان دموکراسی در شوروی پرداختند. در مساله تجاوز نظامی اتحاد شوروی به افغانستان، احزاب اروکمونیستی آن را محکوم کردند.

Stalinism استالینسم

این اصطلاح منسوب است به «ژوزف استالین» (۱۸۷۹ - ۱۹۵۳) نخست وزیر، دبیر کل حزب کمونیست و فرمانده کل قوای اتحاد شوروی. استالینسم مشتمل بر روشهای اجرای مارکسیسم - لنینسم در روسیه شوروی در دوران حکومت استالین و تفسیر نظریات مزبور و انطباق آنها با عمل است. در کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی، استالینسم به عنوان انحرافی از موازین لنین تلقی و محکوم شد.

این جهان بینی مترادف با اعمال خشونت، رژیم پلیسی، فردپرستی و دیکتاتوری به شمار می آید.

استالین بر این باور بود که «مردن تدریجی دولت» با ضعیف کردن آن صورت نخواهد گرفت، بلکه با تقویت آن به حداکثر امکان پذیر خواهد بود. وی استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست جهان را تابع مطلقاً از سیاست خارجی شوروی قرار می داد.

استالینسم بدون استالین **Stalinism Without Stalin**

این اصطلاح در عرف سیاسی به نظامی گفته می شود که قایم به ذات بوده و پس از خارج شدن صاحب مکتب (بنیانگذار) از صحنه و یا مرگ وی از هم فرو می پاشد. اصطلاح مذکور بعضاً مترادف بناپارتیسم بدون ناپلئون به کار می رود.

استبدادی **Absolutism**

به نوعی حکومت گفته می شود که در آن مردم دارای نماینده، حق رأی و یا هرگونه سهم دیگری در اداره امور کشور نیستند. وجوه دیگر این رژیم عبارتند از: نامحدود بودن قدرت فرمانروا از لحاظ قانونی به نحوی که کاملاً در کار خود مختار باشد؛ وجود دستگاه متمرکز و شدید العمل که هرگونه مخالفتی را سرکوب کند؛ وجود نظام قدیمی و استماری و روابط فئودالی.

استراتژی **Strategy**

علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرحهای سیاسی، اقتصادی و نظامی است که در سطح دولت و یا بین چند دولت با به کار گرفتن کلیه امکانات جهت دستیابی به هدفهای نظامی، انجام می شود.

استراتژی در طول يك مرحله معین تغییر نمی یابد و تنها با انتقال از يك مرحله به مرحله دیگر عوض می شود و جای خود را به يك استراتژی منطبق با مرحله جدید می دهد.

Extradition**استرداد**

عبارت است از تسلیم رسمی يك شخص فراری از عدالت، بدون توجه به رضایت وی به منظور تعقیب جزایی و یا اجرای حکم که به وسیله مقامات دولت محل اقامت به مقامات دولت متقاضی به عمل می آید. به نظر اوپنهایم «استرداد، تحویل يك متهم یا فرد مجرم به کشوری است که متهم یا مجرم در قلمرو آن، متهم به ارتکاب جرم شده است و در کشوری که از آن تقاضای تحویل شده است به سر می برد».

Colonialism**استعمار**

این اصطلاح در عرف سیاسی به مفهوم يك رژیم سیاسی و اقتصادی است که علی رغم خواست اهالی يك منطقه بر آنها مستقر و مسلط شده و هدفش تأمین منافع عوامل داخلی و یا خارجی است.

Decolonization**استعمار زدایی**

فرایندی است که بر پایه آن، ملتهای مستعمره به استقلال می رسند. این پدیده، از سال ۱۹۴۵ بروز کرده است و پیدایی آن تا حد زیادی از جنگ دوم جهانی و آثاری که بر تمامی کره زمین نهاد، ناشی شد؛ نخست در آسیا پدید آمد و سپس، تقریباً به تمامی آفریقا کشانیده شد. علل پیدایی این فرایند و اشکالی که به خود می گیرد، با توجه به نوع مناطق و همچنین بر حسب آن که استعمار با چه شیوه‌هایی تحقق پذیرفته، تنوع می یابد.

Political Independence**استقلال سیاسی**

به قدرت يك دولت در اداره امور داخلی و خارجی آن بدون جلب نظر و موافقت يك دولت دیگر گفته می شود.

Credential Letter**استوارنامه**

این اصطلاح در عرف دیپلماتیک به حکمی گفته می شود که از طرف

رؤسای کشورها به سفرا و مأموران سیاسی داده می‌شود و نمایانگر اعتبار آنها نزد رؤسای کشورهای بیگانه است.

اسکاپ (کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام) **ESCAP - Economic and Social Commission for Asia and Pacific**

این کمیسیون که قبل از سال ۱۹۷۴ کمیسیون اقتصادی برای آسیا و خاور دور (اکافه) نامیده می‌شد، با هدف تجدید بنای اقتصادی آسیا، خاور دور و تشویق فعالیت اقتصادی در این ناحیه و توسعه روابط اقتصادی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان به وجود آمد. در سال ۱۹۷۴ هدفهای اجتماعی نیز به هدفهای مذکور اضافه شد و نام آن نیز به اسکاپ تغییر یافت.

اعضای اصلی و مؤسس اکافه عبارت بودند از:

- الف - چهار کشور آسیایی، چین - هند - فیلیپین و سیام
 - ب - شش کشور غیر آسیایی که هر يك منافع اساسی در این منطقه داشته‌اند: فرانسه، آمریکا، انگلیس، شوروی، هلند و استرالیا.
- بعداً کشورهای دیگری چون ایران به اکافه پیوستند.

اطلاعات Intelligence

مجموعه مطالب محرمانه‌ای است که يك دولت در خصوص تواناییها، اهداف و نیات دولتهای دیگر کسب می‌کند. اطلاعات محرمانه نظامی و یا استراتژیک در رابطه با نیروهای زمینی، هوایی و دریایی، جنگ افزارهای جدید، روحیه نیروهای مسلح، قابلیت‌های جنگی، طرحهای استراتژیک و تاکتیکی، اتحادها و پیمانهای سری و روحیه افراد از جمله آنها است. واحدهای ضد اطلاعات نیز با جاسوسان خارجی و عواملی داخلی آنها برای جلوگیری از کسب اطلاعات محرمانه نظامی و غیر نظامی و ارسال آن به خارج و تغذیه دستگاههای جاسوسی بیگانه فعالیت می‌کنند. امروزه اهمیت کسب اطلاعات محرمانه در باره کشورهای دوست کمتر از کشورهای دشمن نیست.

Protest**اعتراض رسمی**

عبارت از ابلاغ رسمی حکومتی به حکومت دیگر است که در آن اعتراض خود را نسبت به عملی که آن دولت انجام داده و یا قصد انجامش را دارد ابراز کرده، عدم تمکین و تسلیم خود را در برابر آن و آمادگیش را برای مقابله با نتایج آن اعلام می‌دارد و هر نوع تضییع حقوق احتمالی را که از عمل آن دولت ناشی شود، غیر قانونی اعلام می‌کند.

Strike**اعتصاب**

به مفهوم دست از کار کشیدن کارگران، کارمندان و سایر گروه‌ها می‌باشد که می‌تواند کلی یا جزئی، با مدت معین و یا نامحدود باشد.

Balfour Declaration**اعلامیه بالفور (۱۹۱۷)**

این اصطلاح به مفادنامه‌ای اطلاق می‌شود که در دوم نوامبر سال ۱۹۱۷ توسط آرتور جیمز بالفور وزیر خارجه بریتانیا خطاب به سرروچیلد صادر شد و در آن، موافقت دولت انگلستان با تأمین وطن ملی برای یهودیان در فلسطین مساعد تلقی شد.

Act of Chapultepec**اعلامیه چاپولتیک (۱۹۴۵)**

اعلامیه‌ای است که «کنفرانس درون قاره‌ای آمریکا در خصوص جنگ و صلح» آن را منتشر کرد. اعلامیه مذکور تصمیم دولتهای آمریکایی را برای کمک به یکدیگر و «جلوگیری از دستیازی دولتهای غیر آمریکایی در استقلال سیاسی دولتهای آمریکایی» ابراز می‌دارد. این اعلامیه منشور ملل متحد سازگار نیست، گرچه بر مفاد و پیش‌بینیهای آن در «قرارداد ریو» مجدداً مهر تأیید نهاده شد.

Public Opinion**افکار عمومی**

افکار عمومی به عکس‌العمل بخش عمده جامعه در برابر حوادثی اطلاق می‌شود که برای جامعه جنبه حیاتی دارد و یا دست کم بخش عمده

آن را حیاتی تلقی می کنند. ممکن است طرز تفکر یا شیوه خاصی از ادراک و اعلام نظر خیلی شایع باشد، اما افکار عمومی تلقی نشود، در این صورت از آرای کلی بحث می کنند.

اقامتگاه **Domicile**

رابطه‌ای است حقوقی و دارای بعضی از خصایص سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می شود و بدین وسیله اشخاص، بدون آن که واجد صفت تبعه باشند، از گروه ساکنان و متعلقان به آن حوزه مشخص می شوند. به عبارت دیگر، اقامتگاه مشخص در مملکتی قرار دارد که منافع او در آنجا متمرکز شده است و این منافع نوعاً مالی و مادی هستند.

از لحاظ تعیین صلاحیت دادگاهها، بر اساس سنت و رویه متداول دادگاه صلاحیتدار عبارت از دادگاه اقامتگاه می باشد. در مورد ترکه منقول نیز، قانون، محل فوت را به عنوان اقامتگاه متوفی به شمار می آورد.

اقلیتها **Minorities**

به گروهی از مردم اطلاق می شود که دارای نژاد، فرهنگ، سنن یا مذهب جداگانه‌ای غیر از فرهنگ و مذهب کشوری هستند که در آن زندگی می کنند. حقوق اقلیت در غالب قانونهای اساسی کشورهای جهان محترم شمرده شده است.

اکثریت **Majority**

در هر توده از گروههای گوناگون، گروهی را که شمار بیشتر داشته باشد «اکثریت» و آن را که شمار کمتر دارد «اقلیت» گویند.

اکنونیسم (اقتصاد باوری) **Economism**

به مقدم داشتن اقتصاد و تأمین معیشت، بر سیاست و مبارزه سیاسی گفته می شود. امروزه کمونیستهای انقلابی و تندرو، شوروی را متهم به

اکنونومیسم و ترک مبارزه سیاسی و سازش با امپریالیسم به خاطر مقاصد اقتصادی می کنند.

Annexation

الحاق

ضمیمه کردن منطقه‌ای که سابقاً متعلق به دولت دیگری بوده و یا مالک خاصی نداشته است، به خاک یک کشور دیگر. این عمل غالباً یک جانبه است.

Elite

الیت (نخبه)

به افرادی اطلاق می شود که نفوذ مؤثری به جامعه داشته و تصمیمات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را اتخاذ می نمایند. این قبیل افراد نفوذ خود را از طریق ثروت، موقعیت خانوادگی، نظامهای کاستی و یا برتریهای روشنفکری کسب می کنند. الیتها (نخبگان) ساختار قدرت جوامع ملی و محلی را تشکیل می دهند.

Oligarchy

الیگارشی

این اصطلاح به مفهوم سیادت سیاسی و اقتصادی گروههای معدودی از ثروتمندان، استثمارگران و صاحبان نفوذ می باشد و یکی از اشکال حکومتی در نظامهای استثماری به شمار می رود.

Alienation

الیناسیون

مفهومی است از هگل که رابطه موجود بین نفی و اثبات را مشخص می دارد. مارکس این مضمون را مخصوصاً به منظور تاویل مناسبات بین بورژوازی و رنجبران مورد توجه قرار می دهد. در تاویل از خود بیگانگی به سبک مارکس همه از خود بیگانگیهای انسانی مطمح نظر قرار نمی گیرند و شرایط وجود انسان از خود بیگانه از هر نظر مطرح نمی شوند. در نظامهایی که تملک خصوصی وسایل جمعی تولید را ملغی ساخته‌اند، هنوز اوضاعی ناشی از خود بیگانگی وجود دارد.

Political Alienation**الیناسون سیاسی**

الیناسیون (از خودبیگانگی) سیاسی حالتی است که در آن شخص به این باور می‌رسد که توانایی خود را برای شرکت مؤثر در پروسه (فراگرد) سیاسی آن کشور از دست داده است و قادر به نفوذ به نتایج سیاسی حاصله نیست. این اعتقاد زمانی در افراد ایجاد می‌شود که دولت نتواند به امیدهای مردم جامعه عمل پوشانده و یا در از میان بردن ترس آنان با شکست مواجه گردد.

Imperialism**امپریالیسم**

این اصطلاح به مفهوم، اعمال سیاستهای توسعه طلبانه اقتصادی و برتری طلبی (هژمونی) سیاسی دولتهای نیرومند بر ملت یا ملل دیگر است. مفهوم امپریالیسم را می‌توان از استعمار و اشغال نظامی جدا دانست.

به نظر لنین، خصیصه اصلی وجوه امپریالیسم در زمینه اقتصادی آن است که تسلط انحصارات جایگزین رقابت آزاد سرمایه‌داری می‌گردد. انحصارات نقش تعیین کننده و تصمیم گیرنده را در اقتصاد و سیاست کشورهای سرمایه‌داری ایفا می‌کنند.

در همین رابطه، استالین با ارائه قانون اصول اقتصاد سرمایه‌داری کنونی، اظهار می‌دارد که: «مهمترین نتیجه‌گیری حاصل از این قانون این است که نظام سرمایه‌داری در مرحله امپریالیستی عبارت از کسب بالاترین سود سرمایه‌داری در اثر استعمار کارگران یک کشور معین و اسارت و غارت مداوم و برنامه‌ریزی شده مردمان سایر کشورها است. این روند منجر به نظامی گردیدن اقتصاد ملی می‌شود، و جنگهایی را نیز بر می‌انگیزاند. در طی دوران امپریالیسم، رشد سرمایه‌داری سیر نزولی دارد».

International Security**امنیت بین المللی**

حالتی است که در آن قدرتها در حالت تعادل وبدون دستیازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرتها از

محدوده خود پافراگذار، از لحاظ قدرت (یا قدرتهای) مخالف، امنیت بین المللی «در خطر افتاده است».

امنیت دسته‌جمعی **Collective Security**

به پیمانی گفته می‌شود که اکثریت قابل اتفاق دولتهای جهان برای جلوگیری از نقض صلح در برابر تجاوزات احتمالی بر سر آن توافق دارند. امنیت دسته‌جمعی بر این فرض مبتنی است که هیچ دولت یا گروهی از دولتها جرأت تجاوز به يك جامعه جهانی را ندارند ولی اگر چنین اتفاقی روی دهد، دولتهای دیگر مصمم به ایستادگی در برابر چنین تجاوزی خواهند بود. فصل هفتم منشور ملل متحد اشعار می‌دارد که، سازمان ملل متحد می‌تواند برای حفظ صلح جهانی حتی به اقدام نظامی نیز متوسل شود. پنج قدرت بزرگ (آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین) که دارای حق وتو نیز هستند مسئول اجرای مفاد مزبور هستند.

امنیت ملی **National Security**

حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد. قوانین بین المللی امروزه حدود حقوق و آزادیهای دولتها را تعریف کرده‌اند و ضامن پیشگیری تجاوز کشورها به حقوق یکدیگر شمرده می‌شوند.

انتخابات **Electoral System**

نظام انتخاباتی عبارت از تریبی است که در يك کشور به موجب قوانین و نظامنامه انتخاباتی خاص برای انتخاب ارگانهای انتخابی کشور تعیین نتایج رأی‌گیری مقرر گردیده است.

انترناسیونالیسم **Internationalism**

اصطلاحی است به معنای عقاید و سیاستهایی که بر منافع مشترك اقوام و ملتها تکیه می‌کنند و با ناسیونالیسم پرخاشگر مخالفند. انترناسیونالیستها

بر آنند که همکاری مسالمت آمیز، اگر میان دولتها ممکن نباشد، میان ملت‌ها ممکن است.

Massive Retaliation

انتقام همه جانبه

این اصطلاح که پس از جنگ کره مستند حکومت ژنرال آیزنهاور در رابطه با مقابله با تهدید کمونیسم قرار گرفت عبارت از این بود که آمریکا پیشاپیش حق انتقام همه جانبه را برای خود در هر زمان و مکانی که منافع ملت آمریکا ایجاب نماید، محفوظ خواهد داشت و این امر صرفاً به مکان مورد تجاوز محدود نخواهد بود. آمریکا و شوروی هر دو آگاهند که هیچ یک قادر نیست طرف دیگر را در همان «ضربت اول» منهدم نماید و فرصت کافی برای اجرای «انتقام همه جانبه» از سوی طرف مقابل باقی خواهد بود.

در دهه پنجاه، اعمال این سیاست از سوی آمریکا، بارها هردو ابرقدرت آمریکا و شوروی را تا لبه پرتگاه جنگ سوق داد. ظهور موشکهای هسته‌ای اتحاد شوروی با برد بلند، اعتبار دکترین «انتقام همه جانبه» را زیر سؤال برد. سیاست حکومت‌های کندی و جانسون مبتنی بر این دکترین بود که در صورت بروز جنگ، آمریکا تا آن حد که بتواند باعث جلوگیری از تجاوز و یا فرونشاندن جنگ در منطقه موردنظر شود، از نیروهای خود استفاده خواهد کرد.

انجمن آسیای جنوب شرقی

Association of South East Asia

این انجمن به منظور تسهیل همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل منطقه در سال ۱۹۶۱ و به دنبال اعلامیه بانکوک تشکیل گردید. اعضای انجمن مذکور عبارت بودند از: مالزی، فیلیپین و تایلند.

Individualism

اندویدیوالیسم (اصالت فرد)

این اصطلاح به معنای برتری نهادن فرد بر جمع و قایل شدن اصالت و اهمیت برای فرد و نه برای جمع، می باشد.

فلسفه‌های اگزیستانسیالیسم، پراگماتیسم و پرسونالیسم همگی بر پایهٔ اصالت فرد قرار دارند.

Isolationism انزوا طلبی

عبارت است از اعتقاد به لزوم تبعیت از خط مشی و سیاست کناره‌گیری و فرار و اجتناب علنی يك ملت از همکاری سیاسی و اقتصادی با ملل دیگر.

Revolution انقلاب

به مفهوم کلاسیک کلمه عبارت است از استفاده از قوهٔ قهریه برای اعمال زور و خشونت به قصد ایجاد تغییرات اساسی در نظام حکومتی يك جامعه به منظور برقرار کردن نظامی مبتنی بر قانون اساسی متفاوت و یا به‌طور کلی ایجاد نوع دیگری از نظام حکومتی. انقلاب يك «تحول کیفی و بنیادی و يك چرخش عظیم در حیات جامعه» است. انقلاب همچنین، «به‌سرنوشتی يك نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی» اطلاق می‌شود.

از وجوه مشخصهٔ انقلاب، شرکت وسیع و همگانی اقشار مختلف مردم است. انقلاب وجه مشترکی با «کودتا» و «انقلاب درباری» ندارد.

Bourgeois Revolution انقلاب بورژوازی

به‌نظر مارکسیستها، انقلابی است که سلطهٔ فئودالیسم را در هم می‌شکند، بورژوازی رهبر آن است و در نتیجهٔ آن، قدرت خود را در جامعه مستقر می‌کند.

Revolutionism انقلاب خواهی

به‌هرگونه کردار، روش و نظریه‌ای گفته می‌شود که پشتیبان تغییر اساسی و کامل در وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی باشد.

Palace Revolution**انقلاب درباری**

اصطلاحاً به انقلاباتی از نوع «سفید» گفته می‌شود که به دست هیئت حاکمه صورت می‌گیرد، تا از وقوع انقلابات اصیل و مردمی جلوگیری کند. دکترین کندی (۱۹۶۳-۱۹۱۷) سی و پنجمین رئیس جمهور آمریکا، در دهه شصت مبتنی بر ایجاد انقلابهایی از این دست در جهان سوم بود.

The Brown Revolution**انقلاب قهوه‌ای**

اصطلاحاً به دوران روی کار آمدن آدولف هیتلر پیشوای آلمان نازی اطلاق می‌شود.

Permanent Revolution**انقلاب مداوم (پیوسته)**

اصطلاحی است که برای نخستین بار توسط مارکس در رساله‌ای «خطاب به جامعه کمونیستها» (۱۸۵۰) به کار برده شد.

بر اساس این نظریه، وقتی که در کشوری انقلاب می‌شود، دیر یا زود (اما به طور قطع) انقلاب با شکست مواجه می‌شود و بنابراین باید به انقلاب داخلی قناعت نکرده، بکه کوشش نمود تا در سایر ممالک نیز انقلاباتی به وجود آید.

طرفداران انقلاب مداوم که در رأس آنها «تروتسکی» قرار دارد بر این باورند که: «ساختمان سوسیالیسم در يك کشور غیر ممکن بوده و باید آن قدر انقلاب کرد تا دفعتاً در چند کشور انقلاب رخ دهد، تا بتوان بنای اساسی سوسیالیسم را پایه‌ریزی نمود».

Managerial Revolution**انقلاب مدیریت**

اصطلاحی است برای اشاره به انتقال «قدرت کنترل صنایع و شرکتها» از دست صاحبان آنها به متخصصان تجارت و مدیریت. این انقلاب ناشی از پیشرفت و پیچیده تر شدن اصول مدیریت و روشهای بهره‌برداری از نیروی انسانی و منابع موجود می‌باشد.

اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت) OAPEC (Organization of Arab Petroleum Exporting Countries)

این سازمان در سال ۱۹۶۸ وبا عضویت سه کشور عربستان سعودی، کویت و لیبی به وجود آمد و اساسنامه آن در همان سال در بیروت به امضای دولتهای عضو رسید. کشورهای ابوظبی، الجزایر، بحرین، دبی و قطر در سال ۱۹۷۰، مصر و سوریه در سال ۱۹۷۱ به اوپک پیوستند. از اقدامات مهم اوپک، افزایش قیمت بود که نهایتاً منجر به شوک اول نفتی شد و سازمان اوپک بعداً رویه آن را دنبال کرد. سازمان مذکور یک سازمان مقدماتی برای هماهنگ کردن منافع اعراب در اوپک به شمار می آید.

اوپک (سازمان کشورهای صادر کننده نفت) OPEC (Organization of Petroleum Exporting Countries)

این سازمان به دنبال تلاشهای طولانی کشورهای صادر کننده نفت در سال ۱۹۶۰ به وجود آمد. علل تشکیل اوپک عبارت بودند از:

- ۱- ایجاد سیاست قیمت گذاری مشترك نفت
 - ۲- حفظ ذخایر نفت
 - ۳- حفظ امنیت نفت حمل و نقل شده
- اعضای اولیه اوپک کشورهای عراق، عربستان سعودی، ونزوئلا، ایران و کویت بودند و اعضای دیگر یعنی، قطر، لیبی، اندونزی، ابوظبی، الجزایر، اکوادور، گابون، نیجریه، بعداً به آن اضافه شدند.
- تولید روزانه اوپک تا اکتبر ۱۹۹۰ به ۲۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

اوتارکی Autarky

اوتارکی یا خودبسی عبارت است از سیاست اقتصاد ملی بر اساس بی نیازی کامل از خارج و تولید کردن تمام مواد مورد نیاز در داخل و وابسته نبودن به واردات.

اولترا-امپریالیسم **Ultra - imperialism**

بر اساس نظریه کائوتسکی: «امپریالیسم در پروسه رشد خود در جهت انحصاری شدن هر چه بیشتر به مرحله‌ای می‌رسد که در آن رقابت میان امپریالیستها پایان گرفته و بهره‌برداری مشترك از جهان به توسط يك سرمايه مالی که در مقیاس بین المللی متحد شده است، تحقق می‌یابد.»

اولتیماتوم (اتمام حجت) **Ultimatum**

در عرف دیپلماتیک عبارت از سندی است که به وسیله يك دولت به دولت دیگر تسلیم می‌شود و در آن، حداقل امتیازاتی که دولت تسلیم کننده از طرف مقابل می‌خواهد و نیز حداکثر امتیازاتی که می‌تواند به آن بدهد، منعکس می‌گردد.

در سند مذکور پیشنهادها و شروط دولت تسلیم کننده سند، به نحو قاطع و غیر قابل رجوع ذکر می‌گردد و از طرف مقابل خواسته می‌شود تا کلیه امکاناتش را برای حل مورد اختلاف به کار گیرد.

ایدئولوژی **Ideology**

ایدئولوژی عبارت است از فلسفه سیاسی و اجتماعی که در آن توجه به عمل به اندازه نظر و گاه بیش از آن اهمیت دارد. هر ایدئولوژی طرحی آرمانی از جامعه دارد که پدید آوردن آن را از هواداران خود خواستار است.

ایدئولوگ **Ideologue**

ایدئولوگ (مسلك ساز) در اصطلاح فلسفه سیاسی به متفکران و نظریه پردازانی گفته می‌شود که به ارائه، تنظیم و تدوین يك ایدئولوژی پرداخته و در واقع خالق آن هستند.

ب

Hawks

بازها

این اصطلاح در ادبیات سیاسی به دولتمردانی اطلاق می گردد که خواستار برقراری جنگ و ادامه آن به منظور دستیابی به اهداف نظامی - سیاسی هستند «بازها» به سیاستمداران تندرو نیز گفته می شود.

Paris Club

باشگاه پاریس

این اصطلاح به گروهی از کشورها مشتمل بر آمریکا، انگلستان، کانادا، فرانسه، سوئد، هلند، بلژیک، ایتالیا و ژاپن اطلاق می شود. اعضای باشگاه توافق کرده اند که در صورت تقاضای صندوق بین المللی پول، مبنی بر افزایش وام، به این صندوق کمک کنند.

Bakuninism

باکونینیسم

عقیده ای است منسوب به باکونین (۱۸۷۶ - ۱۸۱۴) نویسنده آنارشیزم روسی. اصول عقاید وی عبارت است از، لزوم از میان بردن دولت و حفظ حقوق فردیت افراطی.

بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)

International Bank for Reconstruction and Development (World Bank)

اساسنامه بانک مزبور در سال ۱۹۴۴ در کنفرانس «برتون وودز» تنظیم گردید و بانک، کار خود را در سالهای ۴۷-۱۹۴۶ آغاز کرد. اعضای بانک آن عده از کشورهای عضو صندوق بین المللی هستند که اساسنامه بانک بین المللی ترسیم و توسعه را تصویب کرده و نحوه عملیات بانک را پذیرفته‌اند. منظور از تأسیس این بانک، کمک به بازسازی کشورهای بود که در اثر جنگ جهانی دوم ویران و دچار گرفتاریهای مالی شده بودند.

بانک توسعه و عمران اروپای شرقی (دسامبر ۱۹۸۹)

طرح این بانک توسط فرانسوامیتران رییس جمهور سوسیالیست فرانسه در کنفرانس لوکزامبورگ (دسامبر ۱۹۸۹) ارائه گردید. بر اساس طرح فوق، به آن دسته از کشورهای اروپای شرقی که به سوی دموکراسی گام برمی‌داشتند، کمکهای تعلق می‌گرفت.

Brezhnevism

برژنفیسم

این اصطلاح به خط مشی های لئونید برژنف رهبر شوروی (۱۹۶۴-۱۹۸۲) در برابر اقمار آن کشور گفته می‌شود. بر اساس آیین برژنف، «حق حاکمیت ملی کشورهای سوسیالیستی را نمی‌توان در برابر منافع سوسیالیسم جهانی قرار داد. ضوابط حقوق بین الملل تابع قانونمندیهای مبارزه طبقاتی و تکامل اجتماعی است».

Laissez - Passer

برگ عبور (لسه پاسه)

به سندی اطلاق می‌شود که توسط مقامات سفارت، کنسولگری و یا نمایندگیهای مشابه، بدلائیل گوناگون (از جمله فقدان گذرنامه) صادر و تسلیم متقاضی می‌شود تا فقط برای ورود به کشوری که تابعیت آن را دارد، مورد استفاده قرار گیرد.

Point Four Program

برنامه اصل چهار

این اصطلاح به طرحی گفته می‌شود که از سوی هاری ترومن

(۱۸۸۴-۱۹۷۲) سی وسومین رییس جمهور آمریکا برای ارسال کمکهای فنی به کشورهای عقب افتاده ارایه گردید. اصطلاح مذکور از آن رو «اصل چهار» نامیده شد که بند چهارم نطق افتتاحیه ریاست جمهوری وی را تشکیل می داد (ژانویه ۱۹۴۹). برنامه اصل چهار به نفوذ بیش از پیش آمریکا در کشورهای جهان سوم و در نهایت مداخله در امور داخلی این قبیل کشورها کمک کرد.

Marshall Plan

برنامه مارشال

به برنامه ای گفته می شود که توسط جورج مارشال وزیر خارجه آمریکا در طی نطقی پیشنهاد شد (ژوئن ۱۹۴۷). به موجب برنامه مذکور، آمریکا برای بازگرداندن ثبات اقتصادی اروپا و بازسازی آن تمامی تلاش خود را به کار می بست. کشورهای کمونیست برنامه مارشال را نپذیرفتند؛ فنلاند و اسپانیا نیز آن را مورد قبول قرار ندادند. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۷ نمایندگان اتریش، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، لوکزامبورگ، نروژ، هلند و یونان برای تشکیل کنفرانس همکاری اقتصادی اروپا در پاریس گرد آمدند و برنامه ای برای سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ ریختند که «طرح بازسازی اروپا» نام گرفت و پس از آن، «سازمان همکاری اقتصادی اروپا» برای اجرای آن طرح به وجود آمد.

Anti - Poverty Program

برنامه مبارزه با فقر

برنامه ای است که توسط جان اف. کندی سی و پنجمین رییس جمهور آمریکا و جانشین وی لیندون جانسون برای ریشه کن کردن فقر در آمریکا به اجرا در آمد. برنامه مذکور به دست نوعی سپاهیان صلح داخلی به اجرا درآمد که با شروع جنگ ویتنام، اجرای آن با اشکالاتی مواجه شد.

Mobilization

بسیج

اقداماتی است که از سوی يك دولت برای حفظ آمادگی جنگی آن کشور

صورت می گیرد. این اقدامات شامل آماده‌باش نیروهای مسلح، احضار افراد زیر پرچم، بستن مرزها، اخراج یا کنترل اتباع دشمن در داخل يك کشور، جلوگیری از خرابکاری، اعمال مقررات منع رفت و آمد و برقراری مقررات ویژه اقتصادی است. اعلام حالت بسیج همگانی معمولاً نشان دهنده شکست مذاکرات دیپلماتیک برای حل مناقشات بین دو کشور است.

Blankism بلانکیسم

به جریانی در نهضت سوسیالیستی گفته می شود که در قرن نوزدهم در فرانسه پدیدار شد. بر اساس نظریه اوگوست بلانکی (۱۸۸۱ - ۱۸۰۵)، استثمار سرمایه‌داری را می توان با يك توطئه، اقدام دسته‌ای کوچک از انقلابیون مصمم و فداکار و بدون شرکت پشتیبانی توده‌های وسیع نابود کرد و با استقرار آن دسته کوچک در حکومت، به سوسیالیسم رسید.

Bloc بلوک

این اصطلاح به اعضای يك نهاد مقننه گفته می شود که الزاماً از يك حزب نیستند ولی دارای آمال و هدفهای مشترک هستند. اصطلاح مذکور همچنین به گروهی از کشورها اطلاق می شود که برای يك آرمان واحد تلاش می کنند.

Eastern Bloc بلوک شرق

این بلوک متشکل از کشورهایی است که به طور کلی از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای يك مسلک هستند و از نظام سوسیالیستی پیروی می کنند. این کشورها عبارتند از اتحاد شوروی، آلبانی، لهستان، چکسلواکی، رومانی، یوگسلاوی، مجارستان، بلغارستان و آلمان شرقی در قاره اروپا، کره شمالی و ویتنام در قاره آسیا و کوبا در قاره آمریکا.

به دنبال اعمال سیاستهای جدید رهبران شوروی در قبال کشورهای اقمار کمونیستی، تحول عظیمی در ساختار بلوک مذکور صورت گرفته است که از میان آن می توان به استعفای دولتمردان قدیمی حزب کمونیست، انحلال

احزاب حاکم و فرو ریختن دیوار برلن (۱۰ نوامبر ۱۹۸۹) و نیز اعطای آزادیهای سیاسی و مدنی اشاره کرد.

Western Bloc

بلوک غرب

این اصطلاح به کشورهای آمریکا و غرب اروپا گفته می‌شود که دارای نظامهای سرمایه‌داری بوده و اغلب آنها عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هستند. این کشورها غالباً در برابر بلوک شرق سیاست واحدی را طرح ریزی می‌کنند.

Bonapartism Without Napoleon بناپارتیسم بدون ناپلئون

بناپارتیسم به سیستم سیاسی - نظامی ناپلئون اول (۱۷۶۹ - ۱۸۲۱) امپراتور فرانسه گفته می‌شود که در شرایطی ناشی از بسط سریع سرمایه‌داری در قرن نوزدهم و با توسل به ایجاد مآجرهای نظامی پرورش یافت. ناپلئون دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه را مورد بهره‌برداری قرار داد و توفان انقلاب را خاموش کرد. تمایلات امپریالیستی ملهم از منافع سرمایه‌داری فرانسه، وی را علیه کشورهای اروپایی برانگیخت و دنیای نیمه فئودال نیز تاب مقاومت در برابر او را نیافت. ارزش کار ناپلئون در این است که توانست صحیح‌ترین طریقه‌های تاکتیکی و استراتژیکی استفاده از توده‌های عظیم مسلح را که پیدایش آن جز به نیروی انقلاب امکان‌پذیر نبود، بیابد. با این وجود، شکست او در جنگهای ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵ صرفاً به دلایلی چون تفوق عظیم نیروهای متفقین اروپایی و به علت ناتوانی ملتی بود که بر اثر يك ربع قرن جنگ از پای در آمده بود و دیگر نمی‌توانست در برابر حمله دنیایی که علیه او مسلح شده بود، مقاومت کند. از آن جایی که بناپارتیسم نیز مانند هر سیستم فردی دیگر قایم به ذات بود. با استعفاء ناپلئون، معنا و مفهوم خود را از دست داد و از هم فروپاشید.

Benelux

بنه‌لوکس

عنوانی است برای اتحادیه گمرکی میان بلژیک، هلند و لوگزامبورگ، که

در سال ۱۹۴۷ به وجود آمد و موفقیت آن باعث تشویق در فکر تأسیس «بازار مشترك» شد. بنه لوکس اکنون در بازار مشترك (جامعه اقتصادی اروپا) ادغام شده است.

بورژوازی **Bourgeoisie**

به طبقه سرمایه‌داران یعنی کسانی که دارای وسایل اساسی تولید مثل کارخانه‌ها، بانکها، وسایل حمل و نقل، توزیع و غیره هستند، گفته می‌شود.

از نظر مارکسیستها، بورژوازی در بطن جامعه فئودالی و در جریان فروپاشی نظام تولید خرده‌کالایی به وجود آمده و رشد کرده است؛ در مراحل تراکم اولیه سرمایه، به عنوان طبقه ظاهر شده و در طی چندین قرن مبارزه توانسته است، حاکمیت خود را مستقر کند.

اصطلاح خرده‌بورژوازی نیز به تولیدکنندگان کوچک کالا گفته می‌شود که صاحب وسایل تولید بوده و کار تولیدی نیز انجام می‌دهند ولی معمولاً از کار دیگران بهره‌کشی نمی‌کنند. بسیاری از پیشه‌وران، صاحبان حرفه‌ها و دهقانان صاحب زمین از این دسته‌اند.

بوروکراسی **Bureaucracy**

این اصطلاح به مفهوم حکومت کارمندان به شکل سازمان یافته و دارای بافت منسجم، اطلاق می‌گردد.

بوروکراسی به عنوان یکی از مهمترین منابع قدرت هر جامعه می‌تواند مظهر حکومت عقل و منطق به حساب آید و رهبری کاریزماتیک (فره‌مند) و عواطف و احساسات فردی را که اغلب در تصمیمات اداری و حتی خط مشی‌ها و قوانین و سیاستهای عمومی جوامع بشری متجلی است، مهار کند و در خدمت جامعه آورد؛ در عین حال نیز می‌تواند شکل سلاخی مخرب و سهمگین را به خود بگیرد و بر ضد منافع مردم به کار افتد.

چهار نوع بوروکراسی به این شرح تشخیص داده شده است:

۱- بوروکراسی محافظ

۲- بوروکراسی طبقاتی

۳- بوروکراسی جانبداری حزبی

۴- بوروکراسی لیاقت

Bolshevism

بولشویسم

عبارت است از هواداری از مارکسیسم ارتودوکس در مقابل تجدید نظر طلبی (ریویزیونیسم)؛ و نماد متمرکز حزبی با سلسله مراتب منظم، وهسته‌ای از انقلابیهای حرفه‌ای با عنوان عنصر رهبری کننده، در مقابل احزاب وسیع با سازمان نامتشکل.

Bundstag

بوندستاگ

اصطلاحی است آلمانی به معنای «مجلس فدرال» که وظیفه قانونگذاری را در «جمهوری فدرال آلمان» بر عهده دارد.

Prague Spring

بهار پراگ (۱۹۶۸)

به يك جریان لیبرالی در چکسلواکی گفته می شود که توسط الکساندر دوبچک رهبر حزب کمونیست آن کشور به وجود آمد؛ با این وجود، سردمداران شوروی برای آن که جنبش فوق به سایر کشورهای اروپای شرقی سرایت نکند با صدور اعلامیه‌ای که در آن، «حفظ ودفاع از دستاوردهایی که به بهای کوششهای قهرمانانه و از خودگذشتگیهای فراوان مردم به دست آمده است، وظیفه مشترک و بین المللی کلیه کشورهای سوسیالیست است» با اعزام ۲۴ لشکر از ارتشهای پیمان ورشو (در تابستان ۱۹۶۸) به جریان «بهار پراگ» خاتمه بخشیدند.

پس از تحولات پاییز ۱۹۸۹ در کشورهای اروپای شرقی، شوروی دخالت خود را در جریان «بهار پراگ»، يك اشتباه خواند.

Neutrality

بی طرفی

عبارت است از عدم شرکت کشوری در جنگ بین کشورهای دیگر. اگر

دولتی بخواهد بی طرف باقی بماند و مشمول حقوق بی طرفی گردد، باید تعهدات ویژه‌ای را به عهده گرفته و به خصوص از دخالت در امور جنگ خودداری نماید.

بیگانه ترسی **Xenophobia**

به ترس از خارجی‌ان و خط مشی‌های آنان اطلاق می‌شود. این ترس معمولاً در میان مردمی دیده می‌شود که سالها تحت استعمار قدرتهای بزرگ بوده و یا استعمار شدن مردم کشورهای دیگر را حس کرده‌اند.

بین الملل (انترناسیونال) **International**

نام انجمن سازمانهای کارگری و گروهها و احزاب سوسیالیست است که برای رسیدن به همیاری جهانی و پیش بردن جنبش کارگری در جهان تلاش می‌کردند. بین الملل اول در سال ۱۸۶۴ در لندن و با عنوان، «انجمن بین المللی کارگران» تشکیل شد؛ بین الملل دوم در سال ۱۸۸۹ به صورت «سازمان مشترك احزاب سوسیالیست» و بین الملل سوم نیز در سال ۱۹۱۹ در مسکو تشکیل گردید. بین الملل سوم نخست کومیترون و سپس کومینفورم خوانده می‌شد.

بین الملل چهارم را پیروان تروتسکی در سال ۱۹۳۸ بنا نهادند که هم اکنون نیز فعالیت دارد.

بین الملل سوسیالیست **Socialist International**

«بین الملل کارگری و سوسیالیست» که در ۱۹۳۳ از بازمانده حزبهای سوسیال دموکرات عضو بین الملل دوم (پس از جدایی کمونیستها) تشکیل شد و با فتح اروپا به دست نازیها از میان رفت. پس از جنگ، «انجمن جهانی حزبهای سوسیال دموکرات» تشکیل شد، که مرکز آن در لندن است. این انجمن در ۱۹۵۱ بدنبال «کنفرانس فرانکفورت» پدید آمد و آن کنفرانس، اولین کنگره بین الملل سوسیالیست شناخته شد.



پارتوکراسی (حزب سالاری) **Partocracy**
اصطلاحی است که به حاکمیت حزبی و به زعم کمونیستها به «دموکراسی حزبی» اطلاق می شود که در سده بیستم و پس از انقلاب کمونیستی پدید آمد.

در نظام پارتوکراسی شیوه های حکومت فردی، حاکمیت رهبران حزبی و حاکمیت حزب یا حاکمیت «طبقه جدید» در جامعه برقرار می شود.

پارلمان **Parliament**
مجمعی که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها از سوی مردم برگزیده می شود؛ که معمولاً با رأی مستقیم، مخفی و همگانی مردم انتخاب می گردد. در کشورهایی که به موجب قانون از اصل تفکیک قوا پیروی می کنند، پارلمان، قوه مقننه را تشکیل می دهد.

پارلمان اروپایی **European Parliament**
نام جدید «مجمع پارلمان اروپا» است که از سال ۱۹۶۲ به این نام خوانده می شود و ترجمان احساسات و مبین افکار عمومی مردم کشورهای عضو جامعه مزبور است. تعداد نمایندگان پارلمان اروپا ۱۹۸ نفر است که به ترتیب ذیل از طرف پارلمانهای کشورهای عضو انتخاب می شوند:

الف: آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه هر يك ۳۶ نفر.

ب: بلژيك و هلند هر يك ۱۴ نفر.

ج: ایرلند و دانمارك هر يك ۱۰ نماینده.

د: لوکزامبورگ ۶ نماینده.

پارلمان دارای اختیارات مشورتی و نظارتی است ولی قدرت قانونگذاری ندارد.

Pan - Germanism

پان رژمنیسم

به عقیده‌ای گفته می‌شود که حامی اتحاد ملل آلمانی زبان در يك امپراتوری وسیع و واحد است. این اصطلاح همچنین راه حلها و برنامه‌هایی را که در این رابطه وجود دارد، شامل می‌شود. ریشه‌های فلسفی پان رژمنیسم به یوهان گوتلیت فیشته (۱۸۱۴-۱۷۶۲) می‌رسد.

Admission

پذیرش

عبارت از روندی است که به موجب آن تقاضای عضویت يك دولت در يك سازمان بین المللی پذیرفته می‌شود. در سازمان ملل متحد، رویه معمول چنین است که شورای امنیت، کشور (دولت) موردنظر را که دوسوم آرای مجمع عمومی را کسب کرده باشد، معرفی می‌کند. هر يك از اعضای دائمی شورای امنیت می‌توانند با برخورداری از حق وتو مانع قبول تقاضای دولت متقاضی شوند. مهمترین شرط پذیرش عبارت از توانایی دولت متقاضی برای قبول تعهدات است.

Perestroika

پراسترویکا

اصطلاحی است روسی متشکل از پیشوند Pere و کلمه ترویکا Troika که به مفهوم «تجدید تنسيق» می‌باشد. این واژه را در انگلیسی به بازسازی (reconstruction) ترجمه کرده‌اند.

در تاریخ سیاسی معاصر اتحاد شوروی، اصطلاح مذکور به اندیشه‌ها و عملکرد گورباچف رهبر آن کشور در رابطه با نوسازی جامعه، تجدید تفکر،

گزینش راه و روشی نوین با مفهومی بسیار گسترده اطلاق می شود. گورباچف بر این باور است که پراسترویکا نیازی است اجتناب ناپذیر که از فراگرد تکامل جامعه سوسیالیست نشئت می گیرد و تعویق آن موجب می شود که در آینده ای نزدیک، وضع داخلی کشور به صورت نامطلوبی در آید.

پراگماتیسم (عمل گرایی) Pragmatism

از ریشه ای یونانی به معنای، «امر تحقق پذیرفته» است. پراگماتیسم آیینی است فلسفی که فقط آثار عملی شناخت را به عنوان معیار حقیقت می پذیرد. در آن معرفت یا شناختی حقیقت دارد که در عمل نتایجی پربار پدید آورد.

ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) مبرزترین اندیشمند عمل گرایی است. از نظر او، انسان قادر به دستیابی به حقیقت مطلق نیست. اندیشه و تصویری که ما از يك شئی داریم، جزء مجموع آثاری نیست که در عمل بدان منتسب می داریم.

پرده آهنین Iron Curtain

این اصطلاح احتمالاً برای نخستین بار توسط دکتر گوبلز (۱۸۹۷-۱۹۴۵) وزیر تبلیغات آلمان نازی در نوشته های ضد بولشویکی و به طور رسمی توسط وینستون چرچیل (۱۸۷۴-۱۹۶۵) در سخنرانی فولتن (۱۹۴۶/۳/۵) به کار برده شده است و مراد از آن فقدان آزادی اظهار عقیده و رفت و آمد به داخل یا خارج مرزهای اتحاد شوروی و بلوک شرق می باشد.

پروتکل ژنو (۱۹۲۵) Geneva Protocol (1925)

این پروتکل در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۲۵ در خصوص منع استعمال گازهای خفه کننده و مسموم و مواد میکروبی در جنگ، در ژنوبه امضا رسید.

Proxenos**پروکزنوس**

به شهروند دولت فرستنده اطلاق می شود که در کشور پذیرنده اقامت دارد و از سوی آن دولت مأمور حفظ منافع اتباع دولت خود (فرستنده) می شود، که در کشور پذیرنده اقامت دارند.

Prolétariat**پرولتاریا**

این اصطلاح در رم قدیم به کسانی گفته می شد که حقوقی نداشتند و فاقد مالکیت بودند و غیر از فرزند آوردن هیچ نقش اجتماعی نداشتند. در دوران معاصر و بنا به عقیده مارکس پرولتاریا عبارت از، «طبقه کارگری است که از هر نوع دارایی محروم است و از استثمار شدنش به وسیله طبقه بورژوا آگاه می شود و طبقه‌ای را تشکیل می دهد که از طرف جامعه به محلات خاص خودش طرد و محدود شده است».

Plutocracy**پلوتوکراسی**

نوعی سیستم حکومتی است که به دست ثروتمندترین افراد يك جامعه اداره می شود. پلوترکراسی را حکومت اغنیا نیز نامیده‌اند.

Asylum**پناهنده**

بر اساس تصمیم شماره ۴۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰، پناهنده کسی است که «به علت ترس موجهی که داشته یا دارد از این که به خاطر نژاد، مذهب، ملیت یا عقاید سیاسی تحت تعقیب در آید، از کشور متبوع خود و یا اگر تابعیتی ندارد از کشوری که قبلاً عادتاً در آن جا ساکن بوده است، خارج باشد و به خاطر ترس مزبور نخواهد که از حمایت کشور متبوع برخوردار شود؛ و اگر فاقد تابعیت است نخواهد که کشوری که قبلاً در آن جا ساکن بوده است، باز گردد».

بر اساس تعریف دیوان دادگستری بین المللی، پناهنده عبارت از کسی است که «توسط يك دولت تحت تعقیب بوده و مورد حمایت کشور دیگری از طریق ایجاد موانع در راه تعقیب وی قرار می گیرد».

Pentagonism**پنتاگونیزم**

عبارت از روشها و شیوه برخورد مقامات پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) در قبال مسایل جهانی است.

Open Sky Proposal**پیشنهاد «آسمان باز»**

طرحی است که در سال ۱۹۵۵ توسط ژنرال دویت آیزنهاور، سی و چهارمین رئیس جمهور آمریکا در نخستین اجلاس در کنفرانس ژنو به نیکیتا خروشچف، نخست وزیر شوروی ارایه گردید تا ترس از يك حمله غافلگیرانه اتمی را کاهش داده و مذاکرات خلع سلاح را از بن بست خارج کند. به سبب این طرح آمریکا و شوروی موظف گردیدند تا طرح کارهای خود را در زمینه‌های نظامی ارایه داده و به مراقبتهای هوایی خود بر فراز قلمرو یکدیگر ادامه دهند.

Diplomatic Courier**پیک سیاسی**

این اصطلاح به حامل پست سیاسی اطلاق می شود. به موجب ماده ۲۷ کنوانسیون وین در خصوص روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، دولت پذیرنده موظف به ایجاد تسهیلات لازم ارتباطی از جمله پیک دیپلماتیک است. باستناد بند پنج همین ماده، پیک سیاسی در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار است. وی به هیچ وجه بازداشت و یا زندانی نخواهد شد.

پیمان آمریکا و شوروی در خصوص حذف موشکهای میان برد و کوتاه

Treaty Between the USSR and the USA on the Elimination of their Intermediate - Range and Short-Range Missiles

این اصطلاح به پیمانی گفته می شود که در تاریخ هشتم دسامبر سال ۱۹۸۷ بین میخائیل گورباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی و رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا در خصوص حذف موشکهای میان برد و کوتاه

برد دو طرف در شهر واشنگتن به امضا رسید. این پیمان دارای هفده ماده، يك يادداشت تفاهم، و پروتکل‌های مربوط بوده است.

پیمان مذکور موشک‌های بالستیک، موشک‌های بالستیک زمین پایه، موشک‌های کروز، موشک‌های کروز زمین پایه، دارای برد متوسط (بین ۱۰۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر)، و برد کوتاه (بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر) را شامل می‌شود. به عبارت دیگر موشک‌های اس اس - ۲۰، اس اس - ۴، اس اس - ۵ شوروی و پرشینگ - ۲ آمریکایی در زمره موشک‌های برد متوسط به شمار می‌آیند. موشک‌های روسی از نوع اس اس - ۱۲، اس اس - ۲۳ و پرشینگ - يك (A) جزو موشک‌های کوتاه برد محسوب می‌شوند.

پیمان آنزوس (۱۹۵۱) ANZUS Treaty

به پیمان سه جانبه امنیت استرالیا، زلاندنو و آمریکا گفته می‌شود که روز اول سپتامبر ۱۹۵۱ در سانفرانسیسکو منعقد گردید. بر اساس این پیمان سه کشور توافق می‌کنند که هرگونه حمله مسلحانه به یکی از طرفین در حوزه اقیانوس آرام برای صلح و امنیت خطرناک است و برای مقابله با خطر مشترك، اقدامات لازم از سوی طرفین انجام خواهد شد.

پیمان امنیت اقیانوس آرام Pacific Security Pact

پیمان امنیت سه جانبه‌ای است میان استرالیا، زلاندنو و ایالات متحده آمریکا.

پیمان امنیت دوجانبه Bilateral Security Pact

این پیمان بین دو کشور منعقد می‌گردد تا در صورت بروز جنگ با کشور ثالث، به یاری یکدیگر بشتابند. اکثر این پیمانها بنا به توصیه ابرقدرتها به وجود می‌آید و خود آنها نیز معمولاً به نحوی از انحاء ضامن اجرای آن هستند.

پیمان امنیت ژاپن و آمریکا

Japanese - American Security Treaty

پیمان دو جانبه دفاعی است که در صورت به خطر افتادن امنیت ژاپن به اجرا در خواهد آمد. این عهدنامه در اصل، «پیمان همکاری متقابل آمریکا و ژاپن» نام داشت و در سال ۱۹۶۰ بین دو کشور فوق به امضا رسید. به موجب پیمان مذکور آمریکا مجاز به نگهداری نیروهای هوایی، زمینی و دریایی در ژاپن است. این نیروها به شرح ذیل وارد عمل خواهند شد:

(۱) برای برقراری صلح و امنیت در خاور دور بدون انجام دادن مشورت‌های قبلی.

(۲) دفاع از ژاپن در برابر يك حمله مسلحانه (که با مشورت قبلی مقامات ژاپنی صورت خواهد گرفت).

(۳) جلوگیری از ایجاد آشوب داخلی در ژاپن (چنانچه بر اثر تحريك يك قدرت خارجی به وجود آید).

Balkan Pact

پیمان بالکان (۱۹۵۴)

به پیمان اتحاد نظامی یونان، ترکیه و یوگسلاوی گفته می شود که قرار بود برای مدت بیست سال معتبر باشد.

Baghdad Pact

پیمان بغداد (۱۹۵۵)

این پیمان در فوریه ۱۹۵۵ بین عراق و ترکیه بسته شد. کمی بعد ایران، انگلستان و پاکستان به آن پیوستند. در سال ۱۹۵۷ آمریکا به کمیته‌های اقتصادی و نظامی پیوست ولی خود به عضویت پیمان در نیامد. پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، عراق از پیمان خارج گردید (۱۹۵۹)؛ و مقرر پیمان به آنکارا منتقل شد و از آن به بعد به سازمان پیمان مرکزی (ستو) مشهور گردید.

Dunkirk Treaty

پیمان دونکرك (۱۹۴۷)

پیمانی بود بین فرانسه و بریتانیا که به موجب آن طرفین عهد بستند که در

برابر تجاوز و تهدید آلمان، یکدیگر را در جریان امر قرار دهند.

پیمان ریو (۱۹۴۷) **Rio Treaty**

پیمانی است بین کشورهای آمریکایی که در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۷ در ریودوژانیرو با شرکت کلیه کشورهای آمریکایی به جز کانادا، اکوادور و نیکاراگوا جهت کمکهای مشترک به امضا رسید. برای پیمان مذکور امضا کنندگان موظف شدند در صورت بروز تجاوز علیه یکی از کشورهای آمریکایی مداخله نمایند.

پیمان قطب جنوب (۱۹۵۹) **Antarctic Treaty of 1959**

این اصطلاح به پیمانی اطلاق می شود که برای جلوگیری از سرایت جنگ سرد به قاره منجمد جنوبی و نیز غیر نظامی کردن آن میان دوازده کشور در دسامبر سال ۱۹۵۹ به امضا رسید و مفاد آن نیز از ژوئن ۱۹۶۱ به اجرا درآمد. کشورهای امضا کننده این پیمان عبارت بودند از: آرژانتین، استرالیا، بلژیک، انگلستان، شیلی، فرانسه، ژاپن، زلاندنو، نروژ، آفریقای جنوبی، اتحاد شوروی، و ایالات متحده آمریکا. مهمترین مفاد پیمان مذکور عبارتند از:

- ۱- منع کلیه عملیات نظامی در محدوده قاره منجمد جنوبی.
- ۲- منع انفجار بمبهای اتمی و دفن زباله های رادیو آکتیویته.
- ۳- حق بازرسی از تأسیسات کلیه کشورها به منظور تضمین پیمان مذکور.

۴- عدم شناسایی ادعاهای اراضی کنونی و توافق بر سر این مسئله که ادعاهای جدیدی صورت نخواهد پذیرفت.

۵- قبول مسئولیت حل مناقشات به طرق صلح آمیز مساعدت برای تحقیقات علمی در منطقه.

قلمرو واقع در ۶۰ درجه عرض جغرافیایی مشمول مفاد پیمان مذکور خواهد شد و پیمان هر سی سال يك بار مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت.

Locarno Treaty

پیمان لوکارنو (۱۹۲۵)

پیمانی بود که در ۱۶ نوامبر ۱۹۲۵ میان دولتهای آلمان، ایتالیا، انگلستان، فرانسه و بلژیک به امضا رسید. دولتهای آلمان، فرانسه و بلژیک حفظ مرزهای موجود را پذیرفتند و موافقت کردند که از کاربرد زور علیه یکدیگر خودداری نمایند. ولی آلمان با اعزام نیروهای خود به راینلند، پیمان مذکور را نقض کرد (۱۹۳۶).

Anti - Comintern Pact

پیمان مبارزه با کمونیسم بین المللی

این پیمان در سال ۱۹۳۶ برای مبارزه وسیع علیه کمونیسم بین آلمان و ژاپن به امضا رسید و در ماه نوامبر ۱۹۳۷، ایتالیا نیز به این پیمان پیوست.

پیمان منع آزمایشهای اتمی (۱۹۶۳)

Nuclear Test Ban Treaty

پیمانی است که در تاریخ پنجم اوت ۱۹۶۳ جهت منع انجام آزمایش جنگ افزارهای هسته‌ای در اتمسفر، فضا و زیر آب به امضا رسید. این پیمان شامل آزمایشهای اتمی زیر زمینی نمی گردید.

پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای (۱۹۶۸)

Non - Proliferation Treaty

این پیمان در اوّل ژوئیه ۱۹۶۸ جهت تحدید توسعه سلاحهای هسته‌ای توسط بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و شوروی منعقد گردید و سپس به امضای شصت کشور رسید.

Warsaw Pact

پیمان ورشو (۱۹۵۵)

یک پیمان نظامی و اصطلاحاً «دفاعی» است که در مقابل پیمان ناتو میان کشورهای کمونیستی اروپای شرقی به وجود آمده است. پیمان مذکور در ۱۴ ماه مه ۱۹۵۵ در شهر ورشو برای مدت بیست سال بین کشورهای شوروی، آلمان شرقی، آلبانی، بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان

ورومانی بسته شد. هدف از پیمان ورشو ایجاد همکاریهای سیاسی و نظامی بین این کشورها و ازدیاد نیروهای دفاعی در مقابل حملات دولتهای غربی است و در صورتی که یکی از طرفین مورد حمله قرار گیرد، کشورهای عضو با تمام وسایلی که در اختیار دارند باید به یاری کشور مزبور شتابند.

مرکز عملیات نظامی شهر مسکو است و آلبانی نیز در سال ۱۹۶۸ از پیمان ورشو کناره‌گیری کرده است. پیمان مزبور در سرکوبی جنبشهای داخلی نقش مؤثری ایفا کرده است، که حمله ارتشهای پیمان ورشو به پراگ (تابستان ۱۹۶۸) یکی از آنهاست. شوروی از مانورهای پیمان برای ترساندن و خفه کردن شورشهای کارگری لهستان استفاده کرد (۱۹۸۰-۱۹۸۱) که به جایی نرسید. پس از تحولات فراوانی که در سال ۱۹۸۹ در کشورهای اروپای شرقی به وقوع پیوست، از انحلال پیمان مزبور در صورت انحلال «ناتو» و نیز کناره‌گیری برخی از اعضا سخن به میان آمده است.

ت

Nationality

تابعیت

عبارت است از رابطهٔ سیاسی و معنوی که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. رابطهٔ بین فرد و دولت سیاسی است زیرا ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فرد را از خودش می‌داند؛ ثانیاً این رابطه معنوی است زیرا مربوط به مکانی | نیست که شخص در آن جا سکونت دارد. در خصوص مبانی تابعیت، قوانین کشورهای مختلف سه اصل را مورد توجه قرار داده‌اند:

- ۱- هر فردی باید دارای تابعیت باشد.
 - ۲- هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد.
 - ۳- تابعیت، یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست.
- تحمیل تابعیت از سوی دولتها به دو طریق امکان پذیر است:
- ۱- سیستم خون؛ ۲- سیستم خاک (تابعیت محل تولد یا تابعیت اراضی)

Dual Nationality

تابعیت مضاعف

اصطلاحی است به این مفهوم که شخصی در آن واحد دارای دو تابعیت جداگانه باشد. تابعیت مذکور می‌تواند، از طریق سیستم خون (والدین) و سیستم خاک (سرزمین محل تولد) به شخص تحمیل شود.

Thatcherism**تاچریسم**

اصطلاحی است منسوب به مارگارت تاچر (۱۹۲۵-) نخست وزیر انگلستان که از سال ۱۹۷۹ سه دوره متوالی به مقام نخست وزیری آن کشور رسیده است. تاچریسم عمدتاً سیاستهای اقتصادی و نیز خط مشی های تاچر در برابر سندیکاها و کارگری را در دوران زمامداری وی در بر می گیرد.

Tactics**تاکتیک**

به معنای دانش فرماندهی در صحنه جنگ و طرق و وسایل و طرحهای ماهرانه ای که جهت وصول به هدف، به کار گرفته می شود. تاکتیک بر خلاف استراتژی تابع جزر و مد تحولات بوده و بنابر مقتضیات تغییر می یابد. به عبارت دیگر تاکتیک تنها جزیی از استراتژی است.

Thalweg**تالوگ**

خط فرضی است که از عمیقترین قسمت قابل کشتیرانی بستر رودخانه عبور می کند. چنین خطی برای تعیین مرز در رودخانه های مرزی بین کشورها بسیار مناسب است.

Theocracy**تئوکراسی**

يك نظریه سیاسی و دینی است مبنی بر این که حکومت دینی تنها حکومت مشروع است و قانون صحیح همان قانونی است که به وسیله پیامبران به مردم ابلاغ شده و خداوند واضع آن می باشد. بر اساس نظریه مذکور، دین و سیاست از هم جدا نیستند و باید حدود قوانین الهی در باره مردم اجرا گردد.

Citizen**تبعه (شهروند)**

تبعه فردی است در رابطه با يك دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف هایی به عهده

دارد. این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی این رابطه را قوانین اساسی و مدنی هر کشور تعیین می کنند.

Propaganda

تبلیغ

فعالیتی است برای دگرگون کردن عقاید عمومی از راههایی غیر مستقیم و احیاناً پنهانی با وسایلی چون زبان، خط، تصویر و نمایش و جزاینها. تبلیغ با ارشاد متفاوت است چرا که ارشاد مفاهیم روشن و منظمی به مردم می دهد ولی تبلیغ مفاهیم روشن و تاریک را با یکدیگر در می آمیزد و به وجهی خوشایند در می آورد و به مردم عرضه می کند.

Aggression

تجاوز

عبارت است از به کار بردن نیروهای مسلح توسط يك کشور علیه حاکمیت، تمامیت سرزمین یا استقلال سیاسی کشور دیگر، و یا به هر طریق دیگری که با منشور ملل متحد آن چنان که در این تعریف آمده است تباین داشته باشد. (ماده يك قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل متحد). توضیح: در این تعریف کلمه کشوری، الف) بدون توجه به مسایل مربوط به شناسایی و یا این که کشوری عضو سازمان ملل متحد است یا نه، به کار برده شده است. ب) در صورت اقتضا شامل مفهوم «گروهی از کشورها» است.

Empiricism

تجربه گرایی

اصطلاحی است مشعر بر این که هر نوع ایمان و اعتقاد باید متکی به تجربه یا مشاهده و عمل و درك عینی باشد.

Separatism

تجزیه طلبی

درخواست گروه ملی ساکن سرزمین معینی که برای جدایی از قلمرو و حوزه حاکمیت سیاسی دولتی که آن قوم و سرزمین جزئی از آن به شمار می رود، تلاش می کند. هدف تجزیه طلبان (جدایی خواهان) اغلب

تشکیل دولتی تازه در سرزمینی معین برای قومی خاص است.

Lobbyist

تحمیلگر

به کسی گفته می شود که معمولاً به عنوان عامل برای گروههای فشار عمل می کند تا راهی برای به شکست کشاندن تصمیمات و یا اعمال نفوذ بر محتوای تصمیمات قوه مقننه بیابد. این قبیل افراد (اصحاب راهرو) در قوه مجریه نیز نفوذ دارند.

Armistice

ترك مخاصمه

ترك مخاصمه سومین و در واقع آخرین حلقه از زنجیر فراگرد جنگ تا صلح است. به موجب اعلامیه بروکسل، ترك مخاصمه عبارت است از تعلیق عملیات نظامی با توافق مشترك متخاصمان. این امر امکان دارد عمومی باشد و کلیه عملیات نظامی را در همه جا تعلیق کند و یا محلی باشد و در قسمتهای خاصی از نقاط استقرار نیروها و در شعاع معینی به اجرا در آید.

پس از پایان جنگ جهانی دوم هر دو اصطلاح متارکه و ترك مخاصمه به صورت مترادف یکدیگر به کار می رفتند ولی به تدریج اصطلاح ترك مخاصمه بیشتر از متارکه باب شد.

امروزه ترك مخاصمه عبارت است از: «تعیین وضعیتی که طرفین، توسط توافق خود به وجود آورده اند...». تعریف دیگری می گوید: ترك مخاصمه، «يك قرارداد با رضایت طرفین است که از طریق توافق مشترك منعقد می گردد».

در مجموع، مرحله متارکه پیچیده تر از مرحله آتش بس است. مرحله ترك مخاصمه به علت ماهیت بلند مدت تر آن پیچیده تر از مرحله متارکه است. ترك مخاصمه به معنی صلح نیست و به وضعیت حقوقی مربوط به حالت جنگ خاتمه نمی بخشد.

Trotskyism**تروتسکیسم**

نظریه و جنبشی است که به وسیله لئون تروتسکی (۱۸۷۹ - ۱۹۴۰) پدید آمد و پرورده شد. پیروان نظریه مذکور خواهان برافکندن سرمایه‌داری به وسیله انقلاب کارگری هستند؛ از دیکتاتوری پرولتاریا حمایت می‌کنند؛ و نظام چند حزبی سوسیالیستی را می‌پذیرند. تروتسکی در یکی از نوشته‌هایش به نام «انقلاب مداوم» (۱۹۰۶) این فکر را مطرح می‌کند که در انقلاب مسأله بر سر حادثه‌ای یکباره نیست، بلکه بر سر يك سلسله تغییرات اجتماعی و سیاسی به منزله انقلابی بدون انقطاع است که برای جنبش کارگری (حتی در سرزمینی واپس مانده) این امکان را پدید می‌آورد که مستقل از سطح نیروهای تولیدی خویش انقلاب را آغاز کند و به پیش برد.

Terrorism**تروریسم**

به مفهوم آدمکشی و تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدفهای سیاسی و یا بر انداختن حکومت و در دست گرفتن زمان امور دولت یا تفویض آن به گروه دیگری است که مورد نظر باشد. تروریسم از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و انواع مکتبهای مشابه است.

State Terrorism**تروریسم دولتی**

اصطلاحی است مشعر به دخالت يك یا چند دولت در امور داخلی و یا خارجی دولت دیگر، که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی به منظور زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می‌گیرد.

Liquidation**تصفیه**

این اصطلاح به معنای اخراج افراد يك سازمان یا تشکیلات یا حکومت، به دلایل سیاسی است. عمل مذکور معمولاً با اعدام یا زندانی شدن در يك

نقطه نامعلوم همراه است. تصفیه‌های استالینی در دهه ۱۹۳۰ و تصفیه کادر رهبری شوروی توسط خروشچف، نمونه‌های بارزی از این اقدام به شمار می‌روند.

تصفیه طلبان (لیکویداتورها) Liquidators

جریانی در حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه که مخالف مشی‌لنین بود و خواستار انحلال سازمانهای مخفی حزب بود و تنها سازمانهای علنی را مرکز ثقل فعالیت حزب می‌دانست. این جریان در سال ۱۹۰۸ میلادی در مقابل اترویستها پدیدار شد. در سال ۱۹۱۱، لنین به تشکیل يك كنفرانس حزبی در پراگ دست زد و با دست چین کردن نمایندگانی از میان پیروان خود در قطعنامه، اخراج تصفیه طلبان را مطرح ساخت. در مقابل این شبه کودتا، تصفیه طلبان به رهبری تروتسکی در اوت ۱۹۱۲ يك كنفرانس مستقل از هواداران خود تشکیل دادند.

تصویب Ratification

پذیرش رسمی پیمانی را که توسط نمایندگان کشور امضا شده است، تصویب می‌نامند. این عمل از طرق مبادله اسناد مربوط به پذیرش رسمی پیمانها بین کشورهای طرف پیمان اجرا می‌شود.

تعارض قوانین Conflict of Laws

هرگاه دو قانون از هر جهت مخالف مدلول یکدیگر باشند، این دو قانون را معارض یکدیگر می‌نامند و اصطلاحاً حالت تعارض قوانین به وجود می‌آید.

تعهد Obligation

تعهد عبارت است از يك رابطه حقوقی که به موجب آن شخص یا اشخاص معین نظر به اقتضای عقد یا شبه عقد یا جرم یا شبه جرم، و به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا مکلف به انجام عمل خاصی یا ترك عمل معینی

به نفع شخص یا اشخاص معین می شوند.

Rebus Sic Stantibus

تغییر فاحش اوضاع واحوال

يك اصطلاح حقوقی است، به مفهوم آن که، چنانچه تغییری فاحش در اوضاع واحوال پدید آید، دولت عاقد قرارداد، دیگر مقید وپایبند به رعایت مفاد پیمان منعقد شده نیست و خود را از تعهدات مربوط آزاد می داند.

Separation of Powers

تفکیک قوا

به تفکیک قوه مقننه، مجریه و قضاییه گفته می شود. بر اساس نظریه متسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) متفکر فرانسوی هیچ يك از این سه قوه نمی توانند در کار دیگری دخالت نمایند ووظایف دیگری را انجام دهند.

Technocracy

تکنوکراسی (فن سالاری)

به حکومت اهل فن گفته می شود که ناشی از پیشرفت سریع علم و تکنیک در جهان است این گونه پیشرفتهای بر عقاید سیاسی حاکم تأثیر می گذارند.

Reprisal

تلافی

اقداماتی است که يك دولت به منظور تنبیه دولت دیگر بدون توسل به عملیات جنگی انجام می دهد. تلافی ممکن است شامل نمایش قدرت، تحریم، بایکوت، محاصره صلح آمیز، توقیف داراییها و تصرف املاک کشور موردنظر باشد.

تلافی شیوه‌ای است که معمولاً از سوی قدرتهای بزرگ برای تحت فشار قراردادن کشورهای كوچك و ضعیف مورد استفاده قرار می گیرد.

Totalitaire

توتالیترا

به رژیمهایی گفته می شود که دارای وجوه مشخصه ذیل باشد:

- ۱- انحصار قدرت سیاسی در دست يك حزب حاکم .
- ۲- نظارت دولت بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی .
- ۳- حذف اشکال نظارت دموکراتیک .
- ۴- سرکوبی مخالفان .
- ۵- تسلط يك فرد در رأس حزب و دولت .
- ۶- تجهیز تمامی نیروهای جامعه در راه هدف‌های حزب و دولت .

تیتوئیسم Titoism

اصطلاحی منسوب به مارشال تیتو (۱۹۸۰-۱۸۹۲) رهبر حزب کمونیست یوگسلاوی و فرمانده جنگ‌های چریکی مردم آن سرزمین علیه اشغالگران نازی و سپس رئیس جمهور یوگسلاوی. اساس تیتوئیسم همان مارکسیسم - لنینیسم است منهای استالینیسم. اعتبار جهانی تیتوئیسم از سرکشی‌های وی در برابر کادر رهبری مسکو و تسلط شوروی و خروج یوگسلاوی از کومینفورم (۱۹۴۸) و در پیش گرفتن سیاست مستقل وی طرفانه در پهنه بین‌المللی در دوران «جنگ سرد» ناشی می‌شود.

ج

Espionage

جاسوسی

جاسوسی عبارت از انتقال اطلاعات محرمانه یا سری يك کشور به کشور دیگر است و اهمیت آن در دوران جنگ ویا صلح متفاوت است.

جامعه اروپایی ذغال و فولاد

European Coal and Steel Community (ECSC)

يك سازمان منطقه‌ای است که به موجب عهدنامه ۱۹۵۲ پاریس برای هماهنگی خط مشی های مربوط به ایجاد بازار مشترك ذغال، آهن، سنگ معدن و فولاد تأسیس گردید. اعضای جامعه مذکور عبارتند از: بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لوگزامبورگ و هلند. تصمیمات جامعه در چارچوب سازمانی آن اتخاذ می شود.

جامعه اقتصادی اروپا European Economic Community

این جامعه در ۲۵ مارس سال ۱۹۵۷ به موجب عهد نامه اول رم، بین کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه و کشورهای بنه لوکس تأسیس گردید. جامعه اقتصادی اروپا امروزه مرکب از نه کشور اروپایی است که بازارهای ملی خود را تحت نظام بازرگانی، کشاورزی و صنعتی واحد و مشترکی در آورده‌اند.

Arab League**جامعه عرب**

این جامعه در پی تلاشهای مستمر کشورهای عربی برای ایجاد اتحادیه‌ای به وجود آمد. در اجرای این کار يك پروتکل (که در آن به تأسیس يك جامعه از کشورهای عرب اشاره شده بود) به وسیله مصر، عراق، لبنان، سوریه و ماورای اردن به امضا رسید. کمیته مقدماتی اتحادیه پان عرب در کنفرانس اسکندریه در چهارده فوریه ۱۹۴۵ به منظور تصویب و امضای يك اساسنامه برای جامعه پیشنهادی تشکیل جلسه داد. معاهده کشورهای عرب در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ توسط نمایندگان دولتهای مصر، عراق، لبنان، عربستان سعودی، سوریه، ماورای اردن، نماینده‌ای از فلسطین و یمن به امضا رسید. لیبی (در ۱۹۵۳)، سودان (در ۱۹۶۱) و الجزایر (در ۱۹۶۲) به آن پیوستند. اتحادیه (جامعه) عرب دارای نه کمیته سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، حقوقی و... می باشد.

Commonwealth**جامعه کشورهای مشترك المنافع**

این جامعه که در سابق به نام «کشورهای مشترك المنافع بریتانیا» معروف بود، اساس روابط استعماری بریتانیا با کشورهایی بود که رفته رفته از زیر یوغ استعمار آن دولت خارج می شدند. امروزه عضویت در جامعه مشترك المنافع هیچ ارتباطی با قبولی پادشاه انگلیس به عنوان رئیس تشریفاتی ممالك عضو ندارد. جامعه کشورهای مشترك المنافع تا اکتبر ۱۹۷۱ دارای سی و يك عضو رسمی و چهل کشور غیر مستقل بود. مهمترین عامل وحدت بین اعضای جامعه مذکور، عامل اقتصادی است.

League of Nations**جامعه ملل**

پس از جنگ جهانی اول به منظور جلوگیری از وقوع جنگهای بعدی و تضمین برای صلح جهانی، لزوم ایجاد يك جامعه بین المللی احساس می شد. ویلسون رئیس جمهوری آمریکا طی نطقی در ۱۸ ژانویه سال ۱۹۱۸ که در کنگره آمریکا ایراد نمود، «برقراری يك سازمان بین المللی را

بر اساس میثاق بین المللی، توصیه نمود. میثاق جامعه ملل که قسمت اول قرارداد ورسای و سایر معاهدات صلح سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ را تشکیل می داد، در دهم ژانویه ۱۹۲۰ قدرت اجرایی پیدا کرد.

تاریخ جامعه ملل را به سه دوره متوالی می توان تقسیم کرد: دوره اول بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷ بود که آن را دوره ترقی و موفقیت جامعه ملل نامیده اند. دوره دوم فاصله بین سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۲ است که آن را سالهای عدم اطمینان می دانند و بالاخره دوره سوم که بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ است، سالهای شکست جامعه ملل به شمار می رود.

Political Offence

جرم سیاسی

عبارت از جرمی است که افراد، علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و یا مباین حقوق ناشی از آن مرتکب می شوند.

در شناخت جرایم سیاسی باید معیارهای زیر مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- انگیزه و هدف در ارتکاب جرم
- ۲- اوضاع و احوال ارتکاب جرم
- ۳- جرم مستقیماً علیه سازمان سیاسی دولت تقاضا کننده باشد (در مورد استرداد)

Political Inter-connected Crime

جرم متصل سیاسی

جرم عمومی که به نحوی با جرم سیاسی مرتبط باشد، جرم متصل سیاسی نامیده می شود. بر اساس بیانیه اجلاس ژنو، مورخ ۱۸۹۲ میلادی، «جرم متصل در صورتی جرم سیاسی به شمار می رود که از نظر اخلاقی و افکار عمومی قابل ملامت و سرزنش نباشد. اگر کسی در مقام ارتکاب جرم سیاسی مرتکب آدمکشی و یا حریق گردد، این گونه اعمال در نظر افکار عمومی قابل توبیخ است و بنابر این، اعمال مزبور از امتیازات جرایم سیاسی بهره مند نیستند.

Political Composed Crime

جرم مرکب سیاسی

عبارت از جرمی است که به اعتبار عنصر مادی، از جرایم عمومی و به

اعتبار هدفی که تعقیب می شود، سیاسی است. مرتکبان این گونه جرایم را بر طبق قوانین مربوط مسترد می دارند. سوء قصد به رییس يك مملکت از این گونه جرایم است.

Jeffersonianism

جفرسونیسم

فلسفه منسوب به توماس جفرسون (۱۷۴۳-۱۸۲۶) رییس جمهور آمریکا مشعر به حمایت از شیوه های دموکراتیک و لسه فر در کشاورزی است. این نظریه، ایده هامیلتون را مبنی بر ایجاد دولت مرکزی در خصوص ارتقا رشد صنعتی گری شهری و تجاری، مردود می شمارد.

Republic

جمهوری

در عرف سیاسی به حکومت دموکراتیک یا غیر دموکراتیک گفته می شود که زمامدار آن توسط رأی مستقیم یا غیر مستقیم اقشار مختلف مردم انتخاب شده و توارث در آن دخالتی ندارد و حسب موارد مدت زمامداری آن متفاوت است. جمهوری در بیشتر موارد به رژیم دموکراتیک پارلمانی نیز گفته می شود هر چند که در برخی از کشورها با وجود رژیم جمهوری، دموکراسی پارلمانی رعایت نمی شود. امروزه جمهوری به حکومت يك کشور دارای دموکراسی و یا دیکتاتوری غیر سلطنتی نیز اطلاق می شود. رژیم جمهوری به خودی خود معرف دموکراسی نیست بلکه سیستمهای محدود کننده قدرت زمامدار مانند احزاب و پارلمان نیز نقش مهمی در نظام يك کشور ایفا می کنند.

Reform Movement

جنبش اصلاحی

جنبشی است آرام و تدریجی برای ایجاد نوآوریهای که وسیله رفع ناسازگاری اجتماعی به شمار می آیند.

برای ظهور يك جنبش اصلاحی مقدمات زیر لازم است:

- ۱- نوآوری در بعضی از شئون اجتماعی.
- ۲- پس افتادگی سایر شئون اجتماعی.
- ۳- تشخیص لزوم بازسازی جامعه.

۴- تعیین نوآوریهای لازم هدف مذکور.

۵- فراهم کردن وسایل ضروری.

Revolutionary Movement

جنبش انقلابی

جنبشی است سخت و ناگهانی برای ایجاد نوآوریهایی که وسیله رفع ناسازگاری اجتماعی پنداشته می شوند.

این جنبش زمانی پیش می آید که اولاً ناسازگاری جامعه بر اثر روی ندادن جنبش اصلاحی یا کاستیهای آن، به نهایت برسد، و ثانیاً مردم به شدت از ناسازگاری جامعه رنج بکشند و متشکل شوند. در چنین وضعی است که تحول عظیمی روی می دهد.

War

جنگ

این اصطلاح به انواع اعمال قهریه و جبریه ای گفته می شود که دولتی نسبت به دولت دیگر به کار می برد تا آن دولت را وادار به تمکین از اراده خود سازد. به عقیده کلاوزویتز تئورسین مشهور، «جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر». جنگ مبارزه ای مسلحانه بین کشورها ایجاد می کند و مستلزم زد و خورد بین نیروهای عمومی است. جنگ همچنین با به کار بردن وسایلی که به موجب حقوق بین الملل تنظیم گردیده است صورت می گیرد و به قصد قبولاندن هدفی سیاسی و یا به عبارت دقیقتر برای قبولاندن «منظور ملی» انجام می پذیرد.

Prohibited Weapons in Warfare

جنگ، ابزار ممنوعه

دول متخاصم در به کار بردن وسایل ایدایی، اختیار و آزادی محدودی دارند، به موجب کنوانسیون لاهه (۱۹۰۷) کاربرد وسایل وحشیانه منع گردیده است. مقصود از وسایل وحشیانه، ابزار و آلاتی است که رنج و آزار بیهوده ای به بار آورد. وسایل زیر ممنوع شناخته شده اند:

فشنگ محترق، فشنگ افشان و گازهای خفه کننده و سمی.

Declaration of War**جنگ، اعلامیه**

عبارت است از اعلام رسمی وجود حالت خصمانه بین دو کشور. بر اساس کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، «اعلام جنگ باید پیش از شروع عملی مخاصمه صورت بگیرد». این امر تا کنون حتی توسط امضاکنندگان کنوانسیون مزبور نیز رعایت نشده است. اعلامیه جنگ موضع کشوری را در قبال دشمن روشن می نماید و وضعیت جدید را به کشورهای بی طرف اعلام می نماید. «اعلامیه جنگ»، عنصر مهم یعنی «عملیات برق آسا و غافلگیرانه» را در برنامه های نظامی از بین می برد.

War Crimes**جنگ، جنایات**

این جنایات عبارتند از:

- ۱- جنایت بر ضد صلح (یعنی طرح، تحریک و پیشقدمی در راه انداختن جنگ).
- ۲- جنایتهای جنگی (نقض قوانین یا سنن جنگ شامل کشتار غیر نظامیان).
- ۳- جنایت علیه بشریت (یعنی کشتار، اعدام دسته جمعی، برده گرفتن و انتقال دسته جمعی).

Accidental War**جنگ اتفاقی**

برخورد مسلحانه ای است که بدون نیت قبلی رخ دهد و عواملی چون اشتباهات انسانی (Human Error) و نقص فنی ابزار و آلات جنگی در آن نقش دارند. تنها يك اشتباه كوچك می تواند دهها موشك هسته ای را از زرادخانه های آن در زیر اقیانوسها به سوی هدفهای مورد نظر پرتاب نموده و فجایع جبران ناپذیری در نتیجه انهدام دسته جمعی انسانها و منابع استراتژیک به بار آورد. خطر جنگ اتفاقی هم زمان با توسعه تکنولوژی به مقدار معتنا بهی افزایش یافته است. برای کاهش خطر بروز جنگ اتفاقی «تلفن سرخ» بین واشنگتن و مسکو ایجاد گردید (۱۹۶۳) تلفنهای مشابهی نیز بین پاریس و مسکو (۱۹۶۶) و لندن و مسکو (۱۹۶۷) برقرار شد.

Preventive War**جنگ بازدارنده**

نوعی استراتژی نظامی است که يك کشور در حال جنگ، برای بازداشتن نیروهای مسلح حریف اعمال می نماید تا آن را از توسل به يك جنگ احتمالی در آینده بازدارد. اعمال تاکتیکهای نظامی در فرود آوردن ضربات کوبنده باید طوری باشد که دولت مقابل را از هرگونه عکس العملی باز دارد. جنگ بازدارنده قوای صهیونیستی در پنجم ژوئن ۱۹۶۷، ارتشهای عربی را چنان در هم کوبید که فرصت انتقام آنان را از میان برد. با پیشرفت روز افزون تکنولوژی و تنوع جنگ افزارهای هسته‌ای در زرادخانه دوا بر قدرت، فرصتی برای اعمال دکترین جنگ بازدارنده باقی نگذاشته است، چرا که توسل به آن توسط هر يك از دو دولت آمریکا و شوروی در واقع چیزی بالاتر از يك خودکشی محض نیست.

Total War**جنگ تام**

جنگ تام یا تمام عیار جنگی است که در تمام جهان گسترش می یابد و همه چیز را در بر می گیرد (۳۸ کشور متخاصم در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ و ۵۵ کشور در سالهای بین ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵). در جنگ تمام عیار، وسعت میدان نبرد از حدود سرزمین اختصاص متخاصمان تجاوز می نماید ویر همه مردم، حتی بر غیر متحارب نیز مستولی می گردد.

World War I**جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)**

این جنگ که بهانه آن قتل فرانتر فردیناند ولیعهد اتریش در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ در «سارایه وو» بود، بین دو دسته از کشورهای قدرتمند اروپایی صورت گرفت. در يك سو قدرتهای مرکزی (اروپا) مشتمل بر آلمان و اتریش - مجارستان بودند و در طرف دیگر دولتهای متفق بریتانیا، فرانسه و روسیه قرار داشتند. اتریش در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ به صربستان اعلام جنگ داد و آتش جنگ را شعله‌ور ساخت که پس از چهار سال با شکست قدرتهای مرکزی پایان یافت و قرار داد ترك مخاصمه در تاریخ یازدهم نوامبر ۱۹۱۷ میان دو طرف به امضا رسید. عهدنامه ورسای (مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹) بر آلمان

شکست خورده تحمیل گردید و بر پیروزی دولتهای متفق مهر تأیید نهاد. تلفات دوطرف درگیر در این جنگ به ۸/۴ میلیون تن رسید.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) World War II

این جنگ که یکی از خونین ترین جنگهای تاریخ بشری است با تجاوز قوای موتوریزه آلمان نازی به سرزمین لهستان آغاز شد (اول سپتامبر ۱۹۳۹). بهانه جنگ مزبور ظاهراً تحمیل مقررات سنگین و حقارت آور عهدنامه ورسای (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹) بر آلمان بود. پس از تجاوز آلمان، لهستان، بریتانیا و فرانسه مشترکاً علیه آلمان اعلام جنگ دادند ولی در ماه ژوئیه نبردهای هوایی آلمان و انگلیس در گرفت. آلمان در ماه آوریل ۱۹۴۰ به دانمارک و نروژ و در ماههای مه و ژوئن به فرانسه حمله برد. در ماه ژوئن ۱۹۴۱ ارتشهای زمینی و هوایی هیتلری خاک شوروی را مورد تهاجم قرار دادند و در آن کشور شروع به پیشروی نمودند. دولتهای محور (آلمان، ایتالیا و ژاپن) هر روز سرزمینهای تازه‌ای را فتح می کردند. در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ژاپنها «پرل هاربر» را مورد تهاجم قرار دادند و سرانجام آمریکا در ماه مه ۱۹۴۲ علیه دولت های محور وارد جنگ شد.

در روز ۶ ژوئن ۱۹۴۴ (روز - ر) ارتشهای عظیم متفقین در سواحل نورماندی (فرانسه) پیاده شدند و ضربات کوبنده خود را بر پیکر ارتشهای آلمانی فرود آوردند. در فوریه ۱۹۴۵ خط دفاعی زیگفرید شکسته شد و نیروهای متفقین در ماه مارس وارد آلمان شدند. ارتش شوروی نیز در ژانویه ۱۹۴۵ به سرعت قوای آلمان را از خاک خود بیرون رانده و از شرق به سوی آلمان نزدیک شد. این جنگ خونین روز هشتم ماه مه ۱۹۴۵ در قاره اروپا پایان یافت.

ارتش آمریکا برای تسلیم نهایی ژاپن و نیز نمایش قدرت دو فروند بمب اتمی بر فراز شهرهای هیروشیما و ناگازاکی پرتاب کرد (۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵) و مقاومت آن کشور را در هم شکست. ژاپنها در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵ تسلیم بلا شرط را پذیرفتند و به این ترتیب جنگ جهانی دوم در تمامی جبهه‌ها رسماً به پایان رسید.

Guerrilla Warfare**جنگ چریکی**

عبارت است از جنگ نامنظم توسط گروه‌های كوچك عليه يك ارتش تجاوزگرويا عليه حكومت يك کشور. این قبیل جنگها اغلب در نواحی برون شهری و مناطق روستایی صورت می‌گیرد. جنگ چریکی در بسیاری از موارد بخشی از يك انقلاب یا مبارزهٔ سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی عليه يك نظام سازمان یافته محسوب می‌شود. جنگهای چریکی در اجرای عملیات ایدایی عليه ارتشهای متجاوز و اشغالگر بسیار مؤثر و کارآمد هستند.

Civil War**جنگ داخلی**

به مبارزه میان عناصر و دسته‌های مختلف نظامی و شبه نظامیان مسلح يك کشور اطلاق می‌شود. جنگ داخلی لبنان نمونه‌ای بارز از این مبارزه است.

Star Wars**جنگ ستارگان**

به طرح «دفاع استراتژیک فضایی» آمریکا (اس. دی. آی.) گفته می‌شود که در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۸۳ از سوی ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا (۱۹۸۹ - ۱۹۸۱) عنوان گردید. اجرای پروژه جنگ ستارگان مستلزم به‌کارگیری تکنولوژی پیچیده و نوظهور است. این شیوهٔ جنگ، دگرگونی عظیمی در استراتژی نظامی ابرقدرتها پدید آورده است. مسابقهٔ تسلیحاتی بین آمریکا و شوروی در چهار زمینهٔ ذیل ادامه یافته است:

۱- سلاحهای ضد ماهواره‌ای

۲- سلاحهای لیزری

۳- ایستگاههای فضایی

۴- سفینه‌های شاتل

یکی از هدفهای اصلی جنگ ستارگان انهدام موشکهای بالستیک دشمن با استفاده از سلاحهای لیزری است.

Cold War**جنگ سرد**

به حالت تنش میان کشورها گفته می‌شود که ناشی از خط مشی‌های آنتاگونیستی است. این حالت بدون جنگ مسلحانه است. اصطلاح مذکور همچنین مبین روابط بلوک غرب به سرکردگی آمریکا و کشورهای کمونیستی بلوک شرق به سرکردگی اتحاد شوروی پس از جنگ جهانی دوم است. دو بلوک فوق دست به تشکیل پیمانهای نظامی زدند. یعنی، آمریکا — سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و شوروی — سازمان پیمان ورشورا به وجود آوردند. مسابقه تسلیحات اتمی نیز در این گیرودار به چشم می‌خورد. پل هوایی برلین (۱۹۴۸-۴۹) یا بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲)، ویا تجاوز شوروی به مجارستان (۱۹۵۶) مظاهر بارزی از جنگ سرد هستند. ظهور چین کمونیست و پیدایش کشورهای غیر متعهد رفته رفته از اهمیت رهبری ابرقدرتها کاست. عقد قراردادهای کنترل تسلیحات اتمی و گفتگوهایی که در این زمینه بین آمریکا و شوروی صورت گرفت، زمینه‌های تشنج زدایی (دتانت) را به وجود آورد که باعث کاهش حالت جنگ سرد بین دو ابرقدرت مذکور گردید.

War of the Embassies**جنگ سفارتخانه‌ها (۱۹۸۷)**

این اصطلاح به يك جریان سیاسی در روابط بین دو دولت ایران و فرانسه گفته می‌شود که به محاصره سفارت ایران در پاریس و تحت مراقبت گرفتن سفارت فرانسه در تهران (به دلیل حضور ژان پل توری کنسول فرانسه در تهران که متهم به اعمال غیر قانونی و خلاف شئون اسلامی شده بود) انجامید و سرانجام در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۶۶ به قطع رابطه سیاسی دو طرف منجر شد. دولت فرانسه دستور داده بود که یکی از اعضای سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس به اتهام ارتباط و همکاری با تروریستهای عامل بمب گذاریهای سپتامبر خونین ۱۹۸۶ به دادگاه احضار شود و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً کنسول فرانسه را به دادرسی انقلاب اسلامی احضار کرد.

پس از ماهها قطع رابطه سرانجام دوطرف موافقت کردند که با مبادله دو

فرد یاد شده فوق به جنگ سفارتخانه‌ها خاتمه دهند (آذر ۱۳۶۶).

Chemical Warfare

جنگ شیمیایی

به جنگی گفته می‌شود که در آن به جای استفاده از جنگ افزارهای متعارف، از مواد منفجرهٔ ممنوع، گازهای سوزاننده، خفه کننده، دودزا و آتش‌زا استفاده می‌شود. به کاربردن گاز سمی کلر در جنگ جهانی اول توسط آلمانیها از اولین نشانه‌های کاربرد وسیع این ماده در نبرد بود. در جنگ جهانی دوم و جنگهای بعد از آن در هند و چین (کاربرد بمبهای ناپالم و بمبهای شیمیایی سوزاننده) و در سالهای اخیر توسط رژیم عراق به مقدار معتابهی در جنگ علیه ایران از مواد شیمیایی فوق خطرناك استفاده شده است.

Ideological Warfare

جنگ عقیدتی

نوعی کشمکش بین نظامهای ارزشی رقیب یا نحوهٔ زندگی است که شامل تلاش برای تغییر عقیدهٔ توده‌های مردم می‌شود. جنگ مذکور با به‌کار گرفتن تبلیغات، برنامه‌های فرهنگی، آموزشی، کمکهای خارجی و نظایر آن انجام می‌گیرد.

Battle of the Book

جنگ کتاب

این اصطلاح به سلسله حوادثی اطلاق می‌شود که پس از صدور حکم امام خمینی در خصوص کتاب «آیات شیطانی» نوشتهٔ سلمان رشدی نویسندهٔ هندی الاصل انگلیسی صورت گرفت. در تظاهراتی که در برخی کشورها علیه چاپ و انتشار کتاب مذکور صورت گرفت، صدها تن کشته و زخمی شدند. حکم مذکور نویسنده و ناشران مطلع کتاب را به مجازات مرگ محکوم کرد.

Limited War

جنگ محدود

کشمکش مسلحانه‌ای است که هدفش نابودی کامل و یا تسلیم بلا شرط

دشمن نیست. برخی از حالت‌های جنگ محدود عبارت است از:
 (۱) درگیری بین قدرتهای اتمی بدون استفاده از جنگ افزارهای انهدام دسته جمعی.

(۲) درگیری بین کشورهای كوچك بدون دخالت مستقیم قدرتهای بزرگ.
 (۳) درگیری بین کشورهای كوچك با كمك مستقیم و غیر مستقیم قدرتهای اتمی در محدوده يك منطقه جغرافیایی بدون استفاده از سلاحهای اتمی.
 (۴) درگیری اتمی قدرتهای بزرگ که در آن فقط از سلاحهای اتمی تاکتیکی برای کسب اهداف نظامی صرف استفاده شود.

Mechanized War

جنگ مکانیزه

به جنگی گفته می شود که در آن از وسایل زرهی به مقدار معتابهی استفاده شود. هم زمان با جنگ مکانیزه هواپیماهای شکاری و بمب افکن نیز به وسایل مذکور کمک کرده و از عملیات پشتیبانی می کنند. ستونهای موتوریزه در میدان جنگ دخالت مستقیم دارند.

جنگ های اعراب و اسرائیل

این اصطلاح سلسله جنگهای ذیل را در بر می گیرد:

- ۱- جنگ فلسطین (۱۹۴۸)
- ۲- جنگ سوئز (۱۹۵۶)
- ۳- جنگ شش روزه (ژوئن ۱۹۶۷)
- ۴- جنگ اکتبر (۱۹۷۳)
- ۵- جنگ لبنان (۱۹۸۲) و جنگ سوریه (۱۹۸۲) با ارتش اسرائیل.

The Third World

جهان سوم

به کشورهایی گفته می شود که از لحاظ سطح توسعه در وضعیتی پایین تر از قدرتهای بزرگ و متوسط جهان قرار گرفته اند. اکثر این قبیل کشورها در دوران حیاتشان مدت زمانی تحت تسلط قدرتهای استعمارگر زیسته اند.

چ

New Left

چپ نو

این اصطلاح برای اشاره به افراد یا سازمانهایی است که پیرو جنبه‌های مختلفی از نئومارکسیسم، سومنیالیسم، سندیکالیسم، آنارشیزم و پاشیفیزم هستند.

Checka

چکا

اصطلاحی است روسی و مخفف «کمیسیون فوق‌العاده سراسر روسیه». چکا پلیس مخفی رژیم بلشویک در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ به ریاست فلیکس دزرژینسکی بود.

چهارده ماده ویلسون (۱۹۱۸)

این اصطلاح به بیانیه ویلسون رئیس جمهور آمریکا گفته می‌شود که پس از جنگ جهانی اول انتشار یافت. موارد اعلامیه مذکور عبارتند از:

- ۱- توقف سیاستهای محرمانه و انعقاد پیمانهای علنی صلح.
- ۲- آزادی رفت و آمد در دریاها.
- ۳- برداشتن موانع گمرکی.
- ۴- تقلیل تسلیحات.
- ۵- حل عادلانه دعاوی مستعمراتی.

- ۶- تخلیه خاک روسیه .
- ۷- استقلال مجدد بلژیک .
- ۸- تخلیه فرانسه و بازگرداندن آلاس و لورن .
- ۹- تجدید نظر در مرزهای ایتالیا .
- ۱۰- خودمختاری اقلیتهای اتریش و مجارستان .
- ۱۱- تخلیه خاک صربستان ، مونتنگرو و رومانی و حل عادلانه اختلافهای بالکان .
- ۱۲- استقلال داخلی ملل تابع عثمانی و بین المللی کردن تنگه داردانل .
- ۱۳- تأسیس مجدد دولت لهستان .
- ۱۴- تأسیس «جامعه ملل» .

ح

حاکمیت Sovereignty

عبارت است از قدرت عالیۀ تصمیم گیری و وضع قوانین و اجرای تصمیمات از طرف حکومت يك کشور. حاکمیت نشان دهنده تصمیم گیری مستقل در جامعه ملتها است.

حاکمیت خلق Popular Sovereignty

عقیده‌ای است مشعر بر این که قدرت نهایی سیاسی در دست مردم است که قادر به ایجاد، تغییر و یا سرنگونی دولت هستند. حاکمیت خلق از طریق نهادهای منتخب مردم قابل اجرا است.

حاکمیت قانون Sovereignty of Law

یکی از اصول مهم در حقوق اساسی و اداری کشورها اصل حاکمیت قانون است که بر طبق آن امور عمومی و صدور اوامر از سوی مقامات اداری و اجرای هر عمل از ناحیه مأموران دولت باید بر طبق قانون یعنی قاعده کلی و عامی باشد که قبلاً از طرف مقام صلاحیتدار وضع و اعلام شده است.

حزب (سیاسی) Political Party

يك سازمان سیاسی است که در آن همفکران و طرفداران يك آرمان،

داوطلبانه گرد هم می آیند و علی القاعده آگاه‌ترین عناصر يك طبقه یا اقشار اجتماعی متحد المنافع را گرد می آورد که بیانگر آن طبقه یا قشر بوده، و آن را در مبارزات اجتماعی رهبری می نمایند. حزب دارای خصوصیات ذیل است:

- ۱- سازمانهای مرکزی و رهبری کننده و پایدار و ماندنی.
 - ۲- سازمانهای محلی پایدار که با سازمانهای مرکزی پیوند همیشگی داشته باشد.
 - ۳- رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در پهنه کشور - به تنهایی یا به یاری احزاب دیگر - در دست گیرند.
 - ۴- حزب باید از پشتیبانی توده مردم برخوردار باشد.
- تشکیلات داخلی احزاب اصولاً بر چهار دسته تقسیم میشود:
- ۱- کمیته - در احزاب لیبرال، محافظه کار و رادیکال.
 - ۲- حوزه - در احزاب سوسیالیست.
 - ۳- سلول - در احزاب کمونیست.
 - ۴- میلشیا - در احزاب فاشیست.

Party, Statute

حزب، اساسنامه

عبارت است از مجموعه موازین و مقررات و قواعد حکمفرما بر حیات داخلی يك حزب یا يك سازمان که ترکیب و ساختمان و نحوه عمل و ترتیب کار و فعالیت آن را طبق هدفهای برنامه‌ای حزب یا سازمان مربوطه تعیین می کند. بنابر این در اساسنامه حزب مجموعه مقررات و اصول سازمانی حزب بیان می گردد. طرز عمل سازمانهای حزب، نحوه تشکیل ارگانها و رهبری آن، کنگره‌ها و کنفرانسها و جلسات و حوزه‌ها نیز در اساسنامه ذکر شده است.

Majority and Minority Party

حزب اکثریت و اقلیت

این اصطلاح مجازاً به حزب حاکم و حزب مخالف آن در يك سیستم سیاسی اطلاق می شود. این وجه تسمیه حاصل رژیمهای پارلمانی است.

Third Party**حزب ثالث**

حزب جدیدی است که معمولاً از ناراضیان احزاب بزرگ و منفردان تشکیل می شود و افراد این حزب معمولاً به علت مخالفت با هدفها و خط مشی های احزاب بزرگ از آن جدا شده و در بعضی مواقع از چنان نیروئی برخوردار می شوند که قادرند بر سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری تأثیر بگذارند. این قبیل احزاب معمولاً با احزاب اقلیت فرق می کنند. موقعی که بین دو حزب بزرگ موجود در جامعه، بر سر مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اتفاق نظری حاصل نشود احزاب ثالث وارد عرصه می شوند و با ایده های متفاوتی که عرضه می کنند، طرفداران بسیاری را به طرف خود جلب می نمایند.

Divine Right**حق الهی**

نظریه ای است دایر بر این که سلاطین حق سلطنت کردن را به موجب قانون الهی و طبیعی از پدران خود به ارث می برند، و به این نحو، پادشاه هیچ مسئولیتی در برابر ملت ندارد. در فلسفه جان لاک این نظریه مورد انتقاد سخت قرار گرفت و پس از انقلاب ۱۶۸۸-۱۶۸۹، «حق الهی» ارزش خود را از دست داد.

The Right of Self-defense**حق دفاع مشروع**

در حقوق بین الملل «دفاع مشروع» حقی است که کشورها بر اساس آن می توانند از خود و همچنین از کشورهایی که با آنها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند، در مقابل حمله مسلحانه با عکس العمل نظامی فوری، به طور انفرادی یا جمعی دفاع نمایند.

Political Rights**حقوق سیاسی**

عبارت از حقوقی است که در حقوق عمومی داخلی فقط به اتباع داخلی کشوری تخصیص داده شده و برای بهره مند شدن از آن باید تابعیت آن کشور را داشت. به این ترتیب، خارجیها اساساً از این نوع حقوق محروم

گردیده‌اند تا نتوانند در امور داخلی و سیاسی يك کشور دخالت و اعمال نفوذ نمایند.

حقوق کنسولی **Consular Law**

مجموع قواعدی است که ناظر بر قسمتی از روابط دیپلماتیک خارجی دولت است، اما از حیث طبیعت با حقوق دیپلماتیک متفاوت است. حقوق دیپلماتیک جنبه سیاسی دارد و به عبارت دیگر ناظر بر روابط سیاسی دولت با دولتهای دیگر است. حقوق کنسولی جنبه اداری دارد و موضوع آن حفظ منافع اتباع دولت در خارج از کشور است، و اداره کردن امور مربوط به آنها که از وظایف اداری دولت است.

حکمت **Arbitration**

یکی از طرق حل مسالمت آمیز مناقشات بین المللی است. ماده ۳۷ موافقتنامه شماره يك لاهه (مورخ ۸ اکتبر ۱۹۰۷) در خصوص حکمت می گوید:

«موضوع حکمت بین المللی فیصله دعاوی کشورها بر مبنای احترام به حق، و توسط قضاتی که خودانتخاب می نمایند» . . بدین ترتیب مبنای حکمت، اراده آزادانه کشورهای ذینفع است. قبول و رضای کشورها به سه صورت ظاهر می شود: قرار رجوع به حکمت، قید رجوع به حکمت و معاهده حکمت دایمی.

حکومت **State**

مجموعه‌ای از سازمانهای اجتماعی است که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می آید. این سازمانها در جامعه ابتدایی وجود ندارند.

حکومت اکثریت **Majority Rule**

عقیده‌ای است مبنی بر این که در يك نظام دموکراسی، حکومت تعیین

خط مشی های کشور به دست نمایندگان منتخب بوده که از سوی شمار زیادی از مردم انتخاب می شوند. طرفداران این نظریه معتقدند که ارزش حکومت اکثریت به این دلیل است که عقاید اکثریت به طور کلی از مقبولیت عامه مردم برخوردار بوده و آلترناتیو (راه حل) منطقی دیگری وجود ندارد.

World Government

حکومت جهانی

اصطلاحی است به مفهوم يك حکومت واحد که ضامن صلح و آرامش جهانی است. در این حکومت ایده آل تشکیل يك فدراسیون پیش بینی شده است و يك قانون واحد نیز برای آحاد آن مملکت وضع خواهد شد. اتحادیه جهانی فدرالیستها از طرفداران پروپا قرص این عقیده هستند.

Martial Law

حکومت نظامی

عبارت است از: برقراری اقتدار و کنترل نظامی يك دولت نسبت به افراد غیر نظامی کشور در طول جنگ و یا وضعیّت اضطراری. در طول برقراری حکومت نظامی فرمانهای ارتشی به جای قوانین مدنی حاکم مورد استفاده قرار می گیرد و دادگاههای نظامی به جای دادگاههای مدنی، حکم صادر می کنند.

Provisional Government

حکومت موقت

حکومتی است که در دوران برزخ سیاسی، پس از انتقال قدرت از يك نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر تشکیل می شود و تا زمان تصویب قانون اساسی جدید و بنیانگذاری نهادهای تازه سیاسی، عهده دار امور کشور است.

Diplomatic Protection

حمایت سیاسی

به کلیه اقدامات يك دولت نزد دولت دیگر به منظور احقاق حق اتباع خود و حمایت از آنها گفته می شود که در قلمرو يك کشور خارجی مورد تعدی و تجاوز اعم از مالی و یا جانی قرار گرفته اند.

Sphere of Influence**حوزه نفوذ**

اصطلاحی است به معنای قلمروی که حق برتری سیاسی یا اقتصادی يك دولت بر آن به رسمیت شناخته شده باشد، اگر چه مقدار کاربرد قدرت آن دولت بر آن قلمرو اندك یا هیچ باشد.

خ

Middle East

خاورمیانه

اصطلاحی است مبهم که از بدو پیدایش آن تا کنون به محدوده جغرافیایی دقیقاً مشخصی اطلاق نشده است. تقسیم بندی منطقه اساساً بر طبق دلایل متنوعی صورت گرفته است:

۱- کشورهایی که در جنوب اتحاد شوروی قرار دارند و يك سد دفاعی در برابر هدفهای توسعه طلبانه امپراتوری روسیه در دستیابی به آبهای گرم هستند مانند، ایران و ترکیه که در جنوب آنها نیز کشورهای عربی به چشم می خورد (از افغانستان با تردید یاد شده است).

۲- پس از بروز جنگ شش روزه (ژوئن ۱۹۶۷) و جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اصطلاح خاورمیانه صرفاً به کشورهای در حال جنگ منطقه اطلاق می شد.

۳- لنچافسکی، کشورهای ایران، ترکیه و افغانستان، منطقه هلال الخصیب و بحر احمر را جزو خاورمیانه می داند.

در مجموع و با در نظر گرفتن پارامترهای متعدد، کشورهای خاورمیانه را می توان مرکب از، ایران، ترکیه، عراق، اردن هاشمی، سوریه، لبنان، فلسطین، مصر، امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، قطر، کویت، عمان، یمن شمالی و یمن جنوبی دانست.

خط اودرنیسه Oder - Neisse Line

این اصطلاح به مرز بین آلمان شرقی و لهستان که پس از جنگ جهانی دوم تعیین گردیده است، اطلاق می شود. برای مشخص نمودن آن از رودخانه اودر که به دریای بالتیک می ریزد و شعبه این رود یعنی نیسه که از چکسلواکی سرچشمه می گیرد، استفاده شده است. این مرز طی قرارداد پوتسدام (اوت ۱۹۴۵)، به تصویب بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی رسید. مناطق آلمانی که در شرق این خط قرار داشتند، موقتاً در اختیار لهستان گذارده شده و اداره آنها از دست شورای کنترل متفقین در برلین خارج گردید.

خط زیگفريد Siegfried Line

اصطلاحاً به خط دفاعی آلمان هیتلری گفته می شود که به بهانه حفظ خطوط مرزی غربی آن کشور با فرانسه ساخته شد. خط مذکور دارای یک سلسله استحکامات و قلعه های نظامی زیر زمینی و موانع روی زمینی مشتمل بر دوازده هزار قلعه فولادی و سیمانی مسلح به توپ های سنگین بود که از مرز هلند گرفته تا مرز سویس در جنوب امتداد می یافت.

خط کرزن Curzon Line

این اصطلاح از دو تصمیم جداگانه کنفرانس صلح پاریس سرچشمه گرفت.

شورای عالی دولتهای متفق در ۸ دسامبر ۱۹۱۹ در اعلامیه مربوط به مرزهای ایالتی شرقی لهستان، حدی برای قسمت شمالی مرز شرقی کشور جدید التأسيس لهستان تصویب کرد. این حد از مرز شرقی پروس تا مرز گالیسی، در قسمت علیای رود بوگ نزدیک کریلف امتداد می یافت.

خط مک ماهون Mc Mahon Line

این اصطلاح به مرز بین چین و هندوستان اطلاق می شود که در سال ۱۹۱۴، با توافق چین، بت و بریتانیا تعیین گردید.

Disarmament**خلع سلاح**

کاستن واز میان بردن جنگ افزارها ویا کنترل جنگ افزارها و کاهش نیروهای مسلح است، که معمولاً هدف آن کاهش خطر جنگ یا دامنه آن وافزایش امنیت بین المللی است.

Autonomy**خودگردانی (اتونومی)**

حق تصمیم گیری برای اداره امور داخلی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی يك منطقه، سرزمین، یا گروه قومی در درون يك کشور است و در نهایت به خودمختاری کامل می رسد.

Self - determination**خودمختاری**

عبارت است از حق شهروندان يك کشور برای انتخاب حکومت یا شکل حکومت خود. به مفهوم دیگر خودمختاری حق تشکیل «دولت ملی» برای گروههای قومی و ملی است که از دولتهای چندین ملیتی وازامپراتوریهها جدا می شوند.

د

Détente دتانت (تشنج زدایی)

اصطلاحی است برای اشاره به وضعیت کاهش فشار یا تشنج در روابط بین دو یا چند کشور. دورهٔ دتانت امکان دارد که در اثر انعقاد يك پیمان رسمی ویا در اثر تحولات استراتژی ملی در عرض چند سال به وجود آید.

Intervention دخالت

عبارت است از اعمال قدرت به طور غیر قانونی از طرف يك دولت در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، به وجهی که آن دولت را مجبور به اطاعت و متابعت از خود کند. میانجیگری يك دولت برای حل مسالمت آمیز اختلاف دو یا چند دولت، دخالت دوستانه نام دارد.

High Sea دریای آزاد

کلیهٔ قسمتهای دریا، غیر از آن قسمت که جزء آبهای داخلی و ساحلی است، دریای آزاد را تشکیل می دهد.

Tyranny دژسالاری

اصطلاحی است برای حکومتهایی که با روش استبدادی و ترور فرمان

می رانند، چه انقلابی باشند (مانند حکومت روبسپیر)، چه سنتی (مانند حکومت ایوان مخوف)، چه اولیگارشیانه (مانند حکومت اسپارت) و چه دموکراتیک.

Despotism

دسپوتیسم

به اقتداری گفته می شود که هیچ حدّ قانونی ندارد و خودسرانه اعمال می شود. بنابر نظریه کارل ویتفوگل دسپوتیزم شرقی دارای ویژگیهایی به شرح زیر است:

- ۱- حکومت فردی.
- ۲- اداره کشور با سازمان اداری متمرکز.
- ۳- نبودن يك اشرافیت ثابت.
- ۴- پست بودن موقعیت بازرگانان در جامعه.
- ۵- کم اهمیت بودن برده داری.
- ۶- کشاورزی مبتنی بر آبیاری وسیع.

Civil Defense

دفاع غیر نظامی

به برنامه های يك دولت در خصوص حفاظت از آحاد يك کشور، منابع اقتصادی، و حفظ نظم و قانون در مواقع اضطراری (مانند جنگ، بمباران، زلزله و...) اطلاق می شود.

Eisenhower Doctrine

دکترین آیزنهاور

آیینی است منسوب به ژنرال آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا (۱۹۵۳-۱۹۶۱). بر اساس این آیین رئیس جمهور وعده جانبداری از آن گروه کشورهای خاورمیانه را داد که مایل به حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود در برابر خطر تجاوز خارجی کمونیسم و یا خرابکاری داخلی بودند. دولتهای حامی این سیاست، مشمول کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا می شدند. بر اساس نظریه مذکور و در راستای همین سیاست نیروهای آمریکایی وارد لبنان شدند، و زمینه تبدیل پیمان بغداد به ستو و عضویت

کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه فراهم گردید.

Strada Doctrine

دکترین استرادا

آیینی است مشعر بر این که دولتها حق ندارند مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت دولت ثالث را مورد قضاوت و بررسی قرار دهند و اگر آن را غیر قانونی پنداشتند، باید از شناسایی آن خودداری کنند.

Truman Doctrine

دکترین ترومن

آیینی است منسوب به هاری ترومن سی و سومین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۴۵-۱۹۵۳) که در سال ۱۹۴۷ بیان گردید. در این نظریه، وی حمایت خود را از دولتهایی که در برابر خرابکاریهای مسلحانه داخلی و خارجی در برابر کمونیستها مقاومت می کردند، ابراز داشت. منظور ترومن عمدتاً کشورهای جنوب شرقی اروپا بود که به رغم آمریکاییها در معرض خطر تهاجم کمونیسم قرار داشتند. وی در این راستا از کنگره آمریکا تقاضا کرد تا معادل مبلغ چهارصد میلیون دلار کمکهای اقتصادی و نظامی به یونان و ترکیه داده شود. دکترین ترومن در واقع نخستین گام عملی به سوی سیاست «سدسازی» در برابر «توسعه طلبی» کمونیسم بود. این خط مشی با برنامه مارشال (۱۹۴۷)؛ برنامه کمکهای فنی (۱۹۴۹)؛ پیمان آتلانتیک شمالی (۱۹۴۹)؛ و برنامه امنیت متقابل (۱۹۵۱) ادامه یافت.

Tobar Doctrine

دکترین توبار

نظریه ای است منسوب به توبار وزیر خارجه وقت اکوادور در خصوص عدم شناسایی حکومتهای جدید. بر اساس قراردادی که بین پنج کشور آمریکای لاتین (کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوآ و السالوادور) منعقد گردید، دولتهای یاد شده متعهد گردیدند، حکومتهایی را که بر اثر انقلاب و یا بر خلاف قانون اساسی کشورها ایجاد می گردند، مورد شناسایی قرار ندهند.

Rambo Doctrine**دکترین رامبو**

این اصطلاح به نظریه‌ای گفته می‌شود که در آن از نیروهای نظامی مخفی غیر کلاسیک آمریکایی برای اعمال زور علیه نیروهای ضد آمریکایی در جهان استفاده می‌شود.

رامبو در حقیقت نام یک سلسله فیلم‌های سینمایی آمریکایی است که توجیه‌کننده سیاستهای میلیتاریستی (ارتش سالاری) آمریکا در سطح جهانی می‌باشد.

Frank Sinatra Doctrine**دکترین فرانک سیناترا**

اصطلاحی است مأخوذ از ترانه فرانک سیناترا خواننده معروف آمریکایی و هنرپیشه قدیمی هالیوود به نام «من به شیوه خود عمل می‌کنم». اصطلاح مذکور در اکتبر ۱۹۸۹ برای توجیه سیاستهای جدید شوروی در رابطه با تحولات سریع کشورهای اروپای شرقی توسط «گنادی گراسیموف» سخنگوی وزارت خارجه شوروی اعلام گردید. وی اظهار داشت: «از این به بعد اتحاد شوروی از دکترین فرانک سیناترا در رابطه با کشورهای عضو پیمان ورشو پیروی خواهد کرد، بدین معنی که آنها مختارند هرکاری که می‌خواهند انجام دهند. بر این اساس هر کشوری حق دارد تصمیمات مستقل خود را از طرق مورد علاقه خود به مرحله اجرا در آورد. ضمناً ساختارهای سیاسی هر کشور نیز باید توسط مردم آن کشور تعیین شود و عملی گردد».

دکترین کندی - مک نامارا**Kennedy - Mc Namara Doctrine**

این دکترین که به پاسخ انعطاف پذیر معروف شده است، عبارت از این است که: «در صورت تعرض شوروی، دولت آمریکا فوراً و به طور وسیع دست به یک حمله اتمی علیه شوروی نخواهد زد، بلکه نخست با استفاده از نیروهای متعارف غیر اتمی جلوی تجاوز را خواهد گرفت». این فرصت درنگی را سبب خواهد شد که طی آن می‌توان از نظر سیاسی با روسها

مذاکره نمود و خطر يك جنگ اتمی را به آنها گوشزد کرد. تنها در صورت عدم سودمندی مذاکرات، از نیروهای اتمی استفاده خواهد شد.

دکترین مونروئه **Monroe Doctrine**

یکی از اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا است که مخالف دخالت کشورهای دیگر در نیمکره غربی است. سیاست مذکور توسط جیمز مونروئه رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۸۲۳ اعلام گردید. دکترین مذکور قریب یکصد و پنجاه سال خط مشی آمریکا را تعیین کرده است. متعاقب تشکیل کنگره وین (۱۸۱۵)، نیروی دریایی بریتانیا به طور غیر مستقیم از دکترین مونروئه حمایت کرد، چرا که هر دو کشور دارای منافع فراوانی در نیمکره غربی بودند.

دکترین نیکسون **Nixon Doctrine**

آیینی است منسوب به ریچارد نیکسون رئیس جمهور آمریکا (۱۹۶۸-۱۹۷۴) که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ در جزیره گوام اعلام گردید و سپس مقامات بلندپایه پنتاگون و مشاوران وزارت خارجه آمریکا آن را توسعه بخشیدند. دکترین مزبور در ابتدا به «دکترین گوام» شهرت داشت و مولود طبیعی شکست نظامی ارتش آمریکا در ویتنام به شمار می رود. بر اساس نظریه مزبور، طرح «ویتنامی کردن جنگ ویتنام» یعنی کشتار «ویتنامیها به دست ویتنامیها» اجرا گردید و مقرر شد که کشورهای کلیدی جهان سوم، خود گام اول را در راه حفظ امنیت و منافع بردارند. در این راستا کشورهای مزبور به صورت شرکای کوچک در عملیات سنگین مدیریت امپریالیستی در می آمدند و در این شرایط بود که اندیشه «ابرقدرت منطقه‌ای» زاده شد.

محور دکترین نیکسون با سقوط رژیمهای پرتغال، اتیوپی و یونان (که مورد حمایت آمریکا بودند) از نظر عملی فروپاشید.

دکتربن يك لیوان آب One Glass of Water Doctrine

بر طبق این عقیده که به وسیله لنین ابراز شد، يك کونیست بایستی تعصبی نسبت به مسایل جنسی نداشته باشد طوری که گویا اهمیتی بیش از يك لیوان آب ندارد. معهذا انقلابیون کمونیست در دنیای غرب، عقیده‌ای به این دکتربن ندارند.

دگماتیسم Dogmatism

به بینشی اطلاق می شود که افراد نسبت به اصول اعتقادی مذهبی یا غیر مذهبی دارند و آن اصول را قطعی، مطلق، غیر قابل تردید و تغییر ناپذیر می پندارند.

دماگوژی Demagogy

این اصطلاح به معنای عوام فریبی یا مردم فریبی و اغوای مردم از طریق دادن وعده‌ها و شعارهای فریبنده و دروغین است.

دماگوگ Demagogue

به مفهوم رهبر عوام‌فریب است که سعی دارد از تعصبات و شور و هیجانات عمومی در مسیر نادرستی بهره‌برداری نماید.

دموکراسی Democracy

این عنوان در اصطلاح سیاسی به مفهوم، «برتری قدرت آرمانخواهانه ملی، و اداره حکومت به وسیله ملت می باشد».

ابراهام لینکلن (۱۸۶۵-۱۸۰۹) رئیس جمهور آمریکا دموکراسی را چنین بیان می کند:

«دموکراسی یعنی حکومت مردم، با خود مردم و برای مردم».

هرودوت مورخ یونانی بر این باور بود که: «دموکراسی اگر چه تمام مردم را در پیشگاه قانون مساوی می داند ولی اشکال آن در این است که به سهولت ممکن است به موبوکراسی یا حکومت رجاله و عوام، و قیادت جهال

تنزل یابد. یعنی حکومتی که در آن مردم حقیر و بی اطلاع و نالایق مصدر کار باشند، و مسلماً حکومت افراد برجسته و باهوش و صاحب غریزه و استعداد بر حکومت نادانان ترجیح دارد.

دموکراسی در پایه و اساس عبارت از «حکومت تمام مردم» است که از راه غیر مستقیم یعنی تعیین نماینده‌ها و تفویض اختیارات حکومتی به آنها عملی می‌شود.

دموکراسی باستانی Ancient Democracy

این اصطلاح در یونان قدیم برای بیان مفهوم سیاسی دفاع از حکومت به وسیله مردم به کار گرفته شد. در این معنی، حکومت دموکراتیک در برابر حکومت آریستوکراتیک قرار دارد.

دموکراسی جکسون Jacksonian Democracy

اصطلاحی است منسوب به آندرو جکسون (۱۷۶۷-۱۸۴۵) رئیس جمهور آمریکا (۱۸۲۹-۱۸۳۷) که خواهان ایجاد جنبش تساوی سیاسی و اجتماعی برای مردم آن کشور بود. بر اساس نظریه وی، آریستوکراسی سیاسی مردود شناخته می‌شد.

دموکراسی شهری Urban Democracy

در این نوع دموکراسی، حکومت در دست بورژواها و ثروتمندان بود و در پاره‌ای اوقات که بر اثر جهش ناگهانی، فردی از طبقه متوسط و صاحبان مشاغل عادی به قدرت می‌رسید، جز این که مطابق میل بورژواهای ثروتمند، کارهای حکومتی را، حتی علیه طبقه خود انجام دهد، چاره دیگری نداشت.

دموکراسی مستقیم Direct Democracy

سیستمی از حکومت است که در آن تصمیمات سیاسی مستقیماً توسط خود مردم اجرا می‌شود تا نمایندگان منتخب آنان. تحت نظام مذکور

شهروندان به‌طور دوره‌ای گردهم آمده ووظایف قوهٔ مقننه را انجام می‌دهند.

دموکراسی مسیحی Christian Democracy

عبارت است از اجرای اصول حکومت مردم به وسیلهٔ خود مردم از راه ایمان و وجدان و اخلاق مسیحیت که نمونه‌های آن توسط احزاب دموکرات مسیحی اروپا به اجرا در آمده است.

دور باطل Vicious Circle

فرایندی علی به صورت دوری است که موجب می‌شود هر عنصر تشکیل دهندهٔ يك مجموعه یا ساخت، به صورتی منفی بردیگران اثر نهد، آن چنان که مجموعه در حالت نخستین باقی مانده و یا آن که رو به وخامت گذارد.

مضمون دور باطل که در جهت مشخص ساختن شرایط و اوضاع راكد و بی تحرک در جوامع توسعه نیافته به کار برده می‌شود، رهیافتی جالب توجه را می‌رساند. دورباطل عمل متقابل اجزا و عناصر اقتصادی و اجتماعی را که در تداوم حالت و شرایط کم رشدی تأثیر دارند، برجسته و مشخص می‌دارد.

دوقطبیت Bipolarity

مدلی از تقسیم قدرت در جهان که آن را به دو قطب اصلی تقسیم می‌کند و رهبری هر قطب را يك ابرقدرت در دست دارد. این مدل ساده از روابط بین الملل، به ویژه در زمینه کنترل جنگ افزارهای هسته‌ای برای بسیاری از مشاوران سیاسی آمریکا در دههٔ ۱۹۵۰ گیرابود ولی وقتی که گیرایی امر به دلیل عدم مطلق بودن نفوذ ابرقدرتها از دست رفت، اعتبار این مدل از هم فروپاشید.

دولت State

این اصطلاح به معنای وسیع کلمه عبارت از جامعه‌ای است که در آن قدرت سیاسی طبق «قوانین اساسی» تعیین شده است. به معنای محدودتر، دولت عبارت از قدرتی است که سرنوشت جامعه یاد شده را در دست دارد. در مفهوم عمومی دولت به معنای مجموعه سازمانهای اجرایی است که قدرت اداره جامعه به آن داده شده است. این مجموعه متشکل از اجزای زیر می‌تواند باشد.

الف - مجلس شورا، پادشاه و یا هر دو.

ب - حکومت یا مجموعه نخست وزیر و کابینه‌اش.

ج - دستگاه اداری، پلیس و نیروهای مسلح.

د - دادگستری یا قوه قضاییه.

دولت به معنای اول دارای سه رکن است که عبارتند از: قلمرو، جمعیت و حاکمیت.

دولت آزاد Free State

دولت موقتی است که ملت باوران (ناسیونالیستها) يك کشور اشغال شده در خارج از سرزمین اصلی تشکیل می‌دهند و وظیفه اصلی آن تلاش برای رهایی کشور است. «دولت موقت فرانسه» و «دولت آزاد الجزایر» از این نمونه‌اند.

دولت پادگانی Garrison State

دولتی است که به دولت جنگی تبدیل می‌شود و پس از رفع هر بحران به قصد جلوگیری از بحرانهای دیگر، همچنان مجهز و مقتدر باقی می‌ماند.

دولت رفاه Welfare State

يك نظام سیاسی است که دولت را مسئول حمایت و پیشبرد ایمنی اجتماعی و بهزیستی شهروندان خود می‌داند. حکومت حزب کارگر انگلستان (۱۹۴۵-۵۰) نخستین دولتی بود که این اندیشه را پیش کشید.

Guild State**دولت صنفی**

دولتی است که به جای تکیه بر واحد سرزمینی، بر واحدهای صنفی و اتحادیه‌های شغلی تکیه دارد. در چنین سیستمی نمایندگان مجلس از اتحادیه‌های صنفی وکالت دارند. در تاریخ، نظامهای مطلقه و توتالیتر، اندیشه دولت صنفی را به عمل در آورده‌اند.

Military Government**دولت نظامی**

این اصطلاح به دولتهای موقتی گفته می‌شود که به دست نیروهای فاتح نظامی در اراضی اشغالی دشمن ایجاد می‌شود.

East - Bloc Domino**دومینوی اروپای شرقی**

این اصطلاح به تحولاتی گفته می‌شود که در اواخر سال ۱۹۸۹ در کشورهای اروپای شرقی رخ داد و به سرعت همه آنها را فرا گرفت. این تحولات بیشتر ناشی از دگرگونی‌هایی بود که در خود اتحاد شوروی رخ می‌داد. لغو سلطه حزب کمونیست و پایان بخشیدن به یکه‌تازی کمونیستها، آزادی مسافرت به غرب، برداشتن مرز بین کشورها، فروریزی دیوار برلین و سپردن پستهای کلیدی به غیر کمونیستها از زمره این تحولات است. یکی از خونین‌ترین این تحولات، سرنگونی حکومت چائوشسکودر رومانی بود (دسامبر ۱۹۸۹).

Dominion**دومینیون**

به معنای قدرت، نظارت، حق حاکمیت، قدرت حکومت و سرزمین تحت حکومت پادشاه و دولت می‌باشد. در انگلستان واژه دومینیون دارای مفهوم خاص بوده و به سرزمینهای ماورای بحار که زیر فرمان امپراتوری انگلستان بودند، اطلاق می‌گردید.

Diplomat**دیپلمات**

به اعضای سیاسی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده اطلاق می‌شود.

امروزه در عرف حقوق بین الملل، دیپلماتها را به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کنند:

وابسته، دبیر سوم، دبیر دوم، دبیر اول، رایزن (درجه سوم، درجه دوم و درجه اول)، وزیر مختار و سفیر.

دیپلماسی Diplomacy

این اصطلاح در معانی ذیل به کار می‌رود:

- ۱- اداره امور بین المللی به وسیله سفیر و دیگر مأموران دیپلماتیک.
- ۲- اداره امور بین دولتها به وسایل مسالمت آمیز.
- ۳- هنر دیپلمات در اداره امور خارجی دولت به وسایل مسالمت آمیز خصوصاً با مذاکره و گفتگو.

دیپلماسی اجلاس Summit Diplomacy

شیوه‌ای است که توسط سران کشورها و یا روسای دولتها برای حل اختلافات بین المللی به کار گرفته می‌شود و با اجلاسهای مشابه که در سطح سفیران و وزیران برگزار می‌شود، متفاوت است. دیپلماسی اجلاس در عصر رژیمهای سلطنتی مطلقه به وجود آمده و در عصر حاضر نیز برای حل مسایل پیچیده از این شیوه استفاده می‌شود. مثل، اجلاسهایی که برای حل مسئله جنگ سرد بین سران آمریکا و شوروی تشکیل گردید که از آن میان می‌توان به اجلاس ژنو (۱۹۵۵)، اجلاس پاریس (۱۹۶۰)، اجلاس وین (۱۹۶۱) و گلاسبور و در نیوجرسی آمریکا (۱۹۶۷) اشاره کرد.

دیپلماسی پینگ پونگ Ping - Pong Diplomacy

این اصطلاح به اقداماتی اشاره دارد که جهت عادی کردن مناسبات دولتهای آمریکا و چین صورت گرفت (۱۹۷۱). به دنبال برگزاری مسابقه پینگ پونگ بین تیمهای آمریکایی و چینی، زمینه عادی شدن روابط دو کشور به وجود آمد که به دیدار نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا از چین و امضای اعلامیه معروف شانگهای انجامید.

Funeral Diplomacy دیپلماسی تشییع جنازه

این اصطلاح به گفتگوهای اطلاق می شود که میان سران کشورها و دیپلماتهای شرکت کننده در مراسم تشییع جنازه هیروهیتو (۱۹۸۹-۱۹۰۱) امپراتور ژاپن در توکیو صورت گرفت (فوریه ۱۹۸۹).

Conference Diplomacy دیپلماسی کنفرانس

این اصطلاح به مذاکرات چند جانبه‌ای اطلاق می شود که در اجلاسهای بین المللی برگزار می گردد. نمونه بارز دیپلماسی کنفرانس «کنگره وستفالی» (۱۶۴۸-۱۶۴۲) است که به جنگهای سی ساله خاتمه داد. ظهور جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ در واقع ادامه دیپلماسی کنفرانس بود که با تشکیل سازمان ملل متحد تداوم پیدا کرد. دیپلماسی مزبور در سطح محدود موضوعی یا جغرافیایی نیز برگزار می شود. مثل، صندوق بین المللی پول، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان وحدت آفریقا، و نیز کنفرانس سران غیر متعهد (که در سال ۱۹۵۵ در باندونگ برگزار شد). کنفرانس دیپلماسی از این جهت اهمیت دارد که نوعی «دیپلماسی باز» در برابر «دیپلماسی سری» به شمار می آید. حسن این نوع دیپلماسی در این است که نمایندگان دولتها می توانند شکایات، مشکلات و مسایل خود را به طور «باز» مطرح کرده و با تبادل نظر، گفتگو و مذاکرات آنها را حل کنند.

Dictatorship دیکتاتوری

به رژیم گفته می شود که شخص یا حزب واحدی از رقابت گروههایی دیگر جلوگیری می کند و اداره قوای عمومی مملکت را بدون رقیب در شخص یا سازمان خویش تمرکز می دهد.

در قرن معاصر هیتلر، موسولینی و استالین واحزاب واحد ناسیونال سوسیالیست (نازی)، فاشیست و کمونیست مظهر حکومتهای دیکتاتوری فردی و حزبی به شمار می آیند.

دیکتاتوری پرولتاریا Dictatorship of Proletariat

در قاموس مارکسیسم، «دیکتاتوری پرولتاریا» دولت خاص جوامعی است که در آن پرولتاریا قدرت سیاسی را به دست آورده و در راه سوسیالیسم و کمونیسم گام بردارد. به نظر مارکسیستها، از نظر تاریخی، کمون پاریس نخستین شکل دیکتاتوری پرولتاریا است.

دیوان بین المللی دادگستری International Court of Justice

بر اساس ماده هفت منشور ملل متحد، دیوان بین المللی دادگستری یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل متحد است. ماده ۹۲ منشور اشعار می دارد:

«دیوان بین المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد بوده و بر طبق اساسنامه پیوست که بر مبنای اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است، انجام وظیفه خواهد نمود».

بر اساس ماده ۹۳ منشور «کلیه اعضای ملل متحد به خودی خود از جمله قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری هستند».



Radicalism

رادیکالیسم

به معنای مشی کسانی است که طرفدار اقدامات ریشه‌ای و قطعی هستند.

Radio Free Europe

رادیو اروپای آزاد

سازمانی است ضد کمونیستی که برنامه‌هایی را برای مردم اروپای شرقی پخش می‌کند. مجریان برنامه‌های رادیوی مذکور اکثراً از فراریان، و آوارگانی هستند که پس از جنگ جهانی دوم از اروپای شرقی به غرب مهاجرت کرده‌اند.

New Right

راست نو

این اصطلاح در برابر «چپ نو» به طیف وسیعی از انجمنها، سازمانها و افراد مخالف با کمونیسم و اقتصاد دولتی در آمریکا اطلاق می‌شود.

Racism

راسیسم (نژاد پرستی)

نژادپرستی يك نظریه ضد علمی و ارتجاعی است که میان نژادهای مختلف از لحاظ استعداد و قدرت فکری عدم تساوی قایل است.

Reich**رایش**

اصطلاحی است آلمانی به معنای «حکومت آلمان». تا کنون سه رایش در تاریخ آلمان وجود داشته است. رایش اول (از ۹۶۲ میلادی تا ۱۸۰۶)، رایش دوم (از ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۸) و رایش سوم (از سی ام ژانویه ۱۹۳۳ تا آوریل ۱۹۴۵).

Presidentialism**ریس جمهور محوری**

نظامی است که در آن ریس دولت در عین حال ریس قوه مجریه نیز هست. این نظام در برابر پارلمان محوری و حکومت بر محور هیئت وزرا قرار می گیرد. لیکن ریس جمهور محوری در کشورهای مختلف، اشکالی متنوع می یابد. ویژگیهای این نظام عبارت است از:

- ۱- تفکیک قدرتهای مجریه و مقننه بیش از سایر نظامها رعایت می شود.
- ۲- ریس جمهور به عنوان قدرت اجرایی در برابر ملت مسئول است و باید بر طبق موازین قانون اساسی حکومت کند.
- ۳- قدرت اجرایی در اختیار ریس جمهور است که خود وزرا را منسوب می کند.
- ۴- ملت به طور مستقیم یا غیر مستقیم ریس جمهور انتخاب می کند.
- ۵- اعضای مجلس نمی توانند مسئولیتهایی را در دولت یا دستگاه اداری تقبل کنند، هم چنان که صاحبان این قدرتها نیز فاقد چنین حقی (نماینده‌گی مجلس) هستند.

Régime**رژیم**

به معنای شکل حکومت و روش اداره امور مملکت است.

Regionalism**رژیونالیسم**

به مفهوم آن است که دولتهای واقع در يك منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترك هستند می توانند از طریق سازمانهای منطقه‌ای همکاریهای نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند.

Referendum **رفراندوم (همه پرسی)**

عبارت است از ارجاع يك مسئله خاصّ سیاسی به رأی دهندگان کشور جهت تصمیم گیری مستقیم در باره آن.

Reform **رفورم**

رفورم یا اصلاح اقداماتی است که برای تغییر و تعویض برخی از جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد، بدون آن که بنیاد جامعه را دگرگون سازد. مانند، اصلاحات ارضی، آموزشی، اداری و غیره.

Exequature **روانامه**

به مدرک رسمی پذیرش (معادل پذیرش برای سفرا) جهت رؤسای مأموریت‌های کنسولی اطلاق می‌شود.

Heads of Mission **رؤسای مأموریت**

بر اساس مواد مندرج در عهدنامه وین (۱۹۶۱) رؤسای مأموریت به ترتیب تقدم عبارتند از: ۱- سفیر و سفیر پاپ ۲- وزیر مختار و نماینده پاپ ۳- کاردار.

ردیفهای اول و دوم نزد رئیس کشور پذیرنده مأمورند و ردیف سوم در برابر وزارت امور خارجه کشور پذیرنده.

روشهای مسالمت آمیز حل اختلافات بین المللی**Peaceful Means for the Settlement of International Disputes**

روشهای حل اختلاف و مناقشات بین المللی بدون توسل به قوه قهریه عبارتند از: ایجاد حسن تفاهم به طور مستقیم، مساعی جمیله، میانجگیری، کمیسیون بین المللی تحقیق، حکمیت، ارجاع موضوع به دیوان دآوری و ارجاع به دیوان بین المللی دادگستری.

Revisionism**رویزیونیسم**

اصطلاحی است به معنای تجدید نظر طلبی که در قاموس کمونیستها عبارت است از، جریانی در جنبش کارگری که در اصول اساسی مارکسیسم تجدید نظر می کند؛ این اصول را نفی کرده و تحریف می نماید و محتوای آن را از بین می برد.

Head of State**رییس کشور**

به پادشاه یا رییس جمهور و یا هر مقام دیگری اطلاق می شود که بر طبق قانون اساسی کشورها و یا عملاً عهده دار این مقام است. رییس کشور عالیتین رکن يك کشور در روابط بین المللی است و نقش اساسی در دیپلماسی، يك دولت دارد.

ز

Zapadnics زاپادنیکها (غرب گرایان)

جریانی در روشنفکران روسیه (۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ میلادی) که طرفدار الگو برداری از تمدن صنعتی اروپای غربی و «راه رشد غربی» در روسیه بودند و در مقابل سنت گرایان (اسلاو فیلها) قرار داشتند. غرب گرایان اکثراً از خانواده‌های اشراف ونجبا و تجار وابسته بودند و به علت تحصیل در غرب روشنفکران و ادبای برجسته روسیه به حساب می آمدند.



Jacobinism

ژاکوبینیسم

جنبش افراطی در دوران انقلاب کبیر فرانسه است که ویژگی آن دنبال کردن هدفهای انقلابی به هر قیمت و پرهیز از هرگونه سازشگری است. ویژگیهای نوعی از ژاکوبینیسم عبارت است از:

- ۱- خوار شمردن خواست اکثریت.
- ۲- هواداری از دیکتاتوری یک گروه پابرجای انقلابی.
- ۳- ایجاد کمیته‌های امنیت همگانی به عنوان نهادهایی برای به کار بردن ترور.

Geopolitics

ژئوپولیتیک

شاخه‌ای از مطالعات سیاسی است که از ترکیب جغرافیای سیاسی و «علم سیاست» پدید آمده است. در این مطالعه، اثر عوامل جغرافیایی، مانند وضع جغرافیایی یک کشور یا فرآورده‌های طبیعی آن بر سیاست آن دولت یا ملت، و این که اختراعات و کشفها چگونه ارزش عوامل جغرافیایی را دگرگون می‌کنند، بررسی می‌شود (برای نمونه، اثر عامل نفت در خاورمیانه). نظریه‌های ژئوپولیتیک شناس آلمانی (هاوسهوفر) که از «سرنوشت مکانی» ملتها سخن می‌گفت، اصطلاح «فضای حیاتی» را ابداع کرد که خوشایند ناسیونال سوسیالیستهای آلمانی (نازیها) واقع گردید

وتوجهی برای فرمانروایی سیاسی آلمانیها بر اروپا شد.

ژئوپولیتیک - تئوری راتزل **Geopolitics - Ratzel Theory**

بر اساس این نظریه، در درجهٔ اول وسعت خاک یک کشور بهترین نمایندهٔ قدرت سیاسی و پیشرفت فرهنگی آن کشور است و در درجهٔ دوم، موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن در سیاست ممالک اهمیت زیادی دارد. به عقیدهٔ راتزل وجود یک کشور در مجاورت یک همسایهٔ قوی و یا ضعیف مسألهٔ مهمی است و اهمیت آن در طی تاریخ تغییر می کند.

ژئوپولیتیک - تئوری کیلن **Geopolitics - Kjellen Theory**

بر اساس این نظریه، قدرت، مهمترین عامل وجودی یک کشور است. زیرا قدرت است که می تواند مجری قانون باشد. به عقیدهٔ کیلن یک کشور برای به دست آوردن قدرت می تواند نه تنها با توسعهٔ اراضی خود بلکه با بکاربردن تکنولوژی و پیشرفتهای فرهنگی جدید به هدف اصلی خود برسد. هدف نهایی یک کشور برای کسب قدرت بیشتر باید رسیدن به مرزهای طبیعی باشد و در داخل هم موفق به ایجاد وحدت قابل توجهی گردد. کیلن کشور را از چند نظر مورد بررسی قرار می دهد:

- ژئوپولیتیک

- دیموپولیتیک

- ائکوپولیتیک

- سوسیوپولیتیک

- کراتوپولیتیک

ژئوپولیتیک - تئوری ماهان **Geopolitics - Mahan Theory**

بر اساس این نظریه لازمۀ حکومت بر دنیا تسلط بر دریاهای جهان است و میزان پیشرفت و توسعهٔ نیروی دریایی ممالک نیز بستگی به شش عامل مهم جغرافیایی ذیل دارد:

۱- موقع جغرافیایی

۲- وضع طبیعی

۳- وسعت خاک

۴- میزان جمعیت

۵- خصوصیات ملی

۶- سیاست دولت

ژئوپولیتیک - تئوری مکیندر**Geopolitics - Mackinder Theory**

این نظریه بر عکس تئوری «ماهان» معتقد به تسلط بر خشکیهای زمین است. وی بر این باور است که: هر کس بر اروپای شرقی تسلط یابد، بر ناحیه هارتلند نیز مسلط خواهد شد. هر کس بر هارتلند تسلط یابد بر جزیره جهانی نیز مسلط خواهد شد، و هر کس که بر جزیره جهانی تسلط یابد حکومت دنیا را به دست خواهد گرفت.

ژئوپولیتیک - تئوری هاوس هوفر**Geopolitics - Haushofer Theory**

این نظریه به شدت تحت تأثیر افکار ژئوپولیتیکی مکیندر است و مفهوم «فضای حیاتی» هسته اصلی ژئوپولیتیک هاوس هوفر را تشکیل می دهد. به موجب تئوری هاوس هوفر، «هر مملکت برای باقی ماندن و ادامه حیات باید دارای وسعت کافی بوده و برای تهیه و حفظ آن وسعت نیز باید سیاست بخصوصی را پیگیری نماید». هاوس هوفر معتقد بود که تنها با اتحاد آلمان و روسیه می توان به هارتلند دست یافت و حکومت جهانی را تشکیل داد، در صورتی که هیتلر حمله به روسیه را عامل مهم پیشرفت در سیاست خود می دانست و به همین دلیل در ژوئن ۱۹۴۱ به اتحاد شوروی حمله ور شد.

Genocide**ژنوسید (نژادکشی، نژاد آزاری)**

نژادکشی یا نژاد آزاری عبارت است از: نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، نژادی یا مذهبی، قتل اعضای گروه، صدمه جسمی یا روحی

افراد گروه، قراردادن عمدی گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی، جلوگیری از تولد و تناسل اعضای گروه، انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.

Jus Jentium

ژوس ژانتیوم

اصطلاحی است برای مجموعه قوانینی که توسط قضات روم قدیم برای حل و فصل اختلافات اتباع روم و اتباع کشورهای بیگانه تهیه شده بود و به کار می رفت.

س

Sabotage سابوتاژ (خرابکاری)

عبارت است از اقدام به خرابکاری در مؤسسات و سازمان های دولتی، عمومی و خصوصی، به منظور رسیدن به هدفهای اخلاک‌گرانه و غیر قانونی. سابوتاژ به عملیات «براندازی» که بر اساس توطئه قبلی انجام پذیرد، نیز اطلاق می شود.

سازمان آزادیبخش فلسطین

Palestine Liberation Organization (PLO)

این سازمان که اختصاراً ساف ویا پی . ال . اُ . خوانده می شود در سال ۱۹۶۴ پایه‌ریزی شد و امروزه به صورت یکی از مهمترین سازمانهای چریکی جهان در آمده است. عالیتین ارگان سازمان مذکور «شورای ملی فلسطین» نام دارد.

سازمان بین المللی آوارگان

International Refugee Organization

این سازمان از ۲۰ اوت ۱۹۴۸ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۱ مسئول مراقبت، بازگشت، تعیین هویت، طبقه‌بندی و اسکان آوارگان بود. اساسنامه سازمان مذکور در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۶ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید.

سازمان بین المللی آوارگان در ۱۹۵۱ منحل شد و وظایف آن به کمیسر عالی سازمان ملل برای آوارگان واگذار گردید.

سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) International Civil Aviation Organization (ICAO)

این سازمان که بر اساس کنوانسیون مورخ هفتم دسامبر ۱۹۴۴ شیکاگو تشکیل گردیده است، سازمانی است با صلاحیت شبه قانونگذاری وسیع و قدرت اجرایی در زمینه قواعد تکمیلی و با وظایف صرفاً مشورتی در قلمرو اقتصادی. با این وجود، سازمان مذکور عرصه مناسبی را برای کشورهای عضو، جهت بحث و گفتگو در باره موضوعات مربوط به هواپیمایی کشوری بین المللی فراهم می سازد. کنفرانسهای حمل و نقل هوایی و اجلاسهای مجمع عمومی، اختلافات اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو را حل و فصل می کند. سازمان مذکور از سال ۱۹۴۷، تحت قواعد کنوانسیون شیکاگو به کار پرداخت و با موافقتنامه ای که در سال ۱۹۴۸ بین سازمان ملل متحد و ایکائو منعقد گردید و با توجه به مواد ۵۷ و ۶۳ منشور ملل متحد، جزو سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد محسوب می گردد.

تشکیلات ایکائو عبارتند از: مجمع، شورا، کمیسیون، کمیته ها و دبیرخانه. مجمع از کلیه اعضای سازمان و هر سه سال يك بار تشکیل جلسه می دهد. ریاست عالی سازمان با دبیر کل است که رییس اجرایی سازمان بوده و توسط شورا تعیین می گردد.

ایکائو دارای يك شورای دایمی متشکل از ۳۳ عضو می باشد که هر سه سال يك بار توسط مجمع ایکائو انتخاب می گردند. شورا با تصویب استانداردها و رویه های پیشنهادی دارای قدرت شبه قانونگذاری است و همچنین در ارتباط با حل اختلافات مربوط به اجرا و تفسیر کنوانسیون شیکاگو و ضمایم مربوط به آن، قدرت قضایی دارد. انتخابات شورا توسط مجمع ایکائو از سه گروه کشورهای زیر صورت می گیرد:

۱- کشورهایی که از لحاظ حمل و نقل هوایی اهمیت زیادی دارند.

- ۲- کشورهای که بیشترین سهم را در فراهم آوردن تسهیلات هوانوردی بین‌المللی دارند.
- ۳- کشورهای که انتخاب آنها موجب می‌شود تا کلیه مناطق جغرافیایی مهم دنیا در شورا مشارکت داشته باشند.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

North Atlantic Treaty Organization (NATO)

این اصطلاح به پیمانی گفته می‌شود که در ماه آوریل ۱۹۴۹ میان کشورهای بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، بریتانیای کبیر، ایسلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، آمریکا، یونان و ترکیه (۱۹۵۱)، آلمان غربی (۱۹۵۵) و اسپانیا (۱۹۸۲) به امضا رسید. بر اساس ماده پنج این سازمان، حمله به یک یا دو کشور عضو، حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی شده و ناتو موظف به دفاع از کشور مورد حمله خواهد بود. ناتو در اصل به منظور حفظ امنیت اروپای غربی در مقابل قدرت نظامی شوروی و بلوک شرق تأسیس گردید. شورای آتلانتیک شمالی عالیت‌ترین نهاد ناتو است و وظیفه هماهنگی بین شاخه‌های اجرایی و کمیته نظامی را بر عهده دارد. ناتو دارای سه فرماندهی نظامی است. فرانسه در سال ۱۹۶۶ نیروهای ناتو را از آن کشور اخراج کرد و خود از عضویت فرماندهی نظامی متحد خارج شد، با این وجود در قسمت پشتیبانی نظامی و برنامه‌های دیگر مانند تأمین بودجه و تأسیسات هشدار دهنده، باقی ماند.

سازمان پیمان مرکزی (ستو)

Central Treaty Organization (CENTO)

این سازمان که پایه آن در قالب پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ ریخته شد پیمان متقابلی بود که پس از مذاکرات فراوان بین عراق و ترکیه در بغداد به امضا رسید. آمریکا و انگلستان از پیمان مذکور استقبال کردند ولی مصر و شوروی آن را تقبیح کردند. این پیمان تا سال ۱۹۵۹ به پیمان بغداد معروف بود.

دولت انگلستان در تاریخ چهارم آوریل ۱۹۵۵، پاکستان در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ و ایران در یازدهم اکتبر ۱۹۵۵ به پیمان مذکور ملحق شدند. دولت عراق پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ از سازمان مزبور خارج شد (۱۹ اوت ۱۹۵۹) و نام آن نیز به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) تغییر یافت، مرکز پیمان از بغداد به آنکارا پایتخت ترکیه منتقل گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) و خروج پاکستان از پیمان مذکور (۱۲ مارس ۱۹۷۹)، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران نیز طی صدور اعلامیه‌ای خروج خود را از سنتو اعلام کرد (۱۳۵۷/۱۲/۲۰) و پیمان مذکور عملاً از هم فروپاشید.

سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (سیتو)

South - East Asia Treaty Organization (SEATO)

این اصطلاح به پیمانی گفته می‌شود که در سال ۱۹۵۴ در مانیل پایتخت فیلیپین میان کشورهای استرالیا، فرانسه، بریتانیای کبیر، زلاند نو، پاکستان، فیلیپین، تایلند، و آمریکا به امضا رسید که هدف از آن دفاع از آسیای جنوب شرقی در برابر تهاجم کمونیسم بود. پاکستان در سال ۱۹۷۲ از پیمان مذکور خارج شد و خود پیمان نیز در سال ۱۹۷۷ به کلی منحل اعلام گردید.

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

یکی از سازمانهای تخصصی ملل متحد است که در ژانویه ۱۹۶۷ (بنابه تصمیم شماره ۱۲۵۲ مجمع عمومی) به وجود آمد و اساسنامه آن در آوریل ۱۹۶۹ در وین از تصویب گذشت تا آهنگ صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه را سرعت بخشد و فعالیتهای مختلف سازمان ملل متحد را در زمینه صنعتی، هماهنگ نماید.

سازمان خلع سلاح بین المللی

International Disarmament Organization (IDO)

به آژانسی گفته می شود که از سال ۱۹۶۲ توسط هر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی برای حصول به يك روند سه مرحله ای در خصوص خلع سلاح کامل و عمومی پیشنهاد شده است. طرح شوروی مشتمل بر تشکیل يك کنفرانس ويك شورا است و طرح آمریکا نیز شامل بر گزاری يك کنفرانس عمومی، شورای کنترل و مدیریت می گردید.

سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

Food and Agriculture Organization (FAO)

اساسنامه این سازمان در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ در کانادا مورد پذیرش بیش از بیست کشور حاضر در کنفرانس قرار رفت.

هدف سازمان مذکور بالا بردن سطح تغذیه و استاندارد زندگی و بهبود بخشیدن به امر تولید و توزیع محصولات کشاورزی و شرایط زندگی روستائینان است.

سازمان کشورهای آمریکایی

Organization of American States (OAS)

يك سازمان سیاسی منطقه ای است که متشکل از ایالات متحده آمریکا و بیست کشور دیگر آمریکای لاتین است. سازمان مذکور در جریان کنفرانس بوگوتا در سال ۱۹۴۸ پایه ریزی شد. این سازمان دارای بخشهای زیر است:

- ۱- کنفرانس بین کشورها.
- ۲- شورای سازمان.
- ۳- اجلاسهای مشورتی وزرای امور خارجه.
- ۴- اتحادیه پان آمریکن.
- ۵- کنفرانسهای تخصصی.
- ۶- نمایندگیهای (آژانسها) تخصصی.

سازمان کشورهای آمریکای مرکزی

Organization of Central American States (OCAS)

این سازمان در اکتبر ۱۹۵۱ به وسیله کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوا تشکیل شد و هدف آن ترویج همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین دولتهای عضو است.

The United Nations

سازمان ملل متحد

این سازمان پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از بروز جنگ و ترویج صلح به وجود آمد. مقدماتی که منجر به تشکیل سازمان ملل متحد گردید عبارت بودند از: منشور آتلانتیک، اعلامیه ملل متحد (۱۹۴۲)، اعلامیه امنیت عمومی (اکتبر ۱۹۴۳) میان سه کشور آمریکا، شوروی و انگلستان، کنفرانس تهران ۱۹۴۳، کنفرانس دومبارتن اوکس (۱۹۴۴)، کنفرانس یالتا (۱۹۴۵) و کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵). منشور سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف تعدادی از کشورها به تصویب رسید و از آن تاریخ به اجرا درآمد.

ارکان اصلی سازمان ملل عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان دادگستری بین المللی و دبیرخانه.

سازمان وحدت آفریقا

Organization of African Unity (OAU)

سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۶۳ بنیاد نهاده شد و مقر آن در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی است.

سازمان مذکور مستقل بوده و متشکل از کلیه کشورهای آفریقایی باستثنای آفریقای جنوبی است. هدف سازمان وحدت آفریقا، افزایش «وحدت» میان کشورهای فوق و استعمارزدایی در این قاره است. سازمان یاد شده نفوذ زیادی در سازمان ملل متحد دارد.

سازمان وحدت خلقهای آسیا و آفریقا

Afro - Asian Peoples' Solidarity Organization (AAPSO)

سازمانی با عقاید کمونیستی است که زیر نظر شورای صلح جهانی در زمینه متشکل نمودن گروههای «بی طرف» و «آرامش طلب» در جهان سوم فعالیت می کند.

سازمان همکاری اقتصادی اروپا

Organization for European Economic Cooperation (OEEC)

این سازمان در سال ۱۹۴۸ توسط ۱۶ کشور (اتریش، بلژیک، دانمارک، فرانسه، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، سوئد، سوئیس، ترکیه و بریتانیا) به عنوان استقبال از طرح مارشال و جهت هماهنگ نمودن اقتصاد کشورهای تشکیل گردید که از کمکهای برنامه ترمیم اروپا برخوردار می شدند. در سپتامبر ۱۹۶۱ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جانشین این سازمان گردید.

International Organizations سازمانهای بین المللی

نهادهایی هستند که بیش از یک صد سال قبل در سیستم غرب به وجود آمدند و با توجه به وظایف محوله، دارای هدفهای گوناگونی هستند. دو گروه از سازمانهای بین المللی فعال هستند: یک دسته آنهایی هستند که امور مربوط بین دو یا چند دولت را انجام می دهند. دسته دیگر سازمانهای غیر دولتی هستند. سازمانهای بین المللی عمومی عبارتند از: جامعه ملل و سازمان ملل متحد، گروههای منطقه‌ای مثل ناتو و جامعه عرب؛ واتحادیه‌های عمومی بین المللی مانند اتحادیه جهانی پست و سازمان بهداشت جهانی، سازمانهای بین المللی خصوصی عبارتند از روتاری بین المللی، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه تجارت آزاد و صلیب سرخ بین المللی.

سالت SALT (Strategic Arms Limitation Talks)

اصطلاحی است برای گفتگوهای محدود کردن جنگ افزارهای استراتژیک، بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی، گفتگوهای مذکور در ۲۶ ماه مه سال ۱۹۷۲ منجر به امضای قراردادی در باره محدود کردن سلاحهای ضد موشکی ویک قرارداد دیگر در رابطه با محدود کردن جنگ افزارهای استراتژیک بین نیکسون و برژنف گردید. قرارداد مزبور به «سالت - ۱» معروف است. مذاکرات مربوط به «سالت - ۲» در سال ۱۹۷۲ آغاز گردید و پیمانی نیز در این خصوص به امضا رسید (۱۹۷۹)، ولی پس از تجاوز ارتش شوروی به افغانستان پیمان مزبور به تصویب سنای آمریکا نرسید (۱۹۸۰). در سال ۱۹۸۲ دو کشور مذکور، یک سلسله مذاکرات جدید موسوم به (استارت START) یعنی گفتگوهای [مربوط به] کاهش جنگ افزارهای استراتژیک (Strategic Arms Reduction Talks) را آغاز کردند.

سانترالیسم (تمرکز) Centralism

ترتیبی است که در آن مرکز سیاسی واحدی عهده‌دار امور است و مسئول اداره کلیه امور عمومی اعم از ملی و محلی است. ویژگیهای سانترالیسم عبارت است از:

- ۱- تمرکز صلاحیت در وضع قوانین و مقررات.
- ۲- تمرکز تشکیلات و حق عزل و نصب مأموران و مستخدمان عمومی.
- ۳- تمرکز اختیارات و تصمیمات نسبت به اجرای قوانین و اداره امور عمومی.
- ۴- تمرکز وجوه دولتی و وحدت بودجه مملکتی و شخصیت حقوقی دولت.

سانسور Censorship

از نظر لغوی به معنای «قضاوت کردن» است ولی در عرف سیاست به معنای اعمال قدرت سیاسی و یا نظایر آن برای جلوگیری از ابراز بیان هر

عقیده‌ای است که برای قدرت یا نظام سیاسی فرمانروا مضر و یا مزاحم شناخته شود.

سپاهیان صلح **Peace Corps**

به افراد داوطلبی اطلاق می‌شود که به موجب طرح جان کندی رییس جمهور آمریکا (مارس ۱۹۶۱) جهت حفظ صلح از طرق برنامه‌های توسعه فرهنگی به کشورهای جهان سوم اعزام می‌شوند. این عده در زمینه‌های آموزشی، کشاورزی، بهداشتی و فرهنگی خدمت می‌کنند. معروف است که تعداد زیادی از داوطلبان مذکور خبرچینان سازمانهای اطلاعاتی آمریکا هستند.

ستون پنجم **Fifth Column**

به معنای عوامل پنهانی است که در خدمت دشمن قرار دارند و در پشت جبهه به عملیات خرابکارانه دست می‌زنند.

ستون ششم **Sixth Column**

این اصطلاح که به تقلید از عبارت «ستون پنجم» (ژنرال فرانکو دیکتاتور اسپانیا) ساخته شده است، به مفهوم نقش تخریبی رسانه‌های گروهی و مداخله آنها در امور داخلی کشورهای دیگر است، که ادامه این وضع گاهی به سرنگونی رژیمهای هدف منجر می‌شود.

تبلیغات شدید رسانه‌های گروهی بلوک غرب در شورشهای دانشجویی پکن (ماههای مه و ژوئن ۱۹۸۹) و سرنگونی حکومت چائوشسکو در رومانی (دسامبر ۱۹۸۹)، به یاری تبلیغات هر دو بلوک شرق و غرب، از مصادیق بارز کاربرد «ستون ششم» به‌شمار می‌رود.

سد کردن، سیاست **Containment**

یکی از پایه‌های اساسی سیاست خارجی آمریکا در رابطه با جلوگیری از نفوذ کمونیسم در جهان و نیز توسعه طلبی اتحاد شوروی است. تئوری

«سدکردن» طی دو مرحله برنامه کمک به ترکیه و یونان پیاده شد (۱۹۴۷). مرحله اول در دکترین ترومن تبلور یافت که خواستار توقف پیشروی جغرافیایی اتحاد شوروی بود. در مرحله دوم آمریکا به خود این حق را می داد که در هر زمان و مکان که بخواهد، نفوذ کمونیسم را محدود کند.

سردمدار Cacique

این واژه دلالت بر فردی دارد که به طرزی کمابیش مشروع، به اعمال قدرت شخصی بر گروهی می پردازد که پیروان او را تشکیل میدهند. سردمداری پدیده‌ای است که حیات سیاسی يك کشور را تابع هوس يك یا چند نفر می کند تا خواست خود را با دستکاری در انتخابات و با انتصاب تابعان خود به عنوان وزیر، تحمیل کنند. در قرن گذشته، سردمداری شیوه رایج حکومت، در آمریکای لاتین بوده است.

سفارت Embassy

به نمایندگی عالی سیاسی کشوری در کشور دیگر و محل اقامت رسمی و دفتر سفیر آن مملکت اطلاق می شود. در عصر کنونی، حق سفارت از خصایص دولتهای مستقل و آزاد است. بنابر این دولتهای نیمه مستقل و تحت الحمايه نمی توانند از حق سفارت کامل برخوردار باشند. حق سفارت دولتهای اخیر، «حق سفارت لازم» است و از «حق سفارت متعدی» برخوردار نیستند؛ بدین معنی که می توانند نمایندگان سیاسی سایر دولتها را بپذیرند ولی حق اعزام نماینده سیاسی به دربار دولتهای دیگر را ندارند.

سفیر Ambassador

عنوانی است برای بالاترین درجه نماینده اعزامی از يك کشور به کشور دیگر. رسم تعیین سفرای مقیم در کشور دیگر به عنوان نماینده رئیس کشور از قرن پانزدهم میلادی به وجود آمد.

انتخاب سفیر توسط رئیس کشور صورت می گیرد، اما در این انتخاب

باید موافقت قبلی رئیس کشور پذیرنده کسب شود. سفیر، سندی به نام استوارنامه به امضای رئیس کشور خود به رئیس کشور پذیرنده تقدیم می کند.

سفیر آکر دیته **Accredited Ambassador**

اگر دو کشور که با یکدیگر روابط سیاسی دارند، سفیر مبادله ننموده باشند، در این صورت معمولاً سفیر مقیم خود در یکی از کشورهای نزدیک را به عنوان «سفیر آکر دیته» نزد کشور دیگر معرفی می نمایند. این سفیر در واقع در دو کشور مأموریت خود را انجام می دهد.

سکولاریزاسیون (غیر دینی کردن) **Secularization**

فرایندی است که بر اساس آن واقعیاتی که در قلمرو دینی، جادویی و مقدس جای داشتند، به محدوده امور غیر مقدس و طبیعی منتقل می شوند. در زمینه حیات اجتماعی، غیر دینی ساختن، با تقدس زدایی از بُعد تقدس آمیز برخی از مظاهر جهان و مقام انسان در جهان همراه است؛ و با آن، مظاهری عقلانی، علمی و فنی جایگزین مظاهر دینی و تبیین جهان با استعانت از امور مقدس و الهی می شود.

سلطنتی، رژیم **Monarchy**

به رژیمی گفته می شود که در آن يك تن پادشاه یا ملکه حکومت می کند، که بر اساس مذهب یا توارث یا انتخاب یا عادات مسلم کشور به پادشاهی رسیده است. اصطلاحات دیگری که در این رابطه به کار می روند، عبارتند از: سلطنت استبدادی، سلطنت انتخابی، سلطنت پارلمانی، سلطنت محدود، سلطنت مشروطه، سلطنت مشروطه پارلمانی، سلطنت مشروطه دوگانه، سلطنت مطلقه، سلطنت موروثی و سلطنت نامحدود.

سندیکالیسم Syndicalism

يك جنبش مبارز کارگری بود که در دهه ۱۸۹۰ در فرانسه آغاز شد و هدف آن واگذاری کنترل و مالکیت وسایل تولید نه به دولت بلکه به اتحادیه‌ها بود. ایدئولوژی این جنبش متأثر از اندیشه‌های ضد پارلمانی پرودون و ناخشنودی کارگران از «پارلمان بازی» حزب سوسیالیست و تأکید بی‌حد رهبران جنبش مارکسیستی بر عمل سیاسی بود.

سوسیال امپریالیسم Social Imperialism

این اصطلاح از نظر لنین به معنای سوسیالیست در گفتار و امپریالیست در کردار است. چنینها معتقدند که «شوروی سلطه طلبی خود را در چارچوب جامعه سوسیالیستی، وزیر نام تقسیم بین المللی کار، هماهنگی برنامه‌ها، ادغام همه جانبه و ادغام استروکتورل اعمال کرده است». به نظر آنان، «مبارزه علیه امپریالیسم بدون مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم مفهومی واقعی ندارد».

سوسیالیسم Socialism

این اصطلاح امروزه برای نشان دادن تمایلات گروه‌های سیاسی خاصی است که هر چند دارای آرمانهای واحدی هستند، اما يك پارچگی شان با اختلاف درجاتی، به تنوع انجامیده است. مشخصات سوسیالیسم عبارت است از:

- ۱- تملك اجتماعى وسایل دسته‌جمعی تولید.
- ۲- سازمان اقتصادی برتری که دارای خاصیت سیاسی باشد و اقتصاد را به طور عقلایی و ممکن اداره کند.
- ۳- سازمان اجتماعی که هدفش به وجود آوردن جامعه‌ای عادلانه باشد تا در آن جامعه نیازهای عموم از طریق مدیریت دموکراتیک اقتصاد تأمین گردد.
- ۴- تمایل واراده این که برای تمام افراد (یابشریت) فرصتهای مساوی فراهم شود.

Revolutionary Socialism**سوسیالیسم انقلابی**

این نوع سوسیالیسم تمام ویا بخشی از مارکسیسم را می پذیرد، اما تمام انواع تاریخی رژیم کمونیستی را رد می کند و نقش رهبری جهانی را برای شوروی ویا هر کشور مشابه کمونیستی که در رأس احزاب قرار گیرد، انکار می کند.

سوسیالیسم با چهره انسانی

این اصطلاح نخستین بار توسط الکساندر دوبچک رهبر حزب کمونیست چکسلواکی در جریان موسوم به «بهار پراگ» و قبل از تهاجم ارتشهای پیمان ورشو به آن کشور، در تابستان ۱۹۶۸ مطرح گردید.

پس از سرکوبی جنبش «بهار پراگ»، گورباچف در اواخر نوامبر ۱۹۸۹ در همین رابطه اعلام کرد: «سوسیالیسم باید مدرنیزه شود، و حتی در صورت لزوم برخی از ویژگیهای نظام سرمایه داری را نیز کسب کند. ما پاسخ جهان شمولی برای تمام سئوالات موجود در اختیار نداریم. این تحولات باید ادامه یابد. چهره جدید سوسیالیسم يك چهره كاملا انسانی است و با عقاید مارکس تطبیق دارد. ما با قاطعیت و با داشتن توجیه کافی برای عملکرهايمان می توانیم ادعا کنیم در حال ایجاد يك سوسیالیسم انسان گرا هستیم». گورباچف ضمن تأیید ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم و معتبر دانستن آن پذیرفت که «کارل مارکس» در مورد نابودی حتمی و قطعی سرمایه داری اشتباه کرده است.

True Socialism**سوسیالیسم حقیقی**

سوسیالیسم حقیقی یا سوسیالیسم آلمانی، جریانی سوسیالیستی است که در سالهای ۱۸۴۰ میلادی در آلمان پدیدار شد. جهان بینی مذکور آمیزه ای از نظریات سوسیالیستهای «تخیلی» فرانسه و انگلیس، هگلیان جوان و آنتروپولوژی فویرباخ بود. آنها به مبارزه طبقاتی اعتقاد نداشتند و سوسیالیسم را گوهر عام انسانی می انگاشتند. مارکس و انگلس در کتاب ایدئولوژی آلمانی علیه این سوسیالیسم به جدال پرداختند. تعدادی از آنها

(مانند وایدمن) جذب مارکسیسم شدند.

سوسیالیسم خزنده **Creeping Socialism**

به دست اندازی تدریجی دولت در بخش خصوصی اقتصاد گفته می شود. در این گونه جوامع، دولت به تدریج مؤسسات اقتصادی را ملی و دامنه بخش خصوصی را محدود می کند ویر فعالیتهای اقتصادی دولت می افزاید.

سوسیالیسم صنفی **Guild Socialism**

از شاخه های جنبش رادیکالیسم اروپایی است که در سال ۱۹۰۶ پایه گذاری شد. این نهضت هوادار بازگشت به نظام صنفی در قرون وسطی است.

سوسیالیسم فئودالی **Feudalistic Socialism**

عنوانی که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست به بینش انتقادی - اصلاحی توماس کارلایل از نظام سرمایه داری انگلستان می دهند.

سوسیالیسم مسیحی **Christian Socialism**

بینش آرمان گرایانه در برخی جنبشها و شخصیت های مسیحی که خواستار عدالت اجتماعی بر بنیاد تائیل مساوات از آیین مسیح (ع) بودند.

سوسیالیسم مصلح **Reformist Socialism**

این نوع سوسیالیسم با افکاری معرفی می شود که غیر مارکسیست هستند. معتقدان به این نوع سوسیالیسم تصور می کنند که می توانند به يك جامعه سوسیالیست بدون توسل و استفاده از راه های مارکسیسم و روشهایش برسند. اصطلاح «مصلح» به این علت به آنها گفته می شود که معتقد هستند می توانند رژیم سرمایه داری را از داخل آن اصلاح کرده

وبه موسیالیسم برسند.

Soviet

سوویت

واژه‌ای است روسی به معنای شورا که واحد اولیه جامعه در سازمان سیاسی اتحاد شوروی به شمار می‌رود.

Politics

سیاست

این اصطلاح را به اشکال مختلف تعریف کرده‌اند:

- ۱- علم حکومت بر کشور (تعریف لیتره).
 - ۲- فن حکومت بر جوامع انسانی (فرهنگ روبی).
 - ۳- علم قدرت که توسط دولت به شکلی به کار می‌رود تا نظم اجتماعی را تأمین کند (دوورژه).
 - ۴- اخذ تصمیم در باره مسایل ناهمگون (ریمون آرون).
 - ۵- مطالعه دولت (هارولد لاسکی).
 - ۶- مطالعه و اعمال قدرت و نفوذ که به شکل وسیع در جوامع انسانی جریان دارد (ژوونل).
 - ۷- سیاست بیان متبلور و متمرکز اقتصاد است (لنین).
- علم سیاست از سه شاخه عمده تشکیل می‌شود:
- ۱- نظریات سیاسی ۲- دانش حکومت کردن ۳- روابط و سیاست بین الملل.

Boss

سیاست‌باز

این واژه لاتینی که در زبان هلندی به معنای «ارباب» است، مفهوم ریسی سیاسی دارد که از دستگاه سیاسی برای افزایش نفوذ شخصی استفاده می‌کند. چنین فردی سیاستمداری است حرفه‌ای که از سمتش در يك حزب یا تشکیلات سیاسی، برای حفظ و ارتقای موقعیت خود با به کارگیری وسایلی نابجا و حتی غیر اخلاقی سود می‌جوید. وی سیاست را به صورت يك معامله یا کار شخصی در می‌آورد، بدون آن که خدمت به

مردم را در نظر داشته باشد. از کنترلی که بر دستگاه سیاسی حزبش دارد، سود می‌برد تا به اعمال سیاستی بدون احساس مسئولیت پردازد و حتی با سپردن مقام و ارتقا بخشیدن به طرفدارانش دوستانی برای خود دست و پا کند.

سیاست بده بستان **Quid Pro Quo**

این اصطلاح به شیوه‌ای از چانه‌زدن سیاسی اطلاق می‌شود که بر اساس مصالحه متقابل استوار است. بدین مفهوم که در ازای کسب امتیاز، امتیازی نیز به طرف مقابل داده می‌شود.

سیاست تمایل به شرق (اوست پولیتیک) **Ost - Politik**

اصطلاحی است به معنای «سیاست تمایل به شرق» که هدف از آن عادی کردن روابط آلمان فدرال با کشورهای کمونیست، غیر از اتحاد جماهیر شوروی بود. سیاست مذکور نقطه مقابل سیاست هلشتاین بود که توسط ویلی برانت پی‌گیری شد و منجر به انعقاد پیمانهای صلح گردید.

سیاست چماق بزرگ **Big Stick Policy**

این اصطلاح بر اعمال روشهای قدرتمندانه در برابر مسایل داخلی و خارجی اطلاق می‌شود، و اشاره به این عبارت روزولت دارد که گفته بود: «اگر چماق بزرگی را حمل می‌کنی، به نرمی حرف بزنی».

سیاست حفظ وضع موجود **Status Quo Policy**

اصطلاحی است که مبین سیاست خارجی در خصوص حفظ وضع موجود در زمینه‌های ایدئولوژی، قدرت، و روابط بین‌المللی است. سیاست مذکور از لحاظ ماهیت محافظه‌کارانه و تدافعی است.

سیاست گام اول **First Step Policy**

به سیاستی گفته می‌شود که برای از میان برداشتن بن بست در روابط بین

دو کشور، یکی از دو طرف، طرف دیگر را مجبور و یا متقاعد به برداشتن گام اول نموده و به همین منظور پیش شرطهایی را به آن کشور تحمیل کند.

System

سیستم

از ریشه لاتینی به معنای، «گرد آوردن» و «ترکیب کردن» گرفته شده است و در مفاهیم زیر به کار می رود:

۱- ترکیب و تنسيق اندیشه‌ها، نظریات و شیوه‌ها که با یکدیگر از نظر منطقی پیوسته‌اند و در چند اصل خلاصه می شوند (مانند سیستم سیاسی یا سیستم اقتصادی).

۲- ترکیب اجزایی از يك مجموعه که چنان نسق و انتظام یافته باشند، که يك کل پدید آورند و یا آن که در تحقق نتیجه‌ای مشترك مدد رسانند.

از نظر گیتون، سیستم اساساً مجموعه‌ای است متشکل از عناصری غیر مادی که وابسته به یکدیگرند و هر يك از نظر منطقی به دیگری به عنوان نتیجه‌ای ضروری منتهی می شود.

ش

Chargé d'affaires

شارژدافر (کاردار)

شارژدافر دارای معانی ذیل است:

- ۱- کارداری که مستقلاً عمل می کند.
 - ۲- کارداری که نیابتاً عمل می کند.
 - ۳- کاردار موقت (با اهمیتی کمتر از مأموران ردیف ۱ و ۲).
- توضیح آن که مأمور مندرج در شماره يك به طور دایمی به عنوان رئیس يك هیأت سیاسی گماشته می شود و در مقابل وزیر خارجه مسئول است نه رئیس دولت. مأمور مندرج در شماره ۲ و ۳ کسی است که در غیاب سفیر و وزیر مختار وظایف او را نیابتاً انجام می دهد.

Chantage

شانتاژ

این اصطلاح به مفهوم تهدید، و اشاعه اکاذیب فضیحت بار نسبت به شخصیت های سیاسی است که برای کسب اطلاعات مورد نظر به کار می رود.

Calvo Clause

شرط کالو

اصطلاحی است منسوب به کالو حقوقدان و سیاستمدار آرژانتینی که به موجب آن در برخی قراردادها که میان کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی

وشهروندان خارجی امضا می شود، معمولاً شرطی را می گنجانند که به موجب آن، امتیاز گیرندگان، انصراف خود را از حمایت سیاسی کشورهای متبوع خود در صورت بروز اختلاف اعلام می دارند. لازم به یادآوری است که شرط کالو فاقد هرگونه اعتبار حقوقی است.

The Grand Failure

شکست بزرگ

اصطلاحی است متأثر از عنوان کتابی به همین نام از زیگنیو برژینسکی مشاور شورای امنیت ملی حکومت کارتر سی و نهمین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۷۷-۱۹۸۱) در خصوص «تولد و مرگ کمونیسم در قرن بیستم».

وی در این کتاب می نویسد: «ظهور کمونیسم به عنوان یک مانیفست سیاسی قرن بیستم باید در سایه ظهور فاشیسم و نازیسم مورد بررسی قرار گیرد. کمونیسم فاشیسم و نازیسم با یکدیگر ارتباط تاریخی و نژادی دارند و از لحاظ سیاسی نیز کاملاً مشابهند. برژینسکی ظهور هر سه مکتب را پاسخهایی به ضایعات عصر صنعتی، از جمله ظهور میلیونها کارگر صنعتی، بروز شرارتهای اولیه کاپیتالیسم و نیز پاسخی به احساسات تند ضد طبقاتی می داند که شرایط فوق ایجاد کرده بود. به عقیده وی، «جنگ جهانی اول ارزشها و نظم سیاسی موجود در روسیه تزاری و امپراتوری آلمان را تقریباً واژگون کرد و تنشهای شدیدی را در این دو کشور همچنین در ایتالیا موجب شد. تمامی این عوامل سبب بروز حرکتهایی شد که «عدالت اجتماعی» را در بطن «تنفر اجتماعی» قرار دارد و خشونت سازمان یافته دولتی را به عنوان ابزار آزادی اجتماعی معرفی کرد. امروزه اتحاد شوروی به وضعیتی در آمده است که از نظر عقیدتی غیر جذاب و برای توسعه اجتماعی نیز عملاً مدل غیر قابل اقتباسی است چهل سال بعد از جنگ جهانی دوم هنوز گوشت و شکر در مهد کمونیسم، به صورت جیره بندی عرضه می شود».

«تحولات اروپای شرقی و گسترش روز افزون آن نیز در شکست بزرگ مکتب کمونیسم سهم به سزایی دارد. به اعتقاد برژینسکی، مکتب کمونیسم به کشورهای اروپایی تحمیل شده است. امپراتوری شوروی،

حاکمیت خود را که در تضاد کامل با فرهنگ مردم این کشورها بود، به آنها به اجبار قبولاند. گریز از کمونیسم نتیجه اجتناب ناپذیر این تحمیل عقیده است».

شناسایی **Recognition**

روش و تشریفات است که به طور سنتی از قرن هجدهم میلادی به بعد در روابط بین المللی معمول گردید و آن به رسمیت شناختن کشور نویناد توسط کشورهای قدیمی است. شناسایی کشور ممکنست به صورت دوزور، دوافاکتو، صریح، ضمنی، فردی و یا دسته جمعی باشد.

شناسایی دوزور **De Jure [Recognition]**

این نوع شناسایی کامل و قطعی است که معمولاً به دنبال شناسایی دو فاکتو صورت می گیرد.

شناسایی دوافاکتو **De Facto [Recognition]**

شناسایی سیاسی کشور است که عملاً مستقل و دارای حاکمیت است، لیکن به عللی نمی تواند و یا نمی خواهد به تعهدات بین المللی خود، به عنوان يك کشور موجود و مستقل عمل کند.

شورای اروپا **Council of Europe**

این شورا متشکل از دولتهای بلژیک، دانمارک، ایرلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، سوئد، انگلستان و فرانسه است که در تاریخ ۵ ماه مه ۱۹۴۹ اساسنامه شورای اروپا را امضا نمودند. هدف اصلی از تشکیل شورای اروپا، گسترش همکاری بین کشورهای اروپایی است.

شورای امنیت (ملل متحد) **Security Council**

بر اساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین المللی بر عهده شورای امنیت است. شورای مذکور از پانزده کشور عضو تشکیل

می شود که پنج عضو (آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلستان و چین) دائمی و ده عضو غیر دائمی هستند که از طریق مجمع عمومی انتخاب می شوند. تصمیمات شورا در مسایل آیین نامه‌ای با حداقل ۹ رأی مثبت گرفته می شود و حق وتو شامل این تصمیمات نیست.

شورای امنیت ملی (National Security Council (NSC)

ارگانی است که به موجب لایحه امنیت ملی (۱۹۴۷) تشکیل شد تا رئیس جمهور آمریکا را در خصوص طرح ریزی سیاست خارجی یاری دهد. این شورا مرکب از رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزرای خارجه و دفاع و رئیس برنامه ریزی اضطراری است. رئیس ستاد مشترک و رئیس سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) نیز در شورای مذکور شرکت دارند. طبق تشخیص رئیس جمهور، رؤسای بودجه و خزانه داری نیز در شورا حضور خواهند یافت.

شورای نوردیک (Nordic Council)

این شورا در سال ۱۹۵۲ با شرکت کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ، سوئد و ایسلند تشکیل شد. هدف این شورا که در منطقه اسکاندیناوی واقع شده است، هماهنگ کردن خط مشی کشورهای عضو و تأسیس بازار مشترک در منطقه مذکور است.

شورای همکاری خلیج فارس

Cooperative Council of the Gulf States

این اصطلاح به تشکیلاتی گفته می شود که در ۲۵ ماه مه ۱۹۸۱ در ابوظبی اعلام موجودیت کرد. در شورای مذکور کشورهای کویت، بحرین، قطر، امارات عربی متحده، عمان و عربستان سعودی عضویت دارند و هدفهای آن حفظ منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی اعضا است.

Dean of the Diplomatic Corps

شیخ السفرا

قدیمی ترین سفیری است که استوارنامه خود را تسلیم نموده و در تشریفات رسمی و یا هنگامی که منافع مشترك دیپلماتها در خطر باشد، ریاست هیئتهای سیاسی مقیم در يك کشور را بر عهده می گیرد.

ص

صلح ستارگان **Star Peace**

به طرح سه مرحله‌ای شوروی گفته می‌شود که در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶ به دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد گردید. بر اساس طرح مذکور، امکانات ضروری سیاسی و حقوقی برای مقابله با جنگ ستارگان پیش بینی شده بود. ضمناً يك کنفرانس بين المللی یا یکی از جلسات ویژه مجمع عمومی به مسئله فضا اختصاص می‌یافت.

صلح مسلح **Armed Peace**

از سال ۱۸۷۱ که سال پیروزی آلمان بر فرانسه است تا سال ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول شروع گردید بین دولتهای اروپا جنگی رخ نداد ولی کشورهای منطقه در این مدت ۴۳ سال که دوران صلح مسلح نامیده شده به شدت مشغول تهیه جنگ افزار و آماده کردن ارتشهای خود بودند.

صندوق بین المللی پول **International Monetary Fund (IMF)**

صندوق بین المللی پول همراه با بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) توسط کنفرانس مالی و پولی سازمان ملل متحد با شرکت ۴۴ کشور در نیوهمپشیر ایالات متحده آمریکا در ژوئیه ۱۹۴۴، تأسیس گردید. مفاد

قرارداد صندوق از ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۵ به اجرا درآمد. هدفهای این صندوق گسترش تجارت بین المللی و بالا بردن سطح اشتغال، تولید، تثبیت نرخهای مبادله و در صورت لزوم ارائه موجودی صندوق به کشورهای عضو است.

Zionism

صهیونیسم

يك جریان ناسیونالیستی متعصب، متعلق به بورژوازی یهود است که در اواخر قرن گذشته در اروپا به وجود آمد و اکنون به ایدئولوژی رسمی رژیم صهیونیستی (اسرائیل) بدل شده است. شالوده صهیونیسم مبتنی بر توسعه طلبی، نژادپرستی و نفاق افکنی در میان ملل جهان استوار است.

ض

ضد استعمار Anti - Colonialism

عنوانی است برای جنبشهایی که در نیمه دوم قرن بیستم علیه استعمار، به ویژه بر ضد تسلط سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی امپریالیسم اروپایی و آمریکایی بر مردمان غیر اروپایی پدید آمده‌اند. هدف مبارزه ضد استعماری رسیدن به استقلال ملی و تشکیل دولت ملی است.

ضد شورش Counter Insurgency

به یکانهایی از نیروهای مسلح گفته می‌شود که علیه گروههای انقلابی وارد عمل شده و وظیفه سرنگونی رژیمهایی از این نوع را به عهده دارند. نیروهای ضد شورش آمریکایی معمولاً تحت لوای جلوگیری از تجاوز و سیطره کمونیستها با نیروهای انقلابی، جنگهای چریکی، عملیات خرابکاری و یا روشهای مشابه مقابله می‌کنند.

ضربت اول First Strike

اصطلاحی برای به نمایش گذاردن توان نظامی يك قدرت اتمی در وارد آوردن نخستین ضربه و پیروزی آن در يك جنگ اتمی است، به طوری که کشور مقابل قادر به وارد آوردن ضربت انتقامی نباشد. دامنه ضربه اول به زرادخانه کلاهکهای اتمی کشور حمله کننده و توانایی کشور مقابل در وارد

آوردن ضربه دوم بستگی دارد.

Sanctions

ضمانت‌های اجرایی

به اقدامات سیاسی، اقتصادی یا نظامی اطلاق می‌شود که به منظور اعمال فشار علیه دولتی صورت می‌گیرد، که ناقض حقوق بین‌الملل است.

طرح ترویکا **Troika Plan**
 اشاره به طرح اداره کردن سازمان ملل متحد توسط يك هیئت سه نفره است که توسط خروشچف (۱۹۷۱ - ۱۸۹۴) نخست وزیر شوروی عنوان گردید. علت مطرح شدن این امر نحوه فعالیت دبیر کل‌های اولیه سازمان ملل متحد بود.

طرح راپاکی **Rapacki Plan**
 اصطلاحی است منسوب به راپاکی وزیر امور خارجه لهستان و آن طرحی است برای غیر اتمی کردن منطقه‌ای از اروپای مرکزی که طی یادداشتی از طرف دولت لهستان به نمایندگان نه کشور در تاریخ فوریه ۱۹۵۸ داده شد. بر اساس طرح مذکور، منطقه غیر اتمی شامل لهستان، چکسلواکی، آلمان شرقی و غربی می گردید.

طرح کلمبو **Colombo Plan**
 این طرح در ژانویه سال ۱۹۵۰، به موجب تصمیمات کنفرانس وزیران خارجه دول عضو جامعه مشترك المنافع در شهر کلمبو پایتخت سریلانکا به وجود آمد. هدف کنفرانس فوق بحث در باره مسایل اقتصادی و بین المللی کشورهای جنوب و جنوب آسیا بود و طرح کلمبو به منظور

كمك به توسعه اقتصادی این منطقه از طریق اعطای کمکهای فنی ایجاد شد.

بنیانگذاران اولیه طرح، کشورهای استرالیا، کانادا، سریلانکا، هندوستان، زلاندنو، پاکستان و انگلستان بودند و بعداً کشورهای دیگری که برخی عضو جامعه مشترك المنافع نیز نبودند، به آن پیوستند.

علت وجودی کشور **Raison d'être**

اصطلاحی است به این مفهوم که هر دولت باید بتواند علتی برای موجودیت خود به تمام افراد ملت ارائه دهد و برای این که چرا باید به صورت کشوری مجزا و مستقل از کشورهای همسایه باشد، دلیلی بیان کند. این علت وجودی باید بر اساس علاقه‌ها و ارزشهایی استوار باشد که برای مردم آن کشور در درجه اول اهمیت قرار دارد.

عمل غیر دوستانه **Unfriendly Act**

عملی است که از دولتی سربرزند و دولت دیگر در آن ضرری نسبت به منافع خود مشاهده کند. عمل مذکور تجاوز و یا نقض یکی از مقررات حقوق بین الملل نیست و بنابر این در مقابل آن «تلافی» مورد ندارد، لیکن طرف مقابل می تواند به «معامله به مثل» اقدام کند.

عمل مستقیم **Direct Action**

اصطلاحی است آنارشیستی که مراد از آن اقدامات حاد در خارج از چارچوب قانونی و پارلمان حاکم است. یعنی انقلابیون سیاسی و محرومان جامعه با ترور و یا سایر اقدامات به هدفهای سیاسی خود می رسند.

عنصر مطلوب **Persona Grata**

این اصطلاح که در برابر «عنصر نامطلوب» به کار می رود، به مفهوم آن است که مأمور اعزامی از سوی کشور فرستنده باید از نظر مقامات کشور پذیرنده صلاحیت انجام وظایف محوله را داشته باشد. بدین منظور پیشینه شخص مورد نظر برای بررسی مقامات کشور پذیرنده ارسال می گردد و فقط در صورتی که پاسخ مثبت باشد، مأمور مذکور اجازه فعالیت خواهد یافت.

عنصر نامطلوب **Persona non-grata**

به يك مأمور سیاسی سفارتخانه‌ای گفته می شود که ادامه فعالیت‌های دیپلماتیک وی از نظر دولت پذیرنده مطلوب نیست و باید ظرف مدت مقرر، خاک کشور مزبور را ترك نماید. اخراج مأموران سیاسی معمولاً در مواردی چون جاسوسی، تماس با جناح‌های مخالف کشور محل اقامت و گاهی به عنوان يك عمل متقابل صورت می گیرد.

عهدنامه بی طرفی **Neutrality Treaty**

عهدنامه‌ای است که به موجب آن دو یا چند دولت قبل از جنگ یا در آغاز جنگ، مناطق یا مؤسسات وابسته معینی را بی طرف قلمداد می کنند.

عهدنامه تریانون (۱۹۲۰) **Treaty of Trianon**

این عهدنامه میان دولتهای متفق و مجارستان در تریانون واقع در کاخ ورسای به امضا رسید (۱۹۲۰). به موجب عهدنامه مذکور، مجارستان دو سوم خاک خود را از دست داد و تعداد سپاهیان‌ش نیز به سی و پنج هزار نفر محدود گردید.

عهدنامه راپالو **Treaty of Rapallo**

اصطلاحی است در مورد عهدنامه مودت که بین آلمان و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۲ در راپالو منعقد گردید. گرچه عهدنامه مذکور از اهمیت چندانی برخوردار نبود ولی اولین شناسایی رسمی اتحاد جماهیر

شوروی توسط يك قدرت بزرگ به شمار می رفت.

عهدنامه شومون (۱۸۱۴) **Chaumont Treaty**

این عهدنامه میان چهار کشور انگلستان، پروس، اتریش و روسیه منعقد گردید. طرفین عهدنامه متعهد شدند که بعد از غلبه بر ناپلئون امپراتور فرانسه همبستگی خود را حفظ کنند و يك اتحادیه دفاعی به مدت بیست سال برای تحمیل صلح به فرانسه به وجود آورند.

عهدنامه صلح ورسای (۱۹۱۹) **Versailles Peace Treaty**

عهدنامه‌ای است مشتمل بر پانزده بخش، چهارصد و چهل ماده و يك متمم که، در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ در تالار آینه کاخ ورسای به امضا رسید. به موجب عهدنامه مذکور، آلمان متعهد گردید که منطقه آلزاس ولرن را که در سال ۱۸۷۱ اشغال کرده بود، به فرانسه باز پس دهد. آلمان متعهد به شناسایی استقلال لهستان و باز پس دادن مناطق اشغالی آن کشور گردید. با این حال برخی از قسمتها همچنان در اشغال آلمانیها باقی ماند. آلمان در مجموع يك هشتم خاك و يك دوازدهم جمعیت پیش از جنگ خود را از دست داد.

به عقیده بسیاری از صاحب نظران، نقطه جنگ جهانی دوم در معاهده ورسای بسته شد و هیتلر با استفاده از نتایج خفت بار جنگ جهانی اول، توانست آتش جنگ دوم را بر افروزد.

عهدنامه مونتر و (۱۹۳۶) **Montraux Convention**

این عهدنامه که در واقع عهدنامه لوزان (مورخ ۱۹۲۳) را اصلاح نمود، يك قرارداد بین المللی است که به ترکیه اجازه می دهد در تنگه‌های بسفور و داردانل استحکاماتی ایجاد کرده و مقرراتی جهت عبور کشتیها از دریای مدیترانه به دریای سیاه برای مواقع صلح و جنگ وضع نماید.

عهدنامه وستفالی (۱۶۴۸) **Peace of Westphalia**

به معاهده‌ای گفته می‌شود که پس از پایان جنگهای معروف سی ساله منعقد گردید. دوطرف این کنفرانس عبارت بودند از، فرانسه، اسپانیا، سوئیس، سوئد، هلند، پرتغال، وپاپ. عهدنامه مذکور معاهده صلح اوکزبورگ را تجدید کرد. زیرا به هر يك از ایالات آلمان اجازه داد تا به میل خویش مذهب خود را انتخاب کنند وعلاوه بر مذهب کاتوليك، مذهب پروتستان را نیز به رسمیت شناخت وایالات آلمان نیز هر کدام عملاً مستقل گردیدند.

غ

Ne Varietur

غیر قابل تغییر

به موجب این نظریه، برخی از پیمانها، ومعاہدات به دلیل
ویژگیهایشان، به هیچ وجه قابل تبدیل وتغییر نمی باشند.

ف

Fabianism

فابیانیسم

مسلك سياسى يك سازمان سوسياليستى در انگليس است كه از روشنفكران سوسياليست آن کشور در سال ۱۸۸۴ تأسيس شد.

مبنای عقیده پیروان این نظریه عبارت است از:

۱- اصلاحات اجتماعی، تکاملی طبیعی به وجود می آورد و وضع اقتصادی کارگر را به خودی خود بهبود می بخشد و احتیاجی به انقلاب و شدت عمل و طغیان ندارد.

۲- کشمکش طبقاتی برای ترقی اجتماعی ضرورت ندارد.

Fascism

فاشیسم

این اصطلاح به عنوان يك مفهوم تاریخی، نوعی نظام حکومتی است که بین سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۵ در ایتالیا به وسیله موسولینی اعمال شد. این واژه بعدها در مفهوم گسترده تری به کار رفت و به دیگر رژیمهای دست راستی که دارای ویژگیهای مشابهی بودند، اطلاق شد.

از نظر موسولینی «فاشیسم يك مفهوم مذهبی است که انسان در آن وابسته به قانون اعلی و اراده واقعی است که از فرد تجاوز می کند و به عضویت يك جامعه روحانی ارتقا می یابد». اصول اساسی فاشیسم بر اساس دایرةالمعارف ایتالیا (۱۹۲۳) عبارت است از:

- ۱- عدم اعتقاد به سودمندی صلح .
- ۲- مخالفت با اندیشه‌های سوسیالیستی .
- ۳- مخالفت با لیبرالیسم .
- ۴- تبعیت همگانی از دولت (توتالیتیر بودن) .
- ۵- تقدس پیشوا تا حد ممکن .
- ۶- سیستم تک حزبی .
- ۷- مخالفت با دموکراسی .
- ۸- اعتقاد شدید به قهرمان پرستی .
- ۹- تبلیغ شدید روح رزمجویی .
- ۱۰- حمایت از تبعیض نژادی .

Factionalism

فاکسیونالیسم

یعنی حزب پرستی و عقیده به لزوم احزاب سیاسی و اتکای دولت و حکومت به احزاب عامه .

Phalange

فالانژ

به گروههای فشرده و منظم ارتش و همچنین به پارتیزانها اطلاق می شود . در عرف سیاسی مراد از فالانژ گروههای دست راستی افراطی است، مانند فالانژ لبنان .

Feudalism

فتودالیسم

نوعی نظام اجتماعی است که در آن قدرت سیاسی میان زمین داران بزرگ تقسیم شده است . تجربه نشان داده است که فتودالیسم در شرایط زیر رشد می کند :

- ۱- شکل اصلی تولید، کشاورزی باشد .
- ۲- جامعه به اقوام و قبایل متعددی تقسیم شود که پیوندهای اقتصادی و فرهنگی و تاریخی میانشان سست باشد .
- ۳- روابط میان نقاط مختلف مملکت به علل جغرافیایی یا علل دیگر

ناممکن باشد.

۴- وحدت اقتصادی مملکت دچار تجزیه شود.

۵- عدم توانایی حکومت مرکزی در دفاع از اتباع خود در برابر ستمگران داخلی و خارجی.

Federation

فدراسیون

مرکب از کشورهایی است که هر يك از آنها دارای ارکان خاص خود و قوه حاکمه برای سرزمین مشخص خود و افراد آن هستند.

کشور فدرال که از مجموع کشورهای عضو فدراسیون ترکیب یافته، دارای حقوق و امتیازاتی است که شامل تمام سرزمینهای کشورهای عضو و ساکنان آنها می باشد، اما در عین حال آزادی کشورهای عضو را در امور داخلی حفظ می کند.

Federalism

فدرالیسم

دارای مفاهیم زیر است:

الف: نظامی است در سازماندهی سیاسی و حکومت که بر پایه آن، چند دولت از جزیی از خود مختاری و حاکمیت خود به منظور ایجاد قدرتی برتر صرف نظر می کنند. اما این قدرت برتر نیز به نوبه خود توسط قدرتهای متشکل که جزیی از قدرت را برای خود حفظ کرده اند، کنترل گردیده و محدودیت می یابد. این نظام در برابرسانترالیسم (تمرکز گرایی) قرار می گیرد که در آن تمامی مقامات محلی از مرکز اعزام می شوند و مستقیماً بدان وابسته اند.

ب: آیینی سیاسی و جریانی فکری است که می تواند دو هدف را تعقیب کند:

(۱) نضج بخشیدن به نظام فدرال در داخل کشور با تمرکز زدایی و به رسمیت شناختن خودمختاری قدرتهای منطقه ای در بخشهای خاص.

(۲) ایجاد و تقویت فدراسیونی بین کشورهای مختلف که در حال حاضر دارای حاکمیت ملی هستند.

Pronunciamento**فراخوان**

به مفهوم مراسم تشریفاتی یا مذهبی است و امروزه به معنای شکل رایج کودتاهای نظامی در اسپانیا و آمریکای لاتین است. از نظر سیاسی - نظامی، «فراخوان» آخرین مرحله يك حرکت سیاسی است که مرحله اول این حرکت «طرح کل مسئله قیام» است که طی آن افسران همفکر عقاید و خواسته‌های خود را ابراز می کنند.

Fraction**فراکسیون**

به گروهی می گویند که در داخل يك حزب یا يك سازمان پدید آمده و اعضای آن در زمینه چگونگی اجرای برنامه‌ها و خط مشی‌های کلی آن سازمان نظریات و عقایدی متفاوت با دیگر اعضا ابراز می دارند.

Franchise**فرانشیز**

به معنای حق امتیاز، حق آزاد کردن و حق رأی دادن، به ویژه در انتخابات پارلمانی به کار رفته است.

Personality Cult**فرد پرستی**

بزرگداشت مقام و خصوصیات يك رهبر یا شخصیت اجتماعی تا حد پرستش او و مبالغه در باره نقش شخصیت در تاریخ است. خروشچف این اصطلاح را به عنوان برجسی برای محکوم کردن پرستش استالین به کار برد. پس از برکناری وی (۱۹۶۴)، این اتهام علیه خود او نیز به کار برده شد.

Caudillism**فرمانرواگرایی**

نوعی نظام حکومتی است که در آن رئیس حکومت به عنوان فرمانروا خطاب می شود. در زبان اسپانیایی، فرمانروا کسی است که فرمان می راند، ملتی را در جنگ راهبری می کند، حزبی، نهضتی و یا يك جماعت سیاسی را سرپرستی می کند.

فضای حیاتی (لبنز روم) **Lebensraum**

این اصطلاح برای اولین بار در سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۱ برای توجیه جنگهای توسعه طلبانه «رایش دوم» به کار برده شد. همچنین هیتلر و نازیهای آلمانی در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ از این اصطلاح به عنوان دستاویزی برای سیاست توسعه طلبانه خود استفاده کردند.

فلات قاره **Continental Shelf**

قسمتی از بستر دریاست که از ساحل شروع شده و با شیب ملایمی تا ناحیه‌ای که ژرفای دریا به سرعت افزایش می‌یابد، ادامه دارد. فلات قاره دنباله طبیعی قاره در دریاها و اقیانوسهاست. به موجب ماده يك معاهده ژنو، فلات قاره عبارت است از: بستر و زیر بستر دریا در مناطق زیردریایی مجاور ساحل ولی خارج از آبهای سرزمینی تا عمق ۲۰۰ متری و ماورای آن تا جایی که عمق دریا امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی را بدهد.

فورالیستها **Fevralists**

این اصطلاح در جوامع کمونیستی به گروهی از «غرب گرایانی» اطلاق می‌شود که خود را طرفدار «انقلاب فوریه» دانسته و منکر «انقلاب سوسیالیستی» و دستاوردهای آن می‌باشند.

فورس ماژور (قوة قاهره) **Force Majeure**

عبارت است از يك مانع غیر قابل اجتناب ناشی از رویدادهای خارجی که یا از اجرای تعهد و یا از رعایت يك قاعده حقوق بین الملل جلوگیری می‌کند. همه نظامهای حقوق داخلی، رفع مسئولیت را برای شخصی که بر اثر قوة قاهره، اجرای تعهدات قراردادی برای او مطلقاً غیر ممکن شده است، می‌پذیرند. انقلاب، اعتصاب و منع قانونی از جمله عواملی هستند که معمولاً در قراردادهای اقتصادی بین المللی به عنوان فورس ماژور ذکر می‌شوند.

ق

Contraband

قاچاق جنگ

به کالاهایی گفته می شود که کشورهای بی طرف نباید به دوطرف يك جنگ برسانند. هر يك از دوطرف می توانند کشتیهای کشورهای بی طرف را برای یافتن کالاهای ممنوع بازديد نمایند.

Constitution

قانون اساسی

منشوری است اساسی که در يك کشور، ماهیت و نقش قدرت و همچنین مجموع حقوق و وظایف اساسی شهروندان را معین می کند. قانون اساسی، شیوه اعمال و یا انتقال حاکمیت، یعنی شکل حکومت، اختیارات و عملکرد قدرتهای مربوط به دولت، حقوق مهم و اساسی افراد و بالاخره مشارکت شهروندان در اعمال قدرت از طریق حق رأی یا گزینش آزادانه نمایندگان را معین می دارد.

قانون استالین

اصطلاحی است برای قانون اساسی پنجم دسامبر ۱۹۳۶ شوروی که به وسیله کنگره اتحاد شوروی تدوین شد. ادعا می شود که قانون اساسی مذکور، دموکراتیک ترین قانون اساسی جهان است.

Flag State**قانون پرچم**

بر اساس این نظریه کشتیهایی که در دریای آزاد حرکت می کنند، تابع قدرت هیچ دولت دیگری جز دولتی که پرچم آن را بر افراشته اند (دولت صاحب پرچم)، نیستند.

The Law of Ebb and Flow**قانون جذر و مدّ**

عقیده‌ای است از استالین که به موجب آن، کشمکش بین بورژوازی و پرولتاریا به صورت منظم و موزون افزون نمی گردد، بلکه شکل جزر و مدّ را دارد. وقتی که کشمکش به حدّ اعلی می رسد، سیستم اجتماعی به نقطه انقلاب نزدیک می شود.

Lend - Lease Act**قانون وام و اجاره**

قراری بود که بین آمریکا و انگلستان (۱۹۴۱/۳/۱۱) و سپس با سایر کشورهای دوست آمریکا در جنگ جهانی دوم به منظور حل مسئله پرداختها گذاشته شد و هدف از آن تسهیل ارسال سلاح و تجهیزات آمریکایی به دولتهای مزبور بود. مالکیت تجهیزات مزبور، رسماً به آمریکا تعلق داشت و پرداخت قیمت آنها به بعد از خاتمه مناقشات موکول شد.

power**قدرت**

یکی از مفاهیم اصلی علم سیاست است که به معنای توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود، به هر شکلی. وجود اقتدار (اتوریت)، یعنی قدرتی که مشروعیت آن بر اساس سنت یا قانون پذیرفته شده است، یکی از ویژگیهای سازمان اجتماعی است که در آن فرماندهی ناشی از به رسمیت شناختن توانایی بزرگتری است که در شخص یا در مقام نهفته است.

قدرت سیاسی متضمن وجود رابطه روانی بین نخبگان مجری سیاست و کسانی است که تحت نفوذ آن قرار دارند. اعمال قدرت سیاسی خصیصه اصلی يك نظام سیاسی از زمان ظهور مفهوم حاکمیت است.

قدرت ملی، عوامل **Elements of National Power**

عواملی که به طور دسته جمعی «قدرت ملی» را تشکیل می دهند، عبارتند از:

- ۱- وسعت، موقعیت، آب و هوا و توپوگرافی قلمرو ملی.
- ۲- منابع طبیعی، انرژی، و مواد غذایی قابل تولید.
- ۳- جمعیت، تراکم آن، میانگین سن، ترکیب جنسیت، و درآمد سرانه در رابطه با درآمد ملی.
- ۴- مقدار و کارایی کارخانه های صنعتی.
- ۵- وسعت و کارایی سیستم حمل و نقل و ارتباطات.
- ۶- سیستم آموزشی و تسهیلات پژوهشی.
- ۷- کیفیت آموزش، تجهیزات و روحیه نیروهای مسلح.
- ۸- ماهیت و توانایی سیستم های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
- ۹- کیفیت دیپلماتها و دیپلماسی.
- ۱۰- خصیصه ملی و روحیه مردم.

قرارداد اجتماعی **Social Contract**

به موجب این نظریه که اساس فلسفی دولت نوین است، اصل «حق الهی» سلطنت جای خود را به اصل رضایت شهروندان (اتباع) برای زندگی در سایه قدرت و عدالت دولت می دهد.

قرارداد بریان - کلوگ (۲۷ اوت ۱۹۲۸)

Briand - Kellog Pact

به قراردادی گفته می شود که بر اساس پیشنهاد وزیر خارجه فرانسه (بریان)، در آوریل سال ۱۹۲۷ بین آمریکا و فرانسه به منظور غیر قانونی نمودن توسل به جنگ ارائه گردید. علت طرح این پیشنهاد سوء تفاهات موجود بین دو کشور بود که امکان وخامت روابط را به وجود می آورد. پس از تبادل نظر بین آمریکا و فرانسه طرحی تهیه شد که در آن جنگ به عنوان

وسیلهٔ اعمال سیاست ملی تقبیح می گردید ولی جنگ به عنوان وسیلهٔ اعمال سیاست بین المللی و دسته جمعی پذیرفته شد. طرح بریان - کلوگ در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ به امضا رسید.

قرارداد ناسر (۱۹۶۲) Nassau Agreement

قراردادی است بین جان اف. کندی (۱۹۶۳-۱۹۱۷) سی و پنجمین رئیس جمهور آمریکا و هارولد مک میلان (۱۹۸۷-۱۸۹۴) نخست وزیر انگلستان که به موجب آن آمریکا متعهد گردید تعدادی موشک پولاریس به آن کشور بدهد.

قراردادهای رُم Rome Treaties

به قراردادهایی گفته می شود که توسط نمایندگان آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند در رم به امضا رسید (۲۵ مارس ۱۹۷۵) به موجب قراردادهای فوق، «جامعهٔ انرژی اتمی اروپا» و «جامعهٔ اقتصادی اروپا» به وجود آمد.

قطعنامهٔ ۲۴۲ شورای امنیت (۱۹۶۷) Resolution 242

این اصطلاح به قطعنامه‌ای اطلاق می شود که در آن بر نکات زیر تأکید شده بود:

- ۱- عقب نشینی نیروهای اسرائیل از سرزمینهای اشغالی.
- ۲- پایان دادن به حالت جنگ.
- ۳- تضمین آزادی کشتیرانی در آبراههای بین المللی منطقه.
- ۴- تضمین مصونیت اراضی و استقلال سیاسی تمام کشورهای منطقه.

قطعنامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت (۱۹۸۷) Resolution

این قطعنامه در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به اتفاق آرا توسط اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با جنگ ایران و عراق به تصویب رسید. در این قطعنامه رعایت آتش بس (بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل

متحد)، توقف عملیات نظامی و عقب نشینی کلیه نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی از دوطرف درخواست شده بود.

قواعد واشنگتن (۱۸۷۱) **Treaty of Washington**

این اصطلاح ناظر است به سه قاعده که به پاره‌ای از تکالیف کشورهای بی طرف در مورد جنگ دریایی مربوط می شود. قراردادی که شامل قواعد مذکور است در ۸ مه ۱۸۷۱ بین انازونی (آمریکا) و بریتانیای کبیر به امضا رسید.

قوانین نورنبرگ **Nuremberg Laws**

عنوان يك سلسله قواعد ضد يهود است که طی اجتماع سران حزب نازی آلمان در شهر نورنبرگ تهیه گردید (۱۹۳۵). این قواعد تعیین می کنند که چه کسانی از لحاظ قانونی یهودی محسوب می شوند. بر اساس همین قوانین، برقراری روابط جنسی یا ازدواج يك یهودی با يك آلمانی جرم محسوب می گردید.

قیام تك جناحی (پوچ) **Putsch**

اصطلاحی است که در مفاهیم زیر به کار می رود:

- ۱- شورش و یا قیام ناگهانی .
- ۲- تلاشهای ناگهانی برای واژگون ساختن دولت حاکم بر اساس يك توطئه .
- ۳- واژگون ساختن حکومت به وسیله جناح مشخصی از ارتش .

قیصریسم **Caesarism**

نوع ویژه‌ای از حکومت مطلقه فردی و یا دیکتاتوری است که کنترل مؤثر يك نهاد نظامی را با تأیید مردمی قابل ملاحظه در هم می آمیزد تا در داخل کشور صاحب موقعیت برتر شود.



Cabinet

کابینه

در رژیمهای پارلمانی، به مجموعهٔ وزرا و معاونان آنان گفته می‌شود که در مقابل دو مجلس مسئولیت سیاسی مشترك دارند.

کابینه کوچک

به شورای خط مشی نیروهای مسلح آمریکا گفته می‌شود که یکی از قسمتهای مهم وزارت دفاع آمریکا یا پنتاگون است. اعضای کابینه کوچک عبارتند از: وزیر دفاع و معاون او، فرماندهان نیروهای زمینی و هوایی و دریایی، رئیس قسمت تحقیقات و مهندسی دفاعی و مشاوران ریاست جمهوری.

Capital

کاپیتال

کاپیتال در زبان اقتصاد به معنای سرمایه است و مشتمل بر سرمایه فنی (مجموعه وسایل مادی تولید)، سرمایه اسمی (آنچه که سهامداران در آغاز کار در شرکتی سهم می‌گذارند)، و سرمایه حقوقی (سرمایه‌ای است که برای مالك آن حقوقی بدون کار کردن قایل می‌شود) است. اصطلاح مذکور، همچنین عنوان کتابی از کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) فیلسوف آلمانی است که آن را در لندن و در انتقاد شدید از

رژیم سرمایه‌داری نوشت.

Capitalism

کاپیتالیسم

کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری دارای ویژگی‌های زیر است:

- (۱) تملك خصوصی وسایل تولید صنعتی مدرن و غیر آن.
- (۲) استفاده از وسایل مکانیکی به جای نیروی انسانی.

اقتصاد دانان غیر مارکسیست، سرمایه‌داری را سیستمی می‌دانند که در آن، عوامل تولید (کار، زمین، سرمایه) بر حسب تولیدگری نهایی آنها توزیع می‌شود و در نتیجه نظامی است عادلانه. این نظریه، مالکیت خصوصی وسایل تولید را مشروع و منبع تولیدگر در آمد می‌داند، برخلاف مارکسیستها که کار را تنها منبع ارزش می‌شمارند، و در نتیجه سود سرمایه را برداشت نامشروع از تولید، و به زیان جامعه و به نفع طبقه سرمایه‌دار می‌دانند.

Capitulation

کاپیتولاسیون

از لحاظ لغوی به مفهوم، انعقاد عهدنامه و قرارداد است ولی مفهوم حقوقی آن عبارت است از، نظام قضاوت کنسولی و برخی تضمینات و امتیازات و مصونیت‌های قضایی که به موجب تصمیمات يك جانبه یا پیمانها و یا اسناد قضایی دیگر به اتباع دولتهای مسیحی در سرزمینهای غیر مسیحی داده می‌شد.

Caste

کاست

عبارت است از تقسیمات جامعه به قسمتهای مختلف بر اساس نسب و حرفه پدری، به نحوی که انتقال از يك قسمت به قسمت دیگر ممکن نباشد. هدف نظام کاستی، حفظ و برقرار داشتن وضع موجود است.

Castroism

کاستروئیسم

اصطلاحی است منسوب به فیدل کاسترو رهبر انقلابی کوبا که آمیزه‌ای

است از سنت انقلابی آمریکای لاتین وایدنولوزی کمونیسم. کاستروییسم بر خلاف مائوئیسم، شاخه مستقلی از لنینیسم نیست، بلکه اهمیت آن بیشتر از نظر در پیش گرفتن يك روش انقلابی خاص است. بنابراین روش، پشاهندگان انقلابی به جای آن که در انتظار پیدایش شرایط «عینی» مارکسیستی و شرایط «ذهنی» لنینیستی برای يك انقلاب کامل عیار بنشینند، می باید این شرایط را با آغاز جنبش چریکی به وجود آورند. تکیه هرچه بیشتر کوبا از نظر سیاسی و اقتصادی، ازجاذبه فراوان آن (در ابتدای کار) کاسته است؛ با این وجود، اندیشه‌های مبارزه مسلحانه کاسترو در میان توده‌های آمریکای لاتین هنوز هم از طرفداران زیادی برخوردار است.

Cadets

کادتها

کادت مخفف نام «حزب دموکراتیک مشروطه‌خواه» است و آن حزب لیبرالهای روسیه بود که در اکتبر ۱۹۰۵ تأسیس شد و با پیروزی بلشویکها به مخالفت با حکومت مارکسیستی پرداخت.

Common Law

کامن لا (حقوق عرفی)

یکی از منابع عمده در حقوق داخلی و بین المللی انگلوساکسون است.

Doves

کبوترها

اصطلاحی است در برابر «بازها» و اشاره به دولتمردانی دارد که خواهان برقراری صلح و پایان بخشیدن به جنگ هستند.

State

کشور

کشور به سرزمینی گفته می شود مسکون که از نظر سیاسی دارای مرزهای مشخص بین المللی است و توسط هیئت حاکمه اداره می شود. وجود سه عامل «سرزمین»، «جمعیت» و «سازمان حکومتی» برای تشکیل هر کشور لازم است.

کشورهای بی طرف Neutral States

کشورهای بی طرف به دولتهایی گفته می شود که در مناقشه بین دو یا چند دولت دخالی نمی کنند. گاهی هم منظور کشورهایی است که از هیچ يك از بلوکهای شرق و غرب جانبداری نکرده و در زمان جنگ هم در موافقت و یا مخالفت با هیچ يك از این بلوکها شرکت ننموده اند.

کشورهای حایل Buffer States

معمولاً کشورهایی ضعیف هستند که اغلب به منظور جلوگیری از اصطکاک بین دو کشور قوی به وجود آمده اند و تمامیت ارضی آنها توسط قدرتهای بین المللی تضمین می گردد.

کشورهای عقب افتاده Back - ward Countries

نام دیگری است برای ممالك «توسعه نیافته» که در برابر اصطلاح کشورهای «توسعه یافته» به کار می رود. نشانه های این گونه کشورها، سطح پایین بهداشت، تغذیه، بی سوادى، کمبود سرمایه، چندگانگی اقتصادی، نارسایی سیستم پولی و عدم رغبت به سرمایه گذاری است.

کشورهای مدور Compact States

به کشورهایی گفته می شود که دارای شکلی نزدیک به دایره باشند.

کشورهای منفصل

به آن دسته از ممالك گفته می شود که خاک آنها از قطعات کوچک و مجزا تشکیل شده باشد، خواه این انفصال به علت وجود آب و یا وجود خاک کشور همسایه باشد. بیشتر کشورهایی که دارای خاک منفصل هستند، ناچار از برقراری نوعی رژیم فدرالیسم هستند. پاکستان سابقاً (قبل از استقلال بنگلادش) جزو کشورهای منفصل به شمار می رفت.

Kemalism**کمالیسم**

به ایدئولوژی، اصول و روشهای مصطفی کمال پاشا (۱۸۸۱-۱۹۳۸) ملقب به آتاتورک اولین رئیس جمهور و بنیانگذار ترکیه نوین اطلاق می شود. این اصول عبارتند از، جمهوری خواهی، ناسیونالیسم، اصلاح طلبی، جدایی دین از سیاست، مردمی کردن امور و تشکیل يك دولت مقتدر و قوی.

Northern Tier**کمر بند شمالی**

این اصطلاح اشاره به کشورهای ایران و ترکیه دارد که به زعم غربیها سدی در مقابل گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه محسوب می شوند. برخی از استراتژیستها کشور پاکستان را هم جزو تقسیم بندی مذکور می دانند.

Primitive Commune**کمون اولیه**

در قاموس مارکسیستها، کمون اولیه یا جامعه اشتراکی بدوی، نخستین شیوه تولید در تاریخ است.

Paris Commune**کمون پاریس**

این اصطلاح در تاریخ فرانسه به حکومت شورایی ۷۲ روزه شهر پاریس (سال ۱۸۷۱ میلادی) گفته می شود که پس از امضای قرارداد صلح بین دو دولت فرانسه و آلمان (۱۰ مه ۱۸۷۱) با یورش سربازان فرانسوی از میان رفت.

Communism**کمونیسم**

این اصطلاح از سال ۱۸۴۰ به بعد معانی مختلفی به خود گرفته است که عبارتند از:

- ۱- نهاد و کوششی است برای عملی کردن آرزوهایی که بعضی از سوسیالیستهای تخیلی به آن دست زده بودند.
- ۲- سازمانی است اجتماعی با روش علمی که مارکس در نظریات خویش از آن سخن گفته است، (اشاره به جمله: تاریخ بشر، مبارزه دایمی توده‌ها

است).

۳- اصطلاح کمونیسم برای نشان دادن جریان‌ات ایدئولوژیک و اقدامات استراتژیک خاصی به کار برده می‌شود که خود را از پیروان مارکس می‌دانند.

کمونیسم، امروزه جنبه انقلابی بودن خود را در شوروی و کشورهای موسوم به بلوک شرق رفته رفته از دست می‌دهد.

کمونیسم، قطبها

قطبهای کمونیسم در جهان عبارتند از:

(۱) کمونیسم شوروی که آن را کرملین‌یسم نیز می‌گویند و پایگاه آن مسکو پایتخت اتحاد شوروی است.

(۲) مائوئیسم یا کمونیسم چینی (منسوب به مائوتسه دون رهبر چین).

(۳) کاستروئیسم (کمونیسم خاص ابداعی فیدل کاسترو).

(۴) تیتوئیسم (منسوب به مارشال تیتو رهبر یوگسلاوی).

(۵) کمونیسم رفورمیسم (که بیشتر احزاب کمونیست کشورهای باختری اروپا به آن گرویده‌اند).

War Communism

کمونیسم جنگ

به یکی از مراحل اساسی سه گانه تاریخ شوروی میان سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ اطلاق می‌شود که در آن اصول نظری کمونیسم به طور خاصی اعمال می‌شود. نتیجه کمونیسم جنگ، برای اقتصادی شوروی فاجعه انگیز بود چرا که میانگین محصولات غلات از رقم ۷۷ میلیون تن (۱۹۱۳-۱۹۰۹) به ۴۹/۴ میلیون تن (۱۹۱۳ تا ۱۹۲۳) کاهش یافت.

Scientific Communism

کمونیسم علمی

بر طبق نظریه کمونیستها، کمونیسم علمی عبارت است از: علم نبرد طبقاتی، طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی و قانونمندیهای اجتماعی و سیاسی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم. کمونیسم علمی به علم گذار از

سرمایه‌داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی و تشکیل جامعه کمونیستی می‌پردازد، که نخستین مرحله آن «سوسیالیستی» قلمداد می‌گردد.

کمونیسم ملی **National Communism**

این اصطلاح به خط مشی کمونیست‌هایی اطلاق می‌شود که از شوروی یا دیگر قطب‌های کمونیستی جهان مجزا بوده و معتقدند که قدرت از ملت ناشی می‌شود. اصطلاح مذکور گاهی مترادف با تیتویسم به کار برده می‌شود.

کمیته مرکزی (حزب) **Central Committee**

یک ارگان دائمی و منتخب است که در فاصله بین دو کنگره، عالیت‌ترین رکن حزبی بوده و فعالیت سیاسی و کار سازمانی حزب را اداره می‌کند و در مقابل کنگره مسئول است.

کمیسیون انرژی اتمی **Atomic Energy Commission**

کمیسیونی است (در سازمان ملل متحد) که در سال ۱۹۴۶ برای کوشش جهت خلع سلاح بین المللی تشکیل گردید و در سال ۱۹۵۱ با پیوستن به کمیسیون تسلیحات عادی، کمیسیون خلع سلاح را تشکیل داد. این سازمان همچنین به کمیسیونی گفته می‌شود که در ایالات متحده آمریکا برای نظارت به استفاده از «انرژی اتمی» (قوانین انرژی اتمی آمریکا مصوب ۱۹۴۶ و ۱۹۵۴) تشکیل شده است.

کمیسیون جنگ افزارهای متعارف

Commission for Conventional Armaments

این کمیسیون بر اساس پیشنهاد مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۳ فوریه ۱۹۴۸ تأسیس شد. اعضای کمیسیون متشکل از کشورهای عضو شورای امنیت بود و وظیفه آن تهیه پیشنهاد‌های مربوط به تقلیل جنگ افزارهای متعارف و نیروهای نظامی همراه با ایجاد یک نظام بین المللی کنترل و بازرسی بود.

Human Rights Commission کمیسیون حقوق بشر

این کمیسیون در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶ متشکل از نمایندگان هجده کشور عضو سازمان ملل متحد به وجود آمد. تعداد اعضای کمیسیون تا سال ۱۹۶۶ به سی و دو کشور افزایش یافت. وظایف کمیسیون عبارت است از:

- ۱- تهیه و تنظیم منشور بین المللی حقوق بشر.
- ۲- تهیه و تنظیم اعلامیه‌ها و مقاوله نامه‌های بین المللی در زمینه آزادیهای فردی.
- ۳- حمایت از اقلیتها.
- ۴- رفع تبعیض به دلایل نژادی، مذهبی و یا زبانی.

کمیسیون حقوق بین المللی

International Law Commission

این کمیسیون در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ تشکیل شد و امروزه مرکب از ۳۴ عضو متخصص حقوق بین الملل است که برای مدت پنج سال از طرف مجمع عمومی و بر اساس لیست کاندیدهای اعلام شده از سوی کشورها انتخاب می شوند.

Danub Commission کمیسیون دانوب

يك نهاد بین المللی است که مقررات مربوط به رفت و آمد در رودخانه دانوب را تنظیم کرده و تسهیلات مربوطه را فراهم می کند. رأی و تو مانع از اجرای تصمیمات کمیسیون خواهد شد.

Arms Control کنترل تسلیحات

اقداماتی است که به طور يك جانبه یا چند جانبه از طریق امضای قراردادهای متعدد برای اجتناب از خطر بروز جنگ اتفاقی و تثبیت سطح نیروها انجام می گیرد. اقدامات مذکور شامل محدود کردن آزمایشهای اتمی و یا غیر نظامی کردن برخی از مناطق جغرافیایی نیز می شود.

کنسول Consul

مأمور يك دولت (دولت فرستنده) نزد دولت دیگر (دولت پذیرنده) است که وظیفه حفظ منافع اتباع دولت فرستنده را بر عهده دارد و به کارهای حقوقی آنها رسیدگی می کند. کنسول مأمور غیر سیاسی است و با دیپلمات که مأمور سیاسی است فرق دارد؛ اما هر دو را وزارت امور خارجه کشورشان به مأموریت می فرستد.

کنسول واژه‌ای است لاتین که در لغت به معنای «شريك» است. در زمانهای گذشته عنوان یکی از دو فرمانروای روم بود که برای مدت يك سال انتخاب می شدند. در یونان قدیم، کنسول یکی از اتباع دولت فرستنده بود که در کشور پذیرنده اقامت داشت و او را پروکزنوس می گفتند. در قرون وسطی، در فرانسه عنوان قضات انتخابی متعلق به نواحی جنوبی آن کشور بود. پس از انقلاب فرانسه کنسول عنوان سه نفری بود که قوه مجریه را تشکیل می دادند و ناپلئون بناپارت کنسول اول بود. اصطلاح حکومت کنسولی به بخشی از دوران حکومت وی گفته می شود که در سال ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۴ میلادی عهده دار حکومت جمهوری بود.

از قرن نوزدهم، کنسول به مأمور دولتی گفته می شود که وظیفه اش حمایت از منافع اتباع دولت خود و دادن اطلاعات اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی به دولت متبوعش است.

بر طبق کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در باره روابط کنسولی، وظیفه کنسول عبارت است از:

(۱) حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن و توسعه مناسبات اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی.

(۲) انجام خدمات دولتی مانند صدور شناسنامه، گذرنامه و روادید و اسناد مسافرت و ثبت وقایع چهارگانه تولد، ازدواج، طلاق و مرگ اتباع.

(۳) بازرسی و کمک به ناوها، کشتیها و قایقها و نیز هواپیماهایی که تابعیت دولت فرستنده را دارند.

محلّی که کنسول در آن جا کار می کند. کنسولگری نامیده می شود. طبقه‌بندی ادارات کنسولی عبارت است از: نمایندگی کنسولی،

کنسولیاری، کنسولگری و سرکنسولگری. رؤسای پستهای کنسولی عبارتند از نماینده کنسولی، کنسولیار، کنسول و سرکنسول.

کنفدراسیون Confederation

عبارت است از پیوند دولتهایی که در انقیاد يك قدرت عام و مشترك قرار می گیرند، ضمن آن که در برخی از زمینه ها، شیوه خاص حکومتی خود را حفظ می نمایند.

کنفدراسیونهای بین المللی، از تجمع فدراسیونها و کنفدراسیونهای ملی پدید می آیند.

کنفرانس بین المللی خلع سلاح

World Disarmament Conference

يك اجلاس بین المللی است که کلیه کشورها برای حصول به يك خلع سلاح جهانی در آن شرکت دارند. نخستین کنفرانس بین المللی توسط جامعه ملل از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ با شرکت نمایندگان شصت و يك دولت در ژنو تشکیل جلسه داد. در سال ۱۹۶۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که دومین کنفرانس بین المللی خلع سلاح را در سال ۱۹۶۷ تشکیل دهد.

کنفرانس پوتسدام (۱۹۴۵) Potsdam Conference

این کنفرانس از ۱۷ ژوئیه الی ۲ اوت ۱۹۴۵ با شرکت فاتحان جنگ دوم جهانی (ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و اتحاد شوروی) به منظور تحقق بخشیدن به تصمیمات کنفرانس یالتا تشکیل شد. کنفرانس پوتسدام، آلمان را به چهار منطقه نفوذ تقسیم کرد و هر يك از کشورهای آمریکا، شوروی، انگلستان و فرانسه یکی از مناطق چهارگانه آن را اشغال کردند.

کنفرانس تهران (۱۹۴۳) Tehran Conference

این کنفرانس با شرکت سران سه دولت آمریکا، شوروی و انگلستان در

تهران تشکیل شد (اَوَّل دسامبر ۱۹۴۳) و در پایان، اعلامیه‌ای مبنی بر حفظ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران منتشر نمودند.

کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵) San Francisco Conference
این کنفرانس در فاصله ۲۵ آوریل الی ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ با شرکت نمایندگان پنجاه دولت تشکیل شد و منشور سازمان ملل متحد را تصویب نمود.

کنفرانس شمال و جنوب (۱۹۷۵) North-South Conference
این کنفرانس در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۵ با شرکت ۱۲ کشور در حال توسعه به نمایندگی از طرف بیش از ۱۰۰ کشور (شامل دومیلیارد نفر از مردم جهان)، هفت کشور از ممالک تولید کننده نفت و نمایندگان کشورهای صنعتی (به استثنای شوروی و کشورهای اروپای شرقی) در پاریس تشکیل شد تا نظامی را که از دیرباز بر مناسبات اقتصادی دنیا حاکم بوده است، تغییر دهد. کنفرانس با تمام تلاشی که به عمل آورد متأسفانه به نتایج قابل لمسی نرسید.

کنفرانس دومبارتون اوکس (۱۹۴۴) Dumbarton Oaks Conference

این کنفرانس از ماه اوت تا اکتبر ۱۹۴۴ در واشنگتن دی. سی. تشکیل شد و اعضای آن عبارت بودند از، ایالات متحده امریکا، بریتانیا، اتحاد شوروی که در نخستین و مهمترین مراحل گفتگوها شرکت کرد. هیئت نمایندگی چین به همراه آمریکا و بریتانیا در مرحله دوم گفتگوها شرکت کرد. در همین کنفرانس بود که پیش نویس مقدماتی برای ایجاد سازمان ملل متحد تهیه شد.

کنفرانس صلح لاهه (۱۸۹۹) Hague [Peace] Conference of 1899

این کنفرانس بنا به پیشنهاد نیکلای دوم امپراتور روسیه تشکیل شد و در آن سه مسئله اساسی مورد توافق قرار گرفت:

- ۱- تأسیس دیوان دایمی داوری به عنوان يك مرجع صلاحیت دار.
 - ۲- تهیه و تنظیم قوانین و رسوم جنگ های زمینی .
 - ۳- اجرای عهدنامه ژنو مورخ ۱۸۶۴ در زمینه جنگ دریایی .
- کنفرانس دوم لاهه نیز در ۱۵ ژوئن ۱۹۰۷ تشکیل شد و علاوه بر تکمیل کارهای کنفرانس اول، سیزده قرار جدید مربوط به قواعد بی طرفی و جنگ دریایی را به امضا رساند .

کنفرانس قاهره (۱۹۴۳) **Cairo Conference**

این کنفرانس از ۲۲ تا ۲۶ نوامبر سال ۱۹۴۳ به طول انجامید و در آن روزولت (آمریکا)، چرچیل (انگلستان) و چیان کای چک فرمانده کل نیروهای چینی حضور داشتند. کنفرانس قاهره بر، «تسلیم بدون قید و شرط» آلمان و ژاپن مهر تأیید نهاد.

کنفرانس کارشناسان **Conference of Experts**

به جلسه ای اطلاق می شود که بین کارشناسان شرق و غرب برای بررسی مسایل پیچیده در زمینه خلع سلاح و ارائه پیشنهادهایی به خاطر کمک به مذاکرات دیپلماتیک برگزار می شود. نمونه ای از کنفرانس مزبور در سال ۱۹۵۸ بین کارشناسان دوا بر قدرت به منظور بررسی اقداماتی که ممکنست برای اجتناب از جنگ غافلگیرانه صورت گیرد، تشکیل جلسه داد.

کنفرانس کازابلانکا (۱۹۴۳) **Casablanca conference**

در این کنفرانس که روز ۲۶ ژانویه ۱۹۴۳ در کازابلانکا تشکیل شد، روزولت از آمریکا و چرچیل از انگلستان حضور داشتند. هدف از این کنفرانس دستیابی به تسلیم بدون قید و شرط آلمان، ایتالیا و ژاپن بود.

کنفرانس مسکو (۱۹۴۳) **Moscow conference**

در ماه اکتبر ۱۹۴۳ و با شرکت وزرای خارجه دولتهای متفق تشکیل شد و نتایج آن در پایان کنفرانس بدین شرح اعلام گردید:

۱- اقدام مشترك دولتهای متفق به منظور ادامه جنگ علیه دولتهای محور ادامه خواهد یافت.

۲- اقدام مشترك برای جلوگیری از نقض شرایط تحمیلی بر دشمن.

۳- ایجاد يك سازمان بین المللی.

۴- انهدام فاشیسم و آثار زیان بخش آن.

Yalta Conference

کنفرانس یالتا (۱۹۴۵)

این کنفرانس از چهارم الی یازدهم فوریه سال ۱۹۴۵ با شرکت سران آمریکا، شوروی و بریتانیا در یالتا (جنوب شبه جزیره کریمه) تشکیل شد و تصمیمات مهمی به شرح زیر اتخاذ گردید:

۱- پس از تسلیم آلمان، دولتهای شرکت کننده در کنفرانس و همچنین فرانسه آن را اشغال خواهند کرد.

۲- کنفرانس سانفرانسیسکو به منظور اتخاذ تصمیم برای ایجاد سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد و روش رأی گیری «وتو» مورد بررسی خواهد گرفت.

۳- شوروی موافقت کرد ظرف مدت سه ماه علیه ژاپن وارد جنگ شود.

۴- استرداد جزایر «ساخالین» و «کوریل» به شوروی و اعاده وضع سال ۱۹۰۴ در «پرت آرتور» و «دارن».

Concorda

کنکوردا

به سندی گفته می شود که بین پاپ رهبر کاتولیکهای جهان و رییس يك کشور منعقد می شود، و هدف از آن حفظ منافع کلیسای کاتولیک رم در آن کشور است.

Convention

کنوانسیون

به اسناد چند جانبه بین المللی گفته می شود، که از نظر شکلی شبیه

«معاهده» است. کنوانسیون معمولاً مسایلی از قبیل ارتباطات پستی، کنسولی و روابط دیپلماتیک را در بر می گیرد و مورد قبول تعداد زیادی از دولتها است؛ مانند، کنوانسیونهای مربوط به جنگ وقواعد آن. پیوستن به بسیاری از کنوانسیونهای منعقد بین ممالك خاص، برای سایر ممالك آزاد است.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

European Convention on Human Rights

پیمانی است که از سال ۱۹۵۳ به اجرا در آمده است و مقررات مربوط به حفظ و حمایت از حقوق بشر را تنظیم می نماید. کنوانسیون مزبور تحت نظارت شورای اروپا به وجود آمد و پانزده دولت، آن را پذیرفته اند. این دولتها عبارتند از: اتریش، بلژیک، بریتانیا، قبرس، دانمارک، آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، سوئد، ترکیه و ایرلند. سه کشور عضو شورای اروپا یعنی فرانسه، مالت و ایتالیا به کنوانسیون مزبور پیوسته اند.

کنوانسیون دانوب (۱۹۴۸) Danub Convention

این کنوانسیون در شهر بلگراد میان بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، اوکراین، شوروی، رومانی و یوگسلاوی منعقد گردید. این کنوانسیون به عنوان تأیید قرارداد ۱۹۲۱ انجام گرفت، که کمیسیون اروپایی دانوب (۱۹۴۸-۱۸۵۶) بر اساس آن تهیه شده بود. کنوانسیون بلگراد آزادی کشتیرانی را بر روی دانوب تضمین می نماید.

کنوانسیونالیزم Conventionalism

به معنای افراط و زیاده روی در پیروی از آیینهای قراردادی و کنوانسیونها است.

Coup d'Etat**کودتا**

به معنای شورشهای گروههایی از طبقه حاکم علیه گروههای دیگری از طبقه حاکم است. این اصطلاح همچنین تغییر ناگهانی دولت حاکم از طریق اعمال زور و فشار را در بر می گیرد. کودتا از جانب کسانی صورت می گیرد که خود بخشی از قدرت سیاسی و یا نظامی هستند و با انقلاب که متضمن شرکت توده‌ها است، کاملاً تفاوت دارد.

Creeping Coup d'Etat**کودتای خزنده**

این نوع کودتا یکی از پیچیده‌ترین اشکال کودتا است که شامل مراحل دوگانه زیر است:

۱- مراحل آماده‌سازی

۲- مرحله براندازی

مراحل آماده‌سازی شامل روشها و تاکتیکهای کودتا به شکل معمولی است. عواملی از قبیل، بی تفاوتی مردم، ایجاد و تشدید تضادهای داخلی، ترور شخصیت رهبران و جنگ روانی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

Kulaks**کولاکها**

به خرده مالکان کشاورزی در شوروی گفته می شد که با سیاست اشتراکی کردن کشاورزی استالین به مخالفت برخاستند و جان خود را بر سر این کار گذاشتند.

گ

گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت)

GATT (General Agreement on Tariffs and Trade)

يك سازمان بين المللی است كه هدفش ارتقای سطح تجارت میان اعضای آن است. حصول به این هدف از طریق کاهش تعرفه های گمرکی و حذف سایر موانع مشابه است. گات برای اولین بار در سال ۱۹۴۷ تشکیل جلسه داد. سازمان مذکور دارای دو مشکل اصلی بوده است:

- ۱- روابط تجاری بین دولتهای کمونیست و غیر کمونیست.
- ۲- موانع دولتهای صنعتی در خصوص کالای اولیه کشورهای در حال توسعه.

The Red Guard

گارد سرخ

اصطلاحی است: ۱) برای کارگران مسلح شوروی که در به قدرت رسیدن بولشویکها نقش عمده ای داشتند. ۲) به چینیهایی مسلحی گفته می شود که به تشویق لین پیائو برای ترویج انقلاب فرهنگی و دفاع از عقاید مائوتسه دون به وجود آمد.

Pass port

گذرنامه

سندی است که توسط مقامات دولتی يك کشور صادر شده و شخص را به

عنوان تبعه يك کشور تأیید کرده و به او اجازه خروج از کشور را می دهد .
سند مذکور دارای انواع متعددی است که از آن میان گذرنامه های سیاسی (دیپلماتیک)، خدمت (سرویس) و عادی قابل ذکر است .

Service Passport گذرنامه خدمت (سرویس)

اصطلاحاً به گذرنامه ای گفته می شود که جهت مأموران عادی و غیر دیپلماتیک يك دولت صادر می شود و دارای مصونیت هایی است .

Diplomatic Passport گذرنامه سیاسی (دیپلماتیک)

گذرنامه ای است که جهت مقامات عالی مملکتی ، نمایندگان مجلس ، فرماندهان ارتش و دیپلمات های يك کشور صادر می شود . دارنده این نوع گذرنامه از مزایا و مصونیت های مندرج در کنوانسیون وین در خصوص روابط دیپلماتیک برخوردار است . این نوع گذرنامه معمولاً توسط وزارت امور خارجه کشورها صادر می شود .

Ordinary Passport گذرنامه عادی

گذرنامه ای است که جهت افراد عادی يك مملکت صادر می شود . همه اتباع يك مملکت می توانند بر اساس قوانین و مقررات جاری [برای مسافرت به خارج از کشور] دارای گذرنامه باشند . وظیفه صدور این نوع گذرنامه معمولاً به عهده مقامات شهربانی کشورها است .

Sterling Area گروه استرلینگ (۱۹۳۱)

گروهی از کشورها هستند که پول خود را به جای طلا به استرلینگ (لیره انگلیس) وابسته کرده و ذخیره پولی خود را با «بانک انگلیس» تراز کرده اند . گروه استرلینگ در سال ۱۹۳۹ منحل شد و به جای آن منطقه استرلینگ به وجود آمد .

Lobby**گروه تحمیل گر**

گروهی است ذینفوذ از نظر سیاسی. این گروه در آمریکا بر روی مسئولان دولتی اعمال نفوذ می کند.

Pressure Group**گروه فشار**

این گروه که سعی در تحمیل عقاید خود به عموم جامعه را دارند، با شیوه‌های متفاوت تلاش می کنند تا به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در عقاید عمومی راه یابند. این شیوه‌ها عبارتند از:

- | | |
|-------------------|------------------|
| ۱- تدابیر اقتصادی | ۳- تدابیر تخریبی |
| ۲- تدابیر حقوقی | ۴- تدابیر تبلیغی |

Glasnost**گلاسنوست**

اصطلاحی است روسی به معنای «فضای باز سیاسی». این واژه پس از روی کار آمدن گورباچف رهبر اتحاد شوروی مفهوم ویژه‌ای را افاده می کند و اشاره به آزادیهای سیاسی دارد که پس از گذشت هفتاد سال از «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر» روسیه، وی ناچار به اعطای آنها به مردم شده است.

Gaullism**گلیسم**

اصطلاحی است مشعر بر فلسفه سیاسی شارل دوگل (۱۸۹۰-۱۹۷۰) رئیس جمهور فرانسه.

جوهر گلیسم ایده برتری منافع ملی آن کشور بر منافع افراد و کاهش اهمیت سیاستهای حزبی است.

Gobinism**گوبینیسم**

عقیده‌ای است منسوب به ژوزف گوبینو (۱۸۸۲-۱۸۱۶) خاورشناس و دیپلمات فرانسوی که در کتاب خود موسوم به «عدم تساوی نژادی انسان» -

فرضیه برتری نژاد آریا را وضع کرده است.

Gorbachevism

گورباچفیسیم

اصطلاحی است منسوب به خط مشی های سیاسی - اقتصادی میخائیل گورباچف رهبر اتحاد شوروی.

اهم رئوس این سیاستها عبارت است از:

۱- نابودی جنگ افزارهای هسته ای.

۲- پیروی از همزیستی مسالمت آمیز.

۴- نفی تروریسم بین المللی.

۵- بهبود مناسبات با چین کمونیست.

وی در عرصه اقتصادی معتقد است: (۱) خودداری از سیاست محاصره و مجازات اقتصادی، به شرطی که از سوی جامعه جهانی توصیه نشده باشد؛ (۲) حلّ و فصل مسئله بدهیها؛ (۳) تشریک مساعی در پژوهش و استفاده مسالمت آمیز از فضا.

ل

Laissez - fair

لسه‌فر

عنوانی است برای فرضیه «اقتصاد کلاسیک» مشعر بر این که چنانچه دولت یا هر قدرت الزامی دیگر، در امور اقتصادی مداخله نکند، مشکلات، خود به خود حل خواهند شد. امروزه این اصطلاح بیشتر به مفهوم آزادی مطلق اقتصادی وعدم دخالت دولت به کار می رود.

Legalism

لگالیسم

اصطلاحی است به معنای عقیده به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی. به موجب این نظریه، دولت مخلوق قانون است و در باب دولت، جامعه و کشور نمی توان و نباید با اصطلاحات جامعه‌شناسی و اخلاقی بحث نمود، بلکه باید صلاحیت حقوقی و اصالت قانونی و قضایی (لگال) آن را در نظر گرفت و معلوم نمود که دولت از جهت مزبور صالح است یا نه.

Leninism

لنینیسم

شکل خاصی از مارکسیسم است که در روسیه شوروی به اجرا درآمد. این مکتب معتقد به اصلاح فلسفه مارکس در صورت لزوم بوده ولی در عین حال نسبت به لزوم عدم انحراف از آن تعصب به خرج می دهد. این اصول به اختصار عبارتند از:

۱- تطابق مارکسیسم با شرایط کاملاً متفاوت روسیه؛

۲- تکامل مارکسیسم؛

۳- تعمیم نظری تجربه‌های انقلاب ۱۹۱۷ روسیه.

تلاش در راه تحقق جنبش کارگری، مبارزه با سرمایه‌داری و غلبه بر آن از راه انقلاب و تحقق بخشیدن به جامعه‌ای سوسیالیستی، از وجوه اشتراك میان مارکسیسم و لنینیسم به شمار می‌آید.

Liberalism

لیبرالیسم

نظریه‌ای است که خواهان حفظ درجاتی از آزادی در برابر هر نهادی است که تهدید کننده آزادی بشر باشد.

لیبرالیسم در زمینه اندیشه‌های اقتصادی به معنای مقاومت در برابر تسلط دولت بر حیات اقتصادی و مقاومت در برابر هر نوع انحصار و مداخله دولت در تولید و توزیع ثروت است.

م

Maoism

مائوئیسم

به اندیشه‌های سیاسی مائوتسه دون بنیانگذار چین نوین اطلاق می شود. مائوئیسم که در چین رسماً «مارکسیسم - لنینیسم» اندیشه‌های مائو نامیده می شود، مظهر کوششی است تا فرایافتهای معین مارکسیستی با سنتهای چینی پیوند زده شود.

مائوئیسم دربرگیرنده تعمیم ایدئولوژیک تجارب انقلاب چین و همچنین يك سلسله برداشتهای سیاسی برای تحولات آن کشور پس از پیروزی انقلاب می باشد. مائومعتقد به رابطه تنگاتنگ میان روشهای سیاسی و نظامی در انقلاب چین بود و قدرت را ناشی از لوله تفنگ می دانست. او روستا و روستاییان را پایگاه و پایه انقلاب به شمار می آورد. سایر عقاید وی عبارتند از: نظریه جنگ چریکی در کشورهای تحت استعمار؛ اعتقاد به نظم سوسیالیستی در چین؛ دیکتاتوری پرولتاریا؛ و مردود شمردن نظریه روستا مبنی بر «همزیستی مسالمت آمیز».

Historical Materialism

ماتریالیسم تاریخی

این نظریه بر خلاف ماتریالیسم دیالکتیک فقط به جریان تاریخ محدود است، و تأثیر متقابل زیربنا و روبنا را بررسی می کند و از این نقطه به حرکت در می آید که در جامعه هیچ نیروی ماورای طبیعت وجود ندارد و انسانها

خود آفریننده تاریخ خویشند. این جهان بینی معتقد به قانونمندی تحول تاریخی است.

ماتریالیسم دیالکتیک **Dialectical Materialism**

در قاموس مارکسیستها، ماتریالیسم دیالکتیک علم قوانین همگانی تکامل طبیعت، جامعه و تفکر آدمی است. این نظریه ضمن انکار وجود نیروهای ماورای طبیعت، مدعی است که بر واقعیت جهان مادی متکی است.

مارکسیسم **Marxism**

به نظریه‌های فلسفی، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی مارکس و انگلس اطلاق می‌شود که مبتنی بر اصول زیر است:

- ۱- تاریخ سراسر مبارزه تاریخی و پیروزی نهایی از آن پرولتاریا است.
 - ۲- دولت وسیله مبارزه طبقاتی است.
 - ۳- انقلاب طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است.
 - ۴- سوسیالیسم تحت لوای دیکتاتوری پرولتاریا برقرار خواهد شد.
- آندره‌بی یتر معتقد است که اندیشه‌های مارکسیسم در کمتر از ثلث قرن بیش از یک سوم جهان را تسخیر کرد. اما روی دیگر سکه مبین این حقیقت است که تجربه، تزه‌های این مکتب را نفی کرد و خود این مکتب در راه بنا نهادن خویش آنها را انکار کرد. نه سرمایه‌داری مطابق بازی خدشه‌ناپذیر جدل مقدر توسعه یافت و نه کمونیسم به وعده‌های اصول خویش وفا کرد: از برابری دستمزدها گرفته تا زوال دولت؛ از الغای تقسیم کار تا پیدایش انسان نوین.

مارکسیسم ارتودوکس **Orthodox Marxism**

اصطلاح کنایه‌آمیزی است به معنای مارکسیسم رسمی و منظور، مارکسیسم تدوین شده در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی است که به عنوان یک ایدئولوژی دولتی و دستوری شکل گرفته و حالت نوعی مذهب

کلیسایی یافته است.

Legal Marxism

مارکسیسم قانونی

جریانی در مطلوبات روسیه که از سالهای ۱۸۹۰ آغاز شد. گروهی از روشنفکران مارکسیست به انتشار مقالاتی علیه نارودیسم در نشریات قانونی مبادرت ورزیدند و پلیس تزاری به علت اهمیت خطر نارودیسم، به این گونه مقالات اجازه انتشار داد. معروفترین این نویسندگان پیوتراسترووه بود. لنین علی رغم مخالفت با برخی مواضع «مارکسیستهای قانونی» برای تسریع در شکست انقلابیون نارودنیک، به همکاری موقت با آنها پرداخت.

Marxism - Leninism

مارکسیسم - لنینیسم

عبارت است از برداشتها و تفسیرهای لنین از مارکسیسم جهت تطابق آن با شرایط روسیه. این جهان بینی معتقد به استقرار دیکتاتوری پرولتاریا برای گذار از کاپیتالیسم به سوسیالیسم است. به روایت نظریه پردازان شوروی، عناصر مارکسیسم - لنینیسم عبارتند از، ماتریالیسم دیالکتیک، ماتریالیسم تاریخی، اقتصاد سیاسی و کمونیسم علمی.

Machiavellism

ماکیاولیسم

به اندیشه‌های سیاسی، فلسفی و اجتماعی نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۹) دبیر حکومت جمهوری فلورانس اطلاق می شود. تراوشات فکری نهفته در این مکتب در کتاب «شهریار» تبلور یافته است که در سال ۱۵۱۳ تکمیل شد. صاحب این مکتب بر این باور است که، «هدف وسیله را توجیه می کند».

بحث اساسی «شهریار» این است که هر عملی که برای بهبود وضع کشور انجام گیرد قابل توجیه است و موازین اخلاقی حیات اجتماعی و زندگی خصوصی با هم متفاوت است. ماکیاولی سیاست را از اخلاق جدا می داند. هیچ قسمتی از کتاب «شهریار» به اندازه فصل هجدهم (چگونه شهریاران باید رعایت ایمان کنند) مورد محکومیت و طرد عمومی قرار نگرفته

است. به عقیده وی: «حفظ ایمان بسیار پسندیده و قابل تحسین است، اما فریب و دورویی و شهادت به دروغ و کذب و ریا برای حفظ قدرت سیاسی لازم و موجه است».

مانیفست Manifest

پیام تفصیلی یا ابراز عقایدی است که از جانب يك گروه یا حزب سیاسی، شخصیتها و یا سازمانها و غیره منتشر می شود. در يك مانیفست معمولاً جهان بینی، مرام و برنامه عمل و تصمیمات و پیشنهادهایی که باید اجرا گردند، قید می شود.

مبارزه طبقاتی Class Struggle

بر اساس دکترین ماتریالیسم تاریخی، تا وقتی جامعه بشری به حد کمونیسم نرسیده و جامعه بی طبقه و يك سطح به وجود نیامده است، بین طبقات حاکم و محکوم، کارگر و کارفرما، فئودال و زارع، پیوسته نزاع و کشمکش طبقاتی وجود دارد؛ و هر نظام اجتماعی در جامعه‌ای که دارای اختلافات طبقاتی است، نطفه ضد خود را در دل می پروراند تا وقتی که طبقات ضعیفتر، متشکل شوند و نظام اجتماعی را دگرگون سازند و خود نظام جدیدی به وجود آورند.

متارکه Truce

متارکه دومین حلقه از زنجیر سه حلقه‌ای (آتش بس، متارکه و ترك مخاصمه) فراگرد جنگ تا صلح است. هوگو گروسیوس (پدر حقوق بین الملل) از متارکه به عنوان توافقی که بر اساس آن، حرکات جنگ برای مدتی کنار گذاشته می شود یاد می کند، ولی متذکر می شود که، «این توافق حالت جنگ را از میان نمی برد». به قول وی «این يك دوره استراحت است، نه صلح» که در صورت شروع مجدد درگیری، احتیاجی به اعلامیه جنگ نیست، زیرا «حالت جنگ نمرده است، بلکه به خواب رفته است».

از نیمه دوم قرن نوزدهم، متارکه فراگردی برای شروع مذاکره بین دوطرف مخاصمه محسوب می شد. امروز ترك مخاصمه شامل مراحل ذیل است:

۱- تعطیل تدریجی یا عقب نشینی نیروهای منظم و غیر منظم، تقلیل قوای مسلح، عقب نشینی از مناطق غیر نظامی و تخلیه واحدها از مناطق دارای تداخل؛

۲- تنظیم امور اداری مناطقی که از آنها عقب نشینی می شود؛

۳- گشایش راهها برای عبور آوارگان و پرسنل غیر نظامی و عادی سازی عبور؛

۴- رهایی اسرای جنگی و زندانیان سیاسی؛

۵- اقداماتی برای تضمین حقوق بشر.

مجتمع صنعتی - نظامی Military - Industrial Complex

اصطلاحی است منسوب به ژنرال آیزنهاور، سی و چهارمین رئیس جمهور آمریکا که در آخرین نطق وی در مقام ریاست جمهوری ایراد گردید. وی در پیام خود به مردم آمریکا هشدار داد که از ارتش سالاری جامعه شدیداً جلوگیری نمایند.

منظور از اصطلاح مذکور اتحادی است غیر رسمی میان سیاست گذاران جامعه که بر شریانه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی يك کشور حکومت می کنند.

مجتمع صنعتی - نظامی میراث جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و جنگ کره است که نه تنها در ایالات متحده به نخبگان سیاسی، نظامی و اجتماعی اطلاق می شود بلکه سردمداران کشورهای کمونیستی نیز عملاً درگیر مسابقه تسلیحاتی مشابهی می باشند. افزایش هزینه‌های دفاعی، و پرداختهای نظامی سرسام آور که توسط پنتاگون صورت می گیرد، باعث می شود تا دولت آمریکا خط مشی هایی را پیگیری کند که برای تأمین هزینه‌های مذکور، به استثمار هرچه بیشتر کشورهای کوچک روی آورد.

مجمع عمومی (ملل متحد) **General Assembly**

یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است که طبق بند يك از ماده ۹ منشور ملل متحد ایجاد شده است و همه اعضای سازمان در آن شرکت دارند. ارگان مذکور مظهر دیپلماسی پارلمانی در سطح بین المللی است. اولین اجلاس مجمع عمومی در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ تشکیل شد.

تصمیمات مجمع عمومی در باره مسایل مهم با رأی مثبت دو سوم اعضای حاضر ورأی دهنده اتخاذ می شود. این مسایل عبارتند از: تصمیمات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی، انتخاب اعضای غیر دایم شورای امنیت، اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی، انتخاب شورای قیمومیت، پذیرش اعضای جدید و اخراج و بودجه. تصمیمات در سایر مسایل با رأی اکثریت اتخاذ می شود.

محور برلین - رم **Berlin - Rome Axis**

اصطلاحی است برای اشاره به برداشت نازی - فاشیستی از مسایل بین المللی که پس از امضای پروتکل اکتبر (۱۹۳۶) توسط موسولینی به وجود آمد. آلمان و ایتالیا بر طبق این پروتکل متعهد شدند که با کمونیسم جهانی به مبارزه برخیزند.

محموله دیپلماتیک **Diplomatic Bag (s)**

این اصطلاح به بسته های دیپلماتیک گفته می شود که به موجب بند چهار ماده ۲۷ کنوانسیون وین در خصوص روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) باید دارای علامات خارجی مشهود بوده و فقط حاوی اسناد دیپلماتیک یا اشیای مورد استعمال رسمی باشد.

مداخله **Intervention**

عبارت است از دخالت قهری يك دولت یا دول دیگر در امور کشور دیگر، به منظور تغییر سیاستهای داخلی یا خارجی آن. بر اساس موازین بین المللی، مداخله در موارد زیر می تواند مجاز و قابل توجیه باشد.

(۱) کشور مداخله کننده طبق يك پیمان یا قرارداد، مجاز به دخالت باشد.

(۲) چنانچه يك کشور طبق معاهده منعقدۀ با دولت مداخله کننده، ملزم به پیگیری سیاست مشترك باشد و اصول این معاهده را نقض کند.

(۳) دخالت برای حمایت از اتباع خود.

(۴) دفاع از خود.

(۵) چنانچه کشوری موازین حقوق بین المللی را نقض نماید.

(۶) در صورتی که سازمان ملل متحد (بر اساس منشور ملل متحد)، به اقدام مشترکی علیه کشوری دست بزند که صلح بین المللی را نقض کرده و یا مرتکب تجاوز شده باشد.

مدارا (تولرانس) **Tolerance**

نوعی اغماض است که مارا از سرزنش یا محکوم کردن نظری که مورد قبول ما نیست، باز می دارد. همچنین مدارا به معنای پذیرش انفعالی هر آن چیزی است که نتوانیم مانع بروز آن شویم ولی مورد تصویب ما نیز نیست.

در يك جامعه، رواج روحیه مدارا مستلزم پذیرش جمعی گرایشهای فکری متفاوت، وجود بینش مبتنی بر آزادی خواهی و طرد هر نوع خودکامگی است.

مذاکرات **Negotiations**

به گفتگوها و تماسهایی اطلاق می شود که میان دولتها به منظورهای مختلف، انجام می گیرد. مذاکرات به اشکال گوناگون زیر است:

- ۱- مذاکرات رسمی ۲- مذاکرات نیمه رسمی یا شبه رسمی ۳- مذاکرات مبتنی بر اعتماد ۴- مذاکرات شخصی ۵- مذاکره مستقیم ۶- مذاکرات غیر مستقیم ۷- تماسهای کتبی ۸- تماسهای کتبی - شفاهی

مرامنامه حزبی

عبارت است از سند اساسی که در آن هدفها و وظایف آن حزب قید

گردیده است. در مرامنامه راههای تحول انقلابی و شیوه‌ها و وسایل نیل به هدف ذکر می‌گردد.

مردم‌باوری (پوپولیسم) **Populism**

اصطلاحی است به این مفهوم که هدفهای سیاسی را می‌باید به خواست و نیروی مردم، جدا از حزبها و نهادهای موجود، پیش برد. مردم‌باوری خواست «مردم» را عین حق و اخلاق می‌داند و این خواست را برتر از همه مکانیسمهای اجتماعی می‌شناسد و معتقد است که باید میان مردم و حکومت رابطه مستقیم وجود داشته باشد.

مرزهای تحمیلی **Super-imposed Borders**

سرحدات کشورهایی است که بدون توجه به شرایط نژادی و زبانی ساکنان آنها تعیین شده و توسط قدرتهای مسلط بر آنها تحمیل گردیده است.

مرزهای سیاسی **Political Borders**

مرزهای سیاسی، مهمترین عامل تشخیص وجدایی يك واحد متشكل سیاسی از واحدهای دیگرند. ضمناً وجود همین سرحدات سیاسی است که ایجاد وحدت سیاسی را در منطقه‌ای که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی باشد، ممکن می‌سازد. خطوط مرزی، خطوطی است فرضی و قراردادی که به منظور تحدید حدود يك واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شود.

مرزهای هندسی **Geometrical Borders**

مرزهایی است که با استفاده از خطوط نصف النهارات و مدارات و یا خطوط مستقیم و مدور ایجاد می‌شود.

مساعی جمیله **Good Offices**

عبارت است از، «مساعی دوستانه دولت ثالثی» که می‌کوشد تا زمینه‌ای

برای تفاهم و توافق به کشورهای در حال اختلاف پیشنهاد نماید و یا اقدامات پشت پرده و بی سروصدای خود پیشنهادهایش را به دوطرف مناقشه بقبولاند. مساعی جمیله معمولاً دارای دو هدف است:

- ۱- جلوگیری از بروز کشمکش مسلحانه و حل مناقشات بین المللی به طور مسالمت آمیز.
- ۲- پایان دادن به جنگ.

International Responsibilities مسئولیت بین المللی

عبارت از تکلیفی است که به موجب حقوق بین الملل به يك دولت تحمیل می گردد تا خساراتی را که در اثر نقض قواعد حقوق بین الملل ناشی از عمل و یا خودداری او در انجام تکلیف به دولت دیگری وارد شود، جبران نماید.

Diplomatic Immunity مصونیت سیاسی

به این معنا است که دارندۀ آن از تعقیب قانون و مأموران دولت در امان است. در حقوق بین المللی، دیپلماتها، محل سکونت و محل کارشان از تعقیب و تعرض مأموران دولتی کشور پذیرنده مصون هستند.

مصونیت دیپلماتیک بر دو نوع است:

- ۱- مصونیت در مقابل تعرض (Inviolability).
- ۲- مصونیت قضایی (Judicial Immunity).

Treaty معاهده

معاهده عبارت است از هر نوع توافق وقراری که بین دو یا چند صاحب حق و تابع حقوق بین الملل منعقد می گردد و منظور از آن به وجود آوردن آثار حقوقی است؛ و حقوق بین المللی می باید بر آنها حاکم باشد (تعریف بر حسب عرف). معاهده بر اساس کنوانسیون وین، به مفهوم قرار بین المللی است که بین کشورها به صورت نوشته منعقد گردیده و حقوق

بین الملل بر آنها حاکم است.

Conversations

مکالمات

نوعی تبادل نظر دیپلماتیک است که بین دولتها انجام می شود. این شیوه ممکن است صرفاً جهت کسب اطلاعات باشد و یا به مذاکرات مفصل بیانجامد. شیوه فوق یک فعالیت عادی دیپلماتیک است که توسط سفیر و یا اعضای نمایندگی صورت می گیرد.

Power Politics

مکتب اصالت قدرت

بر اساس نظریات این مکتب، رفتار بشر در صحنه اجتماع معلول قدرت طلبی و ترس از شکست است. انگیزه رفتار کشورها نیز کسب قدرت، حفظ و افزایش آن است.

McCarthyism

مک کارتیسم

اصطلاحی است منسوب به ژوزف مک کارتی، سناتور آمریکایی. وی مشوق شیوه‌های بسیار خشن در پیگرد و سرکوب افراد و سازمانهای چپ بود.

Nation

ملت

جماعتی از انسانها است که در یک سرزمین زندگی می کنند و دارای منشاء مشترکی هستند؛ و از زمانهای پیشین منافع مشترک داشته‌اند، آداب و رسوم مشابه دارند و اکثر دارای زبانی یکسانند. ملت گذشته‌ای مشترک دارد و اعضای آن کم و بیش از این گذشته آگاهی دارند. وحدت یک ملت هم بعد سیاسی دارد، هم اقتصادی و هم معمولاً فرهنگی. این انواع خاص وحدت با نهادهای مشترک تجلی می یابند و یا آن که سعی می شود، نهادها تجلی گاه وحدت یک ملت باشند.

Charter of the United Nations

ملل متحد، منشور

به اسنادی گفته می شود که در حکم قانون اساسی سازمان ملل متحد به

شمار می رود. این منشور در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو به امضا رسید و نمایندگان پنجاه و یک دولت، آنها را تصویب نمودند. مفاد منشور مزبور از تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم الاجرا گردید و از همین روی ۲۴ اکتبر هر سال (دوم آبان ماه) به عنوان روز ملل متحد در کشورهای مختلف دنیا جشن گرفته می شود. منشور مشتمل بر یک مقدمه و یکصد و یازده ماده است که برای تشکیل شش ارگان مورد نیاز بوده است.

ملی کردن Nationalization

اصطلاحی است به مفهوم تملك و اداره يك واحد اقتصادی از طرف دولت که قبلاً در دست افراد یا مؤسسات خصوصی یا حکومت محلی (که تحت اداره مستقیم حکومت مرکزی نباشد) و یا بیگانگان بوده است.

منافع ملی National Interests

منافع ملی يك مفهوم کلی از عناصری است که مهمترین احتیاجات حیاتی کشور را تشکیل می دهند و هدف اصلی و تعیین کننده نهایی در جریان تصمیم گیری سیاست خارجی يك کشور محسوب می شود. این عناصر عبارتند از حفظ موجودیت، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی.

منحنی جی J.Curve

اصطلاحی است منسوب به جان جی که علت انقلاب را اختلاف بسیار بین توقع و انتظارات افراد جامعه وارضای عملی آن انتظارات می داند، که این اختلاف به صورت محرومیت احساس می شود. دانشمند مزبور، این نظریه را به شکل نموداری موسوم به منحنی جی نشان داده است.

منطقه دلار Dollar Area

منطقه ای است که از نظر ارز خارجی تابع دلار می باشد.

Strategic Materials**مواد استراتژیک**

به مواد خام و یا نیمه ساخته شده و نیز محصولات صنعتی که برای دفاع ملی ضروری هستند و عرضه واقعی یا بالقوه آنها در کشور کمتر از مقدار ضروری است که برای اوقات اضطراری ملی پیش بینی گردیده است، کالای استراتژیک گفته می شود. آلومینیوم، مس، کوبالت، نفت، سرب و اورانیوم در زمره کالاهای استراتژیک قرار دارند.

Balance of Power**موازنه قوا**

نظریه ای است مبنی بر این که قدرت هر گروه از کشورهای قاره اروپا باید مساوی قدرت سایر گروهها باشد تا استیلای آنها بر یکدیگر ممکن نشود و صلح تضمین گردد.

Balance of Terror**موازنه وحشت**

موازنه ای است بین دو کشور به طوری که هیچ يك از دو طرف نتوانند اولین حمله اتمی را بدون تحمل حمله اتمی متقابلی که نیروی اتمی باقیمانده طرف دیگر وارد خواهد آورد، انجام دهد.

«Hot Line» Agreement**موافقتنامه تلفن سرخ**

این اصطلاح به یادداشت تفاهمی گفته می شود که در ۲۰ ژوئن ۱۹۶۳ در ژنو بین آمریکا و شوروی مبادله گردید. به موجب یادداشت مذکور، برای کاهش بحرانهای ناشی از جنگ سرد، يك خط مخابراتی رسمی بین واشنگتن و مسکو برقرار گردید. خطهای مشابهی نیز بین پاریس و مسکو (۱۹۶۶)، ولندن و مسکو (۱۹۶۷) ایجاد شد.

در پی بروز بحران موشکی کوبا ضرورت ایجاد خط تلفن سرخ برای اجتناب از يك جنگ اتمی بین پایتختهای دو کشور احساس گردید. در جریان بحران مذکور، جان کندی رئیس جمهور آمریکا برای تماس با خروشچف، ناگزیر به استفاده از وسایل مخابراتی بخش خصوصی گردید.

Mobocracy موبوکراسی (غوغاسالاری)

اصطلاحی است به معنای حکومت مردم عوام و بازارى که غالباً در خلال بحرانها و تحولات و انقلابات و شورشها به نحو موقت و در مدتی محدود بروز می کند. اصطلاح مذکور همچنین به ازدحام مردم غیر متشکل، بی نظم و غوغا طلب و نیز سپردن کارها به دست مردم حقیر، بی اطلاع و نالایق اطلاق می شود.

Mediation میانجیگری

یکی از طرق مسالمت آمیز حل اختلاف بین المللی است و آن عبارت از فعالیت و اقدامات دولت ثالثی است به قصد ایجاد توافق بین دوطرف اختلاف. بین میانجیگری و مساعی جمیله فرق مختصری وجود دارد که مربوط به میزان قوت تأثیر این دوطرف رفع اختلاف است.

Militarism میلیتاریسم (ارتش سالاری)

عبارت است از اعتقاد به این که جنگ، و آمادگی همیشگی برای جنگ، مهمترین وظایف ذاتی يك ملت و عالیترین شکل خدمات عامه است. اصطلاح مذکور به تسلط و نفوذ نظامیان بر همه شئون کشور نیز اطلاق می شود.



Narodism

نارودیسم

مشتق از واژه روسی «نارود» به معنای «خلق»، خلق گرایی. نارودیسم اصطلاحاً به ایدئولوژی و جنبش روشنفکران انقلابی روسیه گفته می شود که در سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۹۵ نیرومندترین جنبش انقلابی روسیه تلقی می شد. نارودنیکها عموماً دانشجویان و روشنفکران آرمان گرایی بودند که با روحیه پرخاش علیه ستم اجتماعی و استبداد تزاری به مبارزه انقلابی جذب می شدند.

ایدئولوژی نارودیسم دارای چهار ویژگی اساسی بود:

- ۱- شیفتگی به مشاعهای دهقانی روسیه (آبشینها).
- ۲- مخالفت با رشد سرمایه داری در روسیه و اعتقاد به نظریه راه رشد غیر سرمایه داری.
- ۳- بنیاد گرایی انقلابی و هواداری از تحول ریشه ای در نظام سیاسی و اجتماعی روسیه.
- ۴- آرمان گرایی اجتماعی و اعتقاد به يك نظام سوسیالیستی، که بر بنیاد آبشینها تشکیل شود.

Nazism

نازیسم

اصطلاحی است منسوب به حزب «نازی» برای نظریه ها و شکل حکومت

آلمان در دوران آدولف هیتلر (۱۹۴۵-۱۸۸۹). اصول نظری حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان، آمیخته‌ای از فاشیسم ایتالیا، عقاید ناسیونالیستی قدیم آلمان و نظریه‌های نژادی و سنن میلیتاریسم پروس بود. برنامه این نهضت ایجاد یک آلمان مقتدر میلیتاریستی بود.

Nationalism

ناسیونالیسم

به مفهوم ملی‌گرایی است و دارای ویژگیهای زیر است:

- ۱- خصلت ملی یا کشش به سوی آن.
- ۲- صفات مشخصه هر ملت.
- ۳- دفاع از علایق ملی یا یگانگی و استقلال آن.
- ۴- هواخواهی غیورانه هر کس نسبت به ملت خود و اصول آن، یا وطن پرستی.

Nepotism

نپوتیزم (خویشاوند پروری)

اصطلاحی است به معنای پشتیبانی سیاسی از خویشاوندان که معمولاً از طریق انتصاب آنان به مقامهای کشوری و لشکری صورت می‌گیرد. این روش به ندرت به انتخاب افراد اصلاح و شایسته منجر می‌شود و روح سوء ظن و بد بینی را در عامه مردم تقویت می‌کند.

نظام چند حزبی

این سیستم دارای خصوصیات زیر است:

- ۱- در انتخابات، گروهها، احزاب و دسته‌های گوناگون شرکت می‌کند (مانند سیستم کنونی فرانسه که ترکیبی از حکومت پارلمانی و حکومت مبتنی بر اختیارات رئیس جمهوری است).
- ۲- وجود احزاب و فعالیت گروهها در انتخابات و پارلمان اساس حکومت رژیم است.
- ۳- فعالیت پارلمان، حکومت و قانونگذاری مبتنی بر قانون است که رقابتهای آزاد اقتصادی و سیاسی را محترم می‌شمارند.

نظام دوحزبی

در این رژیم دو حزب نیرومند حکومت می کنند، اما قدرت اصلی در دست حزبی است که اکثریت پارلمانی را کسب نموده است. انتقاد و نظارت به عهده حزب اقلیت است. دو حزب محافظه کار و کارگر انگلستان از نمونه های بارز «نظام دوحزبی» به شمار می روند. از خصایص سیستم دوحزبی آن است که میزان کنترل و نفوذ دستگاه حزبی نسبت به کاندیداها و همچنین در مورد انتصابات و تقسیم پستهای اداری و دولتی بیشتر است.

Political System

نظام سیاسی

به مفهوم کوششی است که برای تحت قاعده مشخص در آوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک رژیم سیاسی خاص صورت می گیرد. نظام سیاسی را همچنین مجموعه ملموس نهادها و انگیزه ها می دانند که ساخت قدرت را ممکن می سازد.

نظام يك حزبی

این نظام از جدیدترین نوع رژیمهای سیاسی است که اساس دولت را تشکیل می دهد و در تشکیلات و سازمانهای حکومتی نقش اصلی را بر عهده دارد. عضویت در این گونه احزاب، افتخاری است که فقط نصیب افراد نخبه می شود. از دیگر مختصات نظامهای يك حزبی، اجرای ایدئولوژی واحد و اعمال سیاست ترور و وحشت و تمرکز قدرت است. حزب ناسیونال سوسیالیست (نازی) آلمان هیتلری و فاشیسم از نمونه های بارز رژیم تك حزبی در اوایل قرن بیستم هستند.

Domino Doctrine

نظریه دومینو

نظریه ای است منسوب به ژنرال دوايت آیزنهاور، سی و چهارمین رئیس جمهور آمریکا (۱۹۶۹-۱۸۹۰) و مشاوران عالی مقام وی که از سال ۱۹۵۴ برای تبیین خطرات ناشی از تجاوز کمونیسم در آسیا در صورت سقوط هندوچین به کار رفت. بر اساس این دکترین، اگر حکومت های چند کشور

کلیدی یا کشورهای واقع در يك منطقه جغرافیایی به دست کمونیستها و یا ایادی آنها سقوط کند، حکومت کشورهای دیگر نیز مانند ردیفی از «دومینو» یکباره فرو خواهند ریخت.

Social Institution

نهاد اجتماعی

عبارت است از مجموعه ارگانسمهای استقرار یافته‌ای که به موجب قوانین دولت به وجود آمده‌اند و هدف آنها تأمین عملیاتی است که برای زندگی اجتماعی ضرورت دارند.

No War, No Peace

نه جنگ، نه صلح

این اصطلاح به يك دوران رکود پس از قبول آتش بس و قبل از برقراری ترك مخاصمه و امضای معاهده صلح بین دوطرف متخاصم اطلاق می گردد.

اصطلاح مذکور در جنگهای معاصر خاورمیانه به دوران پس از جنگ فرسایشی بین مصر و اسرائیل (۷۰-۱۹۶۹) و نیز به دوران پس از برقراری آتش بس بین ارتشهای ایران و عراق (اوت ۱۹۸۸) گفته می شود. حالت نه جنگ نه صلح بین مصر و اسرائیل سرانجام منجر به وقوع جنگ اکتبر ۱۹۷۳ میان ارتشهای مصر و سوریه با قوای صهیونیستی گردید.

Resistance

نهیضت مقاومت

اصطلاحی است برای جنبشهای میهن پرستانه در میان مردم يك کشور علیه اشغالگران بیگانه. جنبش پایداری فرانسه در لندن (در خلال جنگ جهانی دوم) به رهبری مارشال دوگل، جنبش آزادی بخش الجزایر (برای بیرون راندن فرانسویها از الجزایر) و جنبش آزادی بخش فلسطین از نمونه‌های معروف نهیضت مقاومت در دوران معاصر به شمار می آیند.

Atlantic Nuclear Force

نیروی اتمی آتلانتیک

به طرح پیشنهادی انگلستان (۱۹۶۴) برای ایجاد نیروی اتمی ناتو (در

برابر طرح مورد نظر آمریکا) اطلاق می شود. به موجب طرح مذکور، کلیه اعضای ناتو موظف بودند، بخشی از جنگ افزارهای اتمی را به ایجاد نیرویی تحت نظر ناتو اختصاص دهند.

نیروی اضطراری ملل متحد

United Nations Emergency Force (UNEF)

به نیروهای اطلاق می شود که جهت نظارت بر روند آتش بس پس از جنگ سوئز (۱۹۵۶) توسط مجمع عمومی تشکیل شدند. نیروهای مذکور، اعزامی از ده کشور برزیل، کانادا، دانمارک، هند، نروژ، سوئد، یوگسلاوی، فنلاند، اندونزی و کلمبیا بودند. تعداد این نیروها به شش هزار تن می رسید.

نیروی چند جانبه اتمی

Multilateral Atomic Force

به پیشنهاد آمریکا گفته می شود که عملاً به اجرا در نیامد. به موجب طرح مذکور قرار بود که نیروی اتمی متعلق به ناتو متشکل از اعضای این پیمان تشکیل شود. شوروی و فرانسه هر دو با طرح مذکور (به علت دستیابی آلمان فدرال به جنگ افزار اتمی) مخالفت کردند.

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد

U.N. Peace - Keeping Force

نیروهایی هستند که برای پاسداری صلح توسط سازمان ملل متحد در نقاط بحرانی جهان مستقر می شوند. مهمترین موارد به کارگیری نیروهای مذکور عبارت است از:

- ۱- نیروهای اضطراری ملل متحد (که پس از جنگ ۱۹۵۶ سوئز در مرزهای مصر و اسرائیل مستقر شدند).
- ۲- نیروهای ناظر ملل متحد برای جداسازی نیروها (که پس جنگ اکتبر در سال ۱۹۷۴ بین نیروهای سوریه و اسرائیل مستقر شدند).
- ۳- نیروهای ملل متحد برای حفظ صلح (نمونه قبرس).

- ۴- گروه ناظران نظامی ملل متحد در هند و پاکستان .
 ۵- سازمان نظارت بر آتش بس فلسطین .
 ۶- گروه ناظران نظامی سازمان ملل متحد موسوم به یونیمگ (جنگ ایران و عراق - ۱۹۸۸) .

Political Force

نیروهای سیاسی

این اصطلاح در مورد نیروهای اجتماعی به کار می رود که اغلب به طور مستقیم و در مواردی غیر مستقیم با صحنه‌های سیاسی مرتبط می شوند. احزاب سیاسی، نیروهای سیاسی «مستقیم» و گروههای فشار، نیروهای سیاسی غیر مستقیم به شمار می آیند.

Nihilism

نیهیلیسم

روشی است که موضوعات تحمیل شده بر اندیشه‌های بشری را به نوعی نفی می کند. این نفی هم از جهات فلسفی است و هم از جهات اجتماعی که اساساً نیهیلیسم آنها را مطرود می شمارد. اصطلاح مذکور به مفهوم وسیعتر شامل هر نوع اقدام یا تبلیغاتی می شود که توأم با طغیان و شورش و شدت عمل باشد.

New Deal

نیودیل

اصطلاحی است برای اشاره به سیاست فرانکلین روزولت (۱۸۸۲-۱۹۴۵) رئیس جمهور آمریکا، وی این سیاست را برای حل مشکلات اقتصادی کشور پیگیری نمود (۱۹۳۳) و تا حدودی باعث تقلیل اثرات رکود اقتصادی آمریکا شد.

واترگیت Watergate

این اصطلاح در تاریخ معاصر آمریکا به يك ماجرای جاسوسی گفته می شود که عوامل حزب جمهوری خواه آمریکا با تعبیه وسایل جاسوسی در مقر حزب دموکرات آن کشور (واترگیت) وکشف تاکتیکهای حزب اخیر باعث شکست کاندیدای آن وپیروزی مجدد ریچارد نیکسون سی وهفتمین رئیس جمهور آن کشور شدند. این مسئلهر باعث استیضاح نیکسون وسرانجام استعفای وی از مقام ریاست جمهوری گردید (۸ اوت ۱۹۷۴).

والتاریسم Voluntarism

والتاریسم یا اختیار باوری عبارت است از، باور به این که انتخاب شخصی در تصمیم گیریها ممکن وکارگر است ورفتار فردی تابع مطلقى از جبر تاریخی یا محیطی وغیره نیست. اختیار باوری ضد جبر باوری است که منکر اثر خواست وعمل ارادی به عنوان عامل مؤثر در رفتار بشری ونیز تعیین یا تفسیر وضع اجتماعى وتاریخی است. در عرف سیاسى والتاریسم عبارت است از، پذیرش آگاهی انقلابی وآزادی عمل ناشی از این آگاهی.

وتو Veto

به معنای «حق رد کردن» است. وتو امروزه در مفاهیم زیر به کار

می رود:

- ۱- ردیانی یا منع يك مقام رسمی .
 - ۲- حق واختیار يك ارگان دولتی برای منع یا بی اثر کردن تصمیم يك ارگان دیگر .
 - ۳- حقی است که اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نفی تصمیمات آن دارند .
- لازم به یادآوری است که «حق وتو» در منشور گنجانده نشده است ولی در کنفرانس یالتا و بنابه پیشنهاد امریکا و شوروی اختیار مذکور به رسمیت شناخته شد .

وحدت مجدد دو آلمان Reunification of Germany

این اصطلاح کراراً پس از تقسیم آلمان نازی به دو قسمت شرقی (با نظام کمونیستی) و غربی (با نظام سرمایه داری) از سوی احزاب و گروههای گوناگون مطرح شده است . آلمان هواداران وحدت آلمان ادغام رژیمهای یاد شده است . پس از فرو ریختن دیوار برلن (نوامبر ۱۹۸۹)، طرح وحدت دو آلمان در کنفرانس لوکزامبورگ (دسامبر ۱۹۸۹) به طور بسیار جدی از سوی آلمان غربی مطرح شد ولی با مخالفت شدید فرانسه و ایتالیا روبرو شد . ضمناً پیش نویس طرح تعدیل پیدا کرد و مقرر گردید که این مسئله از طریق مراجعه به آرای عمومی و تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت»، حل گردد . در همین جلسه پیشنهاد گردید که راه حل ارائه شده باید مبتنی بر موازین موجود بین المللی و بر طبق اصول همبستگی باشد .

وزارت امور خارجه Ministry of Foreign Affairs

يك ارگان دولتی است که اداره روابط خارجی کشور را با ممالك دیگر به عهده دارد . وظایف وزارت مزبور عبارت است از: مذاکره و عقد قراردادهای و عهدنامهها با دولتهای بیگانه، حمایت از اتباع کشور در ممالك خارجی، مبادله مکاتبات با دولتها، اعزام و پذیرفتن دیپلماتها، حفظ منافع کشور در خارج و اجرای سیاست خارجی .

Minister of Foreign Affairs**وزیر امور خارجه**

عنوان یکی از وزیران است که ادارهٔ سیاست خارجی هر کشور را بر عهده داشته و تحت نظارت رئیس کشور و یا پارلمان، این وظیفه را انجام می دهد.

امروزه با توسعهٔ روابط بین الملل و اهمیت خاصی که کشورها به سیاست خارجی خود و برقراری روابط سیاسی با سایر کشورها می دهند، نقش وزیر خارجه اهمیت بیشتری یافته است.

Visa**ویزا (روادید)**

به کسب اجازهٔ رسمی از مأموران صلاحیتدار يك کشور، برای ورود و یا خروج از آن گفته می شود. اجازهٔ مذکور بر روی اوراق گذرنامه و یا شهادت نامه‌های هویت درج می گردد. روادید دارای انواع مختلفی است که عبارتند از: روادید توریستی، روادید ورود، روادید کثیر المسافرت و روادیدهای سرویس ودیلماتیک.



Hegemony

هژمونی

به معنای برتری طلبی است و به مفهوم گسترش نفوذ یا کنترل شدید يك دستگاه رهبری یا دولتی بر دولت دیگر و یا يك منطقه به کار می رود. هژمونی به ایجاد حوزه‌های نفوذ و برقراری روابط اقماری بین کشور اصلی و مناطق تحت سلطه آن منجر می گردد.

Peaceful Coexistence

همزیستی مسالمت آمیز

یکی از اصول کلی سیاست خارجی شوروی در قبال کشورهای سرمایه‌داری در دوران بعد از جنگ جهانی است که اولین نشانه‌های آن برای نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ بروز کرد. ظهور سلاحهای اتمی جدید، ابعاد تازه‌ای به همزیستی مسالمت آمیز داد. بر اساس این نظریه، «راه رسیدن احزاب کمونیستی به قدرت، لازم نیست در همه جا، همان راه حل انقلابی پیشنهادی مارکس و به وسیله جنگ داخلی باشد». برای مثال احزاب مهم کمونیست جهان در ایتالیا و فرانسه می توانند از راه پارلمان به قدرت برسند و حتی در کشورهای جهان سوم جنگهای آزادی بخش ملی تنها راه رسیدن کمونیستها به قدرت نیست. این چنین جنگهایی را نباید تا آن حد تشویق کرد که کشمکش جهانی را برانگیزاند.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز در دوران خروشچف به صورت یکی

از ارکان سیاست خارجی شوروی درآمد.

Political Corps

هیئت سیاسی

شامل مجموع گروه‌ها و رهبرانی است که در سازماندهی جامعه از دیدگاه سیاسی، نقشی فعال ایفا می‌کنند.

ی

یادداشت تفاهم **Agreed Minutes**

خلاصه مذاکرات مورد اتفاق. منظور خلاصه‌ای است که از مذاکرات شفاهی دوطرف تهیه ورثوس مطالب در آن ذکر می شود و ممکن است پس از عقد معاهده‌ای ضمن مذاکرات شفاهی، خلاصه مذاکرات را به معاهده پیشین ملحق و به این وسیله تغییراتی در مفاد آن ایجاد کنند.

یادداشت شفاهی **Verbal Note**

نامه‌ای است که به نماینده سنیاسی یا وزارت خارجه دولت طرف یادداشت تسلیم می شود، و با این حال صفت «شفاهی» دارد. این یادداشت وسیله‌ای است جهت تصریح مذاکرات شفاهی.

یادداشت‌های همانند **Identic Notes**

منظور یادداشت‌هایی است با مضمون واحد که چند دولت به يك دولت می دهند و چون هر يك از این یادداشت‌ها جداگانه تسلیم می شوند، عمل هر دولت، ظاهراً مستقل از عمل دولت دیگر است و معمولاً تسلیم این گونه، یادداشت‌ها «عمل غیر دوستانه» تلقی می شود.

یوتوپیا (آرمانشهر) **Utopia**

این اصطلاح که از کتاب توماس مور در سال ۱۵۱۶ به عاریه گرفته شده

است به معنای بهشت موعود انسانی است که اندیشه بشری خالق آن است. اصطلاح مذکور، از لحاظ لغوی به مفهوم «هیچستان» و یا به زبان سهروردی «ناکجا آباد» است.

مورد کتاب اول خود به جامعه و نظام عدالت آن (وبیدادهای بنیادی آن) می پردازد و در کتاب دوم است که «شیوه زندگانی جامعه آرمانی خود را شرح می دهد، که نه تنها خوشترین بنیاد را برای جامعه متمدن می گذارد، بلکه جامعه ای است که تا بشر برقرار است، پایدار خواهد ماند». یوتوپای مور افسانه بهشت زمینی نیست، بلکه بهانه ای است برای خرده گیری از جامعه خویش.

جزیره یوتوپیا پیش از آن که غایتی عملی باشد، مانند جمهوری افلاطون، رویایی است تأمل انگیز.

آرمانشهر مور را تفسیرهای گوناگون کرده اند. برخی چون کارل کائوتسکی (نظریه پرداز آلمانی) وی را پدر انقلاب روسیه خوانده است، تاریخ دانان، آرمانشهر را قالبی برای امپریالیسم بریتانیا، واومانیستها آن را مانیفستی برای اصلاحات کلی در رنسانسی مسیحی دانسته اند.

UNESCO

یونسکو

این اصطلاح به سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد گفته می شود که در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۴۶ به وجود آمد. هدف این سازمان کمک به صلح و منیت جهانی از طریق توسعه همکاری میان ملل از راه تعلیم و تربیت، علوم و فرهنگ، به منظور احترام عام برای عدالت، حکومت قانون و حقوق بشر و آزادیهای اساسی است، که برای مردم جهان به موجب منشور ملل متحد، تأیید گردیده است.

UNIIMOG

یونیمگ

(United Nations Iran - Iraq Military Observer Group)

این اصطلاح به گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد در ایران و عراق

گفته می شود که پس از پایان جنگ و برقراری حالت آتش بس در جنگ هشت ساله در مرزهای دوکشور مستقر گردیدند (اوت ۱۹۸۸).

اسناد پیوست

- ۱- منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری
- ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر
- ۳- قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوسید)
- ۴- قرارداد منع آزمایشهای سلاح هسته ای
- ۵- قطعنامه تعریف تجاوز
- ۶- کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک
- ۷- کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی

تاریخ منشور: ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵
تصویب ایران: ۱۳ شهریور ۱۳۲۴

منشور ملل متحد

ما مردم ملل متحد،
به محفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت يك
عمر انسانی افراد بشر را دچار مصایب غیر قابل بیان نموده؛
وبا اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش
شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملتها اعم از
كوجك و بزرگ؛
و به ایجاد موجبات لازم برای حفظ عدالت و احترام تعهدات ناشی از
عهود و سایر منابع حقوق بین المللی و به پیشرفت ترقی اجتماعی و برقرار
ساختن اوضاع زندگانی بهتر با آزادی بیشتر؛
و برای نیل به این مقاصد:
به اعمال گذشت، و زندگانی در حال صلح با یکدیگر با يك روش حسن
جوار؛
و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی .
و به قبول اصول، و برقرار ساختن طرقی، که به کار نبردن نیروی سلاح را
جز در راه منافع عمومی تضمین نماید؛
و به توسل به سازمانهای بین المللی برای پیشرفت ترقی اقتصادی
و اجتماعی تمام ملل؛

عزم نمودیم، که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم. ونتیجه دولتهای متبوع ما، به وسیله نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده و دارای اختیارات تامی بودند که صحت آنها تشخیص داده شد، این منشور ملل متحد را اختیار و به موجب این مقررات، يك سازمان بین المللی را که موسوم به ملل متحد خواهد بود برقرار می سازند.

فصل اول

مرام و اصول

(ماده ۱)

مرام ملل متحد به قرار زیر است:

- ۱- نگاهداری صلح و امنیت بین المللی، و برای این منظور: پیگیری اقدامات جمعی مؤثر، برای جلوگیری از تهدیدات علیه صلح، و برکنار کردن آنها، و از بین بردن هر اقدام تهاجمی یا هر اختلال در صلح به نحو دیگر، و عملی کردن تنظیم و تصفیة مسالمت آمیز اختلافات و یا وضعیتهایی که جنبه بین المللی دارند و ممکن است صلح را بر هم زنند؛ بر طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی.
- ۲- توسعه روابط دوستانه در میان ملل که بر احترام اصل تساوی حقوق ملتها و حق آنان در تعیین آزادانه سرنوشت خود مبتنی بوده و به عمل آوردن هر اقدام دیگری که برای تحکیم صلح جهان مناسب باشد.
- ۳- عملی ساختن همکاری بین المللی با حل مسایل بین المللی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی و یا انسان دوستی دارند و با توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و آزادیهای که برای عموم اساسی هستند، بدون تمایز بین نژاد و جنس و زبان یا مذهب.
- ۴- بودن يك مرکز که در آنجا مجاهدتهای ملل برای این منظورهی مشترك، يك نواخت گردد.

(ماده ۲)

سازمان ملل متحد و اعضای آن باید در تعقیب مرامهای مذکور در ماده اول، طبق اصول زیر عمل نمایند:

۱- سازمان بر روی اصل تساوی حق حکمیت تمام اعضای خود مبتنی است.

۲- اعضای سازمان، برای این که استفاده از حقوق و مزایای ناشی از سمت عضویت، نسبت به همه آنها تضمین گردد، باید تعهداتی را که به موجب این منشور به عهده گرفته‌اند، از روی حسن نیت انجام دهند.

۳- اعضای سازمان، اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز تصفیه می نمایند به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و همچنین عدالت به مخاطره نیفتد.

۴- اعضای سازمان در روابط بین المللی خود از توسل به تهدید و یا استعمال زور، خواه بر ضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر مملکت و خواه به هر نحو دیگری که با مرامهای ملل متحد متباین باشد خودداری می نمایند.

۵- اعضای سازمان در هر اقدامی که سازمان بر طبق مقررات این منشور به عمل می آورد به سازمان مساعدت تام خواهند نمود و از معاضدت به هر کشوری که سازمان، علیه آن، يك اقدام احتیاطی و یا قهری می نماید خودداری خواهند کرد.

۶- سازمان طوری اقدام خواهد کرد که کشورهای غیر عضو ملل متحد، عملیات خود را در حدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی لازم است با این اصول منطبق نمایند.

۷- هیچ يك از مقررات این منشور، ملل متحد را مجاز نمی دارد در کارهایی که اساساً مربوط به صلاحیت ملی يك مملکت است مداخله کند و اعضای سازمان را هم مجبور نمی نماید که کارهایی از این قبیل را طبق طریقه‌ای که در این منشور مقرر است، تصفیه کنند؛ معذلك این اصل به اجرای اقدامات قهری که در فصل هفتم پیش بینی شده است، لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم

اعضا

(ماده ۳)

کشورهایی که در کنفرانس ملل متحد برای سازمان بین‌المللی در سائفرانسیسکو شرکت داشته و یا قبلاً بیانیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرده و این منشور را هم امضا و بر طبق ماده ۱۱۰ آن را تصویب می‌نمایند، اعضای اصلی ملل متحد خواهند بود.

(ماده ۴)

۱- کشورهای صلح‌جوی دیگر که تعهدات این منشور را قبول نمایند و به تشخیص سازمان، استعداد اجرای آن را داشته و حاضر به اجرای آن می‌باشند، می‌توانند عضو ملل متحد گردند.

۲- پذیرفته شدن هر مملکتی که دارای این شرایط باشد به عضویت ملل متحد، منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنا به توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌نماید.

(ماده ۵)

هر عضو سازمان که شورای امنیت به ضد او یک اقدام احتیاطی و یا قهری نموده باشد، ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنا به توصیه شورای امنیت از استفاده حقوق و مزایای مربوط به صفت عضویت معلق گردد. استفاده از این حقوق و مزایا ممکن است به وسیله شورای امنیت مجدداً برقرار شود.

(ماده ۶)

هرگاه یکی از اعضای سازمان در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد، مجمع عمومی می‌تواند بنا به توصیه شورای امنیت، او را از سازمان اخراج کند.

فصل سوم

ارکان

(ماده ۷)

- ۱- ارکان اصلی سازمان ملل متحد تشکیل می شود از:
 يك مجمع عمومی - يك شورای امنیت - يك شورای اقتصادی
 واجتماعی - يك شورای قيمومت - يك ديوان دادگستری بين المللی و يك
 دبیرخانه .
- ۲- ارکان فرعی نیز که وجود آنها ضروری تشخیص داده شود ممکن
 است بر طبق این منشور تشکیل گردند .

(ماده ۸)

برای این که مردان و زنان بتوانند به تساوی، مشاغل ارکان اصلی یا فرعی
 سازمان را عهده دار شوند، هیچ گونه تضيیقي از طرف سازمان به عمل
 نخواهد آمد .

فصل چهارم

مجمع عمومی

ترکیب

(ماده ۹)

- ۱- مجمع عمومی مرکب است از تمام اعضای ملل متحد .
 توصیه های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی - انتخاب اعضای
 غیر دایم شورای امنیت - انتخاب اعضای شورای اقتصادی واجتماعی -
 انتخاب اعضای شورای قيمومت طبق بند ج از فقره ۱ ماده ۸۶ - قبول
 اعضای جدید سازمان - تعلیق حقوق و مزایای اعضا - اخراج اعضا - مسایل
 مربوط به جریان اسلوب قيمومت و مسایل بودجه .
- ۲- تصمیمات راجع به مسایل دیگر که تعیین اقسام مسایل جدیدی نیز
 که باید اکثریت دو ثلث آرا در آنها رعایت گردد، از آن جمله است و به
 اکثریت اعضای حاضر ورأی دهنده اتخاذ خواهد شد .

۳- هر عضو منتهی پنج نماینده در مجمع عمومی خواهد داشت.

مشاغل و اختیارات

(ماده ۱۰)

مجمع عمومی می تواند در بحث تمام مسائل و اموری که در حدود این منشور بوده یا به اختیارات و مشاغل یکی از ارکانی که در این منشور پیش بینی شده اند مربوط باشد وارد شود و بارعایت قید ماده ۱۲ در مورد این مسائل و امور به اعضاء سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت یا به اعضاء سازمان و به شورای امنیت توصیه هائی بنماید.

(ماده ۱۱)

۱- مجمع عمومی می تواند اصول عمومی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را که اصول مربوط به خلع سلاح و تنظیم تسلیحات نیز مشمول آنست تحت مطالعه در آورده و در مورد این اصول خواه با اعضاء سازمان یا شورای امنیت و خواه با اعضاء سازمان و شورای امنیت توصیه هائی بنماید.

۲- مجمع عمومی می تواند در مورد کلیه مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی که از طرف یکی از ملل متحد یا شورای امنیت و یا طبق مقررات فقره دوم ماده ۳۵ از طرف کشوری که عضو سازمان نمی باشد به او رجوع گردیده، مابحث نماید و بارعایت قید ماده ۱۲ و نسبت به تمام این گونه مسائل به کشور یا کشورهای ذینفع و یا به شورای امنیت و یا به کشورها و شورای امنیت توصیه هائی بنماید. هر مسئله از این قبیل که مستلزم يك عمل مؤثر می باشد قبل از مباحثه و یا پس از آن از طرف مجمع عمومی به شورای امنیت رجوع خواهد شد.

۳- مجمع عمومی می تواند نسبت به وضعیاتی که به نظر می آید صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره اندازد توجه شورای امنیت را جلب کند.

۴- اختیارات مجمع عمومی که در این ماده ذکر شده دایره وسعت ماده ۱۰ را محدود می نماید.

(ماده ۱۲)

۱- مادام که شورای امنیت عملیاتی را که این منشور به او محول کرده، در مورد اختلاف یا وضعیتی انجام میدهد، مجمع عمومی نباید نسبت به آن اختلاف یا وضعیت هیچگونه توصیه‌ای بنماید مگر این که خود شورای امنیت آنرا تقاضا بکند.

۲- در موقع دوره اجلاسیه رئیس کل دبیرخانه باید با موافقت شورای امنیت کارهای مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی را که در شورای امنیت مطرح است به اطلاع مجمع عمومی برساند و همچنین باید به محض این که شورای امنیت بحث در آن امور را ترك نمود مراتب را به اطلاع مجمع عمومی و در صورتی که مجمع عمومی منعقد نباشد به اطلاع اعضاء سازمان برساند.

(ماده ۱۳)

۱- مجمع عمومی به منظورهای زیر موجبات مطالعاتی را فراهم و توصیه‌هایی به عمل می آورد.

الف- توسعه همکاری بین المللی در محیط سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین المللی و تدوین آن.

ب- توسعه همکاری بین المللی در محیط اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی- تربیتی و بهداشت عمومی و تسهیل استفاده از حقوق بشریت و آزادی های اساسی برای عموم بدون تمایز نژادی و جنسی و زبانی و مذهبی.

۲- سایر مسئولیتها و عملیات و اختیارات مجمع عمومی در مورد مسائل مذکور در بند ب فقره يك بالا در فصل نهم و دهم ذکر شده است.

(ماده ۱۴)

مجمع عمومی می تواند با رعایت قید مذکور در ماده ۱۲ اقدامات مقتضی را برای تأمین تأمین تصفیه مسالمت آمیز هر وضعیتی قطع نظر از منشأ آن که بنظر او ممکن است مضر رفاه عمومی باشد و یا روابط دوستانه بین المللی را تیره

کند توصیه نماید. وضعیت ناشی از عدم رعایت مقررات این منشور که در آنجا مقاصد و اصول ملل متحد ذکر شده است، از جمله وضعیت های مزبور محسوب میشود.

(ماده ۱۵)

- ۱- مجمع عمومی گزارشهای مخصوص شورای امنیت را دریافت داشته و تحت مطالعه در می آورد. این گزارشها مشتمل بر خلاصه تصمیمات و اقداماتی خواهد بود که شورای امنیت آنها را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی اتخاذ کرده و یا بعمل آورده است.
- ۲- مجمع عمومی گزارشهای سایر ارکان سازمان را نیز دریافت داشته و تحت مطالعه در می آورد.

(ماده ۱۶)

مجمع عمومی در مورد اسلوب بین المللی قیمومت و ظایفی را که طبق فصول ۱۲ و ۱۳ به عهده وی محول شده است، ایفاء می نماید. ضمناً قراردادهای قیمومت مربوط به مناطقی را که سوق الجیشی معین نشده اند، تصویب میکند.

(ماده ۱۷)

- ۱- مجمع عمومی بودجه سازمان را مطالعه و تصویب مینماید.
- ۲- مخارج سازمان را اعضاء آن طبق تقسیم بندی که مجمع عمومی می نماید متحمل خواهند شد.
- ۳- مجمع عمومی تمام قراردادهای ملل و بودجه ای را که با مؤسسات تخصصی منظور در ماده ۵۷ منعقد می شود مطالعه و تصویب می نماید و بودجه های اداری این مؤسسات را به منظور توصیه کردن به آنها مطالعه می کند.

رای

(ماده ۱۸)

- ۱- هر عضو مجمع عمومی دارای يك رای می باشد.

۲- تصمیمات مجمع عمومی در مسائل مهم با اکثریت دوثلث اعضاء حاضر و رأی دهنده اتخاذ می گردد. موارد ذیل از مسائل مهم محسوب می شود:

(ماده ۱۹)

اعضای ملل متحد که پرداخت سهمیه آنها در مخارج سازمان به تأخیر افتاده است، می توانند در صورتی که بدهی پس افتاده آنها معادل یا بیشتر از سهمیه دو سال تمام باشد در رأی شرکت کنند. معذلك اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که این قصور در اثر موجبات خارج از اراده آن عضو می باشد، می تواند به آن عضو اجازه شرکت در رأی بدهد.

آیین کار

(ماده ۲۰)

مجمع عمومی يك دوره اجلاسیه منظم سالیانه، و اگر اوضاع ایجاب نماید دوره های اجلاسیه فوق العاده نیز خواهد داشت. دوره های اجلاسیه فوق العاده را رییس کل دبیرخانه بنا به تقاضای شورای امنیت و یا تقاضای اکثریت اعضاء ملل متحد تشکیل می دهد.

(ماده ۲۱)

مجمع عمومی، آیین نامه داخلی خود را تنظیم و برای هر دوره اجلاسیه، رییس خود را معین می نماید.

(ماده ۲۲)

مجمع عمومی می تواند ارکان فرعی را که برای اجرای عملیات خود لازم می داند ایجاد کند.

فصل پنجم

شورای امنیت

ترکیب

(ماده ۲۳)

۱- شورای امنیت مرکب از ۱۱ عضو سازمان خواهد بود. جمهوری چین - فرانسه - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و کشورهای متحد آمریکا اعضای دایم شورای امنیت می باشند - شش عضو دیگر سازمان را مجمع عمومی به عنوان عضو غیر دایم انتخاب می نماید. در این انتخاب، مجمع عمومی باید در درجه اول، شرکت اعضای سازمان را در حفظ صلح و امنیت بین المللی و در سایر مرامهای سازمان مخصوصاً منظور داشته و همچنین تقسیم عادلانه جغرافیایی را نیز رعایت کند.

۲- اعضای غیر دایم شورای امنیت برای يك دوره دوساله انتخاب می گردند. معهذاً در موقع اولین انتخاب اعضای غیر دایم، سه عضو فقط برای يك سال انتخاب می شوند. اعضای که خارج می گردند فوراً قابل تجدید انتخاب نخواهند بود.

۳- هر عضو شورای امنیت يك نماینده در آن شورا خواهد داشت.

مشاغل و اختیارات

(ماده ۲۴)

۱- برای تأمین عملیات سریع و مؤثر سازمان، اعضای آن مسئولیت اصلی نگاهداری صلح و امنیت بین المللی را به عهده شورای امنیت گذاشته و اعتراف می نمایند که در حین انجام وظایفی که این مسئولیت به عهده شورای مزبور می گذارد، شورا به نام آنها اقدام می کند.

۲- شورای امنیت در انجام این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد اقدام خواهد نمود - اختیارات مخصوصی که برای امکان انجام وظایف مذکور به شورای امنیت داده شده در فصل ششم و هفتم و هشتم و دوازدهم

معین است.

۳- شورای امنیت گزارشهای سالیانه وعندالاقتضا گزارشهای مخصوصی به مجمع عمومی تقدیم می دارد که مجمع عمومی آنها را تحت مطالعه در آورد.

(ماده ۲۵)

اعضای سازمان موافقت می نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق منشور اجرا کنند.

(ماده ۲۶)

برای این که برقراری وحفظ صلح وامنیت بین المللی به نحوی تسهیل شود که از ذخایر انسانی واقتصادی کمترین مقدار به مصرف تسلیحات برسد، شورای امنیت مأموریت دارد که با کمک کمیته ستاد مذکور در ماده ۴۷ نقشه‌هایی به منظور برقراری اسلوبي برای تنظیم تسلیحات تهیه کرده وبه اعضای سازمان تقدیم نماید.

رأی

(ماده ۲۷)

- ۱- هر عضو شورای امنیت دارای يك رأی می باشد.
 - ۲- تصمیمات شورای امنیت در مسایل مربوط به آیین کار به وسیله رأی مثبت هفت عضو اتخاذ می شود.
 - ۳- تصمیمات شورای امنیت در سایر مسایل به وسیله رأی مثبت هفت عضو که آرای تمام اعضای دایم جزو آن باشد اتخاذ می گردد.
- با این تغییر که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم وفقره سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می شود، طرف دعوی از دادن رأی خودداری خواهد کرد.

آیین کار (ماده ۲۸)

۱- شورای امنیت طوری تشکیل می یابد که بتواند وظایف خود را دائماً انجام دهد و بدین منظور هر عضو شورای امنیت باید در هر موقع، يك نماینده در مقر سازمان داشته باشد.

۲- شورای امنیت جلسات مرتبی خواهد داشت و هر عضو آن می تواند در صورتی که مایل باشد یکی از اعضای دولت خود یا يك شخص دیگری را که مخصوصاً برای این کار معین می شود به نمایندگی از طرف خود معین کند.

۳- شورای امنیت می تواند در خارج از مقر سازمان هم در هر نقطه دیگری که برای تسهیل انجام مأموریتهای خود مناسبتر می داند، تشکیل جلسات دهد.

(ماده ۲۹)

شورای امنیت می تواند ارکان فرعی هم که برای اجرای مأموریتهای خود لازم می داند، ایجاد کند.

(ماده ۳۰)

شورای امنیت آیین نامه داخلی خود را تدوین و در آن طرز تعیین رییس خود را نیز معین می نماید.

(ماده ۳۱)

هر عضو سازمان که عضو شورای امنیت نیست، می تواند در مذاکره مسایل مطروحه در شورای امنیت، هر موقعی که به نظر شورای مزبور، آن مسایل با منافع آن عضو تماس خاص دارد، بدون حق رأی شرکت نماید.

(ماده ۳۲)

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست، و یا هر دولتی که

عضویت ملل متحد را ندارد، اگر طرف اختلافی باشد که مورد مطالعه شورا است، دعوت می شود که در مباحثات مربوط به آن اختلاف، بدون داشتن حق رأی شرکت نماید، شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت يك دولت غیر عضو سازمان عادلانه می داند، معین خواهد کرد.

فصل ششم تصفیه مسالمت آمیز اختلافات (ماده ۳۳)

۱- طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگهداری صلح و امنیت بین المللی گردد، باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات - بازرسی - میانجیگری - داوری - تصفه قضایی - مراجعه به مؤسسات یا قراردادهای محلی و یا به وسائل مسالمت آمیز دیگری به انتخاب خود، جستجو نمایند.

۲- شورای امنیت اگر مقتضی بداند، طرفین را دعوت می نماید که اختلافات خود را بدین گونه وسایل تصفیه کنند.

(ماده ۳۴)

شورای امنیت می تواند نسبت به هر اختلاف یا هر وضعیتی که ممکن است بین ملتها باعث يك اختلاف گشته و یا تولید يك اختلاف کند، بازرسی نماید تا معین سازد که آیا دوام این اختلاف یا این وضعیت به نظر او برای حفظ صلح و امنیت بین المللی تهدید آمیز می باشد یا نه.

(ماده ۳۵)

۱- هر عضو سازمان می تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را نسبت به يك اختلاف یا وضعیتی که در ماده ۳۴ ذکر شده است، جلب کند.

۲- دولتی که عضو سازمان نیست می تواند توجه شورای امنیت یا مجمع

عمومی را نسبت به هر اختلافی که در آن طرف می باشد جلب نماید، مشروط به این که قبلاً به منظور خاتمه این اختلاف، تعهدات تصفیۀ مسالمت آمیز را که در این منشور پیش بینی شده است، قبول کند.

۳- اعمال مجمع عمومی مربوط به اموری که طبق این ماده توجه او را به آن معطوف ساخته اند، تابع مقررات ماده ۱۱ و ۱۲ می باشد.

(ماده ۳۶)

۱- شورای امنیت می تواند در هر موقع از جریان اختلافی که از سنخ مذکور در ماده ۳۳ می باشد، یا وضعیت شبیه آن، طریق عمل یا طریق تصفیۀ ای را که مناسب آن باشد، توصیه نماید.

۲- شورای امنیت باید طرز عملی را که قبلاً طرفین برای حل این اختلافات اتخاذ کرده اند، طرف توجه قرار دهد.

۳- شورای امنیت باید در حین اقدام به توصیه هایی که در این ماده پیش بینی شده است، این نکته را نیز منظور نظر دارد که بطور کلی اختلافات قضایی را باید طرفین طبق مقررات اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به دیوان مزبور رجوع کنند.

(ماده ۳۷)

۱- هرگاه طرفین يك اختلاف که از سنخ مذکور در ماده ۳۳ می باشد، نتوانند آن را به وسایل مندرج در آن ماده حل نمایند، باید آن را به شورای امنیت رجوع کنند.

۲- هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که دوام اختلاف ممکن است عملاً حفظ صلح و امنیت بین المللی را تهدید کند، تصمیم می گیرد که آیا باید به منظور اجرای ماده ۳۶ رفتار نماید یا هر طریق تصفیۀ را که مناسب موضوع می داند توصیه کند.

(ماده ۳۸)

هرگاه تمام اطراف اختلاف، تقاضا نمایند شورای امنیت می تواند به

منظور تصفیة مسالمت آمیز اختلاف، به آنها توصیه‌هایی بنماید، بدون این که این ترتیب به مقررات ماده ۳۳ تا ۳۷ لطمه وارد آورد.

فصل هفتم

اقداماتی که در موارد تهدید علیه صلح یا برهم زدن صلح و اقدام به تجاوز به عمل خواهد آمد.

(ماده ۳۹)

شورای امنیت وجود تهدید علیه صلح یا برهم زدن صلح یا اقدام به تجاوز را تشخیص داده و توصیه‌هایی می‌کند و یا تصمیم می‌گیرد که برای حفظ یا استقرار صلح و امنیت بین‌المللی چه اقداماتی باید بر طبق ماده ۴۱ و ۴۲ به عمل آورد.

(ماده ۴۰)

برای جلوگیری از این که وضعیت وخیم شود، شورای امنیت می‌تواند قبل از آن که طبق ماده ۳۹ مبادرت به توصیه یا تصمیم به اتخاذ اقدامی بنماید، طرفهای ذینفع را دعوت کند که بر طبق اقدامات موقتی که شورا لازم و یا مطلوب می‌داند، رفتار نمایند. این اقدامات موقت نسبت به حقوق یا ادعا و یا وضعیت طرفین به هیچ وجه خلل وارد نمی‌آورد. در صورت عدم اجرای اقدامات موقت، شورای امنیت این قصور را کماهو حقه منظور نظر می‌دارد.

(ماده ۴۱)

شورای امنیت برای عملی ساختن تصمیمات خود می‌تواند تصمیم به اقداماتی که مستلزم به‌کاربردن نیروی مسلح نیست، بگیرد و اعضای ملل متحد را دعوت نماید که آن اقدامات را به موقع عمل بگذارند. اقدامات مزبور ممکن است شامل قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباط راه‌آه‌نی - بحری - هوایی - پستی - تلگرافی با سیم یا بی‌سیم و سایر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد.

(ماده ۴۲)

هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده در ماده ۴۱ ممکن است نامتناسب بوده و یا در عمل، غیر متناسب بودن آن معلوم گردد، می تواند به وسیله قوای هوایی یا دریایی و یا زمینی، عملیاتی را که برای نگاهداری یا برقراری صلح و امنیت بین المللی لازم بداند انجام دهد - این عملیات ممکن است شامل تظاهرات نظامی و یا اقدامات محاصره ای و یا عملیات دیگری باشد که به وسیله قوای هوایی یا دریایی و یا زمینی اعضای ملل متحد انجام می گیرد.

(ماده ۴۳)

۱- برای شرکت در حفظ صلح و امنیت بین المللی، تمام اعضای ملل متحد، متعهد می شوند که بنا بر دعوت شورای امنیت، و طبق قراردادهای خاص، نیروهای مسلح و معاضدت و تسهیلات من جمله حق عبور را که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ضروری است، در اختیار شورای امنیت بگذارند.

۲- قرارداد یا قراردادهای مذکور در فوق تعداد و نوع و میزان تعلیمات و قرارگاههای عمومی این نیروها را معین، و همچنین نوع تسهیلات و معاضدتهایی را که باید به عمل آید، مشخص می نماید.

۳- قرارداد یا قراردادهای، بنابر ابتکار شورای امنیت، هرچه زودتر مورد مذاکره واقع شده و بین شورای امنیت و پاره ای از اعضای سازمان، و یا بین شورای امنیت و دسته ای از اعضای سازمان، بسته خواهد شد. این قراردادها را دولتهای امضا کننده باید بر طبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب کنند.

(ماده ۴۴)

وقتی که شورای امنیت تصمیم به استعمال قوه قهریه می گیرد، قبل از دعوت عضوی که در شورای امنیت نماینده ندارد، به این که قوای مسلح خود را در اجرای تعهداتی که طبق ماده ۴۳ نموده، به کار برد، از عضو

مزبور، در صورتی که اظهار تمایل کند، باید درخواست نماید تا در تصمیمات شورای امنیت، مربوط به استعمال نیروی مسلح آن عضو شرکت کند.

(ماده ۴۵)

برای این که سازمان بتواند اقدامات فوری نظامی به عمل آورد، بعضی از اعضای ملل متحد باید قسمتی از نیروهای ملی هوایی خود را که قابل استفاده فوری باشد، جهت اجرای مشترك عملیات قهری بین المللی حاضر نگاه دارند.

در حدودی که در قرارداد یا قراردادهای خاص مذکور در ماده ۴۳ پیش بینی شده است شورای امنیت با کمک کمیته ستاد، اهمیت و درجه تعلیمات این نیروها را تعیین و نقشه های راجع به عملیات مشترك آنها را تنظیم می نماید.

(ماده ۴۶)

نقشه های استعمال نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک ستاد تنظیم خواهد نمود.

(ماده ۴۷)

۱- کمیته ستادی تأسیس می شود تا در آنچه که مربوط به وسایل از نوع نظامی است که شورا برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی لازم دارد و همچنین در آنچه که مربوط به استعمال و فرماندهی قوای هوایی است که به اختیار شورا گذاشته شده و یا مربوط به تنظیم تسلیحات و یا خلع سلاح احتمالی است، با شورای امنیت مشاوره و معاضدت نماید.

۲- کمیته ستاد مرکب است از رؤسای ستاد اعضای دایمی شورای امنیت و یا نمایندگان آنها. کمیته مزبور، هر عضو ملل متحد را که در آن کمیته به طور دایم نماینده ندارد، هر وقت که شرکت آن عضو در کارهای کمیته برای حسن اجرای وظایف او لازم باشد، دعوت می نماید که با او مشارکت

کند.

۳- کمیته ستاد تحت اقتدار شورای امنیت، مسئول اداره سوق الجیشی کلیه قوای مسلحی است که در اختیار شورا گذاشته می شود. مسایل مربوط به فرماندهی این قوا بعداً تنظیم خواهد شد.

۴- کمیته های فرعی ستاد ممکن است با اجازه شورای امنیت و پس از مشاوره با مؤسسات محلی مربوط تأسیس شود.

(ماده ۴۸)

۱- اقدامات ضروری برای اجرای تصمیمات شورای امنیت، جهت نگاهداری صلح و امنیت بین المللی طبق تشخیص شورا به وسیله تمام اعضای ملل متحد یا بعضی از آنان به عمل خواهد آمد.

۲- این تصمیمات را اعضای ملل متحد مستقیماً و بوسیله عملیات خود در مؤسسات بین المللی مربوط که عضو آن می باشند، اجرا خواهند نمود.

(ماده ۴۹)

اعضای ملل متحد تشریک مساعی می نمایند که در اجرای اقدامات متخذه از طرف شورای امنیت، به یکدیگر معاضت نمایند.

(ماده ۵۰)

هرگاه دولتی مشمول اقدامات احتیاطی و یا قهری شورای امنیت گردد، هر دولت دیگر خواه عضو ملل متحد باشد یا نباشد، اگر در نتیجه این اقدامات با مشکلات اقتصادی خاصی مواجه شود، حق دارد با شورای امنیت در خصوص حل این مشکلات مشورت نماید.

(ماده ۵۱)

در صورتی که يك عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود، هیچ

يك از مقررات این منشور، به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد، لطمه وارد نخواهد آورد. اقداماتی را که اعضا برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می آورند باید فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند ولی این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و وظایفی که شورا بر طبق این منشور دارد تأثیری نخواهد داشت و به موجب آنها در هر موقع روشی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین المللی لازم می داند، می تواند اتخاذ کند.

فصل هشتم قراردادهای ناحیه‌ای (ماده ۵۲)

۱- هیچ يك از مقررات این منشور نباید از وجود قرارداد یا مؤسسات ناحیه‌ای که به منظور تصفیه کارهایی که مربوط به نگاهداری صلح و امنیت بین المللی بوده و می تواند مورد عملیات ناحیه‌ای قرار گیرد، ممانعت کند، مشروط به این که آن قرارداد یا مؤسسات و فعالیت آنها با مرام و اصول ملل متحد مخالف نباشد.

۲- اعضای ملل متحد که این نوع قراردادها را منعقد می نمایند و این نوع مؤسسات را تشکیل می دهند باید قبل از مراجعه به شورای امنیت، تمام مساعی خود را به کار برند تا به وسیله این قراردادها یا مؤسسات، اختلافات محلی را تصفیه نمایند.

۳- شورای امنیت بنابر ابتکار دولتهای ذی نفع یا بنابر ارجاع از طرف خود، پیشرفت تصفیه مسالمت آمیز اختلافات را به وسیله این قراردادها یا مؤسسات ناحیه‌ای تشویق می نماید.

۴- این ماده به هیچ وجه مانع اجرای مواد ۳۴ و ۳۵ نخواهد بود.

(ماده ۵۳)

۱- شورای امنیت در زمان مقتضی، از این قراردادها یا مؤسسات

ناحیه‌ای برای اجرای عملیات قهری که در تحت اقتدار او انجام می‌گیرد، استفاده خواهد نمود. مع هذا اقدام به هیچ گونه عملیات قهری به استناد این قراردادها یا مؤسسات ناحیه‌ای، بدون اجازه شورای امنیت به عمل نخواهد آمد. عملیاتی که در اجرای ماده ۱۰۷ ویا به موجب قراردادهای ناحیه‌ای برای جلوگیری از تجدید يك سیاست تجاوزآمیز از طرف هر کشور دشمن که در فقره دوم این ماده تعریف شده به عمل آید، از این ترتیب مستثنی خواهد بود تا زمانی که سازمان طبق پیشنهاد کشورهای ذینفع بتواند جلوگیری از هر گونه تهاجم مجدد از ناحیه چنین کشور دشمنی را بعهده گیرد.

۲- عبارت (کشور دشمن) که در فقره اول این ماده ذکر شده است، شامل هر کشوری است که در حین دومین جنگ جهانی، دشمن یکی از امضا کنندگان این منشور بوده است.

(ماده ۵۴)

عملیاتی که به موجب قراردادها یا به وسیله مؤسسات ناحیه‌ای برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی منظور ویا مجری می‌گردند، باید کاملاً به اطلاع شورای امنیت برسند.

فصل نهم

همکاری اقتصادی واجتماعی بین المللی

(ماده ۵۵)

به منظور ایجاد موجبات ثبات وآسایشی که برای تأمین روابط مودت ومسالمت بین ملل لازم است و باید بر اساس احترام اصل تساوی حقوق آنها وحق اقوام در تعیین آزادانه سرنوشت خود استوار باشد، ملل متحد امور زیر را تشویق خواهند نمود:

الف - بالا بردن سطح زندگی و کار مکفی وموجبات ترقی وتوسعه امور اقتصادی واجتماعی.

ب - حل مسایل بین المللی از سنخ اقتصادی واجتماعی وبهداشت

عمومی و سایر مسایل مربوط به آنها و همکاری بین المللی در محیط فرهنگی و تربیتی .

ج - احترام جهانی و حقیقی حقوق بشر و آزادیهایی که برای همه کس اساسی است، بدون تفاوت نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب .

(ماده ۵۶)

به منظور رسیدن به هدفهای مذکور در ماده ۵۵ اعضا متعهد می شوند که خواه منفرداً و خواه مجتمعاً با سازمان همکاری نمایند .

(ماده ۵۷)

۱- مؤسسات تخصصی مختلف که به وسیله قراردادهای بین الدول ایجاد و طبق اساسنامه های خود در محیط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و تربیتی و بهداشت عمومی و سایر امور مربوط به آنها دارای تکالیف بین المللی می باشند بر طبق مقررات ماده ۶۳ وابسته سازمان خواهند بود .

۲- مؤسساتی که بدین طریق به سازمان بستگی می یابند ذیلاً تحت عنوان مؤسسات تخصصی ذکر خواهند شد .

(ماده ۵۸)

سازمان به منظور يك نواخت ساختن برنامه ها و فعالیتهای مؤسسات تخصصی توصیه هایی خواهد کرد .

(ماده ۵۹)

به منظور ایجاد مؤسسات تخصصی تازه که برای رسیدن به هدفهای مذکور در ماده ۵۵ لازم باشد، سازمان عندالاقضاء موجبات مذاکرات بین کشورهای ذینفع را فراهم خواهد آورد .

(ماده ۶۰)

مجمع عمومی و شورای اقتصادی واجتماعی که در تحت اقتدار اوست و برای این منظور دارای اختیارات مذکور در فصل دهم می باشد، مأموریت دارند وظایفی را که در این فصل برای سازمان ذکر گردیده انجام دهند.

فصل دهم

شورای اقتصادی واجتماعی

(ماده ۶۱)

- ۱- شورای اقتصادی واجتماعی مرکب است از هجده عضو ملل متحد که مجمع عمومی آنها را انتخاب می نماید.
- ۲- با رعایت مقررات فقره سوم، شش عضو شورا همه ساله برای مدت سه سال معین می شوند. اعضای که خارج می گردند قابل انتخاب مجدد می باشند.
- ۳- اعضای هجده گانه شورای اقتصادی واجتماعی در انتخابات اول معین می گردند. دوره انتخابی شش عضو در آخر يك سال و دوره انتخابی شش عضو دیگر در آخر دو سال به نحوی که از طرف مجمع عمومی مقرر می شود، خاتمه می یابد.
- ۴- هر عضو شورای اقتصادی واجتماعی يك نماینده در آن شورا خواهد داشت.

مشاغل واختیارات

(ماده ۶۲)

- ۱- شورای اقتصادی واجتماعی می تواند در مسایل بین المللی مربوط به امور اقتصادی واجتماعی و فرهنگی و تربیتی و بهداشت عمومی و یا امور مرتبط دیگر مطالعاتی نموده و یا موجبات مطالعات و تقدیم گزارشهایی را در امور مذکور فراهم آورد و در مورد کلیه آن مسایل به مجمع عمومی و به

اعضای سازمان و به مؤسسات تخصصی ذینفع توصیه‌هایی بنماید.

۲- شورای اقتصادی واجتماعی می تواند به منظور تأمین احترام واقعی حقوق بشر و آزادیهایی که برای همه کس اساسی می باشند توصیه‌هایی بنماید.

۳- شورای اقتصادی واجتماعی می تواند بر طبق اصولی که سازمان مقرر می دارد راجع به مسایلی که داخل در صلاحیت او می باشند به دعوت به کنفرانسهای بین المللی اقدام نماید.

(ماده ۶۳)

۱- شورای اقتصادی واجتماعی می تواند با هر يك از مؤسسات مذکور در ماده ۵۷ به منظور تعیین شرایط وابستگی آن مؤسسه به سازمان، قراردادهایی منعقد سازد. این قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲- شورای مزبور می تواند با جلب موافقت مؤسسات تخصصی و یا به وسیله توصیه‌هایی که به آنها می نماید همچنین به وسیله توصیه‌هایی که به مجمع عمومی و به اعضای ملل متحد می کند، فعالیتهای مؤسسات مزبور را هم آهنگ سازد.

(ماده ۶۴)

۱- شورای اقتصادی واجتماعی می تواند به منظور دریافت گزارشهای مرتب مؤسسات تخصصی، هر اقدام مفیدی به عمل آورد و نیز می تواند به منظور دریافت گزارشهایی راجع به اقداماتی که در اجرای توصیه‌های خود شورا و یا توصیه‌های مجمع عمومی در موارد امور داخل در صلاحیت شورا شده است، با اعضای سازمان و یا مؤسسات تخصصی توافق حاصل نماید.

۲- شورای مزبور می تواند نظریات خود را نسبت به گزارشهای مزبور به مجمع عمومی بفرستد.

(ماده ۶۵)

شورای اقتصادی واجتماعی می تواند اطلاعاتی به شورای امنیت داده
و اگر شورای امنیت تقاضا نماید، با او معاضدت کند.

(ماده ۶۶)

- ۱- شورای اقتصادی واجتماعی در اجرای توصیه های مجمع عمومی کلیه وظایف داخل در صلاحیت خود را ایفا خواهد نمود.
- ۲- شورای مزبور می تواند با تصویب مجمع عمومی خدماتی را که اعضای سازمان و یا مؤسسات تخصصی از وی بخواهند، انجام دهد.
- ۳- شورای اقتصادی واجتماعی سایر وظایفی را که بموجب قسمتهای دیگر این منشور به عهده او محول است یا ممکن است از طرف مجمع عمومی به او محول گردد، انجام خواهد داد.

رأی

(ماده ۶۷)

- ۱- هر عضو شورای اقتصادی واجتماعی دارای يك رأی می باشد.
- ۲- تصمیمات شورای اقتصادی واجتماعی به اکثریت آرای اعضای حاضر ورأی دهنده گرفته می شود.

آیین کار

(ماده ۶۸)

شورای اقتصادی واجتماعی، کمیسیونهایی برای مسایل اقتصادی واجتماعی و ترقی حقوق بشر و همچنین کمیسیونهای دیگری که برای اجرای مأموریت خود لازم می داند، تأسیس می نماید.

(ماده ۶۹)

وقتی که شورای اقتصادی واجتماعی موضوعی را بررسی می نماید که

یکی از اعضای سازمان مخصوصاً در آن ذینفع می باشد، آن عضو را دعوت می کند که در مذاکرات شورا شرکت نماید، بدون این که حق رأی داشته باشد.

(ماده ۷۰)

شورای اقتصادی واجتماعی می تواند به منظور این که نمایندگان مؤسسات تخصصی در مذاکرات خود شورا یا در مذاکرات کمیسیونهای آن بدون داشتن حق رأی شرکت نمایند و یا نمایندگان شورا در مذاکرات مؤسسات مزبور شرکت نمایند مقرراتی ایجاد کند.

(ماده ۷۱)

شورای اقتصادی واجتماعی می تواند برای مشاوره با مؤسسات غیر دولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هر گونه مقررات مفیدی را ایجاد نماید. این مقررات ممکن است شامل مؤسسات بین المللی و عندالاقضا پس از مشورت با عضو ذینفع سازمان، شامل مؤسسات ملی بشود.

(ماده ۷۲)

- ۱- شورای اقتصادی واجتماعی آیین نامه داخلی خود را تنظیم و در آن طرز تعیین رئیس خود را معین می نماید.
- ۲- شورای نامبرده بر حسب احتیاجات، طبق آیین نامه مزبور، منعقد می شود. این آیین نامه متضمن مقرراتی خواهد بود که دعوت شورا را به تقاضای اکثریت اعضای آن پیش بینی می کند.

فصل یازدهم

اعلامیه راجع به سرزمینهایی که خودمختاری ندارند

(ماده ۷۳)

اعضای ملل متحد که مسئولیت اداره کردن سرزمینهایی را دارا یا

عهده‌دار شده‌اند که اهالی آنجا هنوز کاملاً خود را اداره نمی‌کنند، به اصل اولویت منافع اهالی این سرزمینها اعتراف کرده و مساعدت در ترقی آنها را در حد اعلاي امکان و در حدود اصول صلح و امنیت بین المللی مقرر در این منشور به عنوان يك مأموریت مقدس قبول و تعهد می‌نمایند و به این منظور متقبل می‌شوند:

الف - با احترام به خصوصیات فرهنگی اهالی سرزمینهای مذکور، ترقی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و همچنین توسعه تعلیمات آنها را تأمین و با آنها از سوی انصاف رفتار و در مقابل تعديات از آنان حمایت کنند.

ب - در حدودی که با اوضاع خاص هر سرزمین و اهالی آنجا و با مدارج مختلف ترقی آن متناسب باشد، استعداد آنها را برای اداره نمودن خود توسعه داده و آمال سیاسی آنها را رعایت کرده و در توسعه تدرجی مؤسسات سیاسی آزاد آنها کمک نمایند.

ج - صلح و امنیت عمومی را تحکیم کنند.

د - اقداماتی را که موجب ترقی می‌شود، طرف توجه قرار داده و امور مربوط به اکتشافات و تحقیقات را تشویق و به منظور نیل حقیقی به مقاصد اجتماعی و اقتصادی و علمی که در این ماده ذکر شده است با یکدیگر، و هنگامی که موجبات آن فراهم گردد با مؤسسات تخصصی بین المللی همکاری نمایند.

ه - اطلاعات آماری و غیر آن را که جنبه فنی داشته باشد و مربوط به وضعیت اقتصادی یا اجتماعی یا تعلیمی سرزمینی است، که هر يك مسئولیت آن را به عهده دارند به غیر از سرزمینهایی که مشمول فصل دوازدهم و سیزدهم می‌باشند، به رئیس کل دبیرخانه بدهند مگر در مواردی که افشای آن اطلاعات، منافی حفظ امنیت بوده و یا از نظر قوانین اساسی مانعی داشته باشد.

(ماده ۷۴)

اعضای سازمان به این نکته اعتراف می‌نمایند که سیاست آنها خواه در سرزمینهایی که مشمول این فصل می‌باشند و خواه در کشور مرکزی خود

آنها، باید در محیط اجتماعی و اقتصادی و تجاری با منظور داشتن منافع و ترقیات سایر نقاط جهان بر اصل کلی حسن جوار مبتنی باشد.

فصل دوازدهم

اسلوب بین المللی قیمومت

(ماده ۷۵)

سازمان ملل متحد، تحت نظر خود يك اسلوب بین المللی قیمومت برقرار خواهد کرد تا سرزمینهایی را که ممکن است بر طبق قراردادهای خصوصی بعدی تحت این اسلوب در آیند، اداره و نظارت نمایند این سرزمینها ذیلاً سرزمینهای قیمومت نامیده خواهند شد.

(ماده ۷۶)

مقاصد اساسی اسلوب قیمومت بر طبق مرامهای ملل متحد که در ماده اول این منشور ذکر شده، به قرا زیر است:

الف - تحکیم صلح و امنیت بین المللی.

ب - مساعدت به ترقی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی اهالی سرزمینهای تحت قیمومت و همچنین توسعه تعلیمات در میان آنها و نیز مساعدت در تکامل تدریجی آنها تا این که با توجه به اوضاع خصوصی هر سرزمین و اهالی آن ورعایت تمایلاتی که از طرف اهالی ذی نفع، آزادانه ابراز می شود و مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومت پیش بینی گردد برای اداره خود و نیل به استقلال مستعد گردند.

ج - تشویق حس احترام حقوق بشر و آزادیهایی که برای عموم، اساسی می باشند؛ بدون تمایز نژادی و جنسی و زبانی و مذهبی و تقویت این معنی که تمام ملل جهان نیازمند یکدیگرند.

د - تأمین معامله متساوی در امور اجتماعی و اقتصادی و تجاری نسبت به تمام اعضای سازمان و ابتاع آنها و همچنین معامله متساوی در اجرای عدالت، نسبت به اتباع مزبور بدون وارد آوردن لطمه به تحقق مقاصد مذکور در فوق و با رعایت مقررات ماده ۸۰.

(ماده ۷۷)

۱- اسلوب قیمومت شامل سرزمینهایی می شود که داخل در طبقات زیر بوده و به موجب قراردادهای قیمومت ممکن است تحت این اسلوب در آیند.

الف - سرزمینهایی که فعلاً تحت سرپرستی هستند.

ب - سرزمینهایی که ممکن است بر اثر دومین جنگ جهانی از دولتهای دشمن مجزا گردند.

ج - سرزمینهایی که دولت مسئول اداره آنها، به میل خود آنها را تحت این اسلوب قرار می دهد.

۲- يك قرارداد بعدی معین خواهد کرد که کدام يك از سرزمینها داخل در طبقات مذکور در فوق و با چه شرایطی تحت اسلوب قیمومت درخواهد آمد.

(ماده ۷۸)

اسلوب قیمومت شامل کشورهایی که عضو ملل متحد شده‌اند نبوده و روابط بین آنها بر اساس احترام اصل تساوی حق حاکمیت آنها مبتنی خواهد بود.

(ماده ۷۹)

خاتمه اسلوب قیمومت نسبت به هر يك از سرزمینهایی که تحت این اسلوب در می آیند و همچنین تغییرات و اصلاحاتی که ممکن است در آن اسلوب به عمل آید، موضوع قراردادی خواهد بود که مستقیماً بین کشورهای ذی نفع منعقد گشته و طبق مواد ۸۳ و ۸۵ به تصویب خواهد رسید. در مورد سرزمینهای تحت قیمومت یکی از اعضای ملل متحد، کشور قیم نیز از جمله کشورهای ذی نفع به شمار می آید.

(ماده ۸۰)

۱- به استثنای آنچه که ممکن است در قراردادهای مخصوص قیمومت

که بر طبق مواد ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ منعقد شده و هر سرزمین را تحت اسلوب قیمومت در می آورد و تا زمانی که این قراردادها منعقد گردند هیچ يك از مقررات این فصل نباید طوری تعبیر شود که مستقیماً یا به طور غیر مستقیم در حقی از حقوق يك کشور و یا يك قوم و یا در مقررات اسناد بین المللی که ممکن است بعضی از اعضای سازمان در آن طرف بوده و فعلاً مجری می باشند، تغییری وارد شود.

۲- فقره اول این ماده نباید طوری تعبیر شود که در مذاکرات و انعقاد قراردادهای مربوط به سرزمینهای تحت سرپرستی و یا سرزمینهای دیگری که به نحو مذکور در ماده ۷۷ ممکن است تحت اسلوب قیمومت در آید، تأخیر یا تعطیلی حاصل گردد.

(ماده ۸۱)

قرارداد قیمومت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که به موجب آن، سرزمین تحت قیمومت اداره می گردد و مقامی را هم که اداره آن سرزمین را تأمین می نماید، معین خواهد کرد. این مقام که ذیلاً مقام مأمور اداره نامیده می شود، ممکن است عبارت از يك یا چند کشور یا خود سازمان باشد.

(ماده ۸۲)

قرارداد قیمومت ممکن است يك یا چند منطقه سوق الجیشی معین کند که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومت، موضوع آن قرارداد باشد بدون این که این ترتیب به قرارداد یا قراردادهای خاصی که برای اجرای ماده ۴۳ منعقد می گردد، لطمه وارد سازد.

(ماده ۸۳)

۱- در مورد منطقه ای سوق الجیشی، تمام اختیارات و وظایف مربوط به سازمان که تصویب متن قراردادهای قیمومت و همچنین تغییر و اصلاح

احتمالی قراردادهای مذکور از آن جمله است، به وسیله شورای امنیت اعمال می گردد.

۲- مقاصد اساسی مذکور در ماده ۷۶ در مورد اهالی منطقه‌های سوق الجیشی نیز مرعی خواهند بود.

۳- شورای امنیت در اجرای وظایف و اختیاراتی که به موجب اسلوب قیمومت در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و همچنین در امور فرهنگی مناطق سوق الجیشی به عهده سازمان محول شده است، با توجه به مقررات قراردادهای قیمومت و با رعایت ضروریات امنیت به شورای قیمومت مراجعه واستعانت خواهد کرد.

(ماده ۸۴)

مقام مأمور اداره مکلف است مراقبت نماید که سرزمین تحت قیمومت در حفظ صلح و امنیت بین المللی تشریک مساعی نماید و برای این منظور مقام مزبور می تواند از قسمتهای سربازان داوطلب و تسهیلات و مساعدت سرزمین تحت قیمومت استفاده کند تا این که بتواند تعهداتی را که از این حیث در مقابل شورای امنیت دارد ایفا و همچنین دفاع محلی و حفظ نظم را در داخل آن سرزمین تأمین نماید.

(ماده ۸۵)

۱- انجام حقوق و وظایف سازمان در آنچه که راجع به قراردادهای قیمومت مربوط به کلیه مناطقی است که منطقه سوق الجیشی شناخته نشده‌اند به عهده مجمع عمومی می باشد. تصویب متن قراردادهای مذکور و تغییر و اصلاح آنها نیز جزو این حقوق و وظایف است.

۲- شورای قیمومت که در تحت اقتدار مجمع عمومی انجام وظیفه می نماید، در انجام وظایف مجمع مزبور، به آن مجمع مساعدت می نماید.

فصل سیزدهم شورای قیمومت ترکیب (ماده ۸۶)

- ۱- شورای قیمومت از اعضای ملل متحد که ذیلًا معین می گردد، مرکب خواهد شد:
 - الف - اعضای که مأموریت اداره سرزمینهای تحت قیمومت را به عهده دارند.
 - ب - اعضای که در ماده ۲۳ به اسم معین شده اند و سرزمین تحت قیمومتی را اداره نمی کنند.
 - ج - آن عده از اعضای که از طرف مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب می شوند تا این که مجموع عده اعضای شورای قیمومت، بین اعضای که اداره سرزمینهای تحت قیمومت را به عهده دارند و آنهایی که ندارند، متساویاً تقسیم گردد.
- ۲- هر يك از اعضای قیمومت، شخصی را که صلاحیت مخصوص داشته باشد معین می کند که در شورای قیمومت نماینده او باشد.

مشاغل و اختیارات (ماده ۸۷)

- مجمع عمومی و شورای قیمومت در تحت اقتدار او می تواند در اجرای مشاغل خود به امور ذیل اقدام کند:
 - الف - در گزارشهایی که از طرف مقام مأمور اداره داده می شود، بررسی نمایند.
 - ب - عرض حالهایی دریافت کرده و آنها را با مشاوره با مقام مزبور مورد بررسی قرار دهند.
 - ج - سرزمینهایی را که به وسیله مقام مذکور اداره می شود مرتباً در مواعیدی که با موافقت آن مقام معین می گردد، سرکشی نمایند.

د - این اقدامات و هر اقدام دیگری را بر وفق قراردادهای قیمومت به عمل آورند.

شورای قیمومت پرسشنامه‌ای در خصوص ترقیات اهالی هر سرزمین تحت قیمومت در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و امور فرهنگی ترتیب می‌دهد. مقام مأمور اداره هر سرزمین تحت قیمومت که اداره آن داخل در صلاحیت مجمع عمومی است، گزارشی سالیانه که بر اساس پرسشنامه مزبور مبتنی باشد به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.

رأی

(ماده ۸۹)

- ۱- هر عضو شورای قیمومت دارای يك رأی می باشد.
- ۲- تصمیمات شورای قیمومت به اکثریت اعضای حاضر ورأی دهنده گرفته می شود.

آئین کار

(ماده ۹۰)

- ۱- شورای قیمومت آیین نامه داخلی خود را تصویب و در آن طرز تعیین رئیس خود را معین می نماید.
- ۲- شورای مزبور بر حسب ضرورت، بر طبق آیین نامه خود تشکیل جلسه می دهد. در این آیین نامه باید مقرراتی باشد که به موجب آن بتوان شورا را بنا به تقاضای اکثریت اعضای آن تشکیل داد.

(ماده ۹۱)

شورای قیمومت در صورت لزوم از شورای اقتصادی و اجتماعی و همچنین از مؤسسات تخصصی در مسایلی که داخل در صلاحیت هر يك از آنها باشد كمك می طلبد.

فصل چهاردهم

دیوان بین المللی دادگستری

(ماده ۹۲)

دیوان بین المللی دادگستری رکن قضایی مهم ملل متحد را تشکیل می دهد. جریان امور دیوان مزبور بر طبق اساسنامه‌ای است که بر مبنای اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی تنظیم و به این منشور ضمیمه گشته و جزء لاینفک آن می باشد.

(ماده ۹۳)

۱- تمام اعضای ملل متحد به خودی خود جزو قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری می باشند.

۲- شرایطی که به موجب آن، کشورهای غیر عضو سازمان می توانند از قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری محسوب گردند، در هر مورد بخصوص بنا به توصیه شورای امنیت به وسیله مجمع عمومی معین می گردد.

(ماده ۹۴)

۱- هر يك از اعضای ملل متحد متعهد می شود در هر اختلافی که طرف باشد، بر طبق تصمیم دیوان بین المللی دادگستری عمل نماید.

۲- اگر یکی از طرفهای دعوی تعهداتی را که به موجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد می شود، به جا نیاورد طرف دیگر می تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور می تواند در صورتی که مقتضی بداند، توصیه‌هایی بکند و یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید.

(ماده ۹۵)

هیچ يك از مقررات این منشور مانع از این نخواهد بود که اعضای سازمان، اختلافات خود را بر طبق قراردادهایی که فعلاً موجود است و یا

ممکن است در آتیه منعقد گردد، به دادگاههای دیگری رجوع نمایند.

(ماده ۹۶)

- ۱- مجمع عمومی و یا شورای امنیت می تواند در هر مسئله قضایی از دیوان بین المللی دادگستری رأی مشورتی بخواهد.
- ۲- مؤسسه های دیگر سازمان و مؤسسه های تخصصی نیز که می توانند در يك موقع از طرف مجمع عمومی مجاز به این امر گردند، حق دارند نسبت به مسائل قضایی که ممکن است در دایره فعالیت آنها پیش آید، از دیوان مزبور رأی مشورتی بخواهند.

فصل پانزدهم

دبیرخانه

(ماده ۹۷)

دبیرخانه مرکب است از رئیس کل دبیرخانه و کارمندانی که برای سازمان ضروری باشند. رئیس کل دبیرخانه را مجمع عمومی بنابه توصیه شورای امنیت معین می کند. مشارالیه عالی مقام ترین کارمند سازمان می باشد.

(ماده ۹۸)

رئیس کل دبیرخانه بدین سمت در تمام جلسات مجمع عمومی و شورای امنیت اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت ایفای وظیفه می کند و هر مأموریت دیگری را که از طرف ارکان مزبور به او رجوع شده باشد، انجام می دهد و در مورد فعالیتهای سازمان به مجمع عمومی گزارش سالیانه می دهد.

(ماده ۹۹)

رئیس کل دبیرخانه می تواند در هر امری که به نظر او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد توجه شورای امنیت را جلب کند.

(ماده ۱۰۰)

- ۱- رئیس کل و کارمندان دبیرخانه در انجام وظایف خود از هیچ دولت و هیچ مقام خارج از سازمان دستوری نخواسته و تعلیماتی قبول نخواهند کرد. اشخاص مذکور از هر عملی که با سمت مأموریت بین المللی آنها منافی باشد خودداری کرده و فقط در مقابل سازمان مسئول خواهند بود.
- ۲- هر يك از اعضای سازمان متعهد می شود که جنبه کاملاً و صرفاً بین المللی مشاغل رئیس کل و کارمندان دبیرخانه را محترم شمرده و به هیچ وجه در صدد برنیاید که آنها را در انجام وظایف خود تحت نفوذ قرار دهد.

(ماده ۱۰۱)

- ۱- کارمندان به وسیله رئیس کل دبیرخانه و بر طبق قواعدی که از طرف مجمع عمومی مقرر می شود معین می گردند.
- ۲- کارمندان ویژه ای به طور دائم به شورای اقتصادی و اجتماعی و به شورای قیمومت و در موارد ضروری به سایر مؤسسات سازمان تخصیص خواهند یافت. این کارمندان جزء کارمندان دبیرخانه خواهند بود.
- ۳- نکته اصلی که باید در انتخابات کارمندان و تعیین شرایط استخدامی آنها طرف توجه گردد عبارت است از این که خدمات اشخاصی که دارای عالترین صفات کاردانی و صلاحیت و درستی باشند مورد استفاده سازمان قرار گیرد. اهمیت انتخاب کارمندان بر اساس جغرافیایی حتی المقدور وسیعی نیز، به نحو شایسته طرف توجه واقع خواهد شد.

فصل شانزدهم

مقررات مختلف

(ماده ۱۰۲)

- ۱- هر عهدنامه یا قرارداد بین المللی که پس از لازم الاجرا شدن این منشور به وسیله یکی از اعضای ملل متحد منعقد گردد باید هرچه زودتر به وسیله دبیرخانه ثبت و منتشر شود.

۲- هیچ يك از طرف های يك عهد نامه یا قرارداد بین المللی که بر طبق مقررات فقره اول این ماده به ثبت نرسیده باشد، نمی تواند در محضر ارکان یا مؤسسات سازمان به آن عهدنامه یا قرارداد استفاده کند.

(ماده ۱۰۳)

در صورت اختلاف بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق قراردادهای بین المللی دیگر تعهدات اولی اولویت خواهند داشت.

(ماده ۱۰۴)

سازمان در خاك هر يك از اعضای خود دارای اهلیت قضایی خواهد بود که برای انجام مشاغل و رسیدن به مقاصد او لازم می باشد.

(ماده ۱۰۵)

- ۱- سازمان در خاك هر يك از اعضای خود دارای مزایا و مصونیهایی خواهد بود که برای رسیدن به مقاصد او لازم می باشد.
- ۲- نمایندگان اعضای ملل متحد و کارمندان سازمان نیز دارای مزایا و مصونیهای لازم خواهند بود تا مشاغلی را که مربوط به سازمان است بتوانند با نهایت استقلال انجام دهند.
- ۳- مجمع عمومی می تواند به منظور تعیین جزییات اجرای دو فقره اول و دوم این ماده به اعضای ملل متحد توصیه هایی بنماید و یا با آنها قراردادهایی منعقد نماید.

فصل هفدهم

مقررات موقت راجع به امنیت

(ماده ۱۰۶)

تا موقع لازم الاجرا شدن قراردادهای خصوصی مذکور در ماده ۴۳ که

شورای امنیت را بنابه تشخیص خود برای تقبل مسئولیتهایی که به موجب ماده ۴۲ به عهده گرفته است، مجاز و آماده می نماید، دولتهای امضا کننده اعلامیه چهار ملت که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو به امضا رسیده و دولت فرانسه بین خود و در صورت لزوم با سایر اعضای سازمان بر طبق مقررات فقره پنجم اعلامیه مزبور توافق حاصل خواهند کرد تا به نام ملل متحد، عملیاتی را که ممکن است برای حفظ صلح و امنیت بین المللی لازم باشد، مشترکاً انجام دهند.

(ماده ۱۰۷)

هیچ يك از مقررات این منشور مانع عملیات و یا مؤثر در عملیاتی نخواهد بود که در دنباله دومین جنگ جهانی به وسیله دولتهایی که مسئولیت این عملیات را دارند در قبال یکی از دولتهایی که در جنگ مزبور دشمن یکی از امضا کنندگان این منشور بوده است مجاز یا معمول گردد.

فصل هیجدهم

اصلاحات

(ماده ۱۰۸)

اصلاحات در این منشور هنگامی برای تمام اعضای ملل متحد لازم الاجرا خواهد بود که به اکثریت دو سوم اعضای مجمع عمومی قبول شده و از طرف دو سوم اعضای سازمان بر طبق مقررات قوانین اساسی هر کدام از آنها به تصویب برسد. دو سوم اخیر باید شامل اعضای دایم شورای امنیت نیز باشند.

(ماده ۱۰۹)

۱- برای تجدید نظر در این منشور ممکن است در محل و در تاریخی که مجمع عمومی به اکثریت دوثلث آرا و شورای امنیت به اکثریت هفت رأی عادی معین می نمایند، کنفرانسی تشکیل گردد؛ در این کنفرانس هر عضو سازمان دارای يك رأی خواهد بود.

۲- هر تغییر در این منشور که کنفرانس آن را با اکثریت دوسوم آرا توصیه نماید، وقتی لازم الاجرا خواهد شد که دوسوم از اعضای ملل متحد که شامل تمام اعضای دایم شورای امنیت نیز باشد، آن را بر طبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند.

۳- هر گاه این کنفرانس قبل از دهمین دوره اجلاسیه سالیانه مجمع عمومی منعقد نشود، طرحی راجع به تشکیل آن در دستور دهمین دوره اجلاسیه گذاشته خواهد شد و اگر طرح مزبور در مجمع عمومی به اکثریت آرا و در شورای امنیت با اکثریت هفت رأی عادی تصویب گردید، کنفرانس مزبور منعقد خواهد شد.

فصل نوزدهم

تصویب و امضا

(ماده ۱۱۰)

۱- این منشور بر طبق قوانین اساسی هر يك از دولتهای امضا کننده به تصویب خواهد رسید.

۲- اسناد تصویب به دولت ایالات متحده آمریکا تسلیم شده و دولت نامبرده هر تسلیمی را به تمام دولتهای امضا کننده و همچنین به رئیس کل دبیرخانه سازمان پس از تعیین وی ابلاغ خواهد نمود.

۳- این منشور پس از آن که دولت جمهوری چین و فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و کشورهای متحده آمریکا و همچنین اکثریت سایر دولتهای امضا کننده اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند، لازم الاجرا خواهد بود.

کشورهای متحده آمریکا از تسلیم اسناد تصویب، صورت مجلسی تهیه و رونوشت آنرا به تمام دولتهای امضا کننده منشور ابلاغ خواهد نمود.

۴- دولتهای امضا کننده این منشور که آن را پس از لازم الاجرا شدن تصویب می نمایند، از تاریخ تسلیم سند تصویب خود، عضو اصلی ملل متحد محسوب خواهند شد.

(ماده ۱۱۱)

این منشور که نسخه‌های چینی و فرانسوی و روسی و انگلیسی و اسپانیولی آن دارای اعتبار متساوی می‌باشند، در بایگانی کشورهای متحده آمریکا نگهداری شده و دولت مزبور رونوشت مصدق آن را به دولتهای سایر کشورهای امضا کننده خواهد داد.

بنابر این، نمایندگان دولتهای ملل متحد، این منشور را امضا نمودند.

در سان فرانسیسکو

به تاریخ بیست و ششم ژوئن هزار و نهصد و چهل و پنج تحریر یافت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقدمه

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد،

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان وعقیده، آزاد واز ترس و فقر، فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است،

از آنجا که اساساً انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد،
از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد،

از آنجا که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام وارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور، اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی، کمک کنند و در محیطی آزاد، وضع زندگی بهتری به وجود آورند،

از آنجا که دول عضو، متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی

حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند، از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد، کمال اهمیت را دارد،

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل، اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع، این اعلامیه را دائماً در مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها می باشند، تأمین گردد.

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲

هرکس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادیهایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد.

به علاوه، هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴

احدی را نمی توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده ۵

احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده ۶

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان يك انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده ۷

همه در برابر قانون، مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و یکسان از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند.

ماده ۸

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالح را دارد.

ماده ۹

احدی نمی تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید بشود.

ماده ۱۰

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشند، اتخاذ تصمیم بنماید.

ماده ۱۱

۱- هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد، بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان يك دعوی عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

۲- هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است،

محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت در باره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۳

۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.
۲- هر کس حق دارد هر کشور و از جمله کشور خود را ترك کند یا به کشور خود بازگردد.

ماده ۱۴

۱- هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.
۲- در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی توان از این حق استفاده نمود.

ماده ۱۵

۱- هر کس حق دارد، که دارای تابعیت باشد.
۲- احدی را نمی توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ۱۶

۱- هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می باشند.

- ۲- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.
- ۳- خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

ماده ۱۷

- ۱- هر شخص، منفرداً یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد.
- ۲- احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده ۱۸

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

ماده ۱۹

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده ۲۰

- ۱- هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز تشکیل دهد.
- ۲- هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

ماده ۲۱

- ۱- هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.
- ۲- هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳- اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری، صورت

پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا
طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

ماده ۲۲

هر کس به عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است
به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی
و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت
تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

ماده ۲۳

۱- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط
منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بی کاری
مورد حمایت قرار گیرد.

۲- همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت
مساوی دریافت دارند.

۳- هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق
می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را
در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

۴- هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل
دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

ماده ۲۴

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص به محدودیت
معقول ساعات کار و مرخصیهای ادواری، با اخذ حقوق ذیحق می باشد.

ماده ۲۵

۱- هر کس حق دارد که سطح زندگانی او، سلامتی و رفاه خود
و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم
اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بی کاری، بیماری،
نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده
انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی
برخوردار شود.

۲- مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۲۶

۱- هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لا اقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

۲- آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حداکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

۳- پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۷

۱- هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲- هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۲۸

۱- هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است، تأمین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

ماده ۲۹

۱- هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد، که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

۲- هر کس در اجرای حقوق استفاده از آزادیهای خود، فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط يك جامعه دموکراتيك وضع گردیده است.

۳- این حقوق و آزادیها، در هیچ موردی نمی تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۳۰

هیچ يك از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر يك از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیتی بنماید.

(اعلامیه جهانی حقوق بشر در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید).

تاریخ قرارداد: ۹ دسامبر ۱۹۴۸
تاریخ تصویب ایران: ۳۰ آذر ۱۳۳۴

قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید)

مجمع عمومی، متن قرارداد ضمیمه مربوط به جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) را تصویب و به موجب ماده ۱۱ همان قرارداد، آن را برای امضا و تصویب والحاق در دسترس دولت می گذارد. قرارداد برای جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید):

طرفهای متعاقد با در نظر گرفتن این که مجمع عمومی سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره (۱) ۸۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین المللی ارتکاب می شود و بر خلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می کند و با اذعان اینکه در تمام دوره های تاریخ، این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلیه وحشتناک، همکاری بین المللی ضرورت دارد، در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده اول - طرفهای متعاقد تصدیق و تأیید می کنند که (ژنوسید) اعم از این که در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین المللی، جنایت محسوب می شود و تعهد می کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

ماده دوم - در قرارداد فعلی مفهوم کلمه (ژنوسید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا قسمتی از گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

- ۱- قتل اعضای آن گروه.
- ۲- صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.
- ۳- قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزیی آن بشود.
- ۴- اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد.

۵- انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.

ماده سوم - اعمال ذیل مجازات خواهد شد:

- ۱- (ژنوسید) کشتار جمعی.
 - ۲- تبانی به منظور ارتکاب ژنوسید.
 - ۳- تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید.
 - ۴- شروع به ارتکاب به ژنوسید.
 - ۵- شرکت در جرم ژنوسید.
- ماده چهارم - اشخاصی که مرتکب ژنوسید و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند، اعم از این که اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد.

ماده پنجم - طرفهای متعاقد ملتزم می شوند که بر طبق قوانین اساسی مربوط خود، تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات این قرارداد پیگیری نمایند. و مخصوصاً کیفرهای مؤثر در باره مرتکبان ژنوسید، یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده ششم - اشخاص متهم به ارتکاب ژنوسید یا یکی از اعمال دیگر مشروحه در ماده سه به دادگاههای صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین المللی که طرفهای متعاقد صلاحیت آن را شناخته باشند، جلب خواهند شد.

ماده هفتم - عمل ژنوسید و اعمال دیگر مذکوره در ماده ۳ از لحاظ

استرداد مجرمین جرم سیاسی محسوب نمی شود. در این قبیل موارد طرفهای متعاقد تعهد می کنند طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجود استرداد موافقت نمایند.

ماده هشتم - هر يك از متعاهدان می تواند از مراجع صلاحیتدار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد.

ماده نهم - اختلافات حاصل میان متعاهدان در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد، من جمله اختلافات راجع به مسئولیت يك دولت در مورد عمل ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین المللی دادگستری رجوع می شود.

ماده دهم - این قرارداد که متنهای چینی و انگلیسی و فرانسه و روسی و اسپانیولی آن یکسان معتبر شناخته می شود، تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ را خواهد داشت.

ماده یازدهم - این قرارداد تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضای اعضای سازمان ملل متحد و هر دولت غیر عضوی که مجمع عمومی در این خصوص از آن دعوت کرده باشد، آماده خواهد بود. این قرارداد به تصویب رسیده و نسخ مصوب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل یا هر دولت غیر عضو که به شرح بالا از آن دعوت شده باشد می تواند به این قرارداد ملحق شود.

اسناد الحاق نیز به دبیرخانه کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید. ماده دوازدهم - هر دولت متعاهدی در هر موقع می تواند با اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد، مقررات این قرارداد را به کشورهای یا يك کشوری که امور خارجی مربوط به آن را عهده دار است، شامل نماید.

ماده سیزدهم - همین که بیست سند تصویب یا اسناد الحاق به دبیر کل سازمان برسد، صورت مجلسی در این باب از طرف او تنظیم شده و رونوشت آن صورت مجلس را برای تمام اعضای ملل متحد و دول غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ خواهد فرستاد.

این قرارداد پس از نود روز از تاریخ تسلیم بیستمین سند مصوب یا اسناد الحاق، به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

هر تصویب یا الحاقی که بعد از آن تاریخ صورت گیرد، نود روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق معتبر خواهد بود.

ماده چهاردهم - مدت قرارداد از تاریخ اجرای آن ده سال خواهد بود. پس از پایان مدت مزبور نیز مادام که طرفهای متعاقد لا اقل شش ماه قبل از انقضا آن را فسخ ننموده اند پنج سال خود بخود تمدید خواهد شد. فسخ قرارداد مزبور کتباً اعلام و به عنوان دبیرکل سازمان متحد ارسال خواهد گردید.

ماده پانزدهم - هرگاه بر اثر فسخ این قرارداد عده متعاهدان به کمتر از شانزده برسد، قرارداد مزبور از تاریخ آخرین اعلام فسخ و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

ماده شانزدهم - هر يك از متعاهدان در هر موقع حق دارد به وسیله اعلام کتبی به دبیر کل سازمان ملل متحد تجدید نظر در این قرارداد را تقاضا نماید.

مجمع عمومی در باره این تقاضا به نحو مقتضی تدابیر لازم را پیگیری خواهد کرد.

ماده هفدهم - دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ذیل را به کشورهای عضو سازمان و دولتهای غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ اعلام خواهد کرد. الف - امضاها و تصویبها و الحاقهایی که به منظور اجرای ماده ۱۱ به دبیر کل واصل گردد.

ب - اعلام هایی که در اجرای ماده ۱۲ می رسد.

پ - تاریخی که این قرارداد به موجب ماده ۱۳ به موقع اجرا گذارده می شود.

ت - اعلام فسخ قرارداد به موجب ماده ۱۴.

ث - الغای قرارداد به موجب ماده ۱۵.

ج - اعلامهایی که به موجب ماده ۱۶ دریافت گردد.

ماده هجدهم - نسخه اصلی این قرارداد در بایگانی سازمان ملل متحد

ضبط خواهد گردید يك نسخه مصدق برای هر يك از اعضای سازمان ملل متحد و دول غیر مذکور در ماده ۱۱ فرستاده خواهد شد.

ماده نوزدهم - این قرارداد از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ اجرا به ثبت خواهد رسید.

تاریخ قرارداد: پنجم اوت ۱۹۶۳
الحاق ایران: ۱۷ مرداد ۱۳۴۲

قرارداد منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای

دولتهای ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که از این پس طرفهای اصلی قرارداد نامیده می شوند .
با اعلام این که منظور اصلی آنها این است که در اسرع اوقات درباره خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت دقیق بین المللی ، طبق هدفهای ملل متحد توافق کنند و این توافق به مسابقه تسلیحاتی پایان بدهد و هر گونه انگیزه تولید و آزمایش هر نوع اسلحه از جمله سلاحهای هسته‌ای را از میان بردارد .
با کوشش برای توفیق در متوقف ساختن تمام انفجارهای آزمایشی اسلحه هسته‌ای برای همیشه و با عزم به ادامه مذاکرات برای این منظور و با میل به پایان بخشیدن به آلودگی محیط زندگی بشر به وسیله مواد رادیواکتیو .
به طریق ذیل توافق نمودند :

ماده اول - ۱ - هر يك از دول طرف این قرارداد تعهد می کند که هر نوع انفجار آزمایشی سلاح هسته‌ای یا هر گونه انفجار هسته‌ای دیگر را در هر نقطه‌ای از قلمرو یا تحت نظارت خود به شرح زیر ممنوع ساخته ، از آن جلوگیری نماید و خود نیز بدان مبادرت نورزد :

الف - در جو و در خارج از حدود جو از جمله فضای ماورای جو یا زیر آب از جمله آبهای ساحلی یا دریای آزاد یا

ب- در هر مکان دیگری، در صورتی که چنین انفجاری باعث ایجاد مواد رادیواکتیو در خارج از حدود اراضی دولتی گردد، که این انفجار تحت اداره یا نظارت آن انجام گرفته است. در این باره تفاهم حاصل شده است که مقررات مندرج در این بند مانع انعقاد قراردادی درباره ممنوعیت دایم هرگونه انفجارهای آزمایشی هسته‌ای از جمله کلیه این گونه انفجارهای زیرزمینی نخواهد بود.

انعقاد چنین قراردادی همان طور که در مقدمه این قرارداد ذکر شده منظوری است که طرفهای امضاکننده این قرارداد برای نیل به آن سعی و مجاهدت می کنند.

۲- هر يك از دول طرف این قرارداد علاوه بر آن متعهد می شود که از برانگیختن یا تشویق یا هر نوع شرکت در انجام هرگونه آزمایش سلاح هسته‌ای یا هرگونه انفجار اتمی که در نقاط مذکور در بالا به وقوع پیوندد یا اثرات مذکور در بند يك این ماده را داشته باشد، خودداری نمایند.

ماده دوم- ۱- هر يك از دول طرف قرارداد می تواند پیشنهاد اصلاحاتی در این قرارداد بنماید. متن هرگونه پیشنهاد اصلاحی به دول نگهدارنده اسناد تسلیم می شود و این دول آن را به اطلاع تمام امضاکنندگان می رساند. در صورتی که يك سوم از طرفهای این قرارداد یا عده بیشتری از آنها تقاضا نمایند، دول نگهدارنده اسناد از تمام دول امضاکننده دعوت خواهند کرد تا در کنفرانسی برای مطالعه این پیشنهاد اصلاحی گرد آیند.

۲- هر پیشنهاد اصلاحی باید به تصویب اکثریت آرای تمام طرفهای این قرارداد از جمله آرای طرفهای اصلی این قرارداد برسد. پیشنهاد اصلاحی به محض این که اسناد تصویب آن از جانب اکثریت دول متعاقد - من جمله همه طرفهای اصلی این قرارداد تسلیم شد، به مرحله اجرا درخواهد آمد.

ماده سوم- ۱- این قرارداد برای امضای هر دولتی مفتوح است. هر دولتی که این قرارداد را بر طبق بند ۳ این ماده قبل از ورود به مرحله اجرا امضا نکرده باشد، می تواند هر موقع مایل باشد بدان ملحق گردد.

۲- این قرارداد باید به تصویب دول امضاکننده برسد. اسناد تصویب

واسناد الحاق به این قرارداد به طرفهای اصلی یعنی - ایالات متحده آمریکا - بریتانیا و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - که در این قرارداد به عنوان دول نگهدارنده اسناد تعیین شده‌اند، تسلیم خواهد شد.

۳- این قرارداد پس از تصویب آن به وسیله طرفهای اصلی امضاکننده و پس از تسلیم اسناد تصویب به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۴- این قرارداد در مورد دولی که اسناد تصویب یا الحاق آنها بعد از الزام آور شدن قرارداد تسلیم می شود، از همان روز تسلیم اسناد تصویب یا الحاق به موقع اجرا در خواهد آمد.

۵- دول نگهدارنده اسناد، تاریخ امضا و تاریخ تسلیم اسناد تصویب و الحاق به این قرارداد و تاریخ لازم الاجرا شدن آن و تاریخ دریافت هرگونه درخواست تشکیل کنفرانس یا اختراهای دیگر را فوراً به اطلاع تمام دولی که بعداً آن را امضا کرده‌اند یا بدان ملحق شده‌اند، می رسانند.

۶- این قرارداد به وسیله دول نگهدارنده اسناد بر طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ماده چهارم - مدت این قرارداد نامحدود است. هر يك از طرفهای این قرارداد در اعمال حاکمیت ملی خود چنانچه تصمیم بگیرد که حوادث فوق العاده‌ای که بستگی به موضوع قرارداد دارد منافع عالی کشورش را به خطر انداخته است، حق خواهد داشت از این قرارداد خارج شود. در این صورت دول مذکور باید سه ماه قبل از خروج، موضوع را به سایر طرفهای این قرارداد اخطار نمایند.

ماده پنجم - این قرارداد که متنهای انگلیسی و روسی آن یکسان معتبر می باشد، در بایگانی دول نگهدارنده اسناد ضبط خواهد شد. رونوشتهای گواهی شده‌ای از آن به وسیله دول نگهدارنده اسناد به دول امضاکننده ودولی که بدان ملحق شده‌اند، فرستاده خواهد شد.

نمایندگان مجاز، با ایمان به مراتب فوق، این قرارداد را در سه نسخه در شهر مسکو در تاریخ پنجم اوت ۱۹۶۳ امضا نمودند.

محل سه امضا

قطعه نامه تعریف تجاوز

تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴
رای: بدون رأی گیری (اجماع).
جلسه: ۲۳۱۹
گزارش: A/9890

قطعه نامه (XXIX) 3314

مجمع عمومی
با بررسی گزارش مربوط به کار هفتمین اجلاس، از ۱۱ مارس تا ۱۲ آوریل ۱۹۷۴ کمیته ویژه مسأله تعریف تجاوز، تشکیل شده بر اساس قطعه نامه (XXII) 2230 به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۷ که طرح تعریف تجاوز، مصوب کمیته ویژه به صورت اجماع، و توصیه شده برای قبول مجمع عمومی را در بر می گیرد.
با اعتقاد راسخ به این که قبول تعریف تجاوز در تقویت صلح و امنیت بین المللی سهم است.
۱- تعریف تجاوز را، که متن آن ضمیمه قطعه نامه حاضر است، تصویب می کند؛
۲- قدردانی خود را از کار کمیته ویژه تعریف تجاوز، که به تنظیم تعریف تجاوز انجامید، ابراز می دارد؛
۳- از همه دولتها می خواهد از هرگونه اقدامات تجاوز کارانه و دیگر

کاربردهای زور، مغایر با منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها، طبق منشور ملل متحد خودداری کنند؛

۴- توجه شورای امنیت را به تعریف تجاوز، آن طور که در زیر آمده است، جلب می‌کند و به آن توصیه می‌نماید که به نحو مقتضی این تعریف را به مثابه راهنمای احراز وجود اقدامی تجاوزکارانه، طبق منشور، در نظر بگیرد.

ضمیمه

تعریف تجاوز

مجمع عمومی،

با استناد به این واقعیت که یکی از مقاصد اساسی ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین المللی و اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن اقدامات تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح است،

با خاطرنشان ساختن این که شورای امنیت، طبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد، وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه را احراز و توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم خواهد گرفت که چه اقداماتی طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی در پیش گرفته شوند،

همچنین با خاطرنشان ساختن وظیفه دولت‌ها که طبق منشور باید اختلافات بین المللی خود را از راه مسالمت آمیز حل کنند تا صلح، امنیت، و عدالت بین المللی به خطر نیفتد،

با در نظر داشتن این که در این تعریف هیچ نکته‌ای نباید چنان تفسیر شود که بر دامنه شمول مفاد منشور در مورد وظایف و اختیارات ارکان ملل متحد اثر گذارد،

همچنین با توجه به این که تجاوز، که جدیترین و خطرناکترین شکل

کاربرد غیر قانونی زور در شرایط برخاسته از وجود انواع سلاح‌های دارای قدرت انهدام گسترده، در بردارنده تهدید احتمالی يك برخورد جهانی با همه نتایج مصیبت بارش است، باید در مرحله فعلی مورد تعریف قرار گیرد،

با تأیید مجدد وظیفه دولتها در خودداری از کاربرد زور برای محروم کردن ملتها از حق تعیین سرنوشت، آزادی، واستقلالشان، یا برای نقض تمامیت ارضی،

همچنین با تأیید مجدد این که سرزمین يك دولت نباید از راه اشغال نظامی، هرچند موقت، یا اقدامات قهرآمیز دولتی دیگر با نقض منشور مورد تعرض قرار گیرد، و این که آن سرزمین نباید در نتیجه این اقدامات یا تهدید به آنها به تصرف دولت دیگر درآید،

همچنین با تأیید مجدد مفاد اعلامیه اصول حقوق بین الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولتها طبق منشور ملل متحد،

با اعتقاد به این که قبول تعریف تجاوز اثری بازدارنده بر متجاوز بالقوه دارد، احراز اقدامات تجاوزکارانه و عملی کردن اقدامات سرکوب کننده آنها را آسان می گردانند، و همچنین حفظ منافع قانونی و حقوق قربانی تجاوز و رساندن کمک به آن راتسهیل می کند،

با ایمان به این که، گرچه مسأله وقوع اقدامی تجاوزکارانه باید با توجه به شرایط ویژه هر مورد بررسی شود، با این حال تنظیم اصول اساسی به عنوان راهنمای احراز چنین اقدامی مطلوب است،
تعریف زیر از تجاوز را قبول می کند:

ماده ۱- تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط يك دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، یا استقلال سیاسی دولتی دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آن چنان که در این تعریف آمده است.

یادداشت توضیحی: در این تعریف واژه «دولت»:

الف - بی توجه به مسایل شناسایی، یا این که دولتی عضو ملل متحد است یا نه، به کاربرده شده است.

- ب - در صورت اقتضا مفهوم «گروه دولتها» را در بر دارد.
- ماده ۲ - پیش دستی يك دولت در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد، گرچه شورای امنیت طبق منشور می تواند نتیجه بگیرد که احراز وقوع تجاوز با توجه به دیگر شرایط مربوط از جمله کافی نبودن شدت اقدامات به عمل آمده یا نتایج آنها، قابل توجیه نیست.
- ماده ۳ - هر يك از اقدامات زیر، بدون توجه به اعلان جنگ، با در نظر گرفتن و طبق مفاد ماده ۲، کیفیت اقدام تجاوزکارانه خواهند یافت:
- الف - تهاجم، یا حمله نیروهای مسلح يك دولت به سرزمین دولتی دیگر، یا هرگونه اشغال نظامی، هرچند موقت، ناشی از چنان تهاجم یا حمله ای، یا هرگونه ضمیمه سازی سرزمین يك دولت یا قسمتی از آن با استفاده از زور،
- ب - بمباران سرزمین يك دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر، یا کاربرد هر نوع سلاح توسط يك دولت علیه سرزمین دولتی دیگر،
- پ - محاصره بندرها یا سواحل يك دولت توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر،
- ت - حمله نیروهای مسلح يك دولت به نیروهای زمینی، دریایی، یا هوایی، یا ناوگانهای هوایی و دریایی دولتی دیگر،
- ث - استفاده يك دولت از نیروهای مسلح مغایر با شرایط مورد توافق با دولتی دیگر که در سرزمین آن مستقر شده اند یا ادامه حضور آن نیروها در این سرزمین پس از پایان مدت مورد توافق،
- ج - اجازه يك دولت برای استفاده از سرزمینش، که در اختیار دولتی دیگر قرار داده، به منظور انجام اقدامی تجاوزکارانه علیه دولتی ثالث،
- ج - اعزام دسته ها، گروه ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب يك دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر با آن چنان شدتی که در زمره اقدامات فهرست شده بالا قرار گیرند، یا درگیر شدن قابل ملاحظه دولت مزبور در آن عملیات.
- ماده ۴ - اقدامات برشمرده بالا در بر گیرنده همه موارد نیستند و شورای

امنیت می تواند اقدامات دیگری را احراز کند که طبق مفاد منشور تجاوز به شمار می روند.

ماده ۵ - ۱) - هیچ ملاحظه‌ای، با ماهیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره نمی تواند توجیه کننده تجاوز باشد.

۲) - جنگ تجاوزکارانه، جنایتی علیه صلح بین المللی است. تجاوز موجب مسؤولیت بین المللی می شود.

۳) - هیچ گونه تصرف ارضی یا امتیاز ویژه ناشی از تجاوز قانونی، شناخته نشده و نخواهد شد.

ماده ۶ - در این تعریف هیچ نکته‌ای نباید چنان تفسیر شود که دامنه منشور از مقررات مربوط به کاربرد قانونی زور را گسترش دهد یا محدود کند.

ماده ۷ - به حق ملتها، به ویژه ملتهای زیر سلطه رژیمهای استعماری و نژادپرست یا دیگر شکل‌های تسلط بیگانه، که به زور از حق تعیین سرنوشت، آزادی، استقلال، ناشی از منشور، محروم شده‌اند و اعلامیه اصول حقوق بین الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان ملتها طبق منشور ملل متحد، به آن اشاره کرده است، و نیز به حق این ملت‌ها برای مبارزه در راه رسیدن به آن هدفها، و درخواست و دریافت پشتیبانی طبق اصول منشور ملل متحد و مطابق با اعلامیه بالا، هیچ نکته‌ای در این تعریف، و به ویژه ماده ۳، نباید لطمه‌ای وارد آورد.

ماده ۸ - مقررات بالا در تفسیر و اجرا پیوند دارند و هر يك از آنها باید در چارچوب دیگر مقررات تفسیر شوند.

این کنوانسیون از تاریخ ۱۴ اسفند ماه
۱۳۴۳ (۵ مارس ۱۹۶۵) در مورد ایران
لازم الاجرا است

کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک

دول طرف کنوانسیون حاضر:

با تذکار این معنی که مردم همه کشورها از دیرباز قایل به نظامات خاصی در مورد نمایندگان دیپلماتیک می باشند، و با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد در باره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملل،
با اعتقاد به این که يك کنوانسیون بین المللی در باره روابط و مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها هرچند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد مؤثر خواهد بود،

با اذعان به این که منظور از مزایا و مصونیت‌های مذکور فوق، منتفع

ساختن افراد نیست بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولتها می باشد،
با تأکید این نکته که در مورد مسایلی که ضمن مقررات این کنوانسیون صریحاً تعیین تکلیف نشده است، قواعد و عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود،
نسبت به مواد زیر توافق نمودند:

ماده ۱

در این کنوانسیون معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که ذیلأ تصریح شده است:

الف - اصطلاح «رییس مأموریت» یعنی شخصی که از طرف دولت فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می شود.

ب - اصطلاح «اعضای مأموریت» یعنی رییس مأموریت و کارمندان مأموریت.

ج - اصطلاح «کارمندان مأموریت» یعنی «کارمندان دیپلماتیک»، کارمندان اداری و فنی «خدمه مأموریت».

د - اصطلاح «کارمندان دیپلماتیک» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت دیپلماتیک می باشند.

ه - اصطلاح «مأمور دیپلماتیک» یعنی رییس مأموریت یا یکی از کارمندان دیپلماتیک مأموریت.

و - اصطلاح «کارمندان اداری و فنی» یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که به امور اداری و فنی اشتغال دارند.

ز - اصطلاح «خدمه» یعنی آن دسته از کارکنان مأموریت که به امور خانگی اشتغال دارند.

ح - اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای مأموریت بوده و مستخدم دولت فرستنده نمی باشند.

ط - اصطلاح «اماکن مأموریت» یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد، برای انجام مقاصد مأموریت از جمله برای محل اقامت رییس مأموریت مورد استفاده قرار می گیرد.

ماده ۲

استقرار روابط دیپلماتیک بین دول واعزام مأموریت‌های دیپلماتیک دایم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.

ماده ۳

- ۱- وظایف مأموریت دیپلماتیک بالاًخص عبارت است از:
 - الف - نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده.
 - ب - حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است.
 - ج - مذاکره با حکومت دولت پذیرنده.
 - د - استحضار از اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده با استفاده از تمام وسایل مشروع و گزارش آن به حکومت دولت فرستنده.
 - هـ - بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده.

۲ - هیچ يك از مقررات این کنوانسیون نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنسولی به وسیله يك مأموریت دیپلماتیک گردد.

ماده ۴

- ۱- دولت فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده به عنوان رئیس مأموریت - از طرف دولت پذیرش داده شده است.
- ۲- دولت پذیرنده ملزم نیست دلایل امتناع از صدور پذیرش را به اطلاع دولت فرستنده برساند.

ماده ۵

- ۱- دولت فرستنده می‌تواند پس از اعلام رسمی به دول ذینفع، يك رئیس مأموریت را برای نمایندگی خود نزد چند دولت و همچنین یکی از کارمندان دیپلماتیک خود را جهت انجام وظایف مربوط نزد دولتهای متعدد بگمارد مگر آن که یکی از آن دولتها صریحاً با این امر مخالفت ورزد.
- ۲- دولت فرستنده در صورتی که نمایندگی خود را نزد يك یا چند دولت به يك رئیس مأموریت محول کند، می‌تواند در هر يك از دولتهای که رئیس مأموریت در آنجا اقامت دایم ندارد، يك مأموریت دیپلماتیک زیر نظر يك

کاردار موقت تأسیس نماید.

۳- يك رييس مأموریت یا يك کارمند ديپلماتيك مأموریت می تواند عهده‌دار نمایندگی دولت فرستنده نزد هر سازمان بین المللی باشد.

ماده ۶

چند دولت می توانند در آن واحد يك نفر را به عنوان رييس مأموریت نزد دولت دیگری تعیین نمایند - مگر آن که دولت پذیرنده مخالف این امر باشد.

ماده ۷

دولت فرستنده با توجه به مقررات مواد ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ در انتخاب کارمندان مأموریت آزاد است. دولت پذیرنده می تواند نام وابسته‌های نظامی و دریایی یا هوایی را قبلاً برای تصویب بخواهد.

ماده ۸

۱- کارمندان ديپلماتيك مأموریت، علی الاصول تابعیت دولت فرستنده را خواهند داشت.

۲- کارمندان ديپلماتيك مأموریت را نمی توان جز با رضایت دولت پذیرنده از میان اتباع آن دولت انتخاب کرد. دولت پذیرنده می تواند در هر موقع رضایت خود را پس بگیرد.

۳- دولت پذیرنده می تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند برای خود حفظ کند.

ماده ۹

۱- دولت پذیرنده می تواند هر آن و بی آن که التزامی به توجیه تصمیم خود داشته باشد به دولت فرستنده اطلاع دهد که رييس یا هر يك از اعضای ديپلماتيك مأموریت «شخص نامطلوب» است و یا آن که هر کارمند دیگر مأموریت قابل قبول نیست. در این صورت دولت فرستنده، آن شخص را بر حسب مورد فراخواهد خواند و یا به خدمت وی در مأموریت پایان خواهد داد. شخص را می توان قبل از ورود به خاک دولت پذیرنده «نامطلوب» یا «غیر قابل قبول» اعلام نمود.

۲- اگر دولت فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع

ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد - دولت پذیرنده می تواند از شناختن شخص مورد بحث به سمت عضو مأموریت خودداری کند.

ماده ۱۰

۱- مراتب زیر به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده و یا به وزارتخانه دیگری که مقرر شده باشد اعلام خواهد گشت:

الف - انتخاب اعضای مأموریت ورود یا عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنان.

ب - ورود و عزیمت قطعی شخصی که از افراد خانواده یکی از اعضای مأموریت است، و در صورت لزوم اعلام این که شخصی در شمار افراد خانواده یکی از اعضای مأموریت در آمده و یا از آن خارج شده است.

ج - ورود و عزیمت قطعی خدمتکاران شخصی که در خدمت اشخاص مورد نظر بند (الف) این ماده می باشند و در صورت لزوم اعلام این که این خدمتکاران خدمت اشخاص یاد شده را ترك می نمایند.

د - استخدام اشخاص مقیم کشور پذیرنده به عنوان اعضای مأموریت یا خدمتکاران شخصی که از مزایا و مصونیتها برخوردارند، و برکناری آنان.

۲- هر بار که ممکن باشد ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز باید قبلاً اعلام گردد.

ماده ۱۱

۱- در صورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد افراد مأموریت - دولت پذیرنده می تواند خواستار شود که تعداد این افراد با توجه به مقتضیات و اوضاع دولت پذیرنده و با توجه به نیازمندیهای مأموریت از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می کند، تجاوز ننماید.

۲- دولت پذیرنده همچنین می تواند در همان حدود و بدون تبعیض از پذیرفتن نوع معینی از کارمندان خودداری نماید.

ماده ۱۲

دولت فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح و قبلی دولت پذیرنده در محلی غیر از محل استقرار مأموریت - دفتر دیگری متعلق به مأموریت برقرار

نماید.

ماده ۱۳

۱- تاریخ شروع وعهده‌دار شدن وظایف رییس مأموریت در دولت پذیرنده از زمانی تلقی می‌گردد که استوارنامه خود را تقدیم می‌کند - یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت استوارنامه به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است با در نظر گرفتن رویه موجود در دولت پذیرنده که باید به نحویکنواختی اعمال شود، اعلام می‌نماید.

ترتیب تقدیم استوارنامه رونوشت آن با توجه به تاریخ روز وساعت ورود رییس مأموریت تعیین می‌گردد.

ماده ۱۴

۱- روسای مأموریت به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

الف - سفیران دول و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد روسای دول مأموریت می‌یابند و سایر روسای مأموریت که هم مقام آنان می‌باشند.

ب - فرستادگان و وزیران مختار دول و نمایندگان پاپ (انترنونس) که نزد روسای دول مأموریت می‌یابند.

ج - کاردارها که نزد وزرای امور خارجه مأموریت می‌یابند.

۲- جز از نظر تقدم در حضور و تشریفات، هیچ گونه فرقی بین روسای مأموریتها از لحاظ طبقه وجود نخواهد داشت.

ماده ۱۵

دولتها درباره طبقه روسای مأموریت خود با یکدیگر توافق خواهند کرد.

ماده ۱۶

۱- حق تقدم روسای مأموریت در هر طبقه بر حسب روز وساعتی که وظایف خود را به موجب ماده ۱۳ آغاز می‌کنند، خواهند بود.

۲- تغییرات منظور شده در استوارنامه يك رییس مأموریت تا آنجا که طبقه او را عوض نکند، تأثیری در ترتیب تقدم او نخواهد داشت.

۳- مفاد این ماده محل رسومی که نسبت به حق تقدم نماینده پاپ مورد قبول دولت پذیرنده واقع شده یا در آینده خواهد شد، نخواهد بود.

ماده ۱۷

رئیس مأموریت ترتیب تقدم کارمندان دیپلماتیک مأموریت را به وزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر که مقرر است اطلاع خواهد داد.

ماده ۱۸

در هر دولت، تشریفات مربوط به پذیرفتن روسای مأموریت باید در مورد هر طبقه یکسان باشد.

ماده ۱۹

۱- هر گاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی بوده یا رئیس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشد، يك کاردار موقت به عنوان رئیس مأموریت، موقتاً انجام وظیفه خواهد کرد. نام کاردار موقت به وسیله رئیس مأموریت، و در صورتی که رئیس مأموریت معذور باشد از طرف وزارت امور خارجه دولت فرستنده به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به هر وزارتخانه دیگری که مقرر است، اعلام خواهد گشت.

۲- در صورتی که هیچ يك از کارمندان دیپلماتیک مأموریت در دولت پذیرنده حضور نداشته باشند یکی از کارمندان اداری وفنی می تواند از طرف دولت فرستنده با رضایت دولت پذیرنده امور جاری را عهده دار گردد.

ماده ۲۰

مأموریت و رئیس آن حق دارند پرچم و علامت دولت فرستنده را در اماکن مأموریت از جمله در محل اقامت رئیس مأموریت و بر روی وسایط نقلیه وی برافرازند.

ماده ۲۱

۱- دولت پذیرنده باید در حدود قوانین خود موجبات تسهیل تمليك دولت فرستنده را در اماکن مورد احتیاج مأموریت در خاک دولت خود فراهم کند - و یا در تحصیل این مکان از طریق دیگر به دولت فرستنده یاری نماید.

۲- دولت پذیرنده همچنین در صورت لزوم باید مأموریت را در تهیه مسکن مناسب برای کارمندان خودیاری نماید.

ماده ۲۲

۱- اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأموران دولت پذیرنده جز با

رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.

۲- دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد که کلیه تدابیر لازم را به منظور این که اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد، در نظر بگیرد.

۳- اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیای دیگر موجود در آن و همچنین وسایل نقلیه مأموریت، مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی خواهد بود.

ماده ۲۳

۱- دولت فرستنده و رئیس مأموریت، بابت اماکن مأموریت که در مالکیت یا اجاره خود دارد، از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض ملی منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود. مگر آن که دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازای انجام خدمات خاص باشد.

۲- در صورتی که طبق قوانین دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با رئیس مأموریت معامله می کند، معافیت مالیاتی موضوع این ماده منتفی خواهد بود.

ماده ۲۴

بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

ماده ۲۵

دولت پذیرنده، کلیه تسهیلات لازم را برای انجام وظایف مأموریت فراهم خواهد نمود.

ماده ۲۶

دولت پذیرنده، آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای مأموریت را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط در باره مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین می نماید.

ماده ۲۷

۱- دولت پذیرنده، آزادی ارتباطات مأموریت را به منظورهای رسمی

اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت می تواند برای تماس با حکومت و سایر مأموریتها و کنسولگریهای دولت فرستنده در هر جا از تمام وسایل ارتباطی لازم، از جمله پیک دیپلماتیک و پیامهای «کد» و رمز استفاده نماید.

معهدا مأموریت نمی تواند جز با رضایت دولت پذیرنده دستگاه فرستنده رادیویی نصب نموده و مورد استفاده قرار دهد.

۲- مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و انجام وظایف آن می باشد.

۳- کیسه دیپلماتیک نباید باز شده یا توقیف گردد.

۴- بسته‌های جزء کیسه دیپلماتیک باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده - فقط حاوی اسناد دیپلماتیک یا اشیای مورد استعمال رسمی باشد.

۵- پیک دیپلماتیک که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه دیپلماتیک باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.

۶- دولت فرستنده یا مأموریت می تواند پیکهای دیپلماتیک مخصوص منصوب نماید و در این صورت مقررات بند ۵ این ماده و مصونیت‌های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه دیپلماتیک خود را به مقصد می رساند جاری خواهد بود.

۷- کیسه دیپلماتیک را می توان به فرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز، فرود آید، سپرد. فرمانده مزبور که پیک دیپلماتیک تلقی نخواهد شد باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه دیپلماتیک باشد.

مأموریت می تواند یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه دیپلماتیک از شخص فرمانده هواپیما، اعزام دارد.

ماده ۲۸

عواید و کارمزد دریافتی از طرف مأموریت، بابت انجام وظایف رسمی، از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض معاف است.

ماده ۲۹

شخص مأمور دیپلماتیک مصون است و نمی توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او انجام خواهد داد.

ماده ۳۰

- ۱- محل اقامت خصوصی مأمور دیپلماتیک مانند اماکن مأموریت، مصون و مورد حمایت خواهد بود.
- ۲- اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱، اموال مأمور دیپلماتیک مصون خواهد بود.

ماده ۳۱

- ۱- مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره مند خواهد بود، مگر در موارد زیر:

الف - دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده - مگر آن که مأمور دیپلماتیک، مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب - دعوی راجع به ماترکی که در آن، مأمور دیپلماتیک به طور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

ج - دعوی راجع به فعالیتهای حرفه ای یا تجاری از هر نوع که مأمور دیپلماتیک در خاک دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

- ۲- مأمور دیپلماتیک مجبور به ادای شهادت نیست.

- ۳- علیه مأمور دیپلماتیک، مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد

شد - جز در موارد مذکور در بندهای الف - ب وج قسمت اول این ماده و به شرط آن که این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.

۴- مصونیت قضایی مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده، او را از تعقیب قضایی دولت فرستنده معاف نخواهد داشت.

ماده ۳۲

۱- دولت فرستنده می‌تواند مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک و اشخاصی را که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردارند، سلب نماید.

۲- سلب مصونیت باید صراحتاً اعلام شود.

۳- در صورت اقامه دعوی از طرف مأمور دیپلماتیک یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضایی بهره‌مند است، استناد به مصونیت قضایی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعوای اصلی ارتباط دارد، پذیرفته بود.

۴- سلب مصونیت قضایی نسبت به دعوای مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود. برای اجرای آن، اعلام سلب مصونیت جداگانه ضرورت است.

ماده ۳۳

۱- مأمور دیپلماتیک با رعایت بند ۳ این ماده در مورد خدمات انجام شده برای دولت فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در دولت پذیرنده لازم الاجرا باشد، معاف است.

۲- معافیت مندرج در بند ۱ این ماده نیز شامل خدمتکاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور دیپلماتیک می‌باشند، می‌گردد؛ مشروط به آن که این خدمتکاران:

الف - تبعه دولت پذیرنده نبوده یا در آن اقامت دایم نداشته باشند - و

ب - مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت فرستنده یا دولت ثالث در مورد آنان اعمال گردد.

۳- مأمور دیپلماتیک باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند، تکالیف ناشی از

مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت پذیرنده را که به کار فرما تحمیل می‌شود، رعایت نماید.

۴- معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول اختیاری استفاده از بیمه اجتماعی دولت پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این دولت باشد، نخواهد بود.

۵- مقررات این ماده مخل توافقهای دو جانبه و چند جانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد چنین توافقهایی در آینده نخواهد بود.

ماده ۳۴

مأمور دیپلماتیک از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است:

الف - مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.

ب - مالیاتها و عوارض اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده - جز در مواردی که مأمور دیپلماتیک، مال را به نمایندگی دولت فرستنده برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج - مالیات بر ارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می‌گردد - با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۹ - .

د - مالیات و عوارض ماخوذه از درآمدهای شخصی حاصل از دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کار افتاده در بنگاههای تجارتنی آن دولت.

ه - مالیات و عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

و - هزینه‌های ثبت و دادرسی ورهن و تمبر در مورد اموال غیر منقول با رعایت مفاد ماده ۲۳ .

ماده ۳۵

دولت پذیرنده، مأموران دیپلماتیک را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و شکل، والزامات نظامی از قبیل مصادره

وبیگاری واسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

ماده ۳۶

۱- دولت پذیرنده طبق قوانین ومقرراتی که ممکن است وضع نماید، ورود اشیای زیر را با معافیت از حقوق گمرکی وعوارض وسایر هزینه‌های فرعی - جز مخارج انبارداری وباربری وهزینه‌های ناشی از خدمات مشابه - اجازه خواهد داد:

الف - اشیای مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب - اشیای مورد استفاده شخصی مأمور دیپلماتیک یا بستگان او که اهل خانه او هستند واز جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد.

۲- توشه شخصی مأمور دیپلماتیک، از تفتیش معاف است مگر این که دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده ویا ورود وصدور آن اشیا به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز در حضور مأمور دیپلماتیک یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

ماده ۳۷

۱- بستگان مأمور دیپلماتیک که اهل خانه او هستند به شرط آن که تبعه دولت پذیرنده نباشند، از مزایا ومصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲- کارمندان اداری وفنی مأموریت وهمچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آن که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم آن دولت نباشند، از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی واداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج ازوظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند ۱ از ماده ۳۶ در مورد اشیایی که برای استقرار اولیه وارد می کنند، استفاده خواهند نمود.

۳- خدمه مأموریت به شرط آن که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم آن دولت نباشند، نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف خود مصونیت داشته واز پرداخت مالیات وعوارض، بابت مزدی که در قبال انجام کار

دریافت می دارند معاف می باشند، و همچنین از معافیت مذکور در ماده ۳۳ استفاده خواهند نمود.

۴- خدمتکاران شخصی اعضای مأموریت که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم آن دولت نیستند، از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیت‌های دیگر فقط در حدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، خواهد بود. معهدا دولت پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

ماده ۳۸

۱- مأمور دیپلماتیک که تبعه دولت پذیرنده و یا مقیم دایم آن دولت می باشد، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود، از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهد بود، مگر آن که دولت پذیرنده مزایا و مصونیت‌های بیشتری به او اعطا کرده باشد.

۲- سایر کارمندان مأموریت و خدمتکاران شخصی که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم آن دولت می باشند، فقط تا حدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد از مزایا و مصونیت‌ها برخوردار خواهند بود.

معهدا دولت پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحوی تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

ماده ۳۹

۱- اشخاصی که در استفاده از مصونیت‌ها و مزایا ذیحق می باشند، به مجرد ورود به قلمرو دولت پذیرنده، برای تصدی مأموریت خود از این مصونیت‌ها و مزایا بهره‌مند می شوند و اگر قبلاً در قلمرو آن دولت باشند استفاده از این مزایا و مصونیت‌ها از تاریخی است که انتصاب آنها به وزارت امور خارجه یا هر وزارتخانه دیگر دولت پذیرنده که مقرر است، اعلام گردد.

۲- وقتی که مأموریت شخصی بهره‌مند از مزایا و مصونیت‌ها خاتمه یابد، این مزایا و مصونیت‌ها معمولاً در موقع ترك خاك آن کشور یا در انقضای موعد

مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطا می شود، قطع می گردد. لیکن این مزایا و مصونیتها حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تا این مواعد ادامه خواهد داشت. مع هذا مصونیت نسبت به اعمالی که شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود به سمت عضو مأموریت انجام داده، باقی است.

۳- در صورت فوت یکی از اعضای مأموریت، اعضای خانواده او از مزایا و مصونیتها تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترك خاك دولت پذیرنده بر آنها اعطا می گردد كمافی السابق بهره‌مند خواهند بود.

۴- در صورت فوت يك عضو مأموریت که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم در آن دولت نمی باشد، و یا در صورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند، دولت پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه می دهد، به استثنای اموالی که در آن کشور تحصیل شده و در موقع فوت، ممنوع الصدور باشد. از اموال منقول که وجود آن در دولت پذیرنده صرفاً به سبب حضور متوفی در آنجا به سمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده، مالیات بر ارث اخذ نمی گردد.

ماده ۴۰

۱- موقعی که مأمور دیپلماتیک به قصد عزیمت یا بازگشت به محل مأموریت و یا برای مراجعت به وطن، از خاك دولت ثالثی که در صورت لزوم روادید صادر نموده عبور می کند یا در آنجا حضور دارد، دولت ثالث، او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیتهایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد، خواهد نمود. همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور دیپلماتیک یا جداگانه برای پیوستن به او یا مراجعت به وطن مسافرت می کنند، اعمال خواهد شد.

۲- دولتهای ثالث نباید در شرایط مشابه به آنچه در بند اول این ماده مقرر است، عبور کارمندان اداری و فنی یا خدمه مأموریت و افراد خانواده آنها را از سرزمین خود دچار اشکال سازند.

۳- دولتهای ثالث، نسبت به مکاتبات و سایر وسایل ارتباطی رسمی، از

جمله پیامهای کد و رمز که از خاک آنها می گذرد، همان آزادی و حمایتی را اعطا خواهند کرد که دولت پذیرنده در این باره مرعی می دارد. نسبت به پیکهای دیپلماتیک که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده اند و نیز نسبت به کیسه های دیپلماتیک عبوری، همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده ملزم به رعایت است، اعطا خواهند کرد.

۴- تکالیف دولتهای ثالث بر طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و وسایل ارتباطی رسمی و کیسه های دیپلماتیک نیز که به علت «فورس ماژور» در قلمرو دولت ثالث می باشند، مجری خواهد بود.

ماده ۴۱

۱- کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره مند می باشند، بدون آن که به مزایا و مصونیتهای آنان لطمه ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن دولت خودداری نمایند.

۲- کلیه امور رسمی که برای اقدام و مذاکره با دولت پذیرنده از طرف دولت فرستنده به عهده مأموریت گذاشته شده، باید از طریق وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به وسیله آن و یا هر وزارتخانه دیگری که مقرر است، انجام گیرد.

۳- اماکن مأموریت، طوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت که با وظایف مأموریت مندرج در این کنوانسیون یا در سایر قواعد حقوق بین الملل کلی و یا در توافقه های خاص لازم الاجرا بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده، مغایر نباشد.

ماده ۴۲

مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده فعالیت حرفه ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

ماده ۴۳

مأموریت مأمور دیپلماتیک از جمله در موارد زیر پایان می پذیرد:
الف - موقعی که دولت فرستنده خاتمه مأموریت مأمور دیپلماتیک را به

دولت پذیرنده اطلاع دهد.

ب - موقعی که دولت پذیرنده طبق بند ۲ از ماده ۹ به دولت فرستنده اطلاع می دهد که از شناختن مأمور دیپلماتیک به عنوان عضو مأموریت خودداری می کند.

ماده ۴۴

دولت پذیرنده وظیفه دارد حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنها بدون توجه به تابعیت آنها، بتوانند در اولین فرصت خاک آن دولت را ترك گویند. دولت مزبور بخصوص باید در صورت احتیاج، وسایل نقلیه مورد لزوم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.

ماده ۴۵

در صورت قطع روابط دیپلماتیک بین دو دولت و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است:

الف - دولت پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه، اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.

ب - دولت فرستنده می تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد واگذار نماید.

ج - دولت فرستنده می تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، واگذار نماید.

ماده ۴۶

دولت فرستنده می تواند با جلب رضایت قبلی دولت پذیرنده، و بنابه درخواست دولت ثالثی که در دولت اخیر نمایندگی ندارد، موقتاً عهده‌دار حفظ منافع دولت ثالث و اتباع آن گردد.

ماده ۴۷

۱- دولت پذیرنده در اجرای مقررات این کنوانسیون، بین دولتها تبعیض

قابل نخواهد شد.

۲- معهدا موارد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد.

الف - این که دولت پذیرنده، یکی از مقررات این کنوانسیون را به علت آن که در خاک دولت فرستنده نسبت به مأموریت او در این مورد محدودیت قابل شده‌اند، به طور محدود اجرا کند.

ب - این که دولتهایی بنابر عرف و عادت و یا از طریق معاهده، مزایایی مناسبتر از آنچه مقررات این کنوانسیون پیش بینی کرده متقابلاً به یکدیگر اعطا نمایند.

ماده ۴۸

کنوانسیون حاضر برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا يك سازمان تخصصی و نیز هر دولت پیوسته به اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولت دیگری که باین منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد، بطریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۴۹

کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۵۰

کنوانسیون حاضر برای الحاق هر دولتی که جزء یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشد مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۵۱

۱- کنوانسیون حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجرا خواهد شد.

۲- کنوانسیون حاضر در مورد هر يك از دولی که آن را پس از تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق تصویب نمایند یا بدان ملحق شوند، سی روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق آن دولت، لازم الاجرا

خواهد شد.

ماده ۵۲

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع تمام دولتهایی که عضو یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشند، خواهد رساند:

الف - امضای کنوانسیون حاضر از طرف دولتها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مفاد مواد ۴۸ و ۴۹ و ۵۰.

ب - تاریخی که کنوانسیون حاضر به موجب ماده ۵۱ لازم الاجرا می شود.

ماده ۵۳

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن یکسان معتبر می باشند، به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. دبیرکل، رونوشتهای گواهی شده و مطابق با اصل آن را به تمام دول مشمول یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ تسلیم می نماید. بنابر مراتب نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند، کنوانسیون حاضر را امضا نمودند.

وین هجدهم آوریل یکهزار ونهصد و شصت و یک

پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات

کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

دول طرف این پروتکل و کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهارم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد، با اظهار تمایل به توسل به قضاوت اجباری دیوان دادگستری بین المللی تا آنجا که به آنها مربوط است برای حل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «کنوانسیون»، مگر آن که در مهلت معقول راه حل دیگری مورد توافق

مشترك قرار گرفته باشد، نسبت به مقررات زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «کنوانسیون» در صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری می باشد. هر دولت طرف اختلاف و امضا کننده این پروتکل می تواند به وسیله دادخواست، اختلافات را در دیوان طرح نماید.

ماده ۲

دو طرف می توانند ظرف مدت دو ماه بعد از اعلام وجود اختلاف به یکدیگر، با توافق مشترك به جای دیوان دادگستری بین المللی، موضوع را به يك محكمه داوری ارجاع نمایند. در خاتمه این مهلت، هر يك از دو طرف می توانند اختلاف را ضمن دادخواستی در دیوان طرح کنند.

ماده ۳

۱- دو طرف همچنین می توانند در عرض همان دو ماه مهلت، مشتركاً توافق کنند که قبل از رجوع به دیوان دادگستری بین المللی متوسل به سازش گردند.

۲- کمیسیون سازش تا پنج ماه پس از تاریخ تشکیل باید توصیه های خود را تسلیم نماید. اگر توصیه های مزبور در عرض دو ماه از تاریخ اعلام، مورد قبول طرفهای اختلاف قرار نگیرد، هر يك از دو طرف می توانند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان طرح نمایند.

ماده ۴

دولتهای طرف تعهد «کنوانسیون» و پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت و پروتکل حاضر، می توانند اعلام دارند که مقررات این پروتکل شامل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت نیز خواهد شد. اعلامیه های مربوط به این موضوع به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسید.

ماده ۵

پروتکل حاضر برای امضای کلیه دولتهای طرف کنوانسیون وین به طریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۶

پروتکل حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۷

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دولتهایی که به کنوانسیون وین پیوندند، مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۸

۱- پروتکل حاضر از روزی که «کنوانسیون» لازم الاجرا می شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل، به دبیر کل سازمان ملل متحد، هر کدام موخر باشد، لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای دولتی که این پروتکل را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد، پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا می شود.

ماده ۹

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به «کنوانسیون» پیوندند، خواهد رسانید:

الف - امضای پروتکل حاضر از طرف دول و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق بر طبق مواد ۵ و ۶ و ۷.

ب - اعلامیه هایی که طبق ماده ۴ پروتکل حاضر صادر می گردد.

ج - تاریخی که پروتکل حاضر، طبق ماده هشتم لازم الاجرا می شود.

ماده ۱۰

نسخه اصلی پروتکل حاضر که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن یکسان معتبر می باشد، به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل، رونوشتهای مطابق با اصل و گواهی شده ای برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۵ خواهد فرستاد.

بنابر مراتب نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند، پروتکل حاضر را امضا نمودند.

وین - هجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک

پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

دول طرف این پروتکل و کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک مصوب کنفرانس ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهاردهم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد، با اظهار تمایل نسبت به برقراری اصول مربوط به تحصیل تابعیت از طرف اعضای مأموریتهای دیپلماتیک خود و بستگان آنها که اهل خانه او هستند، در باره مقررات زیر توافق نمودند:

ماده ۱

از لحاظ پروتکل حاضر، اصطلاح «اعضای مأموریت» همان مفهوم بند ب از ماده اول «کنوانسیون» را دارد، یعنی شامل «رییس مأموریت و کارمندان مأموریت» خواهد بود.

ماده ۲

اعضای مأموریت که تابعیت دولت پذیرنده را ندارند و بستگان آنها که اهل خانه آنها می باشند، تابعیت دولت پذیرنده را صرفاً به سبب مقررات قانونی آن دولت به دست نخواهند آورد.

ماده ۳

پروتکل حاضر برای امضای کلیه دولتهایی که به «کنوانسیون» می پیوندند، به طریق زیر مفتوح خواهد بود:
تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۴

پروتکل حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۵

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دولتهایی که به «کنوانسیون» می پیوندند، مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۶

۱- پروتکل حاضر از روزی که «کنوانسیون» لازم الاجرا میشود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیر کل سازمان ملل متحد هر کدام موخر باشد لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای دولتی که پروتکل حاضر را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد، پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم تصویب یا الحاق لازم الاجرا میشود.

ماده ۷

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به «کنوانسیون» پیوندند، خواهد رساند:

الف - امضای پروتکل حاضر از طرف دول و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۳ و ۴ و ۵

ب - تاریخی که پروتکل حاضر طبق ماده ششم لازم الاجرا می شود.

ماده ۸

نسخه اصلی پروتکل حاضر که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن یکسان معتبر می باشد، به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل، رونوشتهای مطابق با اصل و گواهی شدهای برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۳ ارسال خواهد داشت.

بنابه مراتب نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند، این پروتکل را امضا نمودند.

وین - هجدهم آوریل یکهزار ونهصد و شصت و یک

این کنوانسیون از تاریخ ۱۴ تیرماه
۱۳۵۴ (۵ ژوئیه ۱۹۷۵) درمورد
ایران لازم الاجرا است

کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی

دول طرف کنوانسیون حاضر:

با تذکار این که روابط کنسولی از دیرباز بین ملل برقرار بوده و با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد در باره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملل؛

با توجه به این که کنفرانس ملل متحد در باره روابط و مصونیت‌های دیپلماتیک «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» را که از تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ برای امضا مفتوح گردید، تصویب نموده است؛

با اعتقاد به اینکه يك کنوانسیون بین المللی در باره روابط و مزایا و مصونیت‌های کنسولی نیز در بهبود مناسبات دوستانه بین ملتها هر چند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشد،

موثر خواهد بود؛

با اذعان به این که منظور از مزایا و مصونیت‌های مذکور، منتفع ساختن افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف آنها در پست‌های کنسولی به نام دول متبوع آنها است؛

با تأکید این نکته که در مورد مسایلی که ضمن مقررات این کنوانسیون صریحاً تعیین تکلیف نشده است، قواعد و عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود؛

نسبت به مواد زیر توافق نمودند:

ماده ۱

تعاریف

۱- در این کنوانسیون معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که ذیلاً تصریح شده است:

الف - اصطلاح «پست کنسولی» یعنی سرکنسولگری یا کنسولگری یا کنسول یاری یا نمایندگی کنسولی.

ب - اصطلاح «حوزه کنسولی» یعنی ناحیه‌ای که برای انجام وظایف کنسولی به يك پست کنسولی اختصاص داده شده است.

ج - اصطلاح «رییس پست کنسولی» یعنی شخصی که مأمور انجام وظیفه در این سمت می باشد.

د - اصطلاح «مأمور کنسولی» یعنی هر شخصی (من جمله رییس پست کنسولی) که در این سمت عهده‌دار انجام وظایف کنسولی است.

ه - «کارمند کنسولی» یعنی هر شخصی که در دوائر اداری یا فنی يك پست کنسولی به خدمت گمارده شده است.

و - اصطلاح «خدمه» یعنی هر شخصی که برای انجام امور خانگی پست کنسولی استخدام شده است.

ز - اصطلاح «اعضای پست کنسولی» یعنی مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

ح - اصطلاح «کارکنان کنسولی» یعنی مأموران کنسولی (به غیر از رییس پست کنسولی) و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

ط - اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسی که منحصرأ به خدمت شخصی یکی از اعضای پست کنسولی گماشته شده است.

ی - اصطلاح «اماکن کنسولی» یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه وزمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد، منحصرأ برای انجام مقاصد پست کنسولی مورد استفاده قرار می گیرد.

ك - اصطلاح «بایگانی کنسولی» شامل کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفترهای پست کنسولی به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع اثاثه که برای حفاظت و نگهداری آنها به کار برده شود، خواهد بود.

۲- مأموران کنسولی بر دو دسته‌اند: مأموران کنسولی کاربری و مأموران کنسولی افتخاری.

مقررات فصل دوم کنوانسیون حاضر ناظر است به پستهای کنسولی که مأموران کنسولی کاربری در رأس آنها قرار دارند و مقررات فصل سوم ناظر است به پستهای کنسولی که مأموران کنسولی افتخاری در رأس آنها قرار دارند.

۳- وضع خاص اعضای پست کنسولی که تبعه دولت پذیرنده بوده یا به‌طور دایم مقیم قلمرو آن دولت باشند، مشمول مقررات ماده ۷۱ کنوانسیون حاضر خواهد بود.

فصل اول: روابط کنسولی به‌طور کلی

بخش اول: استقرار و اداره روابط کنسولی

ماده ۲

استقرار روابط کنسولی

۱- استقرار روابط کنسولی بین دول با رضایت متقابل انجام می گیرد.

۲- رضایت با برقراری روابط دیپلماتیک بین دو دولت متضمن رضایت به استقرار روابط کنسولی نیز می باشد، مگر آن که به نحو دیگری مقرر شود.

۳- قطع روابط دیپلماتیک به خودی خود موجب قطع روابط کنسولی نمی گردد.

ماده ۳

انجام وظایف کنسولی

وظایف کنسولی به وسیله پستهای کنسولی انجام می گیرد. مأموریت‌های دیپلماتیک نیز طبق مقررات این کنوانسیون، وظایف کنسولی را انجام می دهند.

ماده ۴

تأسیس پست کنسولی

- ۱- پست کنسولی را نمی توان بدون رضایت دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت تأسیس کرد.
- ۲- مقر پست کنسولی و طبقه و حوزه کنسولی آن از طرف دولت فرستنده تعیین می شود و منوط به تصویب دولت پذیرنده خواهد بود.
- ۳- تغییرات بعدی در مقر پست کنسولی یا طبقه و یا حوزه کنسولی آن از طرف دولت فرستنده فقط با موافقت دولت پذیرنده میسر خواهد بود.
- ۴- چنانچه يك سرکنسولگری یا کنسولگری بخواهد در محلی غیر از محل استقرار خود کنسول یاری یا نمایندگی کنسولی تأسیس کند باید رضایت دولت پذیرنده را جلب نماید.
- ۵- برای افتتاح يك دفتر تابع يك کنسولگری موجود در محلی غیر از مقر کنسولگری، رضایت صریح و قبلی دولت پذیرنده لازم خواهد بود.

ماده ۵

وظایف کنسولی

وظایف کنسولی عبارت است از:

- الف - حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن - اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو دولت پذیرنده - تا حد مجاز در حقوق بین الملل.
- ب - کمک به توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده و بسط روابط دوستانه بین دو دولت، به هر طریق دیگر - در حدود مقررات این کنوانسیون.
- ج - استحضار از اوضاع و تحولات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی دولت پذیرنده با استفاده از کلیه وسایل مشروع و گزارش آن به

حکومت دولت فرستنده و همچنین دادن اطلاعات به اشخاص ذی نفع .
 د - صدور گذرنامه و اسناد مسافرت جهت اتباع دولت فرستنده و صدور
 رواید یا اسناد مربوط برای اشخاصی که می خواهند به قلمرو دولت
 فرستنده مسافرت کنند .

ه - کمک و مساعدت به اتباع دولت فرستنده اعم از اشخاص حقیقی یا
 حقوقی .

و - اقدام به عنوان سردفتر رسمی و مأمور ثبت احوال و ستمهای مشابه
 و همچنین اجرای بعضی از اعمال اداری تا حدی که قوانین و مقررات دولت
 پذیرنده با آن تناقض نداشته باشد .

ز - حفظ منافع اتباع دولت فرستنده - اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی -
 در مورد ارث در سرزمین دولت پذیرنده طبق قوانین و مقررات دولت
 پذیرنده .

ح - حفظ منافع صغر و محجورانی که تبعه دولت فرستنده می باشند - در
 حدود قوانین و مقررات دولت پذیرنده بخصوص در مواردی که قیمومت و یا
 سرپرستی در خصوص این قبیل اشخاص لازم باشد .

ط - با رعایت رویه و عرف جاری دولت پذیرنده - نمایندگی از طرف اتباع
 دولت فرستنده یا اتخاذ ترتیبات به منظور تأمین نمایندگی لازم برای آنها نزد
 محاکم و یا نزد سایر مقامات دولت پذیرنده به منظور درخواست پیگیری تدابیر
 موقتی بر طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده - برای حفظ حقوق و منافع اتباع
 مزبور، هنگامی که به علت غیبت یا علل دیگر قادر نباشند در موقع مقتضی
 از منافع و حقوق خود دفاع نمایند .

ی - ارسال اسناد قضایی و غیر قضایی یا اجرای نیابت قضایی بر طبق
 موافقتنامه های بین المللی معتبر یا در صورتی که چنین موافقتنامه هایی
 موجود نباشد به هر نحو دیگری که با قوانین و مقررات دولت پذیرنده منطبق
 باشد .

ک - اعمال حقوق کنترل و بازرسی مقرر در قوانین و مقررات دولت
 فرستنده، نسبت به ناوهای دریایی و کشتیهای رودخانه ای که تابعیت دولت
 فرستنده را دارند و هواپیماهایی که نزد آن دولت به ثبت رسیده است

و همچنین نسبت به کارکنان ناوها و کشتیها و هواپیماهای مزبور.
 ل - رسانیدن کمک به ناوها و کشتیها و هواپیماهای مذکور در بند «ک» این ماده و به کارکنان آنها و همچنین اخذ اظهارنامه‌های مربوط به مسافرت ناوها و کشتیهای مزبور و بررسی و مهر کردن اسناد مسافرتی آنها - بدون لطمه به اختیارات مقامات دولت پذیرنده - و انجام تحقیقات در باره وقایعی که طی مسافرت دریایی رخ داده و حل هر نوع اختلاف بین ناخدا و افسران و ملوانان، تا آنجا که قوانین و مقررات دولت فرستنده اجازه دهد.

م - انجام هر وظیفه دیگری که دولت فرستنده به عهده يك پست کنسولی محول نموده باشد و قوانین و مقررات دولت پذیرنده آنها را منع نکرده و یا مورد ایراد دولت پذیرنده نباشد و یا وظایفی که در موافقتنامه‌های بین المللی معتبر موجود بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده ذکر شده است.

ماده ۶

انجام وظایف کنسولی خارج از حوزه کنسولی
 مأمور کنسولی می‌تواند - در شرایط خاص - با موافقت دولت پذیرنده، وظایف کنسولی خود را خارج از حوزه کنسولی خود انجام دهد.

ماده ۷

انجام وظایف کنسولی در قلمرو يك دولت ثالث
 دولت فرستنده می‌تواند پس از اعلام به دولتهای ذی نفع، پست کنسولی را که در قلمرو دولت معینی تأسیس شده، مأمور انجام وظایف کنسولی در قلمرو يك دولت دیگر نماید مگر آن که یکی از دولتهای ذی نفع، صریحاً با این امر مخالفت نمایند.

ماده ۸

انجام وظایف کنسولی به نفع دولت ثالث
 با اعلام لازم به دولت پذیرنده، پست کنسولی دولت فرستنده می‌تواند به نفع يك دولت ثالث وظایف کنسولی را در قلمرو دولت پذیرنده انجام دهد مگر آن که دولت پذیرنده با این امر مخالفت نماید.

ماده ۹

طبقات روسای پستهای کنسولی

۱- روسای پستهای کنسولی به چهار طبقه زیر تقسیم می شوند:

الف - سرکنسولها

ب - کنسولها

ج - کنسول یارها

د - نمایندگان کنسولی

۲- بند يك ماده حاضر بهیچ وجه حق هیچ يك از طرفهای متعاقد را در تعیین ونامگذاری مأموران کنسولی، به استثنای روسای پستهای کنسولی محدود نمی سازد.

ماده ۱۰

انتصاب وپذیرش روسای پستهای کنسولی

۱- روسای پستهای کنسولی از طرف دولت فرستنده منصوب و جهت انجام وظایف خود از طرف دولت پذیرنده، پذیرفته می شوند.

۲- مشروط به مقررات کنوانسیون حاضر، نحوه انتصاب وپذیرش رئیس پست کنسولی به ترتیب طبق قوانین ومقررات وعرف دولت فرستنده ودولت پذیرنده تعیین می گردد.

ماده ۱۱

حکم مأموریت کنسولی یا اعلام انتصاب

۱- برای رئیس پست کنسولی از طرف دولت فرستنده در مورد هر انتصاب، حکم مأموریت یا سندی مشابه صادر می شود که موید سمت او بوده ومعمولاً حاوی نام ونام خانوادگی وطبقه ورتبه او وحوزه کنسولی ومقر پست کنسولی می باشد.

۲- دولت فرستنده حکم مأموریت یا سند مشابه آن را از مجرای دیپلماتیک یا از هر طریق مناسب دیگر به حکومت دولتی که رئیس پست کنسولی در سرزمین آن باید انجام وظیفه کند ارسال خواهد داشت.

۳- در صورت موافقت دولت پذیرنده، دولت فرستنده می تواند به جای حکم مأموریت یا سند مشابه آن، اعلامیه ای حاوی نکات مذکور در بند يك این ماده به دولت پذیرنده ارسال دارند.

ماده ۱۲

روانامه

۱- رئیس پست کنسولی به موجب اجازه‌ای که از جانب دولت پذیرنده صادر و به هر شکل که باشد روانامه نامیده می‌شود، برای انجام وظایف خود پذیرفته می‌شود.

۲- دولتی که از صدور روانامه خودداری می‌نماید ملزم به ارائه دلایل امتناع خود به دولت فرستنده نمی‌باشد.

۳- مشروط به مقررات مواد ۱۳ و ۱۵ - رئیس پست کنسولی نمی‌تواند قبل از دریافت روانامه شروع به انجام وظایف خود نماید.

ماده ۱۳

پذیرش موقت روسای پستهای کنسولی

در انتظار صدور روانامه، رئیس پست کنسولی می‌تواند جهت انجام وظایف خود به‌طور موقت پذیرفته شود. در این صورت مقررات کنوانسیون حاضر مجری خواهد بود.

ماده ۱۴

اعلام به مقامات حوزه کنسولی

به مجرد آن که رئیس پست کنسولی جهت انجام وظایف خود حتی به‌طور موقت پذیرفته شود، دولت پذیرنده، موضوع را بلافاصله به اطلاع مقامات ذیصلاحیت حوزه کنسولی مربوط خواهد رسانید.

بعلاوه دولت پذیرنده تدابیر لازم را به منظور این که رئیس پست کنسولی بتواند وظایف محوله را انجام داده و از مزایای پیش بینی شده در مقررات کنوانسیون حاضر برخوردار گردد، پیگیری خواهد نمود.

ماده ۱۵

اجرای موقت وظایف رئیس پست کنسولی

۱- هرگاه رئیس پست کنسولی قادر به انجام وظایف خود نبوده یا پست او بلا تصدی باشد، ممکن است يك متصدی موقتاً به عنوان رئیس پست کنسولی کفالت نماید.

۲- نام و نام خانوادگی متصدی موقت پست کنسولی توسط مأموریت

دیپلماتیک دولت فرستنده، یا چنانچه دولت مزبور چنین مأموریتی نزد دولت پذیرنده نداشته باشد توسط رئیس پست کنسولی، یا در صورتی که او قادر به انجام این کار نباشد به وسیله هر مقام صلاحیتدار دولت فرستنده به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده، یا مقامی که از طرف آن وزارتخانه تعیین شده، اعلام می گردد. معمولاً این اعلام قبلاً انجام می شود.

دولت پذیرنده می تواند پذیرش شخصی را به عنوان متصدی موقت پست کنسولی، در صورتی که شخص مزبور مأمور دیپلماتیک و یا مأمور کنسولی دولت فرستنده در دولت پذیرنده نباشد، منوط به رضایت خود نماید.

۳- مقامات صلاحیت دار دولت پذیرنده، متصدی موقت پست کنسولی را مورد مساعدت و حمایت خود قرار خواهند داد و در مدت تصدی، مقررات این کنوانسیون به همان نحو که شامل حال رئیس پست کنسولی مربوطه می گردد، در مورد او مجری خواهد بود. لیکن دولت پذیرنده ملزم به اعطای تسهیلات و مزایا و مصونیتهایی که برخورداری از آنها از طرف رئیس پست کنسولی منوط به شرایطی است که متصدی موقت پست کنسولی آن شرایط را ندارد، نخواهد بود.

۴- در صورتی که یکی از اعضای دیپلماتیک مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده، نزد دولت پذیرنده، طبق شرایط پیش بینی شده در بند ۱ این ماده توسط دولت فرستنده به سمت متصدی موقت پست کنسولی برگزیده شود - مشروط به این که این امر مورد اعتراض دولت پذیرنده واقع نشود - کماکان از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک برخوردار خواهد بود.

ماده ۱۶

حق تقدم بين روسای پستهای کنسولی

۱- تقدم روسای پستهای کنسولی در هر طبقه به ترتیب تاریخ اعطای روانامه خواهد بود.

۲- با این وجود، چنانچه رئیس يك پست کنسولی پیش از دریافت روانامه برای انجام وظایف خود به طور موقت پذیرفته شود، حق تقدم او طبق تاریخ پذیرش موقت تعیین خواهد شد و این حق بعد از اعطای روانامه محفوظ

خواهد ماند.

۳- ترتیب تقدم بين دو يا چند ريس پست كنسولی كه در يك تاريخ روانامه يا پذيرش موقت دريافت داشته‌اند، طبق تاريخی كه حكم مأموریت يا اسناد مشابه يا اعلامیه انتصاب (مذكور در بند ۳- ماده ۱۱) به دولت پذيرنده تقديم شده، تعيين می گردد.

۴- متصدیان موقت پستهای كنسولی از نظر تقدم بعد از تمام روسای پستهای كنسولی قرار می گیرند، ولی تقدم بين خود آنها طبق تاريخی خواهد بود كه در آن تاريخ بنابر اعلامیه‌ای كه به موجب بند ۲ ماده ۱۵ داده می شود، به عنوان متصدی موقت پست كنسولی مشغول انجام وظیفه شده‌اند.

۵- مأموران كنسولی افتخاری كه رياست پستهای كنسولی را به عهده دارند، در هر طبقه پس از روسای كاربری پستهای كنسولی قرار می گیرند و ترتيب تقدم آنها طبق مقررات بندهای فوق خواهد بود.

۶- روسای پستهای كنسولی بر مأموران كنسولی كه چنین مقامی را ندارند، مقدم خواهند بود.

ماده ۱۷

انجام اعمال ديپلماتيك توسط مأموران كنسولی

۱- در قلمرو دولتی كه دولت فرستنده در آن مأموریت ديپلماتيك نداشته باشد و مأموریت ديپلماتيك دولت ثالثی نیز نمایندگی آن را به عهده ندارد - مأمور كنسولی می تواند با رضایت دولت پذيرنده وبدون آن كه در وضع كنسولی او تغییری حاصل شود، به انجام اعمال ديپلماتيك، مجاز گردد. انجام اعمال ديپلماتيك توسط يك مأمور كنسولی به هیچ وجه حق تقاضای استفاده از مزایا ومصونیت‌های ديپلماتيك را به او نمی دهد.

۲- مأمور كنسولی می تواند - پس از اعلام به دولت پذيرنده - نمایندگی دولت فرستنده را در هر يك از سازمانهای بين الدول عهده‌دار گردد. در این سمت مأمور حق برخورداری از مزایا ومصونیت‌هایی را كه به موجب عرف بين المللی يا به موجب موافقتنامه‌های بين المللی به چنین نماینده‌ای اعطا می گردد، خواهد داشت.

لیکن در مورد انجام وظایف کنسولی توسط او، از مصونیت قضایی بیش از آنچه که به موجب کنوانسیون حاضر به يك مأمور کنسولی اعطا می شود، برخوردار نخواهد بود.

ماده ۱۸

انتصاب شخص واحدی از طرف دویا چند دولت به عنوان مأمور کنسولی دویا چند دولت می توانند با رضایت دولت پذیرنده، شخص واحدی را به عنوان مأمور کنسولی خود نزد دولت پذیرنده منصوب نمایند.

ماده ۱۹

انتصاب کارکنان کنسولی

۱- مشروط به رعایت مقررات مواد ۲۰ و ۲۲ و ۲۳، دولت فرستنده در انتخاب کارکنان کنسولی آزاد است.

۲- دولت فرستنده در مهلت کافی نام و نام خانوادگی و طبقه و رتبه کلیه مأموران کنسولی، به جز روسای پست کنسولی را به دولت پذیرنده اعلام می نماید تا این دولت بتواند در صورت تمایل، حقوقی را که به موجب بند ۳ ماده ۲۳ به او اعطا شده است، اعمال کند.

۳- در صورتی که قوانین و مقررات دولت فرستنده ایجاب کند، این دولت می تواند جهت يك مأمور کنسولی که رییس پست کنسولی نباشد، از دولت پذیرنده تقاضای صدور روانامه نماید.

۴- چنانچه قوانین و مقررات دولت پذیرنده ایجاب کند، این دولت می تواند به مأمور کنسولی که رییس پست کنسولی نباشد، روانامه اعطا نماید.

ماده ۲۰

تعداد کارکنان کنسولی

در صورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد کارکنان پست کنسولی، دولت پذیرنده می تواند خواستار شود که تعداد کارکنان کنسولی با توجه به اوضاع و مقتضیات حوزه کنسولی و با توجه به نیازمندیهای پست کنسولی از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می کند، تجاوز ننماید.

ماده ۲۱

حق تقدم بين مأموران کنسولی يك پست کنسولی ترتيب تقدم مأموران کنسولی يك پست کنسولی و تغييراتی که در آن ایجاد شود، توسط مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده، یا چنانچه دولت مزبور مأموریت دیپلماتیک نزد دولت پذیرنده نداشته باشد، توسط رئیس پست کنسولی مربوطه، به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که از طرف آن وزارت تعیین گردیده اعلام خواهد شد.

ماده ۲۲

تابعیت مأموران کنسولی

۱- مأموران کنسولی علی الاصول باید تابعیت دولت فرستنده را دارا باشند.

۲- مأموران کنسولی را نمی توان جز با رضایت صریح دولت پذیرنده از بین اتباع آن دولت انتخاب نمود. دولت پذیرنده می تواند در هر موقع رضایت خود را مسترد دارد.

۳- دولت پذیرنده می تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند، برای خود حفظ کند.

ماده ۲۳

اشخاصی که نامطلوب اعلام می شوند

۱- دولت پذیرنده می تواند در هر زمان به دولت فرستنده اطلاع دهد که یکی از مأموران کنسولی را شخص نامطلوب می داند، یا هر يك از کارکنان دیگر کنسولی را غیر قابل قبول می شمارد؛ در این صورت دولت فرستنده حسب مورد شخص مورد نظر را فراخوانده یا به مأموریت او در آن پست کنسولی پایان می دهد.

۲- اگر دولت فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد، دولت پذیرنده می تواند حسب مورد، روانامه شخص مورد نظر را لغو کند، یا دیگر او را جزء کارکنان پست کنسولی تلقی ننماید.

۳- شخصی که به عنوان عضو يك پست کنسولی منصوب می گردد،

ممکن است قبل از ورود به سرزمین دولت پذیرنده یا چنانچه در سرزمین این دولت باشد، پیش از اشتغال به وظایف خود در پست کنسولی، غیر قابل قبول اعلام گردد. در این صورت دولت فرستنده انتصاب او را لغو خواهد کرد.

۴- در موارد مذکور در بندهای ۱ و ۳ ماده حاضر دولت پذیرنده ملزم به ارائه دلایل تصمیم خود به دولت فرستنده نمی باشد.

ماده ۲۴

اعلام انتصابات ورود و خروج به دولت پذیرنده

۱- مراتب زیر به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که توسط آن وزارت تعیین می شود، اعلام خواهد شد:

الف - انتصاب اعضای پست کنسولی، ورود آنها پس از انتصاب به پست کنسولی، عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنها و همچنین هر نوع تغییرات مربوط به وضع و موقعیت آنها که ممکن است طی انجام وظایف کنسولی روی دهد.

ب - ورود و عزیمت قطعی شخصی از افراد خانواده یکی از اعضای پست کنسولی که اهل خانه او باشد و همچنین در صورت اقتضا، این که شخصی در شمار افراد خانواده یکی از اعضای پست کنسولی در آمده یا از آن خارج شده است.

ج - ورود و عزیمت قطعی خدمتکاران شخصی و در صورت اقتضا اتمام دوره خدمت آنها در این سمت.

د - استخدام و خاتمه دادن به خدمت اشخاصی که به عنوان عضو پست کنسولی یا به عنوان خدمتکار شخصی در قلمرو دولت پذیرنده اقامت دارند و از مزایا و مصونیتها برخوردارند.

۲- هر بار که ممکن باشد قبلاً هم ورود و عزیمت قطعی باید اعلام گردد.

قسمت دوم خاتمه مأموریت کنسولی

ماده ۲۵

خاتمه مأموریت اعضای پست کنسولی

وظایف يك عضو پست کنسولی از جمله در موارد زیر خاتمه می پذیرد:
الف - با اعلام دولت فرستنده به دولت پذیرنده دایر بر این که مأموریت او پایان یافته است.
ب - بالغوروانامه.

ج - با اعلام دولت پذیرنده به دولت فرستنده مبنی بر این که دولت پذیرنده دیگر عضو مزبور را جزو کارکنان کنسولی محسوب نمی دارد.

ماده ۲۶

عزیمت از سرزمین دولت پذیرنده

دولت پذیرنده حتی هنگام بروز منازعات مسلحانه به اعضای پست کنسولی و به خدمتکاران شخصی - غیر از آنهایی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند - و همچنین به افراد خانواده هایشان که اهل خانه آنها هستند، بدون توجه به تابعیت آنان فرصت و تسهیلات لازم را خواهد داد تا بتوانند مقدمات عزیمت خود را فراهم آورده و پس از خاتمه خدمتشان در اولین فرصت ممکن، سرزمین دولت پذیرنده را ترك کنند. دولت پذیرنده به ویژه در صورت احتیاج، وسایل حمل و نقل لازم جهت خود آنها و اموالشان را - به غیر از اموالی که در سرزمین دولت پذیرنده تهیه شده و صدور آن به هنگام خروج ممنوع است - در اختیار آنها قرار خواهد داد.

ماده ۲۷

حفاظت از اماکن و بایگانی کنسولی و منافع دولت

فرستنده در شرایطی استثنایی

۱- در صورت قطع روابط کنسولی بین دو دولت:

الف - دولت پذیرنده حتی در صورت بروز منازعات مسلحانه، اماکن کنسولی و اموال پست کنسولی و بایگانی کنسولی را مورد حمایت و حفاظت قرار خواهد داد.

ب - دولت فرستنده می تواند حفاظت از اماکن کنسولی و اموال موجود در آن وبایگانی کنسولی را به عهده دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، بگذارد.

ج - دولت فرستنده می تواند يك دولت ثالث را که مورد قبول دولت پذیرنده است، عهده دار حفاظت از منافع خود و اتباعش بنماید.

۲- در صورت بسته شدن يك پست کنسولی به طور موقت یا دایم، مقررات قسمت الف بند ۱ ماده حاضر مجری خواهد بود؛ علاوه بر این:

الف - هر چند که دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده مأموریت دیپلماتیک نداشته باشد، چنانچه در سرزمین آن دولت دارای پست کنسولی دیگری باشد، ممکن است حفاظت از اماکن پست کنسولی بسته شده و اموال موجود در آن وبایگانی کنسولی به عهده پست کنسولی اخیر گذاشته شود و در صورت رضایت دولت پذیرنده، انجام وظایف حوزه پست کنسولی تعطیل شده، به آن محول گردد، یا

ب - در صورتی که دولت فرستنده مأموریت دیپلماتیک و پست کنسولی دیگری نزد دولت پذیرنده نداشته باشد، مقررات قسمتهای ب و ج بند ۱ ماده حاضر مجری خواهد بود.

فصل دوم

تسهیلات - مزایا و مصونیت‌های پست‌های کنسولی و مأموران
کنسولی کاربری و سایر اعضای پست کنسولی

قسمت اول

تسهیلات - مزایا و مصونیت‌های مربوط به پست کنسولی

ماده ۲۸

تسهیلات اعطایی به پست کنسولی جهت انجام امور
دولت پذیرنده، کلیه تسهیلات لازم را جهت انجام امور پست کنسولی
اعطا خواهد نمود.

ماده ۲۹

استفاده از پرچم و علامت ملی

- ۱- دولت فرستنده طبق مقررات ماده حاضر، حق دارد در قلمرو دولت پذیرنده از پرچم و علامت ملی خود استفاده نماید.
- ۲- پرچم دولت فرستنده و علامت ملی آن را می توان بر فراز و بر در ورودی عمارتی که پست کنسولی در آن مستقر شده و همچنین در اقامتگاه رییس پست کنسولی و بر وسایط نقلیه او هنگامی که برای امور اداری مورد استفاده واقع می شود، بر افراشته و یا نصب نمود.
- ۳- در اعمال حقی که به موجب ماده حاضر اعطا گردیده است، قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده باید مراعات گردد.

ماده ۳۰

مسکن

- ۱- دولت پذیرنده باید در حدود قوانین و مقررات خود، موجبات تسهیل تمليك دولت فرستنده را از لحاظ اماکن مورد احتیاج پست کنسولی، در سرزمین خود فراهم نماید و یا در تحصیل این اماکن از طریق دیگر به دولت فرستنده یاری کند.
- ۲- دولت پذیرنده همچنین در صورت لزوم باید پست کنسولی را در تهیه مسکن مناسب برای اعضای خود یاری نماید.

ماده ۳۱

مصونیت اماکن کنسولی از تعرض

- ۱- اماکن کنسولی تا حدود مقرر در ماده حاضر مصونیت دارند.
- ۲- مقامات دولت پذیرنده نمی توانند به آن قسمت از اماکن کنسولی که منحصرأ برای انجام امور پست کنسولی مورد استفاده قرار می گیرد، داخل شوند مگر با رضایت رییس پست کنسولی یا شخصی که از طرف او تعیین می شود، یا رییس مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده. لیکن در صورت وقوع آتش سوزی یا حوادث ناگوار دیگری که مستلزم اقدامات حفاظتی فوری باشد، رضایت رییس کنسولی را می توان کسب شده فرض نمود.
- ۳- تحت مقررات بند ۲ ماده حاضر، دولت پذیرنده، وظیفه ای خاص

دارد تا کلیه تدابیر لازم را به منظور این که اماکن کنسولی مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش شئون آن متزلزل نگردد، پیگیری نماید.

۴- اماکن کنسولی و اسباب و اثاثه آن و اموال پست کنسولی و وسایل نقلیه آن از هر نوع مصادره، به منظور دفاع ملی یا انتفاع عمومی مصون خواهد بود. چنانچه برای این مقاصد سلب مالکیت ضروری باشد، کلیه تدابیر ممکن جهت احتراز از ایجاد موانع در راه انجام وظایف کنسولی پیگیری خواهد شد و غرامت فوری و مناسب و کافی به دولت فرستنده پرداخت خواهد گردید.

ماده ۳۲

معافیت مالیاتی اماکن کنسولی

۱- اماکن کنسولی و محل اقامت رئیس کاریری پست کنسولی که مالک یا مستأجر آن دولت فرستنده یا نماینده آن می باشد، از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض مملکتی و منطقه‌ای و یا شهری معاف خواهد بود مگر آن که دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازای انجام خدمات خاص باشد.

۲- در صورتی که طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده، پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با نماینده آن معامله می کند، معافیت مالیاتی موضوع بند ۱ ماده حاضر منتفی خواهد بود.

ماده ۳۳

مصونیت بایگانی و اسناد کنسولی از تعرض

بایگانی و اسناد کنسولی در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

ماده ۳۴

آزادی رفت و آمد

دولت پذیرنده، آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای پست کنسولی را در سرزمین خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین می نماید.

ماده ۳۵

آزادی ارتباطات

۱- دولت پذیرنده آزادی ارتباطات پست کنسولی را برای مقاصد رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. پست کنسولی به منظور برقراری ارتباط با حکومت و مأموریت‌های دیپلماتیک و دیگر پست‌های کنسولی دولت فرستنده در هر جا که باشند، می‌تواند از تمام وسایل ارتباطی لازم، من جمله از پیک‌های دیپلماتیک یا کنسولی و همچنین کیسه‌های دیپلماتیک یا کنسولی و پیام‌های «کد» یا رمز استفاده کند. لیکن پست کنسولی فقط با رضایت دولت پذیرنده می‌تواند اقدام به نصب و استفاده از دستگاه فرستنده رادیویی نماید.

۲- مکاتبات رسمی پست کنسولی مصون از تعرض خواهد بود. مکاتبات رسمی عبارت است از کلیه مکاتباتی که مربوط به پست کنسولی و وظایف آن می‌باشد.

۳- کیسه کنسولی نباید باز یا توقیف شود. مع هذا چنانچه مقامات ذیصلاحیت دولت پذیرنده دلایل کافی داشته باشند که کیسه کنسولی حاوی چیزی غیر از مکاتبات و اسناد یا اقلام مذکور در بند ۴ ماده حاضر است، می‌توانند تقاضا کنند که کیسه مزبور توسط نماینده مجاز دولت فرستنده در حضور آنها باز شود. چنانچه این تقاضا از طرف مقامات دولت فرستنده رد شود کیسه مزبور به مبدا آن عودت داده خواهد شد.

۴- بسته‌های جزء کیسه کنسولی باید دارای علامت خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده، فقط حاوی مکاتبات رسمی و اسناد یا اشیایی که منحصرأ مورد استعمال رسمی دارند، باشند.

۵- پیک کنسولی باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. بدون کسب رضایت دولت پذیرنده پیک کنسولی نباید از اتباع دولت اخیر بوده یا - به استثنای موردی که پیک مزبور از اتباع دولت فرستنده باشد - در قلمرو دولت پذیرنده اقامت دائمی داشته باشد.

پیک کنسولی در انجام وظایف خود مورد حمایت دولت پذیرنده خواهد

بود. شخص پیک مصون از تعرض می باشد و به هیچ نحو نمی توان او را توقیف یا زندانی نمود.

۶- دولت فرستنده و مأموریت‌های دیپلماتیک و همچنین پست‌های کنسولی آن می توانند پیک‌های کنسولی مخصوص تعیین نمایند. در این مورد نیز مقررات بند ۵ ماده حاضر و مصونیت‌های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور، کیسه کنسولی خود را به مقصد می رساند، جاری خواهد بود.

۷- کیسه کنسولی را می توان به فرمانده کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز توقف کند سپرد. فرمانده مزبور باید دارای مدارک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. لیکن وی پیک کنسولی تلقی نخواهد شد.

پست کنسولی می تواند متعاقب ترتیباتی که با مقامات ذیصلاحیت محلی می دهد، یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه کنسولی از شخص فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد.

ماده ۳۶

ارتباط و تماس با اتباع دولت فرستنده

۱- به منظور تسهیل انجام وظایف پست کنسولی در مورد اتباع دولت فرستنده:

الف- مأموران کنسولی آزاد خواهند بود که با اتباع دولت فرستنده ارتباط برقرار کنند و به آنها دسترسی داشته باشند. اتباع دولت فرستنده نیز در مورد برقراری ارتباط با مأموران کنسولی دولت متبوع خود و دسترسی داشتن به آنها از همان آزادی برخوردار خواهند بود.

ب- در صورتی که در حوزه کنسولی - یکی از اتباع دولت فرستنده توقیف یا زندانی و یا در انتظار محاکمه بازداشت و یا به هر صورت دیگر توقیف شده باشد، مقامات صلاحیتدار دولت پذیرنده بنا به تقاضای ذی نفع، بدون تأخیر، مراتب را به پست کنسولی دولت فرستنده اطلاع خواهند داد. مراسلات و مکاتبات شخص توقیف یا زندانی یا بازداشت شده خطاب به پست کنسولی بدون تأخیر توسط مقامات مذکور ارسال خواهد شد. مقامات مذکور حقوقی را که شخص ذی نفع به موجب این بند داراست - به اطلاع

خواهند رسانید.

ج - مأموران کنسولی حق خواهند داشت تبعه دولت فرستنده را که زندانی یا بازداشت یا توقیف شده است ملاقات ویا او مذاکره و مکاتبه نمایند و ترتیب نمایندگی قانونی او را بدهند. مأموران کنسولی همچنین حق خواهند داشت هر تبعه دولت فرستنده را که طبق رأی دادگاه در حوزه کنسولی آنها زندانی یا توقیف یا پس از محاکمه بازداشت شده است، ملاقات کنند؛ لیکن چنانچه تبعه دولت فرستنده که زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است، صریحاً نسبت به اقدام مأموران کنسولی مخالفت ورزد، مأموران کنسولی از این کار خودداری خواهند نمود.

۲- حقوق مذکور در بند ۱ این ماده در حدود قوانین و مقررات دولت پذیرنده اعمال خواهد شد. معهذا قوانین و مقررات مزبور باید هدفهایی را که حقوق مندرج در این ماده برای نیل به آن پیش بینی شده، میسر سازد.

ماده ۳۷

اطلاعات مربوط به فوت و قیمومت و سرپرستی و غرق

کشتی و سانحه هوایی

چنانچه مقامات صلاحیتدار دولت پذیرنده اطلاعات مربوط را در دست داشته باشند، موظفند:

الف - در صورت فوت یکی از اتباع دولت فرستنده، مراتب را بدون تأخیر به پست کنسولی که فوت در حوزه آن رخ داده، اطلاع دهند.

ب - در هر مورد که نصب قیم یا سرپرست به نفع تبعه صغیر یا محجور دولت فرستنده مقتضی باشد، باید موضوع را بدون تأخیر به پست کنسولی ذیصلاحیت اطلاع دهند. لیکن اجرای قوانین و مقررات دولت پذیرنده در مورد نصب این قیم یا سرپرست محفوظ خواهد ماند.

ج - چنانچه يك كشتی که دارای تابعیت دولت فرستنده است، در دریای سرزمینی دولت پذیرنده یا در آبهای داخلی آن غرق شود یا به گل بنشیند و همچنین اگر هواپیمایی که نزد دولت فرستنده به ثبت رسیده است در سرزمین دولت پذیرنده دچار سانحه‌ای گردد، باید موضوع را بدون تأخیر به نزدیکترین پست کنسولی محل واقعه اطلاع دهند.

ماده ۳۸

ارتباط با مقامات دولت پذیرنده
 مأموران کنسولی می توانند در انجام وظایف خود به مقامات زیر رجوع نمایند:

- الف- مقامات صلاحیتدار محل حوزه کنسولی خود.
 ب- مقامات مرکزی صلاحیتدار دولت پذیرنده اگر و تا حدودی که در قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده یا در موافقتنامه های بین المللی مربوط مجاز باشد.

ماده ۳۹

حقوق و عوارض کنسولی

۱- پست کنسولی می تواند حقوق و عوارضی را که به موجب قوانین و مقررات دولت فرستنده برای امور کنسولی پیش بینی گردیده در سرزمین دولت پذیرنده دریافت نماید.

۲- مبالغی که به صورت حقوق و عوارض کنسولی مذکور در بند ۱ ماده حاضر جمع آوری می شود همچنین رسیدهای مربوط به آن از شمول هر نوع عوارض و مالیات در دولت پذیرنده معاف خواهد بود.

قسمت دوم

تسهیلات - مزایا و مصونیت های مأموران کنسولی کاربری
 و دیگر اعضای پست کنسولی

ماده ۴۰

حمایت از مأموران کنسولی

دولت پذیرنده با مأموران کنسولی رفتار محترمانه ای که در شأن آنها است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت آنها به جا خواهد آورد.

ماده ۴۱

مصونیت شخصی مأموران کنسولی از تعرض

۱- مأموران کنسولی را نمی توان مگر در صورت ارتکاب جنایتی بزرگ (درجه يك) و متعاقب تصمیم مقام قضایی صلاحیتدار، توقیف، یا در

انتظار محاکمه بازداشت نمود.

۲- به استثنای مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر - مأموران کنسولی را نمی توان زندانی نمود یا آزادی شخصی آنها را به نحو دیگری محدود ساخت مگر در اجرای يك تصميم قضایی که جنبه قطعی داشته باشد.

۳- اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود. معذالك این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی است به عمل آید و جز در مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد.

هنگامی که در شرایط مذکور در بند ۱ این ماده بازداشت مأمور کنسولی ضروری باشد رسیدگی به دعوای اقامه شده علیه او باید هرچه زودتر شروع گردد.

ماده ۴۲

اعلام موارد توقیف و بازداشت و تعقیب

در صورت توقیف یا بازداشت یکی از کارکنان کنسولی یا تعقیب جزایی علیه او - دولت پذیرنده فوراً موضوع را به رئیس پست کنسولی مربوطه اطلاع خواهد داد. اگر شخص اخیر، خود موضوع این گونه اقدامات قرار گیرد، دولت پذیرنده مراتب را از مجرای دیپلماتیک به اطلاع دولت فرستنده خواهد رساند.

ماده ۴۳

مصونیت قضایی

۱- مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی در مورد اعمالی که در انجام وظایف کنسولی خود به عمل می آورند در برابر مقامات قضایی یا اداری دولت پذیرنده مصونیت قضایی خواهند داشت.

۲- با این وجود، مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل دعوای حقوقی زیر نمی شود:

الف - دعوای حقوقی ناشی از قراردادی که توسط يك مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی منعقد گردیده، لکن او قرار داد مزبور را تلویحاً یا تصریحاً به عنوان نماینده و کارگزار دولت فرستنده منعقد نساخته است.

ب - دعوای حقوقی شخص ثالث در مورد خسارت ناشی از تصادف وسیله نقلیه وکشتی یا هواپیما در قلمرو دولت پذیرنده .

ماده ۴۴

الزام به ادای شهادت

۱- اعضای پست کنسولی را می توان به عنوان شهود در محاکمات قضایی یا اداری احضار نمود. کارمندان کنسولی و خدمتگزاران نمی توانند مگر در موارد مذکور در بند ۳ این ماده از ادای شهادت خودداری کنند. چنانچه مأمور کنسولی از ادای شهادت خودداری کند هیچ نوع اقدام قهری یا مجازات در باره او به عمل نخواهد آمد.

۲- مقامی که از مأمور کنسولی تقاضای شهادت می نماید، باید از مداخله در انجام وظایف او احتراز نماید. مقام فوق می تواند در صورت امکان، شهادت را در محل اقامت مأمور یا در پست کنسولی استماع یا به صورت شهادت کتبی بپذیرد.

۳- اعضای يك پست کنسولی موظف نیستند در مورد اموری که با انجام وظایف آنها ارتباط پیدا می کند شهادت داده و مکاتبات و اسناد رسمی مربوط به آن را ارائه دهند و همچنین حق دارند از ادای شهادت به عنوان کارشناس حقوق داخلی دولت فرستنده امتناع ورزند.

ماده ۴۵

سلب مزایا و مصونیتها

۱- دولت فرستنده می تواند هر يك از مزایا و مصونیتهای مذکور در مواد ۴۱ و ۴۳ و ۴۴ را از يك عضو پست کنسولی سلب کند.

۲- سلب مزایا و مصونیتها در تمام موارد با رعایت مقررات بند ۳ ماده حاضر باید صریح بوده و کتباً به دولت پذیرنده ابلاغ گردد.

۳- چنانچه مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی در خصوص موضوعی اقامه دعوی نماید که طبق ماده ۴۳ می تواند در آن موضوع از مصونیت قضایی برخوردار باشد - در این صورت نمی تواند در مورد هرگونه دعوای متقابل که مستقیماً با دعوای اصلی مربوط می شود به مصونیت قضایی استناد نماید.

۴- سلب مصونیت قضایی به منظور دادرسی حقوقی یا اداری در حکم سلب مصونیت از اقدامات اجرایی ناشی از حکم دادگاه نخواهد بود. در مورد این گونه اقدامات اجرایی سلب مصونیت باید جداگانه صورت گیرد.

ماده ۴۶

معافیت از مقررات ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت

۱- مأموران و کارمندان کنسولی و اعضای خانواده آنها که اهل خانه آنها باشند، از کلیه تعهدات ناشی از قوانین و مقررات دولت پذیرنده در خصوص ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت معاف خواهند بود.

۲- با این وجود، مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل يك کارمند کنسولی که کارمند دایمی دولت فرستنده نبوده یا در سرزمین دولت پذیرنده به کار خصوصی انتفاعی اشتغال دارد و همچنین شامل اعضای خانواده او نخواهد بود.

ماده ۴۷

معافیت از پروانه کار

۱- اعضای پست کنسولی در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می دهند از هرگونه الزامات مربوط به پروانه کار که به موجب قوانین و مقررات دولت پذیرنده در باره استخدام کارکنان بیگانه وضع می گردد - معاف خواهند بود.

۲- خدمتکاران شخصی مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی نیز چنانچه در قلمرو دولت پذیرنده به هیچ گونه کار انتفاعی اشتغال نداشته باشند از الزامات مذکور در بند ۱ ماده حاضر معاف خواهند بود.

ماده ۴۸

معافیت از مقررات بیمه اجتماعی

۱- تحت مقررات بند ۳ ماده حاضر اعضای پست کنسولی در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می دهند و همچنین اعضای خانواده آنها که اهل خانه آنها باشند از مقررات بیمه اجتماعی که ممکن است در سرزمین دولت پذیرنده مجری باشد - معاف خواهند بود.

۲- معافیت مقرر در بند ۱ ماده حاضر شامل خدمتکاران شخصی که

منحصراً در استخدام اعضای پست کنسولی هستند نیز می گردد - مشروط به آن که :

الف - خدمتکاران مذکور تابعیت دولت پذیرنده را نداشته یا در سرزمین آن دولت مقیم دایم نباشند .

ب - مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت فرستنده یا يك دولت ثالث در مورد خدمتکاران مذکور اعمال گردد .

۳- اعضای پست کنسولی باید در مورد اشخاصی که در خدمت آنها هستند و مشمول معافیت مذکور در بند ۲ ماده حاضر نمی باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت پذیرنده را که به کار فرمایان تحمیل می شود، رعایت نمایند .

۴- معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر مانع از قبول ارادی استفاده از مقررات بیمه اجتماعی دولت پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این دولت باشد، نخواهد بود .

ماده ۴۹

معافیت مالیاتی

۱- مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و همچنین اعضای خانواده آنها که اهل خانه آنها هستند از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف خواهند بود :

الف - مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزو قیمت کالاها یا خدمات محسوب می شود .

ب - عوارض و مالیاتهای مربوط به اموال غیر منقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده با رعایت مقررات ماده ۳۲ .

ج - مالیات بر ارث و عوارض مربوط به انتقال که از طرف دولت پذیرنده دریافت می گردد با رعایت مقررات بند (ب) ماده ۵۱ .

د - عوارض و مالیاتهای مأخوذه از درآمدهای شخصی از جمله سود سرمایه حاصل در قلمرو دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کار افتاده در بنگاههای تجارتي یا مالی آن دولت .

ه - مالیات و عوارضی که در قبال انجام خدمات خاص وصول

می شود.

- و- هزینه‌های ثبت و دادرسی ورهن و تمبر با رعایت مقررات ماده ۳۲
- ۲- خدمه از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام وظیفه دریافت می دارند، معاف می باشند.
- ۳- اعضای پست کنسولی اگر اشخاصی را که دستمزد یا حقوق آنها در سرزمین دولت پذیرنده از مالیات بر درآمد معاف نیست، استخدام می نمایند، باید تکالیفی را که قوانین و مقررات دولت پذیرنده در مورد دریافت مالیات بر درآمد به عهده کارفرمایان گذارده است، رعایت کنند.

ماده ۵۰

معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی گمرکی

- ۱- دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید، ورود اشیای زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی - جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه - اجازه خواهد داد:

- الف - اشیای مورد استفاده رسمی پست کنسولی
- ب - اشیای مورد استفاده شخصی مأمور کنسولی و یا اعضای خانواده او که اهل خانه او هستند، از جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارد. اشیای مصرفی نباید از مقداری که برای استفاده مستقیم اشخاص ذی نفع لازم است، تجاوز کند.
- ۲- کارمندان کنسولی از مزایا و معافیت‌های مذکور در بند ۱ ماده حاضر در مورد اشیایی که هنگام استقرار اولیه خود وارد می کنند، برخوردارند.
- ۳- اثاثیه شخصی همراه مأموران کنسولی و اعضای خانواده آنها که اهل خانه آنها هستند از بازرسی گمرکی معاف خواهد بود مگر این که دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در قسمت (ب) بند ۱ ماده حاضر نیست در دست بوده و یا ورود یا صدور آن اشیا به موجب قوانین و مقررات دولت پذیرنده ممنوع یا مشمول قوانین یا مقررات قرنطینه باشد. این بازرسی در حضور مأمور کنسولی یا عضو ذی نفع خانواده او به عمل خواهد آمد.

ماده ۵۱

ماترك عضو پست كنسولی یا عضو خانواده او
در صورت فوت عضو پست كنسولی یا عضوی از خانواده او كه اهل خانه
او باشد، دولت پذیرنده ملزم است :
الف - خروج اموال منقول متوفی را به استثنای اموال منقولی كه در قلمرو
دولت پذیرنده تحصیل شده و در زمان فوت او ممنوع الصدور بوده است،
اجازه دهد.

ب - از اموال منقولی كه وجود آن در قلمرو دولت پذیرنده صرفاً به سبب
حضور متوفی در آن جا به عنوان عضو پست كنسولی یا عضو خانواده يك
عضو پست كنسولی بوده، حقوق و عوارض مملكتی یا منطقه‌ای یا شهری
مربوط به ارث و انتقال، اخذ ننماید.

ماده ۵۲

معافیت از خدمات و كمكهای شخصی
دولت پذیرنده، اعضای پست كنسولی و اعضای خانواده آنها را كه اهل
خانه آنها هستند، از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر
صورت و شكل و الزامات نظامی از قبل مصادره و بیگاری و اسكان افراد
نظامی معاف خواهد داشت.

ماده ۵۳

آغاز و پایان مزایا و مصونیت‌های كنسولی
۱- هر عضو پست كنسولی به مجرد ورود به سرزمین دولت پذیرنده جهت
تصدی مأموریت خود، یا اگر قبلاً در سرزمین آن دولت باشد، از لحظه‌ای
كه در پست كنسولی مربوطه شروع به انجام وظیفه می كند، از مزایا
و مصونیت‌های مذکور در این كنوانسیون بهره‌مند خواهد شد.
۲- اعضای خانواده يك عضو پست كنسولی كه اهل خانه او هستند
و همچنین خدمتكاران شخصی او از تاریخی كه عضو پست كنسولی نامبرده
بر طبق مقررات بند يك ماده حاضر از مزایا و مصونیت‌ها برخوردار شده یا از
تاریخ ورود آنها به سرزمین دولت پذیرنده یا از تاریخی كه آنها جزو اعضای
خانواده یا جزو خدمتكاران شخصی عضو پست كنسولی مزبور در آمده‌اند

(هر تاریخی که موخر باشد) از مزایا و مصونیت‌های مذکور در این کنوانسیون بهره‌مند خواهند شد.

۳- وقتی که مأموریت عضو پست کنسولی پایان می‌یابد مزایا و مصونیت‌های او و اعضای خانواده او که اهل خانه او هستند و همچنین خدمتکاران شخصی او از لحظه‌ای که شخص یاد شده، سرزمین دولت پذیرنده را ترك می‌کند یا پس از انقضای مهلت مناسبی که بدین منظور به او داده شده است (هر تاریخی که مقدم باشد)، طبیعتاً قطع خواهد شد. لیکن این مزایا و مصونیت‌ها حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه تا این مواعد ادامه خواهد داشت.

مزایا و مصونیت‌های اشخاص مذکور در بند ۲ ماده حاضر از تاریخی که آنها دیگر اهل خانه عضو پست کنسولی نباشند، یا از خدمت او برکنار شوند، قطع می‌گردد. با این وجود بدیهی است که اگر این اشخاص قصد داشته باشند سرزمین دولت پذیرنده را ظرف مهلت مناسبی پس از تاریخ مزبور ترك کنند، مزایا و مصونیت‌های ایشان تا زمان عزیمت ادامه خواهد یافت.

۴- به هر حال، مصونیت قضایی نسبت به اعمالی که مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی در اجرای وظایف خود انجام داده، بدون محدودیت زمانی همچنان ادامه خواهد یافت.

۵- در صورت فوت يك عضو پست کنسولی، اعضای خانواده او که اهل خانه او هستند، همچنان از مزایا و مصونیت‌های اعطا شده به آنها تا وقتی که سرزمین دولت پذیرنده را ترك کنند، یا تا انقضای مهلت مناسبی که بدین منظور به آنها داده شده است (هر تاریخی که مقدم باشد)، بهره‌مند خواهند بود.

ماده ۵۴

تکالیف دولتهای ثالث

۱- اگر مأمور کنسولی بقصد تصدی پست یا مراجعت به محل مأموریت خود یا برای مراجعت به قلمرو دولت فرستنده از سرزمین دولت ثالثی که در صورت لزوم برای او روادید صادر نموده، عبور می‌کند یا در آنجا حضور دارد، دولت ثالث کلیه مصونیت‌های مذکور در سایر مواد این کنوانسیون را که

برای تأمین عبور یا بازگشت مأمور کنسولی لازم باشد به او اعطا خواهد نمود.

همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور کنسولی که اهل خانه او هستند واز مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور کنسولی می باشند یا برای پیوستن به او یا مراجعت به سرزمین دولت فرستنده جداگانه مسافرت می کنند، اعمال خواهد شد.

۲- دولتهای ثالث نباید در شرایط مشابه آنچه در بند اول ماده حاضر مقرر است، عبور سایر اعضای پست کنسولی یا اعضای خانواده آنها را که اهل خانه آنها هستند، از سرزمین خود دچار اشکال سازند.

۳- دولتهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر ارتباطات رسمی از جمله پیامهای «کد» و رمز که از خاک آنها می گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطا خواهند کرد که دولت پذیرنده طبق این کنوانسیون ملزم به رعایت آن است و نسبت به پیکهای کنسولی که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده‌اند و نسبت به کیسه‌های کنسولی عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده طبق این کنوانسیون ملزم به رعایت آن است، اعطا خواهند کرد.

۴- تکالیف دولتها ثالث طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده حاضر همچنین نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و ارتباطات رسمی و کیسه‌های کنسولی نیز که به علت «فورس ماژور» در سرزمین دولت ثالث می باشند، مجری خواهد بود.

ماده ۵۵

احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده

۱- کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند، بدون آن که به مزایا و مصونیتهای آنان لطمه‌ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمرده واز مداخله در امور داخلی آن دولت خودداری کنند.

۲- اماکن کنسولی طوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت که با انجام وظایف کنسولی مغایر نباشد.

۳- مقررات بند ۲ ماده حاضر مانع از آن نخواهد بود که دفاتر سازمانها یا آرانسهای دیگر در قسمتی از بناهایی که اماکن کنسولی در آن قرار دارد، مستقر گردد؛ مشروط به آن که اماکنی که به این امور اختصاص داده می شود، از اماکن مورد استفاده پست کنسولی مجزا باشد. در این صورت از لحاظ این کنوانسیون، به عنوان قسمتی از اماکن کنسولی تلقی نخواهد شد.

ماده ۵۶

بیمه خسارات وارده به شخص ثالث
اعضای پست کنسولی باید خود را با الزامات قوانین ومقررات دولت پذیرنده در مورد بیمه خسارات وارده به شخص ثالث ناشی از استفاده از وسیله نقلیه زمینی وکشتی یا هواپیما منطبق سازند.

ماده ۵۷

مقررات خاص در باره اشتغال به امور خصوصی انتفاعی
۱- مأموران کنسولی کاربری نباید در سرزمین دولت پذیرنده مبادرت به فعالیت حرفه ای یا تجارتي به قصد انتفاع شخصی بنمایند.
۲- مزایا ومصونیت های مذکور در این فصل به اشخاص زیر اعطا نخواهد شد:

- الف - کارمندان کنسولی یا خدمه کنسولگری که در قلمرو دولت پذیرنده به مشاغل خصوصی انتفاعی اشتغال دارند.
- ب - اعضای خانواده هر يك از اشخاص مذکور در قسمت الف این بند یا خدمتکاران شخصی آنها.
- ج - اعضای خانواده عضو پست کنسولی که خود آنها در قلمرو دولت پذیرنده به مشاغل انتفاعی اشتغال دارند.

فصل سوم

رژیم مربوط به مأموران کنسولی افتخاری و پستهای کنسولی
که تحت ریاست این قبیل مأموران است

ماده ۵۸

مقررات عمومی مربوط به تسهیلات و مزایا و مصونیتها

۱- مواد ۲۸-۲۹-۳۰-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹ و بند ۳ ماده ۵۴ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۵۵ در مورد پستهای کنسولی که ریاست آنها با مأموران کنسولی افتخاری است، مجری خواهد بود.

به علاوه تسهیلات و مزایا و مصونیتهای این قبل پستهای کنسولی بر طبق مواد ۵۹-۶۰-۶۱-۶۲ خواهد بود.

۲- مواد ۴۲ و ۴۳ و بند ۳ ماده ۴۴ و مواد ۴۵ و ۵۳ و بند ۱ ماده ۵۵ در مورد مأموران کنسولی افتخاری مجری می باشد. تسهیلات و مزایا و مصونیتهای این قبل مأموران کنسولی بر طبق مواد ۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷ خواهد بود.

۳- مزایا و مصونیتهای مذکور در کنوانسیون حاضر به اعضای خانواده مأمور کنسولی افتخاری و یا به اعضای خانواده کارمند کنسولی شاغل در يك پست کنسولی که در رأس آن مأمور کنسولی افتخاری قرار دارد، تعلق نخواهد گرفت.

۴- مبادله کیسه های کنسولی بین دو پست کنسولی واقع در سرزمینهای دو دولت مختلف که ریاست آنها با مأموران کنسولی افتخاری است بدون رضایت دو دولت پذیرنده مجاز نخواهد بود.

ماده ۵۹

حمایت از اماکن کنسولی

دولت پذیرنده اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد که اماکن پست کنسولی تحت ریاست مأمور کنسولی افتخاری حمایت گردیده و مورد تجاوز یا خسارت قرار نگیرد و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد.

ماده ۶۰

معافیت اماکن کنسولی از مالیات

۱- اماکن پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری و در مالکیت یا اجاره دولت فرستنده است، از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آن که دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازای انجام خدمات خاص باشد.

۲- در صورتی که طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده معامله می کند، معافیت مالیاتی موضوع بند ۱ ماده حاضر منتفی خواهد بود.

ماده ۶۱

مصونیت بایگانی و اسناد کنسولی از تعرض

بایگانی و اسناد پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری است در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود مشروط به آن که از اوراق و اسناد دیگر و مخصوصاً از مکاتبات خصوصی رئیس پست کنسولی و هر شخص دیگری که با او کار می کند و همچنین از اموال و کتب و اسناد مربوط به حرفه یا کسب و کار آنها مجزا باشد.

ماده ۶۲

معافیت از حقوق و عوارض گمرکی

دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید، ورود اشیای زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد، مشروط به آن که این اشیای برای استفاده رسمی پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری است، باشد:

علایم و نشان رسمی - پرچم - لوحه سردر ورودی - مهر - کتاب - انتشارات رسمی - اثاثه و لوازم اداره و اشیای مشابه دیگر که توسط یا بنا به سفارش دولت فرستنده در اختیار پست کنسولی مزبور قرار گرفته باشد.

ماده ۶۳

تعقیب جزایی

اگر مأمور کنسولی افتخاری تحت تعقیب جزایی قرار گیرد، باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود. به هر حال، این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی افتخاری است، به عمل آید و در صورتی که ذی نفع، بازداشت یا زندانی باشد نیز این تعقیب به نحوی صورت گیرد که تا حد امکان، کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامی که بازداشت مأمور کنسولی افتخاری ضروری باشد، رسیدگی به دعوای اقامه شده علیه او باید هرچه زودتر شروع گردد.

ماده ۶۴

حمایت از مأموران کنسولی افتخاری

دولت پذیرنده وظیفه دارد از مأمور کنسولی افتخاری به نحوی که با مقام رسمی او ملازمت دارد، حمایت نماید.

ماده ۶۵

معافیت از مقررات مربوط به ثبت نام بیگانگان و اجازه اقامت مأموران کنسولی افتخاری به استثنای آنهایی که به منظور انتفاع شخصی در قلمرو دولت پذیرنده به فعالیت حرفه‌ای یا تجارتی اشتغال دارند، از کلیه الزامات مربوط به ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت مقرر در قوانین و مقررات دولت پذیرنده معاف خواهند بود.

ماده ۶۶

معافیت مالیاتی

مأمور کنسولی افتخاری نسبت به حقوق فوق العاده‌هایی که در قبال انجام وظایف کنسولی خود از دولت فرستنده دریافت می‌دارد، از کلیه عوارض و مالیاتها معاف خواهد بود.

ماده ۶۷

معافیت از خدمات و کمکهای شخصی

دولت پذیرنده، مأموران کنسولی افتخاری را از انجام کلیه خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

ماده ۶۸

اختیاری بودن تعیین مأموران کنسولی افتخاری
هر دولت در اتخاذ تصمیم نسبت به انتصاب یا پذیرش مأموران
کنسولی افتخاری مختار و آزاد است.

فصل چهارم

مقررات عمومی

ماده ۶۹

نمایندگان کنسولی که رییس پست کنسولی نیستند
۱- هر دولت در اتخاذ تصمیم نسبت به تأسیس یا پذیرش نمایندگیهای
کنسولی، زیر نظر نمایندگان کنسولی که از طرف دولت فرستنده به عنوان
رییس پست کنسولی تعیین نگردیده‌اند، آزاد است.
۲- شرایطی که تحت آن، نمایندگیهای کنسولی مذکور در بند ۱ ماده
حاضر می‌توانند به فعالیتهای خود ادامه دهند و همچنین مزایا و مصونیت‌های
نمایندگان کنسولی که تصدی این نمایندگیها را دارند، از طریق توافق بین
دولت فرستنده و دولت پذیرنده تعیین خواهد شد.

ماده ۷۰

انجام وظایف کنسولی توسط مأموریت‌های دیپلماتیک

۱- مقررات کنوانسیون حاضر - تا حدودی که مفاد آن مجاز می‌دارد - در
امور انجام وظایف کنسولی توسط مأموریت‌های دیپلماتیک نیز مجری خواهد
بود.

۲- اسامی اعضای مأموریت دیپلماتیک که در قسمت کنسولی به کار
اشتغال دارند یا به نحو دیگری مأمور انجام وظایف کنسولی مأموریت
دیپلماتیک می‌شوند، به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که از
طرف آن وزارت تعیین می‌گردد، اطلاع داده خواهد شد.

۳- مأموریت دیپلماتیک در انجام وظایف کنسولی خود می‌تواند به
مقامات زیر رجوع نماید:

الف - مقامات محلی حوزه کنسولی

ب - مقامات مرکزی دولت پذیرنده، مشروط به آن که این عمل طبق

قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده یا طبق موافقتنامه‌های بین المللی مربوط، مجاز باشد.

۴- مزایا و مصونیت‌های اعضای مأموریت دیپلماتیک مذکور در بند ۲ ماده حاضر کماکان طبق مقررات حقوق بین الملل در باره روابط دیپلماتیک تعیین خواهد شد.

ماده ۷۱

اتباع دولت پذیرنده یا کسانی که در سرزمین آن دولت اقامت دایم دارند
۱- مأموران کنسولی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دایم هستند، فقط نسبت به اعمال رسمی که در اجرای وظایف خود انجام می دهند از مصونیت قضایی و مصونیت شخصی و از مزایای مذکور در بند ۳ ماده ۴۴ بهره‌مند خواهند گردید، مگر آن که دولت پذیرنده تسهیلات و مزایا و مصونیت‌های بیشتری به آنها اعطا نماید. دولت پذیرنده در خصوص این مأموران کنسولی ملزم به رعایت الزامات مذکور در ماده ۴۲ نیز می باشد. در صورتی که چنین مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد دادرسی به نحوی انجام خواهد شد که حتی الامکان کمتر مانع انجام وظایف کنسولی گردد، مگر این که مأمور کنسولی بازداشت یا زندانی باشد.

۲- سایر اعضای پست کنسولی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دایم هستند و اعضای خانواده آنها و همچنین اعضای خانواده مأموران کنسولی مذکور در بند ۱ ماده حاضر، از تسهیلات، مزایا و مصونیت‌ها فقط تا حدودی که دولت پذیرنده به آنها اعطا می نماید، برخوردار خواهند شد.

آن دسته از افراد خانواده یک عضو پست کنسولی و خدمتکاران شخصی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دایم هستند، از تسهیلات و مزایا و مصونیت‌ها فقط تا حدودی که دولت پذیرنده به آنها اعطا می نماید، برخوردار خواهند شد.

با این وجود، دولت پذیرنده باید صلاحیت قضایی خود را در مورد این اشخاص به نحوی اعمال نماید که زیاده از حد مانع انجام وظایف پست کنسولی نگردد.

ماده ۷۲

عدم تبعیض

- ۱- دولت پذیرنده در اجرای مقررات کنوانسیون حاضر بین دولتها تبعیضی روا نخواهد داشت.
- ۲- در هر حال، موارد ذیل تبعیض تلقی نخواهد شد:
 - الف - این که دولت پذیرنده یکی از مقررات کنوانسیون حاضر را به علت آن که در خاک دولت فرستنده نسبت به پستهای کنسولی او در این مورد محدودیت قایل شده‌اند، به طور محدود اجرا کند.
 - ب - این که دولتهایی بنابر عرف و عادت و یا از طریق معاهده، مزایایی مناسبتر از آنچه در کنوانسیون حاضر قید گردیده است، متقابلاً به یکدیگر اعطا نمایند.

ماده ۷۳

رابطه بین کنوانسیون حاضر و سایر موافقتنامه‌های بین المللی

- ۱- مقررات کنوانسیون حاضر لطمه‌ای به سایر موافقتنامه‌های بین المللی لازم الاجرا بین دولتهای طرف آن موافقتنامه‌ها وارد نخواهد ساخت.
- ۲- هیچ يك از مقررات کنوانسیون حاضر مانع از آن نخواهد بود که دولتها موافقتنامه‌های بین المللی در تایید یا تکمیل یا توسعه یا بسط قلمرو اجرایی مقررات آن منعقد سازند.

فصل پنجم

مقررات نهایی

ماده ۷۴

امضا -

کنوانسیون حاضر برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا يك سازمان تخصصی و نیز هر دولتی که طرف اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری است، و هر دولت دیگری که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت الحاق به کنوانسیون حاضر دعوت شود، به قرار ذیل مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۳ در وزارت امور خارجه دولت جمهوری فدرال اتریش
واز آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۷۵

تصویب

این کنوانسیون به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیر کل
سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۷۶

الحاق

کنوانسیون حاضر برای الحاق هر دولتی که جزء یکی از چهار طبقه
مذکور در ماده ۷۴ باشد، مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل
سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۷۷

لازم الاجرا شدن

۱- کنوانسیون حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند
تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد، لازم الاجرا خواهد شد.
۲- کنوانسیون حاضر در مورد هر يك از دولتهایی که پس از تسلیم بیست
و دومین سند تصویب یا الحاق آن را تصویب می نمایند یا به آن ملحق
می شوند، سی روز پس از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق آن دولت،
لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۷۸

اعلامیه‌های دبیر کل سازمان ملل متحد

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به تمام دولتهایی که جزویکی از
چهار طبقه مذکور در ماده ۷۴ باشند، اطلاع خواهد داد.

الف - امضای کنوانسیون حاضر از طرف دولتها و تسلیم اسناد تصویب یا
الحاق طبق مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶.

ب - تاریخی که کنوانسیون حاضر به موجب ماده ۷۷ لازم الاجرا خواهد
گردید.

ماده ۷۹

متون معتبر

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر که متون چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن یکسان معتبر است، به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد. دبیر کل، رونوشت‌های گواهی شده و مطابق با اصل آن را به تمام دولت مشمول یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۷۴ - ارسال خواهد داشت.

بنا به مراتب - نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولت متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند - کنوانسیون حاضر را امضا نمودند.

وین - به تاریخ بیست و چهارم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و سه.

پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات

دول طرف این پروتکل و کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد، منعقد در وین از ۴ مارس تا ۲۲ آوریل ۱۹۶۳ که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد، با اظهار تمایل به توسل به قضاوت اجباری دیوان دادگستری بین المللی تا آنجا که به آنها مربوط است، برای حل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «کنوانسیون» - مگر آن که در مهلت معقول راه حل دیگری مورد توافق مشترك قرار گرفته باشد - نسبت به مقررات زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای «کنوانسیون» در صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری می باشد. هر دولت طرف اختلاف و امضا کننده این پروتکل می تواند به وسیله دادخواست، اختلافات را در دیوان طرح نماید.

ماده ۲

دو طرف می توانند ظرف مدت دو ماه بعد از اعلام وجود اختلاف به یکدیگر با توافق مشترك به جای دیوان دادگستری بین المللی، موضوع را به يك محكمه داورى ارجاع نمایند. در خاتمه این مهلت هريك از دو طرف می توانند اختلافات را ضمن دادخواستی در دیوان طرح کنند.

ماده ۳

۱- دو طرف همچنین می توانند در عرض همان دو ماه مهلت، مشتركاً توافق کنند که قبل از رجوع به دیوان دادگستری بین المللی متوسل به سازش گردند.

۲- کمیسیون سازش تا پنج ماه پس از تاریخ تشکیل باید توصیه های خود را تسلیم نماید. اگر توصیه های مزبور در عرض دو ماه از تاریخ اعلام مورد قبول طرفهای اختلاف قرار نگیرد، هر يك از دو طرف می توانند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان طرح نمایند.

ماده ۴

دولتهای طرف تعهد «کنوانسیون» و پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت و پروتکل حاضر می توانند اعلام دارند که مقررات این پروتکل شامل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت نیز خواهد شد. اعلامیه های مربوط به این موضوع به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسید.

ماده ۵

پروتکل حاضر برای امضای کلیه دولتهای طرف کنوانسیون به طریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۳ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۶

پروتکل حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۷

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دولتهایی که به کنوانسیون پیوندند،

مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۸

۱- پروتکل حاضر از روزی که «کنوانسیون» لازم الاجرا می شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل، به دبیر کل سازمان ملل متحد - هر کدام موخر باشد - لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای دولتی که این پروتکل را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱- این ماده تصویب نماید یا بدان محقق گردد پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا می شود.

ماده ۹

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به «کنوانسیون» بپیوندند، خواهد رسانید:

الف - امضای پروتکل حاضر از طرف دول و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق بر طبق مواد ۵ و ۶ و ۷.

ب - اعلامیه‌هایی که طبق ماده ۴ پروتکل حاضر صادر می گردد.

ج - تاریخی که پروتکل حاضر طبق ماده هشتم لازم الاجرا می شود.

ماده ۱۰

نسخه اصلی پروتکل حاضر که متنهای انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن یکسان معتبر می باشد، به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل، رونوشتهای مطابق با اصل و گواهی شده‌ای برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۵ خواهد فرستاد.

بنا به مراتب نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند، پروتکل حاضر را امضا نمودند.

وین - بیست و چهارم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و سه.

پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت

دول طرف این پروتکل و کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی مصوب

کنفرانس ملل متحد منعقد در وین از ۴ مارس تا ۲۲ آوریل ۱۹۶۳ که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد، با اظهار تمایل نسبت به برقراری اصول مربوط به تحصیل تابعیت از طرف اعضای پستهای خود و بستگان آنها که اهل خانه او هستند، در باره مقررات زیر توافق نمودند:

ماده ۱

از لحاظ پروتکل حاضر اصطلاح «اعضای پست کنسولی» همان مفهوم جزء از بند ۱ ماده اول «کنوانسیون» را دارد، یعنی شامل «مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری» خواهد بود.

ماده ۲

اعضای پست کنسولی که تابعیت دولت پذیرنده را ندارند و بستگان آنها که اهل خانه آنها می باشند، تابعیت دولت پذیرنده را صرفاً به سبب مقررات قانونی آن دولت به دست نخواهند آورد.

ماده ۳

پروتکل حاضر برای امضای کلیه دولتهایی که به «کنوانسیون» می پیوندند، به طریق زیر مفتوح خواهد بود:
تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۳ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

ماده ۴

پروتکل حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۵

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دولتهایی که به «کنوانسیون» می پیوندند، مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۶

۱- پروتکل حاضر از روزی که «کنوانسیون» لازم الاجرا می شود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل، به دبیر کل سازمان ملل متحد - هر کدام موخر باشد - لازم الاجرا خواهد بود.

۲- برای دولتی که پروتکل حاضر را بعد از لازم الاجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد، پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم الاجرا می شود.

ماده ۷

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهایی که ممکن است به «کنوانسیون» بپیوندند، خواهد رسانید:

الف - امضای پروتکل حاضر از طرف دول و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۳ و ۴ و ۵.

ب - تاریخی که پروتکل حاضر طبق ماده ششم لازم الاجرا می شود.

ماده ۸

نسخه اصلی پروتکل حاضر که متن های انگلیسی، چینی، اسپانیایی، فرانسه و روسی آن یکسان معتبر می باشد، به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل، رونوشت های مطابق با اصل و گواهی شده ای برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۳ ارسال خواهد داشت.

به مراتب نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می باشند، این پروتکل را امضا نمودند.

وین - بیست و چهارم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و سه.

کتابشناسی منابع فارسی

آشوری، داریوش / دانشنامه سیاسی / تهران / سهروردی-مروارید / ۱۳۶۶
بیرو، آلن / فرهنگ علوم اجتماعی / دکتر باقر ساروخانی / تهران / کیهان /
۱۳۶۶

دبیری، محمدرضا / اصول روابط بین المللی / تهران / دانشکده روابط
بین الملل / ۱۳۶۳

رونون، پیر-دوروزل، ژان باتیست / مبانی و مقدمات تاریخ روابط
بین الملل / احمد میرفندرسکی / تهران / مرکز مطالعات عالی
بین المللی / ۱۳۵۴

سیف زاده، سید حسین / نظریه های مختلف در روابط بین الملل / تهران /
سفیر / ۱۳۶۸

صدر، جواد / حقوق دیپلماتیک و کنسولی / تهران / مرکز مطالعات عالی
بین المللی / ۱۳۵۵

علی بابایی، غلامرضا-آقای، بهمن / فرهنگ علوم سیاسی : واژه های
سیاسی / تهران / ویس / ۱۳۶۵ / ۲ ج

علی بابایی، غلامرضا-آقای، بهمن / فرهنگ علوم سیاسی : ترمینولوژی
انقلاب، جنگ و کودتا / تهران / نشر ویس / ۱۳۶۶ / ۲ ج

علی بابایی ، غلامرضا/ فرهنگ علوم سیاسی : احزاب سیاسی جهان / تهران / نشر ویس / ۱۳۶۸

علی بابایی ، غلامرضا/ فرهنگ علوم سیاسی : سازمان های بین المللی جهان / تهران / نشر ویس / ۱۳۶۸

علی بابایی ، غلامرضا/ فرهنگ علوم سیاسی : شخصیت های سیاسی ایران و جهان / تهران / نشر ویس / ۱۳۶۸

متین دفتری ، احمد/ سیر روابط حقوق بین الملل / تهران / مروارید / ۱۳۴۴
میلانی ، عباس / تئوریهای روابط بین الملل / تهران / دانشگاه ملی ایران / [بی تا]

نشریه روابط بین الملل / تهران / مرکز مطالعات عالی بین المللی / ۱۳۵۲
نقیب زاده ، احمد / نگاهی به تاریخ روابط بین الملل (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵) / تهران / دانشگاه تهران / ۱۳۶۸

کتابشناسی منابع انگلیسی

- 1) Plano, Jack C. ; Olton, Roy/ **The International Relations Dictionary**/ Michigan/ Western Michigan University/ 1969
- 2) Plano. Jack C. ; Greenberg, Milton/ **The American Political Dictionary**/ Hinsdale/ Dryden/ 1972
- 3) Scruton, Roger/ **A Dictionary of Political Thought**/ London/ Pan Books/ 1982
- 4) **The New American Desk Encyclopoedia** / N.Y./ Concord Reference Books/ 1984

نشر سفیر

منتشر کرده است:

- ۱- گورباچف ژورس. آ. مدودف ترجمه: بهنام بلوریان
چاپ اول بهار ۱۳۶۸ - چاپ دوم پاییز ۱۳۶۸ - چاپ سوم زمستان ۱۳۶۸
 - ۲- گسترش جنگ به اروپا میروس لاوینسکی ترجمه: دکتر قاسم کبیری
 - ۳- فرهنگ سیاسی لبنان ه. علیزاده ترجمه: معماری، گل سرخی
 - ۴- استراتژی اسرائیل غازی اسماعیل ربایعه ترجمه: محمدرضا فاطمی
 - ۵- جنگ برای لبنان ایتمار رابینوویچ ترجمه: صفائی، رجبی یزدی
 - ۶- جنگ ایران و عراق عبدالمجید تراب زمزمی ترجمه: مژگان نژند
 - ۷- سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه ز. برژینسکی ترجمه: حمید احمدی
 - ۸- ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم محمدرضا البرزی
 - ۹- نظریه های مختلف در روابط بین الملل دکتر مهد حسین سیف زاده
 - ۱۰- نوسازی و دگرگونی سیاسی دکتر مهد حسین سیف زاده
 - ۱۱- فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل غلامرضا علی بابائی
- منتشر می کند:
- ۱- منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس جمعی از نویسندگان ترجمه: مجید قهرمانی
 - ۲- اندیشه و سیاست در خاورمیانه
 - (۱۹۸۹-۱۹۴۵)
 - ۳- مقالاتی پیرامون روابط بین الملل و توسعه حاتم قادری
 - ۴- منازعه اسلامی در سوریه دکتر عمر عبدالله
 - ۵- ناسیونالیسم در قرن بیستم گلن بارکلی
 - ۶- فرهنگ علوم اجتماعی احمد زکی بدوی
 - ۷- بازی جنگ توماس. بی. آلن ترجمه: علی شادروح
 - ۸- مجموعه مقالاتی پیرامون جهان سوم گروه مؤلفین تهیه و تنظیم: حاتم قادری
 - ۹- چالشهای سیاست خارجی امریکا جان لاول ترجمه: حسن نورائی بیدخت

G.R.ALIBABAIE

**THE
INTERNATIONAL
RELATIONS
DICTIONARY**

TEHRAN

1990

All Rights Reserved

THE INTERNATIONAL RELATIONS DICTIONARY

تحولات مهم اجتماعی ایران پس از
پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً مسائل
ناشی از جنگ تحمیلی، موجبات آشنایی کم
و بیش بسیاری از طبقات جامعه را با
اصطلاحات و مفاهیم مختلف و متنوع علوم
سیاسی و روابط بین الملل فراهم آورده است.
نشر سفیر با توجه به کمبود موجود در زمینه
کتاب مرجع، منابع و مآخذ اصلی، با ارائه
کتاب فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل
تلاش دارد، علاقه‌مندان و دانشجویان این
رشته را با مهمترین و اساسی‌ترین
اصطلاحات مربوط به روابط بین الملل آشنا
نموده و گامی هرچند مقدماتی در جهت رفع
نقصه موجود بردارد.

